



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

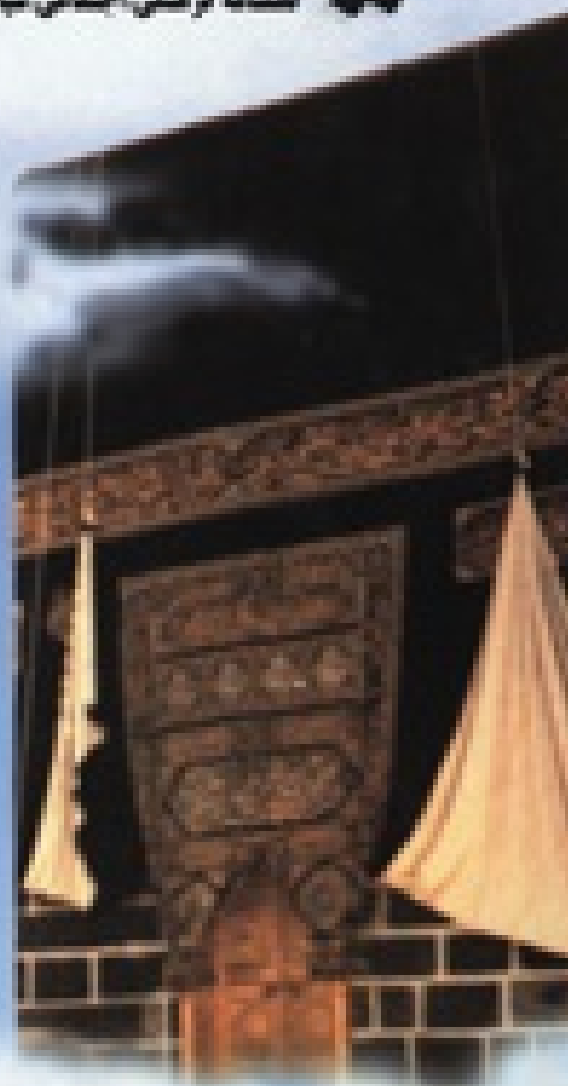
۴۱

پاییز ۱۳۸۱

# مقام

انتشاده از هفتاد و پنج نفر از نویسندگان ایرانی

- حج در آثار محیی الدین عربی
- فلسفه و آداب باطنی حج
- مأموریت‌های مشکوٰت
- پژوهشی میدانی در باره وضعیت مساجد مکه مکرمه
- پژوهشی در باره کعبه و انتهای هنری - تاریخی آن
- مسجد الإجاب با مسجد مبارکه
- عربی نزهنگاه امانان (علیهم السلام) و طبره علی ابن جعفر (ع)
- سیاهه کتب خطی مربوط به مکه و مدینه در آستان قدس رضوی
- درگاه رحمت
- مشکلات حاجیان از زبان سفرنامه نویسان
- سیاست‌گذاری حج در کویت
- حج در آیین مسیحیت
- هزینه حج در کشور های اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	میقات حج-جلد ۴۱
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	اسرار و معارف حج
۱۲	حج در آثار محیی الدین عربی
۳۵	فلسفه و آداب باطنی حج
۴۳	تاریخ و رجال
۴۴	حج در آیین مسیحیت
۵۴	مأموریت‌های مشکوک در سرزمین‌های مقدس
۸۲	اماکن و آثار
۸۳	پژوهشی میدانی درباره وضعیت مساجد مکه مکرمه
۱۰۸	پژوهشی درباره کعبه و اشیای هنری- تاریخی آن
۱۱۹	مسجدالاجابه یا مسجد مباحله
۱۳۸	عُرُوض نزهتگاه امامان علیهم السلام و مقبره علی بن جعفر علیه السلام
۱۵۲	حج در آئینه ادب فارسی
۱۵۳	درگاه رحمت
۱۵۸	نقد و معرفی کتاب
۱۵۹	سیاهه کتب خطی و میکرو فیلم‌های مربوط به مکه و مدینه
۱۶۶	خاطرات
۱۶۷	مشکلات حاجیان
۱۸۶	از نگاهی دیگر
۱۸۷	استطاعت در کشورها

سیاست‌گذاری حج در کشور کویت ----- ۱۹۳

کینه صهیونیست‌ها از اسلام و مسلمانان! ----- ۲۰۵

درباره مرکز ----- ۲۰۷

## میقات حج-جلد ۴۱

## مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹  
 عنوان و نام پدیدآور : میقات حج / نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی  
 مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.  
 مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴  
 شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۵۴۵۰۰-۵۴۵۰۰  
 یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).  
 یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.  
 عنوان روی جلد : خاطرات حج.  
 عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).  
 عنوان دیگر : خاطرات حج  
 موضوع : حج -- خاطرات  
 موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات  
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س۹م۱۵ ۱۳۸۰  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷  
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۵۲۴  
 ص: ۱

## اشاره











## اسرار و معارف حج

## حج در آثار محیی‌الدین عربی

ص: ۶

(قسمت اول)

قادر فاضلی

درآمد:

آنچه در این نوشته با عنوان «حج در آثار محیی‌الدین عربی» آمده، گزیده‌ای است از نظریات او؛ زیرا بیان همه آنچه که وی در مورد «اسرار حج»، تنها در باب ۷۲ و ۷۳ کتاب فتوحات مکیه آورده، به صدها صفحه می‌رسد و بدیهی است همه آنها در یک مقاله نمی‌گنجد و این در حالی است که او در آثار دیگر خود نیز به مسأله «اسرار حج» پرداخته است.

ابن عربی در فصول مربوط به این موضوع، موضوعات دیگری نیز عنوان کرده است که خارج از بحث ما است. گفتنی است، بسیاری از مطالب محیی‌الدین، بدون شرح و تفصیل، برای همگان قابل استفاده و فهم نیست، از این‌رو، در این نوشتار، بر آنیم ضمن تلخیص مطالب، مسائلی را که برای حاجیان و دوستداران عرفان حج قابل فهم است، بیان کرده و در حدّ نیاز به شرح آن بپردازیم، البته با اکتفا به مقدار ضرورت:

تعریف حج و عمره

حج، یعنی قصد کردن و تکرار قصد جهت رسیدن به مقصود. حاجی کسی است که عزم رسیدن به مقصود؛ که زیارت خانه خدا و حرم رسول اکرم، است، را داشته باشد.

ص: ۷

عمره، یعنی زیارت کردن. بنابراین، حاجی قصد رسیدن به مقصود را دارد و وقتی به مقصد رسید، به زیارت می‌پردازد. (۱) همگونی حاجی با فرشتگان پیرامون عرش

محیی‌الدین معتقد است: چون خداوند واژه «بیت» را در آیه شریفه به خود نسبت داده و فرموده است:

... أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲) «... خانه مرا برای طواف کنندگان و عاکفین و رکوع و سجده کنندگان پاک گردانید.»

خدای متعال، طبق این آیه شریفه، خانه کعبه را نظیر و شبیه عرش خود قرار داده است، که فرشتگان به دور آن طواف می‌کنند. چون این خانه مانند عرش است، پس طواف کنندگان آن نیز همچون طواف کنندگان پیرامون عرش‌اند و به مانند فرشته می‌باشند، با این تفاوت که حمد و ثنای ما (طواف کنندگان کعبه) عظیم‌تر از حد و ثنای فرشتگان حول‌العرش است. (۳) البته محیی‌الدین جهت و سبب عظیم‌تر بودن حمد و ثنای انسان بر حمد و ثنای ملائکه را بیان نکرده و تنها به سخن بسنده می‌کند که: «هر طواف کننده‌ای به این مقام نمی‌رسد». از این کلام وی فهمیده می‌شود که هر طواف کننده‌ای مراد نبوده، بلکه اولیاء الله و عرفای بالله چنین‌اند.

نیابت در حمد و ثنا

ابن عربی، حمد و ثنای علمای بالله را حمد و ثنایی خاص و منحصر به آن‌ها دانسته و می‌گوید: چون خداوند خود را تسبیح و تقدیس و تحمید فرموده، علمای بالله نیز که اهل‌الله‌اند، خداوند را آنگونه که خودش گفته، تسبیح و تنزیه می‌کنند؛ یعنی به نیابت از خدا، کلمات الهی را به زبان، بلکه به تمام اجزای وجود، جاری و ساری می‌کنند. (۴) حمد و ثنای نیابتی غیر از حمد و ثنای استقلالی است. آنکه به میل خود و از طرف خود حمد و ثنا می‌گوید، به اندازه توان و استعداد و شأن خود انجام وظیفه می‌کند، اما

۱- الفتوحات المکیه، چاپ قاهره، ج ۱۰، باب ۷۲ فصل ۵، ص ۴۹

۲- بقره: ۱۲۵

۳- باب ۷۲ فصل ۵، ح ۱۰

۴- همان، فصل ۶

ص: ۸

آنکه کلمات الهی را به نیابت از حضرت حق، با تمام اجزای وجود ادا می‌کند، فراخور شأن ربوبی حمد و ثنا می‌گوید؛ زیرا خودی در میان نیست بلکه:

همه از دست شد و او شده است أنا و أنت و هو هو شده است

به قول حافظ:

در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت: بگو، می‌گویم

وجوه تشابه کعبه و قلب انسانی

۱- قلب ولی الله، بیت الهی

ابن عربی قلب انسان مؤمن را خانه خدا دانسته، می‌گوید خداوند دو خانه دارد:

خانه‌ای در بیرون و خانه‌ای در درون. خانه بیرونی، کعبه است و خانه درونی، دل.

این سخن او، برگرفته از آیه قرآن و حدیثی از نبی گرامی صلی الله علیه و آله است:

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ. (۱) «و بدانید که خداوند، به یقین میان آدمی و قلب او در گردش است.»

در حدیث قدسی نیز آمده است که خداوند فرمود:

«لَا يَسَعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَا كُنْ يَسَعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ». (۲) «زمین و آسمان گنجایش مرا ندارند، ولی دل بنده مؤمنم

گنجایش مرا دارد.»

محبی‌الدین می‌گوید: از این کلام الهی که قلب بنده‌اش را بیت کریم و حرم عظیم خویش قرار داده، استفاده می‌شود که قلب مؤمن

اشرف و برتر از کعبه است. (۳) آنگاه می‌گوید: هر کدام از خانه‌ها، طواف کننده‌های خاص خود را دارند؛ طواف کنندگان بیت

ظاهر و خارجی که کعبه است، مردم‌اند و بیت باطن و درونی را، که قلب است، خواطر انسان طائف‌اند. آنچه بر دل انسان خطوط

می‌کند، در واقع به دور دلش می‌گردد و دل را طواف می‌کند. همانگونه که مردم پیرامون خانه کعبه می‌گردند. خواطر

۱- انفال: ۲۴

۲- بحار الانوار، چاپ بیروت ج ۵۵ ص ۳۹ روایت ۶۱؛ عوالی‌اللاالی، ج ۴، ص ۷

۳- فتوحات، باب ۷۲، فصل ۷

ص: ۹

نیز همانند مردم چند گونه‌اند؛ همانطور که بعضی از مردم مقام خانه را درک کرده، عظمت آن را می‌فهمند و احترامش را به جای می‌آورند ولی بعضی از این توفیق بی‌بهره‌اند و در حال غفلت طواف می‌کنند و روشن است که این طواف مذموم و آن طواف ممدوح است، خواطر نیز بعضی ممدوح و بعضی مذموم‌اند. در هر صورت، خداوند با توجه به کرم و رحمت بی‌منتهايش، هر دو را می‌پذیرد. در اینجا نیز از خواطر مذموم می‌گذرد و عفو می‌کند. (۱) وی در فصلی دیگر از کتابش، وجه تمایز و تشابه قلب بنده مؤمن را با کعبه، به «اللّه» و «الرحمن» تشبیه کرده است. همانگونه که اللّه و الرحمن دو اسم بزرگ الهی‌اند، قلب و کعبه نیز دو خانه گرامی خدایند. سپس به این آیه شریفه استناد می‌کند که فرمود:

قُلْ اذْعُوا لِلّٰهِ اَوْ اذْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيُّ مَا تَدْعُوْنَ فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْخُسْيٰنِي ... (۲) «بگو اللّه را بخوانید، یا رحمن را بخوانید، به هر کدام که بخوانید، اسم‌های نیک همه برای اوست.»

لیکن بعضی از انسان‌ها، به حسب تفاوت بهره‌مندی از هدایت و رشد، ارتباطشان با اسماء الهی تفاوت دارد. همه اللّه را می‌شناسند، حتی بت‌پرستان نیز با اسم اللّه آشنا بودند ولی می‌گفتند: رحمان کیست؟ ما رحمان را نمی‌شناسیم. اینان به جهت گمراهی و دوری از حقیقت، با رحمان آشنا نبودند و می‌گفتند: «وَمَا الرَّحْمٰنُ؟» (۳) ولی مؤمنان با هر دو اسم آشنا بودند.

محبی‌الدین می‌گوید: انسان‌های مرحوم (مورد رحمت واقع شده)، با رحمان آشنا شدند ولی آنان که محروم‌اند، از رحمان به دورند. بدین جهت، همه با بیت درونی؛ یعنی قلب آشنا شدند، اما بعضی با بیت برون آشنا نیستند. فقط امت مرحوم‌اند که هر دو بیت را می‌شناسند و از فیوضات آن دو مستفیض. (۴) ابن عربی این دو نکته را بسیار مهم دانسته و به بیان آن می‌بالد و می‌گوید: بدان، من تو را به اموری آگاه ساختم که اگر بدان عمل کنی، از علم الهی آنقدر بر تو آشکار می‌شود که جز خدا اندازه آن را نداند. به یقین عارف به مقداری که از علم الهی می‌چشد، عزت می‌یابد. (۵)

۱- همان، فصل ۸

۲- اسراء: ۱۱۰

۳- فرقان: ۶۰

۴- همان فصل ۲۰ و ۲۱

۵- همان فصل، ۲۰ و ۲۱

ص: ۱۰

## ۲- قلب عارف، مطاف اسماء الله

چون قلب عارف و ولی الله، خانه خدا است، و خانه خدا باید زائر و طواف کننده داشته باشد، قلب نیز طواف کننده‌های گوناگون دارد؛ گروهی آنها، که پیشتر اشاره شد، خواطر انسانی است که به دو دسته ممدوح و مذموم تقسیم می‌شوند. دسته دیگر اسماء الهی اند که تماماً ممدوح و مقدس اند.

محیی‌الدین بر این اعتقاد است که: اسماء الهی به دو جهت، طواف کننده قلب عبد مؤمن اند:

جهت نخست اینکه: هر اسمی طالب حال خاصی است، وقتی آن حالت از دل بنده مؤمن سر می‌زند، آن اسم خاص به جهت مناسبتش با آن حال، به سوی آن می‌رود که منشأ آن حالت قلب مؤمن است.

جهت دوم اینکه: در حدیث پیشگفته آمد که قلب عبد مؤمن گنجایش خدایش را دارد و خدا در دل اوست. طبیعی است که اسماء الله همه پیرامون قلبی طواف کنند که خدا در آن است.

بنابر این، هر گاه مؤمن خدا را در دل خود حاضر کند، آن گاه قلب او مطاف اسماء الله و فرشتگان خواهد بود. اگر این حضور در روز بارها تکرار شود، آن طواف نیز بارها تکرار خواهد شد و حج واقعی که به معنای قصد و تکرار قصد است، حاصل می‌گردد.

## (۱) ۳- ارکان کعبه، خواطر قلب

کعبه چهار رکن دارد که عبارتند از:

۱- رکن حجر ۲- رکن عراقی ۳- رکن شامی ۴- رکن یمانی

محیی‌الدین، معادل این ارکان، برای قلب نیز ارکانی از خواطر گوناگون قائل شده است؛ زیرا قلب آدمی هیچگاه از این خواطر خالی نبوده و همواره بر آنها استوار است.

آنها عبارتند از خواطر:

۱- خواطر الهی ۲- خواطر ملکی ۳- خواطر نفسانی ۴- خواطر شیطانی

هر یک از این ارکان، مقابل و هم‌تراز یکی از ارکان کعبه است:



ص: ۱۱

خاطر الهی / رکن حجر الاسود

خاطر ملکی / رکن یمانی

خاطر نفسانی / رکن شامی

خاطر شیطانی / رکن عراقی

علت اینکه رکن عراقی موازی خاطر شیطانی قرار دارد، این است که: شارع مقدس دستور داده است وقتی مقابل رکن عراقی رسیدی

این دعا را بخوان:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ سُوءِ الْأَخْلَاقِ». (۱) «خدایا! از تفرقه و نفاق و اخلاق ناپسند و نکوهیده، به تو پناه می‌برم.»

روشن است که هر یک از این صفات ذمیمه، از وسوسه‌های شیطانی است که متوجه انسان می‌شود.

محبی‌الدین، آنگاه میان انبیا و اولیا و سایر مؤمنان فرق قائل شده، می‌گوید: قلب انبیا بر سه خاطر استوار است خاطر چهارم که

شیطانی است، در آن‌ها راه ندارد؛ زیرا انبیا توسط عصمت خدادادی از وسوسه شیطانی محفوظ اند. البته اولیا و مؤمنان والا مقام که

شیطان نفس را مطیع خود ساخته‌اند، نیز در سایه ایمان و اخلاص، از خاطر چهارم رهیده‌اند و به سایه انبیا رسیده‌اند، که ابن عربی به

بعضی از آن‌ها، مانند سلمان الدنبلی اشاره کرده است. (۲) از نظر محبی‌الدین انبیا توسط عصمت و اولیا توسط حفظ الهی بدین

مقام رسیده‌اند. (۳) ۵- کتز خفی در کعبه و قلب

وی بر این باور است که خداوند سبحان گنجی را در کعبه به ودیعت نهاد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواست آن گنج را

خارج کرده، در راه خدا انفاق نماید، ولی به جهت مصلحتی که خدا برایش آشکار ساخت، از این عمل منصرف شد.

سپس مدعی می‌شود که خداوند در مکاشفه‌ای برای محبی‌الدین، لوحی زرین از

۱- در مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۸۷ اینگونه آمده است:

«... فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى رُكْنِ الْعِرَاقِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشُّكِّ وَ الشَّرِّكَ وَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مَخَافَةِ الْعَدَى وَ

سُوءِ الْمُتَقَلَّبِ ...».

۲- همان، فصل ۱۰ و ۱۱

۳- همان فصل ۱۲

ص: ۱۲

آن کتر مخفی را نشان داد و وی به خاطر احترام به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نخواست آن گنج آشکار شود و از خدا خواست آن لوح به جای خود برگردد. او می‌گوید: این مکاشفه در سال ۵۹۸ در تونس برای وی روی داده است. محیی‌الدین در سرّ عمل رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن گنج را ظاهر نساخت، می‌گوید: پیامبر خدا آن را مخفی داشت تا حضرت صاحب‌الزمان هنگام ظهور ظاهر سازد.

خبری نیز در این زمینه هست که می‌گوید: این گنج به دست خلیفه رسول الله، قائم به امر الله، حضرت صاحب‌الزمان آشکار خواهد شد؛ همان که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، در حالی که پر از ظلم و جور شده بود. (۱) تشابه قلب مؤمن به کعبه در این خصوص، در علمی است که در دل مؤمن نهفته است و خداوند به وجود چنین علمی شهادت داده و فرموده است:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (۲) «خداوند گواهی داد که جز او خدایی وجود ندارد و فرشتگان خدا و صاحبان علم نیز چنین گواهی داده‌اند.»

محیی‌الدین در اینجا اولو العلم را عارفان بالله و مؤمنان خالص معنی کرده و این علم را علم مخفی در دل آنها دانسته که با سایر علوم فرق دارد؛ علمی که تنها خدا از آن آگاه است و صاحب آن را در ردیف ملائکه و شهادت چنین عالمی را در ردیف شهادت خداوند قرار داده است.

و جوب حج

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.... (۳) «و بر مردم واجب است که حج خانه الهی را به جای آورند. در صورتی که مستطیع شده، راه بر آنان هموار باشد.»

محیی‌الدین وجوب حج را به این آیه شریفه مستند کرده و انجام آن را بر هر انسانی فرض می‌داند، لیکن قبولی حج را منوط به اسلام دانسته، می‌گوید: آنکه مسلمان است و

۱- همان، فصل ۱۵

۲- آل عمران: ۱۸

۳- آل عمران: ۹۷

ص: ۱۳

حج نمی‌گزارد، در این خصوص عاصی بوده و در قیامت مؤاخذه خواهد شد. آنکه مسلمان نیست و حج به جای نمی‌آورد نیز عاصی است و در قیامت به دو جهت مؤاخذه می‌شود؛ هم به جهت انجام ندادن حج، و هم به جهت اسلام نیاوردن. (۱) البته نظر ابن عربی در خصوص همه احکام عبادی چنین است که حج نیز از آن جمله است.

وی سپس به دو نوع برداشت از دو نوع قرائت «حج» پرداخته، می‌گوید: اگر حج را به فتحه بخوانیم، به معنای «قصد» می‌شود و اگر با کسره بخوانیم «حج»، به معنای «قصدِ قصد» می‌شود.

در صورت نخست، معنا چنین می‌شود که: خداوند به عهده مردم قصد خانه کعبه را واجب کرده است؛ یعنی همه باید نیت زیارت و دیدن خانه خدا و انجام مناسک آن را داشته باشند.

در صوت دوم، معنا چنین می‌شود: خداوند بر همه مردم واجب کرده است که قصد خانه شدن را داشته باشند. در اولی منظور رسیدن به خانه خدا بود.

در دومی منظور بدل شدن به خانه خدا است.

حاجی اگر با توجه به معنای اول حج به جای آورد، خادم خانه خدا می‌شود و اگر با توجه به معنای دوم حج بگزارد، خود به خانه خدا بدل می‌گردد. از این رو، می‌توان گفت خدا بر عهده مردم نهاده است که دلشان را خانه خدا قرار دهند. و معلوم است که وقتی دلشان را خانه خدا ساختند، دیگر جز خدا در دل آن‌ها یافت نخواهد شد. (۲) حج طفل

حج طفل نابالغ، از نظر فقهی، بالاصالة و الاستقلال صحیح نیست، ولی به نیابت صحیح است؛ یعنی کودک توسط پدر یا مادر یا انسان بالغ دیگر محرم می‌شود و به راهنمایی و تلقین او، به انجام اعمال می‌پردازد. این عمل طفل را می‌توان به نیابت از انسان مکلف و بالغی به جای آورد که یا از دنیا رفته و یا توان انجام اعمال حج را نداشته است.

محبی‌الدین در این مورد، نظر خاص عرفانی دارد که با توجه به مبانی عرفانی او، قابل فهم و توجیه است.

۱- این مسأله، مسأله‌ای کلامی است که آیا وجوب احکام، فرع بر اسلام است یا جدای از اسلام نیز احکام مانند خود اسلام واجب است. بعضی از متکلمان وجوب احکام را بعد از اسلام می‌دانند. بعضی دیگر آن را در عرض اسلام واجب می‌شمرند، که محبی‌الدین از گروه اخیر است.

۲- باب ۷۲، فصول ۲۶ و ۲۷ و ۲۸

ص: ۱۴

او ضمن بیان دو نظریه اساسی در باره حج طفل، که یکی قائل به جواز است و دیگری قائل به عدم جواز، نظریه نخست را برگزیده و رأی به جواز حج طفل را رأی صحیح و حق دانسته است.

وی برای توجیه نظریه خود، به بیان چند دلیل پرداخته است که عبارتند از:

۱- حدیث نبوی؛ زنی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در باره حج طفل پرسید و آن حضرت فرمود: حج طفل جایز است.

۲- فطرت کودک؛ «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» «هر کودکی به فطرت پاک مسلمانانه زاده می‌شود.»

وی می‌گوید: طبق این حدیث شریف، انسان هر قدر صغیرتر باشد به مبدأ فطرت پاک اسلامی نزدیک‌تر است. از این رو است که محیی‌الدین، حتی حج طفل شیرخوار را نیز صحیح می‌داند.

۳- مکاشفه‌ای که برای خود ابن عربی پیش آمده است؛ او می‌گوید: دختر بچه شیرخواری داشتم که کمتر از یک سال عمر داشت. روزی از او پرسشی فقهی کردم و او پاسخ داد. مادر بزرگ این بچه از دیدن این واقعه بی‌هوش شد! بنابراین، کودکان بر اساس همان فطرت کودکی و اسلامی‌شان به اسلام آگاهند و آن را از اعماق جان می‌پذیرند.

۴- کودک هم بالاصاله مؤمن است و هم به تبع؛ وی می‌افزاید: اگر حج طفل از دیدگاه بعضی به تبع مقبول است و تنها حج مکلفین بالاصاله صحیح است؛ از نظر من، حج طفل هم بالاصاله و هم به تبع مقبول می‌باشد؛ زیرا کودک از دو جهت مؤمن است: الف: ایمان تبعی، که به تبع پدر و مادر مسلمانش، کودک نیز مسلمان و مؤمن است.

ب: ایمان اصلتی، که به جهت قریب العهد بودن به فطرت خدادادی مؤمن است.

محیی‌الدین جهت دوم را، با تمسک به یک آیه و یک حدیث اثبات می‌کند:

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ ..... (۱) (و آنگاه که پروردگارت از اصلاب بنی آدم و ذریه‌های آن سؤال کرد و از آنها بر خدایی‌اش شهادت گرفت و پرسید آیا من خدای شما نیستم؟ گفتند: هستی.)

ص: ۱۵

سپس به کلامی از ذوالنون مصری اشاره می‌کند که گفته است: «گویی آن ندا هنوز در گوش من است». محیی‌الدین استدلال می‌کند که: اگر کودک در در عالم ذر، با خدایش پیمان می‌بندد و به وحدانیت او ایمان می‌آورد، پس در دوران بعد از پیمان و طفولیت، به طریق اولی قابلیت انجام اعمال ایمانی را خواهد داشت. گذشته از آیه شریفه، به حدیث فطرت نیز استناد می‌کند و می‌گوید: فطرت اسلامی کودک دست نخورده و ناب است، لذا در این دوران، حج او با صفاتر خواهد بود.

۵- حجّ طفلِ صغیر، تمام‌تر و کامل‌تر از حجّ انسان کبیر است؛ زیرا حجّ او بالفطره است. بدین جهت او حج را بدون ارتکاب به معاصی انجام می‌دهد، ولی انسان کبیر چه بسا مرتکب گناه یا مکروهی نیز بشود. بنابراین، حجّ طفل معصومانه است، اما حجّ غیرطفل معصومانه نیست. (۱) استطاعت و نیابت در حج یکی از شروط حج، استطاعت است. استطاعت یعنی توان و امکان رفتن به حج.

امکانات هر زمان، مطابق با اختصاصات آن زمان است؛ زمانی تمکن مالی و صحت جسمانی موجب استطاعت بود، لیکن در این زمان، علاوه بر آن، امکانات کشوری و قراردادهای اجتماعی، مانند: داشتن گذرنامه و ویزا و ده‌ها مسأله دیگر گاهی بر آن افزوده می‌شود.

محیی‌الدین در معنای استطاعت، به دو قول اشاره کرده، سپس در این مورد، به تفسیر عرفانی پرداخته است؛ یک قول استطاعت را به «زاد و راحله» و قول دیگر تنها به «راحله» معنی کرده است. وی در معنای راحله می‌گوید:

راحله؛ خود این جسم انسان است که مرکب روح لطیف خدادادی است. روح نیرو و توان انجام اعمال است و جسم وسیله تحقق آن. در واقع روح به واسطه جسم به انجام مناسک حج می‌پردازد. بنابراین، آن که راحله را شرط استطاعت داند، طبق این تعریف هر انسان سالم و تندرستی استطاعت دارد که به حج برود.

ص: ۱۶

زاد؛ عبارت است از آنچه که انسان به واسطه آن تغذیه می‌کند. در اثر تغذیه قدرت انجام کار حاصل می‌شود؛ زیرا وقتی انسان تغذیه کند، بدن آرامش یافته و استراحت می‌کند، به همین مقدار از خدا غافل می‌گردد. وقتی هم تغذیه فراهم نگردد، آرامش آدمی به هم می‌خورد و تمام هم و غمش تحصیل تغذیه شده، باز از خدا غافل می‌گردد.

نبودش موجب تشویش است و بودش موجب تنبلی و سستی. نه می‌شود از آن به کلی جدا شد، چون بدن انسان بدان محتاج است و نه می‌شود بدان اعتماد کرد؛ زیرا موجب تن‌پروری و غفلت می‌گردد. بهترین راه این است که آدمی در حدّ نیاز و به قدر ضرورت از آن استفاده کند. (۱) نیابت

نیابت؛ یعنی کسی از طرف دیگری اعمال حج به جا آورد. در این صورت عمل حج به حساب منوب عنه نوشته می‌شود. محیی‌الدین ابتدا دو نظریه در خصوص جواز نیابت و عدم جواز آن بیان کرده، سپس به ذکر نظریه خود پرداخته، می‌گوید: از نظر من نیابت صحیح است و آن چند قسم است:

الف: نیابت عبد از طرف خداوند.

ب: نیابت خدا از طرف بنده.

بنده مؤمن با توجه به درجات ایمانش، نایب حضرت حق می‌گردد. این نیابت گاهی عمومی است؛ یعنی هر بنده‌ای در حدّ خود می‌تواند نایب خداوند سبحان باشد؛ مانند این ذکر، که هنگام رکوع نماز خوانده می‌شود:

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»؛

«خداوند شنید ندای آن کس را که حمد او را به جای آورد».

در اینجا بنده مؤمن، نایب خدا در گفتن این جمله است. در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله نایب حضرت حق، در انجام عمل است؛ مانند این آیه که فرمود:

... فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ...؛ (۲)

ص: ۱۷

«پس به او مهلت ده تا کلام خدا را بشنود.»

و در جای دیگر حضرت داود نایب خدا می‌شود که فرمود:

یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ ... (۱) «ای داوود، ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم.»

در آیه زیر، عموم مسلمانان نایب و خلیفه خدایند:

وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْنَاكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ... (۲) «و انفاق کنید از آنچه که شما را خلیفه خود در آن امور قرار دادیم.»

اما از آنجا که خداوند نایب بندگان است؛ مانند آیات زیر که می‌فرماید:

أَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا؟ (۳) «ای بنی اسرائیل، غیر مرا وکیل خود نگیرید.»

... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا. (۴) «جز او خدایی نیست پس فقط او را وکیل خود بگیر.»

وکالت در این آیات، نیابت از موکل در امور وکالتی است. وی در پایان فصل، نظریات مختلف درباره صحت یا عدم صحت نیابت

انسان از خدا را متذکر شده، آنگاه نظریه خود را مبنی بر صحت نیابت تثبیت کرده است. (۵) لباس احرام

از نظر فقه، لباس احرام شرایطی دارد: یکی از آن شرایط، مخیط و دوخته نبودن لباس مردان است. در حالی که لباس زنان جایز

است دوخته و مخیط باشد. جایز بودن و نبودن لباس احرام زنان و مردان از دیدگاه محیی‌الدین عربی، به جهت حکمتی است که

وی بدان قائل است. او حکمت این حکم را در خلقت اولیه مرد و زن؛ یعنی آدم و حوا علیهما السلام دانسته، می‌گوید:

خلقت آدم ترکیبی از آب و خاک است، که آن دو، از سایر اشیاء نزدیک‌تر به

۱- ص ۲۶

۲- الحدید ۷

۳- الاسراء ۲

۴- الزمر ۹

۵- فصل ۵۲ تا ۵۶

ص: ۱۸

بسائط شمرده می‌شوند. خلقت آدم و حوّا، از وجود آدم است. بنابر این حوّا (زن) یک مرحله به بسائط دورتر از آدم (مرد) می‌باشد؛ چون لباس مخیط مرکب است، بدین جهت به زن گفته می‌شود تو با پوشیدن مخیط بر اصل خود باقی بمان که همان مرکب نزدیک به بسائط است. ولی به مرد گفته می‌شود با جدا شدن از مخیط، از ترکیب ذاتی خود فاصله بگیر و با تجرید از ترکیب، به عالم بسیط نزدیک شو که هیچگونه ترکیب و تخیلی در آن نیست. (۱) ابن عربی در حکمت لباس احرام مردان می‌گوید:

اگر ازار و ردا برای مردان جایز است، برای این است که: «... آن‌ها مخیط نیستند و از سایر لباس‌ها مانند شلوار و پیراهن، به مرحله «هباء» نزدیک‌ترند. و چون مخیط نیستند مرکب نیز نبوده و با بسائط مناسبت دارند. از این رو، خداوند سبحان این دو لباس را به خود نسبت داده و در حدیث قدسی فرموده است: «الْكِبْرِيَاءُ رَدَائِي وَالْعِظْمَةُ اِزَارِي».

خداوند به کبریا و عظمت محرم شده و بنده خدا با پوشیدن ردا و ازار، خود را به خدای خویش شبیه می‌سازد. البته احرام خداوند معنوی و احرام بنده خدا حسی است. (۲) مردم محرم، نخستین مرحله عبادتش را با پوشیدن لباس احرام و همگون ساختن خود به خدا شروع می‌کند که در عین حال، تنزیه از ترکیب و تشبّه به بسائط است. در واقع او لباس کمال می‌پوشد و از نقص دور می‌گردد. (۳) پوشیدن کفش در احرام

محبی‌الدین پوشیدن نعلین را به اتفاق علمای اهل سنت جایز دانسته و در صورت نبودن نعلین، پوشیدن کفش را به شرطی جایز می‌داند که تمام روی پا را نپوشاند. سپس حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به نقل از ابن عباس می‌پردازد که فرموده است: «... الْخُفَّيْنِ، لِمَنْ لَمْ يَجِدِ النَّعْلَيْنِ». (۴) او می‌افزاید: در شریعت، به نعلین و خفین اشاره شده و از ذکر انواع دیگر کفش خودداری گردیده است. حتی از حج بدون پوشیدن کفش نیز سخن به میان نیامده است.

از نظر محیی‌الدین، سکوت شرع در بعضی موارد و عدم اظهار رأی در آن خصوص، دارای حکمتی بوده و عاقبتی در آن نهفته است. (۵)

۱- فصل ۱۲۱ و ۱۲۲

۲- همان فصل، ۱۲۶ و ۱۲۷

۳- همان، فصل ۱۲۸

۴- همان فصل ۱۳۲ و ۱۳۳.

و در کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید، ص ۱۹۷ آمده است: قال صلی الله علیه و آله: «إن المحرم إذا لم يجد النعلين فليلبس الخفین و يقطعهما من أسفل الكعبين».

۵- همان، فصل ۱۳۵ و ۱۳۶



ص: ۱۹

اجتناب از بوی خوش

محبی‌الدین قبل از بیان حکمت عرفانی عدم جواز استفاده از بوی خوش در حال احرام، به استحباب تطیب و استفاده از بوی خوش در زمان غیر احرام اشاره کرده و آن را از سنت دانسته است. او در حکمت اجتناب از بوی خوش در حال احرام می‌گوید:

صاحب طبع سلیم، از رائحه طیب، لذت می‌برد و هیچ‌گاه آن را بد نمی‌شمارد. در واقع استعمال بوی خوش ثنای عبد است مر معبود را؛ زیرا معطر نمودن خود، نوعی تخلّق به اسمای حسنای الهی است، نه همه اسماء. اما از آنجا که انسان محرم مقام عبودیتش بر او غالب است، بنابراین صاحب عبادت جز به اوصاف عبودیت، نباید به اوصاف دیگر در آید؛ به طوری که خود به عبادت محض مبدّل شود. بدین جهت، داخل شدن به یک اسمی از اسمای الهی، او را از عبودیت مطلقه‌اش خارج می‌کند و معطر نمودن در حقیقت داخل شدن به یکی از اسمای حسنای الهی است. بنابراین، نه تنها انسان محرم در حال احرام نباید خود را معطر نماید که حتی بهتر است آثار عطر و بوی خوش قبل از احرام را نیز از خود بزدايد. (۱) حکمت محرمات احرام

محبی‌الدین در پایان جزء ۶۳ از باب ۷۲ کتاب فتوحات مکیه، بعد از بیان حرمت مجامعت حاجی در حال احرام و احکام مربوط به آن، در حکمت احرام می‌گوید:

خداوند همه چیز را برای انسان آفریده و انسان را برای عبادت خودش. مقام حقیقی انسان در عبادت نهفته است. حرکت در این مسیر، موجب عزّت و غفلت از عبادت موجب ذلت می‌گردد.

حاجی با محرم شدن، توجه‌اش را از غیر خدا منصرف نموده و فقط در راه عبودیت پیش می‌رود. او در سایه عبادت، عزّت و شرف می‌یابد و لایق وصال می‌گردد. در این صورت، این حاجی است که بر سایر اشیاء حرام می‌شود، نه اینکه اشیاء بر او حرام شوند؛ زیرا اشیاء لیاقت نیل به حاجی را ندارند؛ از این رو، حاجی بر آنها حرام می‌شود. دلیل

ص: ۲۰

گفتار ما آیات زیر است که می‌فرماید:

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (۱) «خداوند هر آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است، مسخر شما گردانید.»

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (۲) «اوست آن خدایی که هر آنچه در زمین است را برای شما آفرید.»

در این آیات و نظایر آن‌ها، همه چیز برای انسان است. اما انسان برای خدا و عبادت او آفریده شده است. آن‌جا که فرمود:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۳) «و جن و انس را جز برای عبادت نیافریدم.»

بدین جهت، حاجی بالاتر از همه است. و همه چیز برای اوست اما او برای خداست. از این رو، وقتی محرم می‌شود، جز خداوند

چیزی سزاوار نیل به انسان نمی‌گردد. (۴) استحمام در حال احرام

محیی‌الدین می‌گوید: بعضی حمام رفتن در حال احرام را مکروه دانسته‌اند و بعضی جایز. من قائل به جواز هستم؛ زیرا که هیچ یک

از کارهای دنیوی انسان، به اندازه حمام رفتن، انسان را به یاد آخرت نمی‌اندازد.

حمام علاوه بر خواص بهداشتی که دارد و موجب تندرستی آدمی می‌گردد.

بهترین مذکر آدم برای یادآوری احوال قبر و قیامت است.

خارج شدن از لباس در هنگام ورود به حمام، آدمی را به عریانی و تنهایی روزی می‌اندازد که وارد قبر می‌شود. همچنین آن روز

که عریان و تنها از قبر برانگیخته می‌گردد.

گرمی حمام یادآور حرارت روز حشر است. حمام از حمیم است و حمیم به حرارت اطلاق می‌شود. (۵) از این رو، استحمام حاجی

در حال احرام، از نظر محیی‌الدین جایز است.

۱- الجاثیه: ۱۳

۲- البقره: ۲۹

۳- الذاریات: ۵۶

۴- فتوحات، باب ۷۲، فصل ۱۷۰ و ۱۷۱

۵- همان، فصل ۱۷۴ و ۱۷۵

ص: ۲۱

صید در حال احرام

صید حیوانات بڑی برای محرم حرام است ولی صید حیوانات بحری را جایز دانسته‌اند. محیی‌الدین عربی بر هر دو حکم، حکمتی عرفانی ذکر کرده است. او در خصوص عدم جواز صید حیوانات بڑی می‌گوید:

حاجی خود صید خداوند است که خدا وی را صید کرده و از اقصی نقاط دنیا به سوی خود کشانده است. در این میان صیدهای حضرت حق دارای مراتبی هستند. انسان زاهد صید حق از دنیا است ولی انسان عارف صید حق از بهشت است؛ زیرا زاهد به نعمت‌های الهی چشم دوخته و زهادتش در دنیا برای رسیدن به نعم الهی در آخرت است؛ لذا او به این آیه بیشتر توجه دارد که:

... وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ (۱) «آنچه نزد خداست بهتر و ماندگار است.»

اما عارف به این آیه دل‌باخته است که:

... وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ (۲) «... و خداوند بهتر و ماندگارتر است.»

پس کسی که صید حق است نباید به صید حیوانات بپردازد.

محیی‌الدین در این باره که: چرا تحریم صید فقط در خصوص حیوانات بڑی وارد شده، نه حیوانات بحری، می‌گوید: صید بحری صید از آب است، هر آب مایه حیات است که هر موجود زنده‌ای از آن آفریده شده است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا. (۳) «و هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم.»

از آنجا که مقصود از حج و هر عبادت دیگری، احیای قلوب بوده و عبادت مایه حیات است؛ لذا صید بحری نیز مایه حیات اعضا و جوارح می‌گردد. از این رو، منافاتی با حج که مایه حیات دل است، ندارد. (۴)

۱- القصص ۶۰ و شوری: ۳۶

۲- طه: ۷۳

۳- الانبیاء: ۳۰

۴- باب ۷۲، فصول ۱۷۶ تا ۱۸۰

ص: ۲۲

## نکاح در احرام

بعضی اجرای عقد نکاح، به وسیله انسان محرم برای دیگری یا از سوی دیگری برای محرم را غیر جایز و عقد را باطل دانسته‌اند. گروهی نیز قائل به جواز شده‌اند.

محبی‌الدین می‌گوید به نظر من حرام نبوده بلکه مکروه است.

وی در حکمت این حکم می‌گوید: کراهت عقد نکاح در حال احرام به چند جهت است:

اول: احرام خود نوعی عقد است و عقد نکاح نیز عقد است. حاجی که خود در عقد الهی است، نباید دیگری را عقد کند یا به عقد دیگری در آید.

دوم: چون عقد نکاح مقدمه جواز مجامعت می‌شود و مجامعت بر انسان محرم حرام است، از این رو جواز عقد، چه بسا باعث شود که آدمی به دام حرام بیفتد. بنابراین، بهتر است که در این اوقات حاجی عقد جاری نکند.

سوم: عقد یا نکاح میان دو نفر جاری می‌گردد و باعث می‌شود آدمی از تنهایی و تجرد خارج گشته و به تشکیل خانواده و اجتماع مشغول شود؛ در حالی که در حج، انسان با عقد احرام، خود را از کثرت جدا کرده و به وحدت نزدیک می‌گردد تا بتواند با حضرت احدیت مرتبط شود.

بنابراین، روی آوردن به عقد نکاح، خود به خود باعث نزدیکی انسان به کثرت و دوری از وحدت می‌گردد. (۱) نیت در احرام

نیت در هر عملی، شرط اصلی و رکن اساسی برای قبولی آن عمل است. در احرام نیز، حاجی باید قبل از آن نیت و قصد احرام را داشته باشد.

محبی‌الدین می‌گوید: نیت در احرام، عبارت است از: قصد یک امر عدمی. وی از آن به «القصد بالمنع» تعبیر می‌کند.

از نظر او، متعلق قصد همیشه یک امر عدمی است؛ زیرا انسان همیشه قصد چیزی را می‌کند که ندارد یا موجود نیست و او با چنین قصدی می‌خواهد به آن برسد. محبی‌الدین در ادامه این گفتار می‌افزاید: نه تنها متعلق قصد انسان محرم، امور معدوم است، بلکه در

ص: ۲۳

خداوند نیز چنین است؛ زیرا متعلق قصد الهی، یا ایجاد عین است و یا ایجاد حکم و نسبت است. هر دو مورد از امور عدمی هستند.

آنجا که ایجاد عین باشد؛ مانند این آیه شریفه است که فرمود:

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (۱) «به یقین قول ما، وقتی بر هر چیزی که اراده کنیم تعلق بگیرد، به محض آنکه بگوییم باش، می‌باشد.»

در اینجا خداوند اراده تحقق امر معدوم را نموده است. آنجا که متعلق قصد ایجاد حکم معدوم باشد؛ مانند این آیه است که فرمود:

إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ...؛ (۲) «اگر بخواهد شما را از میان می‌برد.»

در اولی به معدم تحقق بخشید و در اینجا معدوم تحقق یافته را منعدم ساخت. (۳) حاجی وقتی قصد و نیت احرام می‌کند، به اسم «المانع» الهی تخلق یافته و قصد یک امر معدوم می‌نماید، که عبارت است از قربت الهی. قصد تقرب به خداوند، قصد یک امر معدوم است؛ زیرا او تقربی را طالب است که ندارد و تا کنون نتوانسته است به آن دست یابد. حاجی با تخلق به اسم المانع، تمام موانعی را که تا کنون باعث دوری وی از تقرب الهی شده بودند، از میان می‌برد؛ به عبارت دیگر، مانع ممانعت آن موانع می‌شود، پس به تقربی که نداشته، نائل می‌گردد.

وقتی حاجی به برکت احرام به قرب معبود می‌رسد، در آن صورت مظهر اسم «الظاهر» می‌گردد. (۴) سیادت و عبادت در حج

آنکه حج را به عنوان یک عبادت دینی به جا می‌آورد. در پرتو انوار اعمال عبادی خویش، به سیادت دینی نایل می‌گردد.

حاجی با لبیک گفتن به دعوت الهی، که او را به زیارت خانه‌اش خوانده است، به خدا تقرب جسته و مظهر اسم «الداعی» می‌گردد. او با پوشیدن لباس عبودیت، به صفات

۱- النحل: ۴۰

۲- الانعام: ۱۳۳

۳- باب ۷۲، فصول ۲۴۱ تا ۲۴۵

۴- همان، فصل ۲۴۶

ص: ۲۴

ربوبیت در می‌آید؛ زیرا:

وی وقتی نحر می‌کند، که عبارت است از اتلاف صورتی و از میان بردن حیاتی، مصداق این صفت الهی می‌شود: **إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ**.

(۱) و وقتی رمی جمرات می‌کند به صفت دیگر الهی درمی‌آید که عبارت است از:

**وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً**. (۲) و آنگاه که کعبه را طواف می‌کند، در واقع با چرخیدن به دور خانه، بر او احاطه حاصل می‌کند و آن

مصداقی از این آیه است که: **أَلَا- إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ**. (۳) همه این مقامات، سیادت الهی است که به بنده‌اش عطا می‌کند. (۴)

محبی‌الدین سپس به توجیه شطحیات گویی بعضی از عرفا؛ مانند بایزید بسطامی پرداخته و می‌گوید: آنان در اثر نیل به این سیادت عبادی؟ از تخلُّق عبد به صفات معبود سخن گفته‌اند، که به نوعی سخن از معبود گفتن است؛ زیرا در این مرحله، بنده هر چه گوید

از زبان خدا گفته است. (۵) قصد الهی، حج الهی

آنکه قصد خانه خدا می‌کند باید بداند که:

کعبه خود سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند، بین یار کجاست

زیرا خانه برای خدا بود و علامت و نشانه برای رسیدن به خدا است. ضمن اینکه خدا که داعی و ندا دهنده انسان و کشنده او به

سوی خانه‌اش می‌باشد، اعمال خاصی را بر وی واجب کرده و شروع زیارت خانه‌اش را با طواف و ختمش را نیز طواف قرار داده

است. هدف رسیدن به صاحب خانه است و خانه وسیله. لیکن خدا خانه را از آن‌رو وسیله وصول به صاحب خانه قرار داد که،

حاجی خود از جهاتی همانند خانه است؛ مثلاً- خانه موجودی مخلوق و محسوس است، حاجی نیز موجودی مخلوق و محسوس است.

بدین جهت ادراک مقام خانه آسان‌تر از ادراک مقام صاحب خانه است. آنکه به خانه خدا می‌رسد، در واقع به خودش رسیده است

و آنکه به خود رسد به خدای خود رسیده

۱- الانعام: ۱۳۳

۲- الحجر: ۷۴

۳- باب ۷۲ فصل ۲۴۷ تا ۲۴۹

۴- باب ۷۲، فصل ۲۴۷ تا ۲۴۹

۵- باب ۷۲، فصول ۲۴۷ تا ۲۴۹

ص: ۲۵

است؛ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، عَرَفَ رَبَّهُ». (۱) از این رو، وقتی تو خانه خدا را قصد کنی، در واقع خودت را قصد کرده‌ای.

پس آنگاه که به خود رسیدی، خود را شناختی، وقتی خود را شناختی، خدایت را شناختی، که علم صحیح همین شناخت است؛ زیرا دلیل گاهی خلاف مدلول است و گاهی عین مدلول. و هیچ دلالت کننده‌ای، دلالت کننده‌تر از خود چیز بر خودش نیست. (۲) بنابراین، آدمی وقتی از خود به خود می‌رسد، در واقع از خود به خدا رسیده است. اقبال لاهوری در این زمینه اینگونه سروده است:

کرا جوئی، چرا در پیچ و تاب‌ی که او پیدا و تو زیر نقابی

تلاش خود کنی، جز او نبینی تلاش او کنی جز خود نیابی

لیبک در بیت

محبی‌الدین در تفسیر معنای «البیت» می‌گوید: بیت، جایی است که انسان در آن بیتوته کرده و شب را به سحر می‌رساند. به همین دلیل بیت را بدین نام نامیده‌اند که صاحب بیت، شب را در آن به سر می‌برد. البته بیت منافع دیگر نیز دارد ولی هیچکدام به این اهمیت نیست.

خداوند نیز گویی در بیت خود، بیتوته کرده و زائران خانه‌اش را اکرام می‌کند. البته او همیشه در خانه خود هست ولی در هنگام بیتوته؛ یعنی در شب‌ها تجلیاتش بیش از سایر اوقات است. به همین جهت، پیامبر عزیزش را- که درود خدا بر او باد- شب هنگام از خانه‌اش به سوی معراج برد. از این رو ارواح مؤمنان در خواب شبانه عروج کرده و آیات الهی را رؤیت می‌کنند. بنابراین، آنکه وارد خانه خدا می‌شود، ندای خدایش را اجابت کرده و در محضر خاص او حاضر گشته است. پس ادب بندگی اقتضا می‌کند که با صدای رسا ندای خدایش را لیبک گوید. لیکن آنگونه که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفته است: بر گفته پیامبر نه بیفزاید و نه از گفته‌اش بکاهد؛ زیرا او داناترین مردم به خداوند است و دانایی ما به خدا نیز از طریق وی حاصل شده و با لیبک گفتن به گونه‌ای که پیامبر گفته است، به بارگاه خدا تشریف حاصل کرده و به چشم پیامبر اکرم که کامل‌ترین چشمهاست، به تجلیات الهی نظر می‌کنیم.

۱- همان، فصل ۲۵۱ و ۲۵۲

۲- همان، فصل ۲۵۲

ص: ۲۶

آن که بر تلبیه‌اش می‌افزاید، از حدود پیامبر اکرم خارج شده و مشرک می‌گردد؛ زیرا عبودیت در گرو پیروی است و عابد نباید حکمی را از خود به احکام الهی اضافه کند. (۱) پی‌نوشتها:

۱- همان، فصول ۲۵۳ تا ۲۵۷







## فلسفه و آداب باطنی حج

بحثی از علامه مولی محمد حسن قزوینی

«کشف الغطاء عن وجوه مراسم الإهداء»، اثر نفیس مولی محمد حسن قزوینی (م ۱۲۴۰ ه. ق.) در علم اخلاق است. نویسنده از شاگردان برجسته وحید بهبهانی است و از سید مهدی بحرالعلوم اجازه روایت دارد. بحر العلوم در این اجازه، او را «عالم فاضل و محقق مدقق کامل» خوانده است. در نفاست این اثر همین بس که عارف نامدار شیعه مولی حسینقلی همدانی، مکرر از آن تعریف نموده و شاگردانش را به مطالعه آن امر می‌کرد. به همین دلیل، نسخ خطی متعددی از این کتاب، به قلم بعضی از شاگردان وی باقی مانده است. برخی این کتاب را خلاصه‌ای از «جامع السادات» مولی محمد مهدی نراقی شمرده‌اند و به همین جهت این اثر ارزشمند، از سوی کنگره فاضلین نراقی به چاپ رسید.

مؤلف محقق و وارسته کتاب، در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«از جمله کتب علم اخلاق، جامع السادات است که از من خواستند تا به دیده نقد و انتخاب بدان بنگرم و پوسته را از مغز آن جدا سازم. با آنکه اکثر مطالب آن را، که احادیث اهل بیت عصمت و دقایق افکار استوانه‌های حکمت را در بر دارد، مفید یافتیم ولی خالی از تطویل و حشو و زواید خسته کننده برای طلاب و متعلمین این علم نیست، لذا تصمیم گرفتم کتابی تألیف کنم که مشتمل بر مطالب سودمند از کلمات بزرگان حکمت و اخبار عترت طاهره باشد.»

ص: ۳۰

و اکنون ما بحث حجّ این کتاب را، که حاوی «فلسفه تشریح حجّ» و مختصری از «آداب باطنی و معنوی اعمال در مناسک حجّ» است، به فارسی برگردان نموده، برای استفاده خوانندگان محترم مجله، تقدیم می‌داریم، باشد که مورد توجه علاقمندان به ویژه راهیان بیت‌الله‌الحرام و زائران رسول‌الله اعظم صلی الله علیه و آله قرار گیرد:

#### فلسفه تشریح حجّ

حجّ از بزرگترین ارکان دین است و تبیین احکام ظاهری آن، بر عهده فقهاست. هدف اصلی از آفرینش انسان «شناخت خدا» و «رسیدن به مقام حبّ و انس او» است که به صفا و پاکی و نفس آدمی بستگی دارد و صفای نفس نیز به نوبه خود، از راه حفظ و مراقبت نفس از شهوات و رهایی از دنیا و واداشتن آن به انجام اعمال دشوار قلبی و جوارحی حاصل می‌شود. غرض از تشریح عبادات نیز همین است؛ زیرا بعضی از عبادات، مانند صدقات و خمس، انفاق است که موجب انقطاع از دنیاست و بعضی مانده روزه جلوگیری از شهوات است و بعضی مانند ذکر، تجرّد از دنیاست. توجه قلب به حق تعالی نیز جز با دل‌کندن از زخارف دنیا ممکن نیست.

حجّ در میان عبادات، افزون بر همه جهات یاد شده، آثار و برکات دیگری هم دارد.

در حجّ، دوری از وطن و پیمودن منازل با رنج و مشقت، انفاق توأم با سختی و تجدید عهد و میثاق و تجرّد از دنیا برای ذکر و انواع عبادات نهفته است.

علاوه بر آن، حجّ حاوی اعمال و مناسکی است که عقل آدمی حکمت آن‌ها را درک نمی‌کند و طبع آدمی با آن مأنوس نیست، مثل رمی جمرات، تکرار سعی میان صفا و مروه و هروله میان دو مناره که اوج اخلاص و عبودیت در آن‌ها آشکار می‌شود؛ زیرا عقل در انجام اعمالی که فلسفه تشریح آن‌ها را درک می‌کند، به یاری شرع می‌شتابد ولی در اموری که عقل حکمتش را درک نمی‌کند، به خصوص شرع را یاری نمی‌کند و فقط انسان را اجمالاً به اطاعت و امتثال فرا می‌خواند. و این یکی از اسرار تشریح امور تعبّدی است.

هر یک از اعمال حجّ، آدمی را به بعضی از احوال آخرت راهنمایی می‌کند. افزون بر این، جمعیت زیادی در

ص: ۳۱

آن اجتماع می‌کنند، حج گزار به محل نزول وحی و فرود آمدن فرشتگان بر رسول امین و پیش از آن بر ابراهیم خلیل و محل اجتماع پیامبران و رسولان الهی و محل ولادت سرور پیامبران و بهترین برگزیدگان می‌رود و به مکان‌هایی قدم می‌گذارد که قدوم پیامبران الهی بدان شرافت مضاعف بخشیده است؛ چرا که حق تعالی با انتساب به خود، بدان شرافت داده و اطراف آن را حرم امن شمرده تا مردم در آن مأوی گزینند و عرفات را میدانی برای حرم مقرر نموده و حرمتش را با تحریم شکار آن و قطع درختش مورد تأکید قرار داده و مردم مأمور شده‌اند تا از هر منطقه‌ای با کمال سادگی و به دور از تجملات و تشریفات، با تواضع و فروتنی آهنگ آن کنند.

بی‌شک، چنین اجتماعی در این مکان، موجب انس و الفت و همنشینی صالحان و استوانه‌های فضیلت و نیکان است که از چهار گوشه مختلف جهان جمع شده، یکدیگر را بر تضرع و ابتهال (به معنای بالا بردن دست‌ها هنگام دعا که موجب تسریع در اجابت دعا می‌شود) یاری می‌کنند و نیز موجب احیای نام و یاد پیامبر و بزرگداشت اوست که باعث رقت قلب و صفای نفس می‌گردد. حج چون از بزرگ‌ترین تکالیف و دشوارترین آن‌هاست، مثل رهبانیت برای این امت است، چون هنگامی که اعمال دشوار و ریاضت‌های سخت در میان امت‌های گذشته به خاطر فترت زمانی متروک و مندرس شده و از میان رفت و مردم به دنبال شهوات رفتند و از طاعات و عبادات فاصله گرفتند، خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را برای احیای راه آخرت و تجدید سنت پیامبران برانگیخت. پیروان شرایع از رهبانیت و عزلت و گوشه‌نشینی در دین او پرسیدند، فرمود:

«جهاد و حج جایگزین رهبانیت و روزه جانشین عزلت و گوشه‌نشینی شده است.»

و این نعمت بزرگی از جانب خدا بر این امت است.

آداب باطنی حج

نکاتی که حاجی باید به عنوان آداب باطنی حج رعایت کند، عبارتند از:

۱- اخلاص در نیت

حاجی جز امتثال امر الهی و رسیدن به پاداش او و پرهیز از عذاب خدا، هدفی

ص: ۳۲

ندارد. و هرگاه شائبه ریا، ترس از تفسیق مردم، خوف از فقر (ی که شایع شده باشد) که هرکس حج را ترک کند بدان گرفتار شود، قصد تجارت یا هدف دیگری در آن مد نظر باشد، شخص از دایره اخلاص خارج شده و مانعی در راه رسیدن به هدف مورد نظر خواهد بود. و کسی که به خاطر چنان پندارهای ضعیفی دشواری‌های فراوان حج را تحمل کند، جز ضرر و خسارت بر آن مترتب نخواهد شد.

۲- توبه حقیقی

توبه خالص، ردّ مظالم و بریدن علاقه‌ای که موجب می‌شود آدمی به غیر خدا متوجه گردد، از آداب دیگر حج است. این ادب از آن جهت ضرورت دارد که زائر بیت‌الله الحرام قلبش را متوجه تعالی کند، گویا از این سفر باز نخواهد گشت و وصیتش را برای همسر و فرزندانش بنویسد و برای سفر آخرت آماده شود و هنگام تهیه اسباب و مقدمات این سفر و قطع دلبستگی‌هایش به یاد تهیه مقدمات سفر آخرت و قطع علایق دنیوی برای آن باشد. چقدر این سفر با سفر آخرت تشابه دارد و بدان نزدیک است!

۳- تعظیم خانه خدا

قدر و منزلت خانه خدا و پروردگار کعبه را بزرگ دارد و بداند که اگر خانواده و وطنش را ترک می‌کند، به منظور امر مهم زیارت خانه خداست که شباهتی به سفرهای دنیوی ندارد. از این رو، باید متوجه باشد که در پی چیست؟ و اینکه با زیارت خانه خدا، در حقیقت به زیارت ملک الملوک می‌رود تا به اوج آرزویش برسد و با توجه به مولایش سعادت‌مند شود.

۴- تخلیه دل

در این سفر، از آنچه که قلبش را در میان راه یا در مقصد به خود مشغول می‌کند- مانند معامله و امثال آن- خالی کند تا همه همتش برای خدا و همه حرکات و سکنت‌های قلبش به یاد او و تعظیم شعائر او باشد.

۵- انفاق در راه خدا

زاد و توشه سفر حاجی حلال باشد و از خرج کردن و بخشش و انفاق نمودن، ابایی نداشته باشد؛ زیرا انفاق مال در سفر حج، انفاق در راه خداست و یک درهم آن با هفتصد درهم انفاق در مکان‌ها و زمان‌های دیگر برابری می‌کند.

ص: ۳۳

امام سجاد علیه السلام همواره در سفر حج از بهترین زاد؛ مانند گردو و شکر و آرد خالص و شیرین همراه می‌برد. البته اسراف و زیاده روی و مصرف انواع غذاها به مانند مترفین مکروه است، زیرا خیری در اسراف نمی‌باشد، اما بخشش فراوان به مستحقین، اسراف نیست؛ و اگر مالی در این راه ضایع شود یا گرفتاری برایش پیش آید، جزع و بی‌تابی نکند، اگر یک درهم در این راه تباہ شود، مانند آن است که هفتصد درهم در راه خدا خرج کرده است.

#### ۶- اخلاق نیکو

خُلُق نیک، تواضع فراوان، پرهیز از درشتی و غلظت در سخن گفتن و فحاشی کردن و حرف لغو زدن، خروج از طاعت الهی، مبالغه در دشمنی و مجادله با دیگران که حقد و کینه را به ارمغان می‌آورد، از آداب این سفر است. بدیهی است که حُسن خلق تنها پرهیز از آزار و اذیت دیگران نیست، بلکه تحمّل اذیت دیگران و نرم خویی و تواضع نسبت به همراهان و متصدیان کاروان و همسفران است.

#### ۷- سادگی و پرهیز از تجملات

ساده و بدون تشریفات باشد، دنبال فخر فروشی و جمع کردن ثروت نباشد؛ چرا که در این صورت، در شمار متکبران بوده و از جمع ضعفا و مساکین خارج خواهد شد. چنان‌که بتواند مسیر مشاعر را پیاده طی کند و هدفش ریاضت نفس و تحمّل سختی در راه خدا باشد، نزد خدا عملی بهتر از این نیست ولی اگر قصدش آن است که پول کمتری خرج کند، بهتر آن است که سواره برود و پول بیشتری خرج کند، همچنین اگر از پیاده روی ناتوان باشد.

امام حسن بن علی علیهما السلام معمولاً پیاده راه می‌رفت و مرکب‌ها را به همراه می‌برد تا هرگاه اراده کرد، سوار شود و خدا را سپاس می‌گفت که چهارپایان را مسخر او ساخته که دشواری سفر را بکاهد.

#### خودسازی در مراحل مختلف سفر

هرگاه زائر بیت‌الله الحرام از وطنش خارج شد و صحراها را برای رسیدن به میقات پیمود، مرگ و خروج از دنیا تا رسیدن به مرحله قیامت و دشواری‌ها و هول و هراس را به یاد آورد. از ترس راهزنان به یاد نکیر و منکر در قبر بیفتد و

ص: ۳۴

از خطر حیوانات و درندگان راه به یاد مارها، افعی‌ها، عقرب‌ها و کرم‌های قبر بیفتند و با جدا شدن از خانواده‌اش وحشت تنهایی قبر را به یاد آورد.

خلاصه آنکه در هر مرحله‌ای از این سفر، مرحله‌ای از مراحل زندگی پس از مرگ را یاد کند. آنگاه که وارد میقات شد و دو لباس احرام به تن کرد، پوشیدن کفن را به یاد آورد؛ همانطور که در خانه خدا او را با ظاهر همیشگی‌اش ملاقات نمی‌کنند، بعد از مرگ نیز چنین است.

لباس احرام هم مانند کفن دوخته نیست.

هنگامی که احرام بست و لبیک گفت، به یاد آورد که ندای خداوند تعالی را پاسخ می‌دهد و مردّد باشد که آیا به او پاسخ مثبت می‌دهند یا نه؛ مانند شخص امیدوار و خائفی که بر قدرت و فضل و رحمت الهی متکی است، تلبیه نخستین مرحله اعمال اوست. نقل شده که امام سجاد علی بن الحسین علیهما السلام هر گاه محرم می‌شد و بر مرکب می‌نشست، رنگش زرد شده و اعضای بدنش می‌لرزید و نمی‌توانست لبیک بگوید و وقتی سؤال می‌شد: چرا تلبیه نمی‌گویید؟ می‌فرمود:

می‌ترسم که پروردگار بگوید: «لَا لَبَّيْكَ» و چون لبیک می‌گفت، بی‌هوش می‌شد و از مرکب به زمین می‌افتاد و تا پایان حج همین حالت خوف را به همراه داشت.

زائر خانه خدا باید از این ندا به یاد ندای روز قیامت بیفتند که مردم از قبرها عریان و پا برهنه بر می‌خیزند و عده‌ای قبول، عده‌ای مردود و عده‌ای هم مقرب درگاه خدا می‌شوند و با اینکه همگی در آغاز مردّد اند، پس از مدتی وضعیتشان روشن می‌شود.

آن‌گاه که وارد مکه می‌شود، متوجه باشد که وارد حرم امن شده که هر که در آن داخل شود، از عذاب و سخط الهی در امان است. در عین حال بترسد که شاید او را طرد کنند و از حرم اخراج نمایند. گرچه باید امیدش بیش از ترسیدنش باشد؛ زیرا خانه خدا شرافت فراوانی دارد و صاحب خانه نسبت به هر کسی که بر او امید بسته باشد، کریم و بزرگوار و درهای رحمتش باز است و کسی که به سوی او کوچ نماید، مورد توجه‌اش قرار می‌گیرد. خداوند را بر این نعمت که او را به خانه‌اش رسانده و به زائران خانه‌اش ملحق ساخته سپاس گوید و از او بخواهد که لقالی خویش را همچون دیدار خانه‌اش ارزانی دارد.

هنگام طواف، قلبش را آکنده از



ص: ۳۵

تعظیم، محبت و ترس از خدا سازد و در این مرحله، خود را همچون فرشتگان الهی که بر اطراف عرش الهی طواف می‌کنند، حس کند و توجه داشته باشد که غرض از طواف، آن است که قلبش به صاحب خانه متوجه باشد نه اینکه فقط جسمش بر گرد خانه بچرخد. روح طواف توجه قلب به محضر ربوبی است و خانه کعبه در عالم شهادت مثال آن محضر ربوبی است.

این نکته در روایت وارد شده که بیت‌المعمور در آسمان‌ها مثال کعبه در دنیاست و فرشتگان بر گرد آن می‌چرخند؛ چنان‌که انسان‌ها بر گرد خانه کعبه طواف می‌کنند.

هنگام لمس حجرالأسود به هوش باشد که این سنگ به منزله دست راست خدا در زمین است که با او مصافحه و بیعت می‌کند. هنگام لمس و چسبیدن به مستجار و قسمت‌های دیگر خانه، از خداوند محبت و علاقه به خانه و صاحب خانه را بخواهد و اینکه به برکت ملاقات با هر قسمتی از خانه خدا، از آتش جهنم ایمن باشد. وقتی که به پرده خانه متوسل می‌شود، خواستار عفو و امنیت الهی باشد و به کسی پناه ببرد که جز او پناهگاهی نیست، از او جدا نشود مگر بعد از عفو و امنیتش.

در سعی بین صفا و مروه مانند عبدی باشد که بارها به خانه مالکش رفت و آمد می‌کند تا اخلاص خود را در خدمتگزاری ابراز کند و امیدوار به توجه او به دیده رحمت باشد، و رفت و آمد میان دو کفه ترازوی قیامت را به یاد آورد که به کم و زیادی اعمالش می‌نگرد و میان عذاب و غفران الهی مردّد و سرگشته است.

با وقوف در عرفات و در میان ازدحام جمعیت و سر و صدای زیاد آنان و اختلاف زبان‌هایشان و اینکه هر گروهی در مشاعر به دنبال رییس گروه است، به یاد عرصه‌های قیامت و مراحل دشوار آن و پراکندگی مردم با حالت سرگردان باشد و اینکه هر امتی به دنبال پیامبر خویش بوده و به شفاعت او نزد پروردگار عالم امیدوار است.

حاجی در این سفر به درگاه خدا تضرّع کند و خواستار قبولی حش و حشر با رستگاران باشد. روز عرفه روز شریف و موقوف هم موقوف عظیمی است. انسان‌ها در یک جا جمع، قلب‌ها به

ص: ۳۶

سوی حق متوجه و دستان مردم به سوی محضر ربوبی بلند است و گردن‌ها کشیده و چشم‌ها خیره و موقف از بزرگان و نیکان و صاحبان قلوب خالی نیست؛ از این رو، بعید نیست که به واسطه آنان فیض الهی به همگان نایل شود؛ چرا که از لطف و کرم او انتظار نمی‌رود که تلاش همگانی را ضایع سازد و به غربت و جدایی آنان از خانواده و فرزندان رحم و شفقت نیاورد. از این رو، در روایات وارد شده که از بزرگ‌ترین گناهان آن است که انسان در عرفات حاضر شود و گمان کند که آمرزیده نشده است.

هنگامی که از عرفات حرکت کرد و وارد مشعر الحرام شد، به یاد داشته باشد که خداوند پس از خروج او از حرم اجازه ورود داده، چون مشعر جزئی از حرم است و عرفات خارج حرم. با این ورود دوباره، به حرم امیدوار باشد که حجش مورد قبول واقع شده و به خدا نزدیک گشته و از عذاب او ایمن و از اهل بهشت شده است.

هنگامی که وارد منا شد و جمرات را رمی کرد، امتثال امر پروردگار و تشبّه به ابراهیم خلیل علیه السلام را قصد نماید. زمانی که شیطان بر ابراهیم ظاهر شد تا حجش را فاسد کند و خداوند برای طرد شیطان، امر فرمود تا بر او سنگ پرتاب کند. رمی جمرات نیز در حقیقت رمی شیطان و طرد او و به خاک مالیدن بینی اوست در راه امتثال خداوند و عبادات او.

هنگامی که قربانی را ذبح کرد، در واقع اشاره به این مطلب دارد که با انجام حج بر نفس و شیطان غلبه کرده و آن دو را هلاک نموده است، به همین جهت استحقاق رحمت و بخشش الهی را دارد؛ چنان که در حدیث وارد شده که در برابر هر عضوی از قربانی، عضوی از پیکر انسان از آتش جهنم آزاد می‌شود.

زائر بیت‌الله الحرام باید بکوشد که پس از انجام حج، اعمال و رفتارش بهتر از گذشته شود تا بدین وسیله بر اعمال و مناسکش صحّه بگذارد و نشانه‌ای بر قبول حجش باشد؛ چنان که در روایات به این مطلب اشاره شده است.

ص: ۳۷

## تاریخ و رجال

طرح جایگزین شود.

## حج در آیین مسیحیت

مسیحیان نیز همانند یهود، در آیین خود، راه و روش‌های متعددی را پیموده‌اند که زاییده خیالات و تصورات آن‌هاست و آنچنان این نظرات و تصورات در ذهن آنان جلوه کرده، که خود را به حق و دیگران را در مسیر باطل پنداشته‌اند!

حج را نیز بدینگونه تعریف کرده‌اند که در پیرامون نمادهای مورد تقدیس خود، به طواف پردازند و قربانی کنند و نذوراتی تقدیم نمایند... و با گریه و تضرع، آموزش گناهان خود را بخوانند و برخی از آن‌ها لذت‌های حلال دنیا و خواسته‌های مشروع را بر خود حرام سازند و طریق رهبانیت بیمایند و از مریم عذرا اسوه گیرند و مسیح را به خدایی برگزینند تا گناهانشان را بیامزد و به بهشت رهنمون گردد.

مسیحیان به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند و هر فرقه‌ای از آنان طریقه خاصی را در حج و مراسم و آداب ویژه آن، اتخاذ کرده است.

کتاب تحریف شده مسیحیان، انجیل، اعیاد دینی همچون عید «فصح» (۱) و «عید قیامت» و «عید المیلاد» و «عید فطاس» را به آنان اختصاص داده و اعیادشان بیشتر با مراسم و آدابی شبیه حج همراه است. یکی از نویسندگان مسیحی به نام «ونسنگ» در خصوص حج

۱- فصح، واژه عربی است که نزد یهودیان و مسیحیان از اعیاد مقدس به شمار می‌آید. یهودیان آن را مقدس می‌شمارند و آن را یاد عبور از بحر احمر و خروج بنی اسرائیل از مصر می‌دانند. این واژه در نزد مسیحیان جشن یاد بود صعود عیسی است. فصح، معرب فسح، واژه عبری و به معنای عبور و در بر دارنده معنای نجات است. بر گرفته از: فرهنگ دهخدا، واژه فصح.

ص: ۳۹

مسیحیان می‌نویسد:

«واژه شناسان عرب، حج را به «قصد» تفسیر کرده‌اند و این با معنای حج در نظر (مسیحیان) یکسان است. افزون بر این معنای اصطلاحی آن نیز همان است که در لغت عربی مصطلح است و گویا ماده و معنای این واژه در لغت سامی شمال و جنوب، همان طواف کردن و دور زدن باشد.» (۱) در انجیل تحریف شده واژه‌ای با عنوان حج وجود ندارد، بلکه تنها از اعیادی نام برده می‌شود که در آن به جشن و شادی می‌پردازند و از خدای پدر! و خدای پسر (مسیح)، که به عقیده آن‌ها ترکیب یافته از «روح الهی» و «تکوین انسانی» است، یاد می‌کنند.

بنابراین، مسیحیت در عقیده، به خدا شرک می‌ورزد و آیین آن‌ها را آیین توحیدی نمی‌توان نامید و ثنویت یا تثلیث بر عقاید آنان حاکم است؛ «خدای پدر، خدای پسر و روح القدس»

جایگاهی که خدای پسر در آن متولد شده، یکی از اماکن مقدسه آن‌ها به شمار می‌آید؛ جایگاهی که به اعتقاد آن‌ها عیسی در آنجا به دار آویخته شد، مکان مقدس دیگری آنهاست. هر جا که عیسی نماز خوانده و یا او یا مادرش مریم عذرا ظاهر شده‌اند، عنوان مقدس گرفته است و به‌طور خلاصه: هر مکان یا هر زمان، که این ظهور و تجلی نمودار گشته و یا با هر کس که ملاقاتی داشته، مورد تقدس و محل زیارت و مراسم سالانه آن‌ها شده و هر یک را انجیل عید اعلام نموده است. در هر حال، آنچه از مسیحیت به چشم می‌خورد، آن چیزی نیست که در آیین نخستین حضرت عیسی وجود داشته است. (زیرا آیینی که خود آوردنده آن بوده، آیین توحیدی بوده، اما آیین مسیحیت بر محور توحید نیست. هر آنچه مورد تقدیس قرار می‌گیرد به اعتبار انتساب آن به شخص مسیح می‌باشد، نه به خدای مسیح).

در خصوص حج و آیین نخستین مسیحیت می‌توان گفت که حضرت عیسی علیه السلام نیز از جمله پیامبرانی بود که به ندای ابراهیم خلیل علیه السلام پاسخ داد؛ آن‌گاه که به امر خداوند آهنگ حج داد.

عیسی علیه السلام از پیامبران اولوالعزم بود و می‌دانست که ندای ابراهیم جهانشمول است و به شریعت خاص اختصاص ندارد، بلکه شامل همه ادیان آسمانی و همه پیامبران و مرسلین می‌گردد و

ص: ۴۰

تکلیفی است عام بر همه مکلفین.

آنگونه که از روایات استفاده می‌شود، همه پیامبران به حج خانه خدا آمده‌اند. این روایات که از پیامبر گرامی و ائمه علیهم السلام نقل شده، تأکید می‌ورزد که عیسی بن مریم روح‌الله به کعبه مشرفه آمده و حج خانه خدا گزارده است. از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله آورده‌اند که فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَيَهْلِكَنَّ ابْنُ مَرْيَمَ بِفَجْرِ الرَّوْحَاءِ حَاجِبًا أَوْ مُعْتَمِرًا أَوْ لِيُثْبِتَهُمَا» (۱) سوگند به آن کس که جان محمد صلی الله علیه و آله در ید قدرت اوست فرزند مریم از گردنه «روحا» عبور کرده در حالیکه صدای خود را به لیک گفتن برداشته و به حج یا عمره، یا هر دو عزیمت نموده است.

و از قول امام صادق علیه السلام در روایتی آمده است:

«وَمَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ بِصَفَاةِ الرَّوْحَاءِ وَهُوَ يَقُولُ لَيْبِكَ عَبْدُكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَيْبِكَ» (۲) «عیسی بن مریم از صفائح الروحاء گذشت، در حالی که می‌گفت: لیک! بنده تو و فرزند کنیز تو! لیک.»

در مورد زمان حج پیامبران به سوی بیت عتیق؛ و از جمله آن‌ها حضرت عیسی علیه السلام، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید: «زمان حج آن دهه ذی‌حجه بوده است ... و آن پیامبران عبارتند از: آدم، نوح، ابراهیم، عیسی، موسی و محمد علیهم السلام و دیگر پیامبرانی که در این مقطع زمانی حج خانه خدا نموده‌اند و این سنت شد برای فرزندان آن‌ها تا روز قیامت» (۳). بدین ترتیب، حج حضرت عیسی که یکی از پیغمبران اولوالعزم است، امکان ندارد مخالف حج پیامبران دیگر باشد و اینکه بیت المقدس یا مکان دیگری را برای حج خود و پیروانش قرار دهد.

انحراف مسیحیان در حج

مسیحیان نیز مانند یهود، از سنت‌های الهی و راه انبیا منحرف شدند و تعالیم پیامبرشان را نادیده گرفتند و آموزه‌های شریعت را در حجاب‌های تحریف و کتمان پنهان داشتند.

قرآن کریم در آیات بسیاری، از این انحراف سخن گفته و آنان را مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا

۱- مسند احمد، ج ۲، صص ۲۴۰ و ۲۷۲ و ۲۹۰، با اندک اختلاف.

۲- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۸۵ و کافی، ج ۴، ص ۲۱۳ باب حج الأنبياء ...

۳- همان. و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴. وَ فِي الْعِلَلِ وَ عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِأَسَانِيدٍ تَأْتِي عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا جُعِلَ وَقْتُهَا يَعْنِي عُمُرَةَ التَّمَتُّعِ عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّ أَنْ يُعْبَدَ بِهَذِهِ الْعِبَادَةِ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَ كَانَ أَوَّلُ مَا حَجَّتْ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ طَافَتْ بِهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ فَجَعَلَهُ سُنَّةً وَ وَقْتًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَأَمَّا النَّبِيُّونَ آدَمُ وَ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْرُهُمْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّمَا حَجُّوا فِي هَذَا الْوَقْتِ فَجَعَلَتْ سُنَّةً فِي أَوْلَادِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

ص: ۴۱

مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱) بگو ای اهل کتاب، شما را دستاویز استواری نیست، جز آن که تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگاتان بر شما نازل شده، به کار بندید. اما بسیاری از آن‌ها از روی طغیان و کفر دستورات فرود آمده از سوی خدا را کم و زیاد می‌کنند، پس بر این قوم کافر متأسف نباش». (۲) آیه به صراحت بیان می‌کند که اعمال اهل کتاب پذیرفته نیست جز آنچه را مطابق دستور خداوند انجام دهند.

عیسی علیه السلام همانند سایر پیامبران بشارت دهنده و بیم دهنده بوده، اما مسیحیان پس از وی دو گروه شدند؛ گروهی به بت پرستی پیشین برگشتند و گروه دیگر، نام عیسی را بر زبان رانده و همه چیز را در او خلاصه کردند و بدین ترتیب تمام معتقدات مسیحیان بر محور وجود عیسی دور می‌زند.

اعیاد مهم مسیحی، به حوادثی در زندگی مسیح مرتبط می‌گردد. نماد عقیده مسیحیت صلیب است که به عیسی مسیح اشاره دارد. نماز و نیایش مسیحیان رو به مسیح دارد؛ چرا که آنان بر این باورند که برای انسان امکان آن نیست با خدا صحبت کند، بنابراین عیسی را باید مخاطب خود قرار دهد و به نیایش با او بپردازد.

نویسنده مسیحی «فرتز راید نور» می‌گوید:

«کلید عقاید مسیحیت این است که در واقع مسیح عامل پیدایش معتقدات آیین مسیحی می‌باشد و هم اوست که مجموعه اینها را در خود جمع می‌کند.» (۳) بر این اساس، جامعه مسیحی، اماکنی را که یاد و خاطره مسیح را تداعی می‌کند و از شخص او یا شخصیت مادرش مریم، در رهگذر تاریخ تا به امروز جلوه و نمودی دارد، برای اعیاد سالیانه و آداب دینی و حج برگزیده‌اند که این اماکن مقدس را در ذیل می‌نگریم:

۱- برخی از مسیحیان به سوی بیت المقدس در فلسطین جایی که صلیب اصلی عیسی بن مریم قرار دارد، رهسپارند و با این حرکت به سنت ملکه «هیلا نه» تأسی می‌جویند.

۲- گروه دیگر به کنیسه «رومه» رم در ایتالیا رو می‌آورند.

۳- برخی از آن‌ها به «لورد» در

۱- مائده: ۶۸

۲- مائده: ۶۸

۳- چگونه باید مسیحی بود؟ ص ۱۷۶

ص: ۴۲

فرانسه، آنجا که معتقدند جناب مریم برای آنان تجلی کرده، حج می‌گزارند.

۴- جمعی از آنان به کنیسه «فاطیما» متوجه‌اند؛ زیرا بانویی بزرگ و نورانی به نام فاطیما در آنجا تجلی کرده است.

۵- عده‌ای از آن‌ها به اماکن متفرق دیگری مثل قبرهای پیشینیان خود یا کوه‌ها و بخش‌های دیگری از طبیعت روی می‌آورند.

اکنون به هر یک از این موارد نظر می‌افکنیم و موضع جغرافیایی هر یک و تاریخ آن را به اجمال از نظر می‌گذرانیم:

#### ۱- حج بیت المقدس

در هیچ یک از نصوص تورات و انجیل و دیگر آثار معتبر، نشانه‌ای از حج به بیت‌المقدس وجود ندارد و این تنها سنتی است که به علل خاصی رایج شده است. عامل اساسی این را در تبعیت از سنت ملکه «هلن» (Helene) (مادر امپراتور قسطنطنیه باید کاوید که نامبرده، چوبه داری را که حضرت عیسی بر آن به دار آویخته شد، کشف کرد و آن روز را روز مبارک و عید مسیحی قرار داد که همه ساله در آن روز حج می‌گزارند؛ روزی که به «عود مقدس» موسوم است.

«هلن که از مروجان آیین مسیحی بود، در سال ۳۲۶ میلادی، سیاحتی را به شرق آغاز کرد و در خلال آن اماکن مقدس فلسطین را زیارت کرد و کنیسه‌هایی را دور اورشلیم و بیت لحم بنیان نهاد. می‌گویند او موفق شده در این سیاحت، عود صلیب و چوبه‌دار حقیقی مسیح را پیدا کند. (۱) او اهتمام بلیغی داشت که جایگاه حوادث مهم جامعه مسیحی را کشف کند و معبدهایی را به عنوان یادمان این حوادث بنیان نهد. (۲) مسیحیان «کنیسه قبر مقدس» را که در کنار کوهی بنا شده و معتقدند مسیح آنجا به دار آویخته شد، گرامی می‌دارند.

این کنیسه در شهری قرار گرفته که سلطان سلیمان قانونی در سال ۱۵۴۱ م. بنا نهاد و در شرق شهر قدیمی قرار دارد ... هنگامی که ترک‌های سلجوقی، مسیحیان را از زیارت بیت‌المقدس مانع شدند و کنیسه قبر مقدس (کنیسه قیامت امروز) را ویران کردند، جنگ‌های صلیبی در گرفت و در سال ۱۰۹۹ م. آن را صلیبی‌ها متصرف شدند. (۳) زیارت یا حج کنیسه قیامت (کنیسه قبر مقدس) به اعتقاد مسیحیان معمولاً در

۱- معجم الحضارة السامیه، هنری س. عبودی.

۲- العرب و اليهود فی التاريخ، د. احمد سوسته.

۳- همان منبع.



ص: ۴۳

عید سالیانه فصح صورت می‌پذیرد که عید بزرگ مسیحیان است و به اعتقاد مسیحیان، قیامت مسیح در میان مردگان می‌باشد و زمان این زیارت از ۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل می‌باشد و بسیاری از اعیاد عمده مسیحیان به عید فصح ارتباط دارد و قبل از این زیارت روزه بزرگ مسیحی‌ها است که چهل روز ادامه دارد و مصادف با آلام مسیح است. (۱) «عید فصح» یک عید آیینی است که اوامر و نواهی مخصوصی چون روزه و نماز و دعا و نذورات و قربانی و دیگر آداب دینی را در برمی‌گیرد و با عید مشهور میلاد مسیح که یادواره تولد مسیح است، تفاوت بسیار دارد.

در عید میلاد نیز زیارت کنیسه قیامت را مستحب می‌دانند و اگر زیارت آن میسر نشود، هر کنیسه دیگر را که بتوانند زیارت می‌کنند. در هر حال، حج به کنیسه قیامت در بیت المقدس که سنتی بر جای مانده از ملکه هلن می‌باشد و تذکار جستجوی صلیب مسیح است، طی نسل‌ها به عنوان یک سنت مورد توجه قرار گرفته تا بدانجا که به عنوان یک فریضه دینی و اطاعت امر الهی - که به زعم آن‌ها عیسی تشریح نموده - درآمده است، حال آنکه حقیقت این حج جز میراث هلن نیست و آن را حج الهی نمی‌توان نامید.

## ۲- معبد رومه در ایتالیا

رم از شهرهای مهم و مقدس ایتالیا در نگاه مسیحیان است. از دیرباز مرکز فرهنگی، هنری و دینی به شمار می‌آید و آن را شهر جاویدان یا شهر مقدس می‌نامند. رم از شهرهای بزرگ ایتالیا است که تاریخ آن به قرن هشتم قبل از میلاد می‌رسد و در گذشته پایتخت جمهوری روم و سپس مرکز امپراتوری رم بوده است. و نیز مرکز تبشیری پاپ و امروزه پایتخت جمهوری ایتالیا و مرکز فعالیت‌های اداری و روحانی کلیسای کاتولیک رم و به تعبیر دیگر پایتخت رهبری پاپ در آنجاست.

در تاریخ تمدن آمده است: عوامل متعددی وجود دارد که پایتخت رم را به صورت مرکز فعالیت‌های مسیحی و محل تلاقی ملیت‌های مختلف درآورده. این شهر از زیبایی خاصی برخوردار است و آثار باستانی جذابی دارد. مقر کلیسای کاتولیک و حکومت پاپ به شمار می‌رود و دل‌های بسیاری از مسیحیان را

ص: ۴۴

که به عیسی علیه السلام عشق می‌روزند، به خود متوجه ساخته و کلیسای آن زیارتگاه سنواتی و مرکز تجاری و تفریحی شده است. آهنگ حج به این کلیسا به اعتقاد ما چیزی جز تفریح و گردشگری نیست و فاقد بُعد معنوی می‌باشد و این نوع تفریحات سنواتی در هر مکان و زمانی ممکن است و هیچ یک از شرایط حج و بندگی را ندارد و این گونه سفرها با توجه به اوضاع اجتماعی غرب و افعال ضد اخلاقی که رخ می‌دهد، اموری است که خداوند بدان راضی نیست و حضرت مسیح از آن تبری می‌جوید، با این حال جای شگفتی است که نام حج بر آن نهاده شود.

۳- کلیسای لورد در فرانسه (loord)

آهنگ حج به این کلیسا در سال ۱۸۵۸؛ یعنی هیجده قرن پس از میلاد مسیح علیه السلام رایج شده و انگیزه آن این بود که یکی از راهبه‌های کلیسا مدعی شد مریم عذرا را مشاهده کرده! در حالی که در جوار غاری قرار دارد که در نزدیکی آن کلیسا تجلی نموده است.

«لورد» شهری است در بخش جنوب غربی فرانسه که در قرون وسطی موقعیت مهم استراتژیک داشته و از سال ۱۸۵۸ م. به صورت زیارتگاه مسیحیان در آمده است و بیماران کاتولیک به قصد استشفای بدانجا رهسپار می‌شوند؛ زیرا شایع شده بود که مریم بارها در آنجا تجلی کرده و دختر جوانی به نام برنات وی را مشاهده کرده است. (۱) لویس معلوف می‌نویسد: کتاب‌های مسیحیان مدعی است که «برنات سوپرویس» متولد سال ۱۸۴۴ در لورد فرانسه مریم عذرا را در سن ۱۲ یا ۱۴ سالگی زیارت کرده و او را به تأسیس این معبد توصیه نموده است. (۲) شک نیست که ظهور جناب مریم و تجلی آن برای نصاری هر چند شایع شده است، اما زائیده تخیلات یاوه عناصر افراطی و یا ساخته و پرداخته اغراض سیاسی، اجتماعی یا تبشیری یا عوامل دیگری است. هر چند این غار باب المراد آنان گشته است و با نذورات و دیگر دستاویزها، حاجات خود را آنجا طلب می‌کنند. شب‌هایی را به گریه و زاری می‌گذرانند و آمرزش گناهان خود و شفای بیماران خود را می‌خواهند. مایه شفگتی، ساده لوحی برخی مسیحیان است که این اماکن را جایگاه حج

۱- موسوعه المورد، ج ۶، ص ۱۴۸

۲- المنجد.

ص: ۴۵

می‌نامند که خدای جان و مسیح و مادرش پرستش می‌شوند. کتاب‌های آن‌ها با جرأت تمام به نقل آن می‌پردازند و تنها به اظهارات دختر بچه‌ای که مدعی است در آن‌جا مریم عذرا را دیده، دل می‌سپارند.

۳- کینسه فاطیما در پرتقال

داستان فاطیما بر محور قضیه‌ای می‌چرخد که در اروپا اتفاق افتاده و توجه جهان مسیحی را به خود جلب کرده و در زمره آداب و شئون ویژه مسیحیان درآمده و به نوعی با جهان اسلام مرتبط می‌گردد.

فاطیما قریه‌ای است در شبه جزیره فیبری در غرب اسپانیا و در شهری به نام «لیشبونه» قرار دارد؛ سرزمینی که عبدالرحمان در سال (۷۱۰م) فتح کرد و تا قرن یازدهم میلادی در قلمرو اسلام قرار داشت و سپس اروپا آن را متصرف شد و اسلام از آن سرزمین رخت بر بست و بیشتر مردم آن مسیحی‌اند.

این قریه در سال ۱۹۱۷ م ناگهان به صورت زیارتگاه مسیحیان و مقصد زائران درآمد و آنچه مایه شگفتی پژوهشگران است، چگونگی آمیختگی تعالیم مسیحی با تعالیم اسلامی؛ به خصوص در دیدگاه مردم قریه است که کلیسای فاطیما در آن واقع است. داستان از اینجا آغاز می‌شود که سه کودک روستایی شاهد حادثه‌ای می‌شوند که در حوالی روستا برای آنان تجلی می‌کند و سپس سرچشمه اعتقادی عمیق برای اهل روستا می‌شود. (اجمال این حادثه به قولی چنین است که سه کودک شاهد تجلی نوری شدند که به باور آن‌ها فاطمه زهرا علیها السلام بوده و تسبیحات حضرت زهرا را به آن‌ها آموخته که به نقل تاریخ‌نگاران زائران مسیحی در کلیسای فاطیما اجتماع می‌کنند و تسبیحی به دست می‌گیرند و هر یک به لغت خود آن تسبیحات را می‌گویند.

قول دیگر در این حادثه این است که مریم علیها السلام ظهور کرده و این مکان را قداست بخشیده ولی نام فاطیما روی این کلیسا با وجه دوم سازگار نیست، اگر فاطیما همان فاطمه باشد.

در هر حال، از آنجا که اعتماد کامل به نقل مزبور نبود، از ترجمه تفصیلی آن خودداری شد (و الله اعلم - مترجم). (۱)

ص: ۴۶

در هر حال انبوه زائران، صدها کیلومتر طی مسافت می‌کنند و از اطراف و اکناف به حج و زیارت این کلیسا می‌آیند و به ندورات و ادعیه و آداب و اذکار مخصوص می‌پردازند. (۱) ۵- حج دیگر اماکن مقدس افزون بر آنچه از اماکن مقدس مسیحیان ملاحظه شد، مکان‌های دیگری هست که برخی از آنها را زیارت می‌کنند؛ مانند قبور مردگان و بعضی اشجار که آنها را شجره عید میلاد می‌نامند و برخی کوه‌ها و اشیای دیگر که نیاز به شرح آن نیست. پی‌نوشتها:

۱- همان منبع.



## مأموریت‌های مشکوک در سرزمین‌های مقدس

حسن سعید/ اصغر قائدان

شهرت و آوازه حرمین شریفین (مکه و مدینه) موجب شده است تا برخی از اروپاییان به تفحص و ماجراجویی پرداخته و احیاناً به دلیل برخی مسائل سیاسی یا جاسوسی، به شیوه‌های غیر قانونی و در پوشش مسلمان و زائر حرمین، به این شهرهای مقدس سفر کنند و دیده‌ها و شنیده‌های خویش را به صورت خاطره منتشر سازند. البته نوشته‌های آنان، گاه با تعصب و غرض ورزی همراه بوده و گاه تنها جنبه تاریخی و بیان خاطرات داشته است.

نوشته‌ای که در پیشدید شماست، مطالبی است از این دست به قلم آقای حسن السعید که توسط آقای اصغر قائدان از عربی به فارسی ترجمه شده است. امید است مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد:

شایسته است پیش از پرداختن به موضوع، منظور خود، از عنوان «سرزمین مقدس» (حرمین شریفین مکه مکرمه و مدینه منوره) را ذکر کنیم. ضرورت این نکته به خاطر اشتباهی است که پیش خواهد آمد؛ زیرا سرزمین‌های اسلامی، شهری‌های مقدس متعددی را در بر می‌گیرد؛ مانند قدس شریف، نجف اشرف، کربلا، کاظمین، خراسان، سامرا و ... (۱)

دو شهر مکه و مدینه ویژگی‌هایی دارند؛ از جمله این دو شهر، دژ استوار و مستحکم اسلام بوده و در طول قرون متمادی، جایگاه فرود وحی و تنزیل و

۱- در حدود دانش ما، «الموسوعة العتبات المقدسه» است که مرحوم جعفر خلیلی آن‌ها را مهیا کرده و بر آن اشراف داشته، و آن بهترین کار را در این باب انجام داده است.

ص: ۴۹

مورد توجه مسلمانان بوده‌اند. این دو شهر، در طول دوران‌های درخشان اسلامی، از دسترس دشمنان اسلام دور مانده‌اند؛ زیرا نیروهای غربی نتوانسته‌اند به‌طور کامل و جامع در مورد طبیعت و خصوصیات ساکنان جزیره‌العرب و موقعیت جغرافیایی آن، شناخت و آگاهی‌های درستی به دست آورند. به موازات افزایش قدرت اروپا در قرون اخیر و ناتوانی جهان اسلام، موجی از توجه و علاقه ظاهری در میان غربی‌ها به وجود آمد که توجه و علاقه واقعی آن‌ها را- که از اندیشه‌های سیاسی و استراتژیکی برخاسته بود- در خود پنهان می‌ساخت. (۱)

بدیهی است بدون شناخت آثار تاریخی بر جای مانده و وضعیت سیاسی ویژه، همگام با درگیری فرهنگی و تمدنی که از قرن‌ها پیش میان اسلام و غرب برافروخته شده، احاطه بر تمام جنبه‌های این توجه و تمایل غربی‌ها، در توان ما نیست. روشن‌ترین صحنه‌های برخورد

غربیان در طول چهارده قرن، با اسلام درگیر و در تنش بوده‌اند؛ زیرا اسلام همواره از نظرگاه آنان، رقیب، هم‌آورد و دشمن به حساب می‌آمده، در حالی که از همه به او نزدیک‌تر بوده است.

به تعبیر شرق شناس فرانسوی، ماکسیم رودنسون، اسلام از آغاز پیدایش خود، از لحاظ ارتباطات و گستره فرهنگی، بر غرب پیشی جست و پس از آنکه بسیاری از مناطق جهان را از سلطه اروپا خارج ساخت، خود را دشمن بزرگ اروپای مسیحی نشان داد. (۲)

مواجهه و برخورد مسیحیت با اسلام، در آغاز، به صورت شکوه و گلایه پنهان بود، اما آنگاه که خلیفه فاطمی «الحاکم بامر الله»، زیارتگاه‌های مقدس مسیحیان در قدس را که برای آنان مقدس بود، ویران کرد، این گلایه نهفته به فریادها و نعره‌های گوش‌خراش و ویران‌گر تبدیل شد (۳) و موجب گردید تا مسیحیان در سایه ترس اروپا، از جنگ با اسلام، ادعاهای خود را پیش برده و به صورت خطری بزرگ درآیند. از همین جا بود که اروپا، با همه پراکندگی خود، وحدت یافت و توانست در برابر اسلام، به‌پاخیزد و در خلال جنگ جهانی اول، این نیروی قدرتمند را ناتوان ساخته و

۱- رجوع شود به مقاله «من تاریخ رحلات الاستکشاف الغربیة الی الجزيرة العربیة و اغراضها

رجال علی ظهر الرمال» از تاریخ مسافرت‌های استکشافی غربی به جزیره‌العرب و مقاصد آن‌ها، مردانی بر پشت ریگ‌های عربی، از عبدالرحیم حسن، مجله العالم لندن- ۲۷۶: ۲۷۵۰ آیار می، ۱۹۸۹ م- ۲۲ شوال ۱۴۰۹ ه.

۲- برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به «الاسلام و الغرب» و «الوجه الآخر» از نویسنده همین سطور، انتشارات مؤسسه توحید، نشر تهران، ۱۴۱۸ ه- ۱۹۹۷ م ۱۴ و بعد از آن.

۳- برابرا براون «نظره عن قرب فی المسیحیة» نگاهی از نزدیک به مسیحیت، ترجمه مناف حسین یاسری نشر توحید، تهران، ۱۴۱۶ ه- ۱۹۹۵ م: ۸۵

ص: ۵۰

تبدیل به موجودی زار و ناتوان کند و یک پیروزی دراز مدت به دست آورد.

اکنون مهم‌ترین جلوه‌های جنگ و درگیری مستقیم، میان اسلام و غرب را به اختصار، در موارد زیر ارائه می‌دهیم:

۱- موضع‌گیری‌های اسلام در برابر روم، در خلال جنگ‌های «تبوک»، «یرموک» و ...

۲- کشورگشایی‌های مسلمانان در صقلیه (جزیره سیسیل) و اندلس و جنوب فرانسه، پیش از آنکه اروپا از خواب گران خود برخیزد و بیداری فرهنگی جدید خود را آغاز کند.

۳- برخورد خشن میان اروپای متحد و اسلام، تحت عنوان «جنگ‌های صلیبی».

۴- سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ م. به دست ترک‌ها، که به همین دلیل، دروازه اروپا کاملاً به سوی سیل نیروهای اسلامی، گشوده شد. (۱)

در همین زمینه، دو رویداد مهم دیگر رخ داد که در تعیین سیر و حرکت این رویارویی، نقش مهمی ایفا کرد؛ بازپس‌گیری اندلس در سال ۱۴۹۵ م. و رسیدن عثمانی‌ها به نواحی مشرف بر قنیا (کنیا) در سال ۱۵۲۹ م. -۱۶۸۳. باز درست در همان هنگام که غرب پس از رویداد اول، نیروهای عظیمی را برای تداوم هجومش بر سرزمین‌های اسلامی تدارک می‌دید، تا در منطقه‌ای یا مناطق دیگری به کار گیرد، حادثه دوم برای او ترسی پنهانی ایجاد کرد و در دور ساختن خطر تهدید کننده‌اش برای مسلمانان مؤثر بود. اکنون شایسته است که محققى بگوید:

ما نباید این حقیقت را فراموش کنیم یا از عظمت آن بکاهیم که عامل دینی، از مهم‌ترین عوامل «مسأله شرق» بود؛ زیرا ترک‌ها از لحاظ ریشه، نژاد، زبان، فرهنگ و امور اجتماعی، با اروپایی‌ها غریبه بودند.

جزیره العرب، کانون توجه و تلاش

پس از آنکه ترک‌ها شهر قسطنطنیه را در سال ۱۴۵۳ م. گشودند، نقشه‌های متعددی از سوی غربی‌ها برای تقسیم امپراتوری عثمانی طرح شد که دیپلمات ایتالیایی ت. ج جوآرا (Djuwara) حداقل ۹۲ مورد از این نقشه‌ها را گردآورده است. برخی از آن‌ها توسط اسقف‌های معروفی چون بابالیون دهم و

۱- د. محمد ابراهیم فیومی «الاستشراق رساله استعمار» شرق‌شناسی رسالت استعمار دار الفکر العربی، قاهره ۱۹۹۳ م: ۳۰ با تصرفی بسیار اندک.



ص: ۵۱

کلیمنت هشتم شرح گردیده است و برخی دیگر را پادشاهان و فرماندهان سیاسی؛ مانند ماکسی میلیان اول، ناپلئون اول و سایر سرداران و نیز دیپلمات‌ها و مردان سیاسی، مانند آلبرونی (Alberoni) و تالیران (Talleyran) طراحی کرده‌اند. همچنین افرادی از صاحب نظران و برخی از ایده‌آلیست‌ها، نظیر لیبیتس (leibnits) راهب سان‌بیر ... نیز در ایجاد چنین نقشه‌هایی، برای تقسیم دولت عثمانی شرکت کردند. (۱) هنگامی که «ولیم بلغریف»، مشاهدات خود را در کتابی به عنوان «سیاحت یک ساله در وسط و شرق جزیره‌ی العرب» به سال ۱۸۷۳ م. نوشت، به این مطلب نیز اشاره کرد: «اکنون زمان آن فرا رسیده که جایگاه خالی موجود در نقشه آسیا را پر کنیم و این همان هدفی است که علی‌رغم همه خطراتش به زودی به سوی آن پیش می‌رویم، که یا این زمین پهناور رو به رویمان، گور ما خواهد شد یا اینکه به زودی از گسترده‌ترین گستره‌های آن عبور خواهیم کرد».

او در این کتاب، رؤیاهای و اهداف و مقاصد جهانگردانی را که پیش از او به این دیار سفر کرده بودند یا به زودی پس از او خواهند آمد، تشریح می‌کند.

مشاهدات بلغریف به مقطع ویژه‌ای از تاریخ اختصاص نمی‌یابد. او تلاشی فراگیر در صحرای شنزار جزیره‌ی العرب را آغازید و بلکه رؤیای گسترش این تلاش‌ها را به شرق در ذهن خویش می‌پروراند که خود این، عامل پیدایش این اندیشه در مخیله صلیبیان گردید.

و این رؤیا با روح عصر نهضتی که در اروپا شروع شده بود، ارتباط می‌یافت و چشمانش را بر دریاهای دور و نزدیک و مللی که در آن‌ها سکونت داشتند می‌گشود.

اوضاع مختلف سیاسی و نظامی اروپا وارد مغرب زمین گردیده، در حال تغییر بود (۲) و هنوز قرن نوزدهم میلادی پایان نیافته بود که دولت‌های اروپایی بر بخش بزرگی از جهان اسلام مسلط شدند، و در آن مناطق به نفوذ سیاسی یا اقتصادی دست یافتند. درخلیج فارس، انگلیس به تدریج به دنبال یک فرصت بی‌سابقه، به ویژه پس از پیروزی نیروی دریایی‌اش بر نیروی دریایی اسپانیا، در جنگ

۱- زین نورالدین زین: «الصراع الدولی فی الشرق الأوسط و ولادۃ دولتی سوریا و لبنان»، دارالنهار للنشر، بیرون، ۱۹۷۱ م. ۲۳

۲- شاید گسترده‌ترین تاریخ در مورد رؤیای غرب در مورد شرق همان باشد که «ادوار سعید» در کتابش «الاستشراق» آورده است. البته به تلاش‌های انجام یافته در نیمه دوم قرن گذشته و تنها به روش علمی آکادمی منحصر کرده‌است. مجله العالم، مرجع پیشین.

ص: ۵۲

«الارماداء» به سال ۱۵۸۸ م.، با تأسیس شرکت هند شرقی در سال ۱۶۰۰ م.، تسلط خویش بر امارات عربی حاشیه خلیج فارس را آغاز و ارتباطش با ایران و عراق برای نفوذ در آنها تحوّل ایجاد کرد.

بخش وسیعی از شمال آفریقا، در آغاز سال ۱۸۳۰ م. به دست اشغالگران فرانسوی سقوط کرد و روسیه تزاری نیز مناطق اسلامی در آسیا را به اشغال خود در آورد و در دست دولت عثمانی، چیزی غیر از عراق و شام و جزیره العرب باقی نماند. مصر نیز از سال ۱۷۹۸ م.

هنگامی که ناپلئون بناپارت با آن جنگید، از سلطه دولت عثمانی خارج شد. اما تا سال ۱۸۸۲ م. در حالتی شبه استیلاء باقی ماند و در آن سال جزو متصرفات و مستملکات استعمار بریتانیا شد.

نقشه اروپا برای استیلا بر جهان اسلام از راه‌های مختلفی اجرا و تسهیل می‌شد؛ مانند اشغال نظامی تدریجی، معاملات اقتصادی و تبلیغات دینی کلیسایی، سیاحان و جهانگردان، استفاده از کارگزاران و حاکمان مزدور محلی (البته هر جا که ممکن بود) و ... اسلام دارای نواحی و مناطق گسترده‌ای بود و در درون حصار دینی مستحکمی به سر می‌برد و روح جهادش، اروپا را دچار ترس و اضطراب می‌ساخت. در این میان، منطقه عربی آن به سبب موقعیت استراتژیکی و تاریخی که داشت، بیش از همه مناطق اسلامی، مورد توجه و اهتمام اروپاییان بود و جزیره العرب، کانون این توجه و اهتمام به‌شمار می‌رفت و ...

در درگیری مستقیم نیروی اسلامی با اروپا، به تدریج کفه ترازو به نفع اروپایی‌ها سنگینی کرد و موجب قطع روابط عربی - عثمانی شد. (۱)

روشن و واضح بود که مکه مکرمه و مدینه منوره، در رأس اولویت‌های توجه غربی‌ها به جزیره العرب قرار گیرد. ظهور و گسترش اسلام، که سرچشمه‌هایش، از جلگه‌های مکه و زمین‌های پست و خشک آن می‌جوشید و معجزه جاوید پیامبر صلی الله علیه و آله - که او و راه یافتگان هدایتش آن را محقق ساختند - در نشر و پخش اسلام، سرعت غافل‌گیر کننده‌ای داشت، پیوسته در شرق و غرب پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که هنوز انعکاس صدای آن در غرب و در اطراف و اکناف آن به گوش می‌رسد.

۱- د. شلتاغ عبود شرّاد «غیاب الوعی فی موقف الشعراء العرب من ثورة الحجاز» ۱۹۱۶. غیبت توجه در موضع شعرای عرب راجع به شورش حجاز. ۱۹۱۶؛ قهرمانی فردی و رؤیای وحدت، مجله العالم لندن - ۳۴۳: ۸۵۰، ایلول / سپتامبر ۱۹۹۰ م - ۱۷ صفر ۱۴۱۱ ه..

ص: ۵۳

اینجاست که دانشمندان و شرق شناسان پیوسته در هر موضوع مرتبط با این دعوت، به بحث و تحقیق می‌پردازند؛ دعوتی که مسلمانان با نور هدایتش، راهنمایی و روشنایی یافتند.

غربی‌ها به تحقیق پیرامون وضع مکه، که این نور از آن تابیده بود، پرداختند و مورخان، همه مسائلی را که به نحوی با آن ارتباط داشت، مورد بحث و بررسی قرار دادند.

نام مکه در میان غریبان، وارد زبان‌ها شد و به صورت کلمه ویژه‌ای به فرهنگ‌ها و کتب لغت آنان راه یافت تا بتواند جهتی را که مردم، رو به آن می‌کنند، یا هموار به سوی آن می‌روند، تشریح و تبیین سازد. البته آنان تنها به این اکتفا نکردند، بلکه تمام گردشگران غربی نیز، به سوی آن بار سفر بستند و خود را به رنج و سختی انداختند تا به آنجا وارد شوند و ناشناخته حج بگذارند و ...

برخی از آن‌ها به این هدف رسیدند، اما بسیاری دیگر (از حضور در آن مکان) درماندند. از آنچه درباره این بحث‌ها و تحمل دشواری‌های آن نوشته شد، سرمایه و ذخیره علمی مهمی پدید آمد که بر اهل بحث و تحقیق، احاطه بر همه آن‌ها دشوار است؛ به‌ویژه این که آنچه نوشته شده، به یک زبان زنده غربی نیست بلکه به زبان‌های متعددی؛ از جمله مهمترین آن‌ها انگلیسی، آلمانی و فرانسوی است.

مخفی نماند انگیزه‌ها و اهداف غربی‌ها از سفر به این سرزمین را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

تبلیغی؛ از طرف کشیش‌ها و کلیسا.

درس و بحث‌های علمی و در بیشتر موارد تجسس و اهداف سیاسی. (۱)

سفر پی در پی ماجراجویان به شرق

اینکه گفتیم نام ویاد جزیره‌العرب، از زمان‌های دور در برخی از منابع غربی آمده، درست است؛ زیرا هیروودوت مورخ قرن پنجم قبل از میلاد در کتابش آنرا ذکر کرده است و همچنین ثیوفرست، شاگرد ارسطو، در کتابش «تاریخ النبات» مباحث جالبی از گیاهان عطری مشهور کشورهای عربی آورده است.

جغرافی‌دان یونانی استرابون (حدود اوایل قرن اول میلادی) و مورخ ایتالیایی، بلینی در قرن دوم میلادی، الواحی از اسامی قبیله‌ها و شهرها و

۱- جعفر خلیلی «موسوعه العتبات المقدسه». بخش مکه- ۲: ۱۸۰ مؤسسه علمی، چاپ ۲، بیروت، ۱۴۰۷ هـ- ۱۹۸۷ م.

ص: ۵۴

روستاهای موجود در میان شبه جزیره‌العرب، درست کرده است. اما همه آنچه این نویسندگان نوشته‌اند، برای کنار شناساندن حقیقت شبه جزیره عربی، کافی نبوده است. گر چه برای برانگیختن همت دولت‌ها، در کشف این حقیقت پنهان کافی بوده است.

(۱)

در عمق ادامه برخوردها و درگیری‌های میان اسلام و غرب، بسیاری از حقایق اسلام و سرزمین آن برای غریبان ناشناخته و در نماند و در پشت پرده‌ای انبوه از دود محو گردید و سرانجام دانسته‌های آنها به اینجا منجر شد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جزیره‌العرب متولّد شده است و دو شهر مقدس مسلمانان؛ مکه مکرمه و مدینه منوره می‌باشد. و نیز این عقیده خطا در میان آنان رواج یافت که جسم پیامبر گرامی، در هوا معلق است! و ... (۲)

«پتر برینت» نویسنده غربی می‌نویسد: «خرافات و اسطوره‌هایی به ما اروپاییان رسیده است که دشمنان ما به وسیله آن توصیف می‌شوند. دشمنان ما به راحتی در اروپا رفت و آمد می‌کنند، اما از منطقه شرق اسلامی برای ما آگاهی‌هایی بسیار ناچیز رسیده است.

آگاهی‌های که نشان و علامت از شایعه و ترس و نگرانی و حسد دارد و به جای بحث و تفحص و بینش در امور، نشان‌دهنده خرافات و موهومات است.

کشورها و شهرهای عرب، به‌ویژه مکه، صرفاً مناطقی خرافی شده‌اند که خطر در آن‌ها کمین کرده است و آن اصل و مرکز همان دینی است که رأساً و اساساً، کیان مسیحیت را تهدید می‌کند. پس خیابانها و زمینش، بر کفار غریب و نا آشنا و ممنوع است و شمشیر و سلاح، حمایت از آن را بر عهده دارد و تعصب کور بر مدافعان مکه، کاملاً مستولی است و حقیقت مکه بر اروپاییان دور مانده و آنان در باره مکه با هیچ تفکری، جز همین خرافات، آشنایی ندارند.

گردشگران اروپایی که به این سرزمین رفته‌اند، همواره از ظلم و جهل همراه با ابری انبوه و متراکم را ارائه می‌کنند و القا می‌کنند که در آنجا خطرها آغوش خود را گشوده است و این که این منطقه، سرزمینی است بی‌نظم و نزدیک شدن به آن جایز نیست مگر درحالی که خطر مرگ تهدید کننده‌ای در پیش باشد.

در آن سوی مرزهای سوریه و پشت کوه‌های یمن و در منطقه داخل آن

۱- د. محمود سمره: «مراجعات حول العربیة و الاسلام و اروپا»

مراجعاتی در باره عربیت، اسلام و اروپا سلسله کتب عربی ۴- کویت، ۱۹۸۴ م: ۱۱۸

۲- مرجع پیشین، ص ۱۱۷

ص: ۵۵

طرف دریای سرخ، اسطوره‌های خرافی و وحشتناک وجود دارد و کانونی برای میلیون‌ها نمازگزار و نیایشگر و زادگاه دشمنان مسیحیت است. (۱)

«برینت» گفتارش را این گونه ادامه می‌دهد:

«و جزیره‌العرب شهرهایی اسطوره‌ای شد و شایعات و حدسیاتی در خصوص این نام رایج گردید. از آنجا که برخی از گردشگران و جهانگردان برای کشفیات (جدید) به این سرزمین آمده و بسیار دقیق و وسواسانه، به تکمیل تحقیقات خود پرداختند و از آنجا که اروپاییان نتوانستند پرده از اسرار این منطقه اسلامی بردارند، آنجا سرزمین اسرارآمیز شد و شهرهای عربی، با همین سحر و انگیزش، در خلال قرن‌ها و قرن‌ها، در برابر اروپایی‌ها محفوظ و مصون ماند. پس در چنین موردی، چه رأی و عقیده‌ای می‌توان ابراز داشت؟! در مورد مقدس‌ترین پایگاهی که قبله‌گاه نماز میلیون‌ها انسان است. از غرناطه تا دهلی، و از ساریوو تا تمبکتو، چه عقیده‌ای باید داشت؟! و چنین است که هم‌اورد طلبی‌های ضمنی موجود، در چنین اوضاع و احوالی، در نهایت پایدار نبود و چنان که می‌بینیم، پایداری در برابر آن، ممکن نشد و بدین‌گونه ماجراجویان زیرک و هوشیار، حيله‌ها و مکرهای گوناگونی را برای پرده‌برداری از اسرار مکه و مدینه، همین دو شهر مقدسی که با رمزها و رازها، پوشیده شده و با تعصب...! محفوظ گشته بود، به کار گرفتند. این ماجراجویان، با شوق و علاقه، پی در پی برای شناخت این دو شهر و تمامی شبه جزیره، سفرهای خویش را آغاز کردند، گرچه انگیزه‌های آنان تفاوت‌های بسیار داشت، اما با شدت و ضعف در جریان بود. (۲)

مأموریت‌ها و کوشش‌های مشکوک

به علل بسیاری که کمترین آن‌ها، حساسیت موضوع است، تلاش‌های غربی‌ها، پیرامون مکه مکرمه و مدینه منوره با احتیاط شدید همراه شد و در بیشتر موارد، به کلی سزای نام گرفته است.

البته غیر از آن، یک تلاش علنی وجود دارد، که مکنل انگلیسی «جرالد دیگوری» تنها گزارشگر آن است.

هنگامی که از اقدام صلیبی‌ها، در هجوم علیه اسلام، آنهم در عمق سرزمین‌هایش برای قطع راه حج و مکه و تسلط بر دو

۱- بیتر برینت «بلاد العرب القاصیه، رحلات المستشرقین الی بلاد العرب» کشورهای دوردست عرب: سفرهای شرق شناسان به

کشورهای عربی: ۳۲. ترجمه خالد أسعد- عسی و احمد غسان سبانو، دار قتیبه، بیروت، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

۲- همان مرجع پیشین: ۳۴-۳۵.

ص: ۵۶

شهر مقدس این سرزمین، حدود سال ۱۱۸۲-۱۱۸۳ م. در روزگار شریف تناده، و در دوران خلیفه مقتدر در بغداد سخن می‌گوید، اینگونه روایت می‌کند که:

جنگجویی از جنگجویان صلیبی فرانسوی، که «رینودی شاتیون» خوانده می‌شد، بر شهرهای مشرق اردن و قلعه‌های موآب و شوبک، قسمت شرقی بحر المیت، مسلط شد. پس از اینجا، بر راه مسیر حج به سوی مکه مکرمه، سلطه یافت و در خیالش، نقشه‌ای جسورانه ترسیم کرد، که در آن نقشه، در عمق سرزمین اسلام، بدان حمله‌ور می‌شد و آروزهای صلیبی‌ها را محقق می‌ساخت. او در سال دوم، با شروط صلح برقرار شده با مسلمانان مخالفت کرد و تمام تهاجم خود را در جزیره‌العرب ادامه داد تا به تیماء رسید، پس راه حج را بست و بر تعدادی قافله ثروتمند، تسلط یافت. البته او از نظر خود در تهاجم به مدینه از راه خشکی، دست برداشت و می‌خواست بر آرزوهایش که دستیابی به اموال و اشیای گرانقیمت در قبر پیامبر بود، دست یابد و تصمیم گرفت که این خواسته را از طریق دریا، عملی سازد.

پس از اقدام او به کارهای زشت و نفرت‌انگیز؛ مانند آتش زدن کشتی‌های تجاری و غرق ساختن یک کشتی بزرگ که تعداد انبوهی از حاجیان را به جده منتقل می‌کرد، «صلاح‌الدین ایوبی» بر اساس گفته دیگوری، تصمیم گرفت که در مقابل این خطر، که مکه و مراکز مقدس دیگر را تمدید می‌کرد، حد و مرزی ابدی بنیان نهد. پس دستور داد، کاخ رینو و قلعه‌اش را در اختیار گیرند و محاصره آن را شخصاً در پاییز سال ۱۱۸۳ م. آغاز کرد. گرچه رینو، از این محاصره رهایی یافت، اما مدت زیادی پس از حمله سست و ضعیفش در دریای سرخ، زنده نماند.

در هر حال، صلاح‌الدین، در سال ۱۱۸۷ م. در پایگاه حطین نزدیکی جلیل، صلیبی‌ها را شکست داد و قدس صلیبی به دست او سقوط کرد. فرماندهان و رزمندگان مسیحی، اسیر شدند و رینو «عفریت غرب» و دشمن صلاح‌الدین در حضور او، به بدترین شکل کشته شد.

در گزارش دیگری آمده است که صلاح‌الدین خودش او را با دست خویش کشت. (۱)  
با شکست این کوشش نومیدانه، تا حد زیادی، فریبکاری و تحریف

۱- De Gaury, Gerald: Rulerz of Mecca, London, ۱۵۹۱. P: ۷۹-۸۳

به نقل از الموسوعه، ج ۲، ص ۲۲۰

ص: ۵۷

واقعیت‌های تاریخی، و کاستن از ارزش اسلام، مسلمین و اینکه مسلمانان، اصحاب حکمت نبوده و آشنا با جنگ و فنون نظامی نیستند، بلکه مشت‌تری ترسو، کافر، ملحد، وحشی و راهزن می‌باشند، خنثی شد. (۱)

در «سفرهای پروفیسور ادوارد سعید» آمده است: «اسلام، رمز وحشت و ویرانی و شیطنت و بربریت و بدبختی نیست. او همگان را به دقت و تأمل در این امر فرامی‌خواند که: چگونه شد که شرق، و به ویژه شرق نزدیک در میان غرب این‌گونه موصوف شد. سپس می‌گوید:

گردشگران و جهانگردانی؛ مانند مارکوپولو، خطوط تجارت را ترسیم کرده و نظمی برای نظام قانونی مبادله تجاری آفریده‌اند و کسانی چون پتر و دلاواله و نیز مؤلفان داستان‌های خرافی، مانند مافد قیل و نیز حرکت‌های کشور گشایانه شرقی قرار دارد که طبیعتاً وحشتناکند و در برابر همه اینها، اسلام قرار دارد و حاجیان رزمندگان هستند مانند صلیبی‌ها که به شکلی اساسی نقش دارند. (۲) شک نیست که گردشگران و ماجراجویان و شرق شناسان که مأموریت‌های سری و مشکوک را در اعماق شرق اسلامی و مرزهای حجاز، انجام دادند، در حکم پیشاهنگان استعمار و رهگشایان آن بودند. (۳)

واریما، نخستین متظاهر به اسلام

آنچه که از نوشته‌ها و منابع غربی برداشت می‌شود، از دوران کهن، مکه مکرمه مورد توجه مورخان غربی قرار گرفته و تعدادی از سیاحان غربی و شرق شناسان، موفق به ورود به مکه شده‌اند و در دوره‌های گذشته و حال، در مناسک حج، شرکت کرده‌اند. البته پس از آنکه اسلام واقعی، یا غیرواقعی خود را اعلان کرده‌اند. برای شماری از اینها، زمینه فراهم شده تا در مورد ماجراجویی‌ها و خطر پذیری‌های خود چیزهایی بنویسند. (۴)

ما به اشاره‌ای در مورد افراد مشهور اکتفا می‌کنیم. افراد گمنام و کسانی که مأموریت‌هایشان هم چنان پنهان مانده است، تعدادشان بسیار بیش از افرادی است که آشکارا فعالیت می‌کردند و حداقل نزد ما مشهور بوده‌اند. (۵)

نخستین اروپایی که در دوره‌های جدید، مکه و مدینه را زیارت کرده و در مورد سفرش کتاب نوشته و کتابش، سالم

۱- د. رفعت سید احمد «آیات شیطانیة، جدلیة الصراع بین الاسلام و الغرب» بحث منازعه میان اسلام و غرب: ۵۴. دار الشریقه، چاپ ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹ م.

۲- ادوارد سعید «الاستشراق، المعرفة، السلطه، الانشاء» شرق شناسی، شناخت، تسلط، نگارش:

۸۸ ترجمه کمال أبو دیب، مؤسسه الأبحاث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۴.

۳- مراجعه شود به مقاله‌ای با عنوان خبراء الاستشراق و طلائع الاستعمار و ادلماؤه. خبرگان شرق شناس. پیشاهنگان استعمار و راهنمایان آن: ۸۲-۱۰۷ از نویسنده همین سطور در مجله توحید، شماره ۸۷، سال پانزدهم، ذوالقعدة ۱۴۱۷ هـ - آذار ۱۹۹۷ م.

۴- الموسوعه، ج ۲، ص ۲۵۰

۵- لازم به یادآوری است اینکه در دوره‌ای طولانی از ۱۶۶۵-۱۷۴۵ م سفرنامه‌هایی افزون بر یک صد و پنجاه، که لااقل یکصد سفرنامه موجود بوده، بخش بزرگی از آنها در مورد سفر به مشرق بوده است.

مراجعه شود به مهمترین کتب سفرنامه به سوی مشرق از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم، که جبور دویهی در ذیل مقاله‌اش «الرحلة کتب المرحلات الاروبیه الی المشرق فی نهائیه القرن الثامن عشر». سفر و سفرنامه‌های اروپایی به مشرق، تا آخر قرن هجدهم که در

مجله اندیشه عربی، - ۳۲: ۵۸ نیشان / آوریل - حزیران / بونیو ۱۹۸۳ م.





ص: ۵۸

و روشن به ما رسیده است، مردی ایتالیایی و ماجراجو است به نام «لودویکو وار تیما». (۱) گرچه دشوار است که تأکید کنیم وار تیما نخستین اروپایی است که برای گذر از صحرای عربی، وارد ماجراجویی می‌شود. اما افراد بیش از یک تن، ادعا می‌کنند که پیش از او وارد مکه شده‌اند، مانند «جان کابوت» که مدعی است، در دهه ۸۰، سال ۱۴۸۰ م. به مکه رسیده است. البته او و افرادی مانند وی، چیزی نوشته‌اند و هیچ گواهی مربوط به جهانگردی‌های خود به‌جا نگذاشته‌اند. لذا نتیجه می‌گیریم که «وار تیما» نخستین شخصی است که پرده از، غوغا و جنجال و خرافات و رنج‌های مربوط به آن بر می‌دارد؛ همان کسی که قلب کشورهای اسلامی را از چشم اروپایی‌ها پنهان داشت و آنچه ما درباره او می‌شناسیم این است که «برینت» می‌گوید: این، همان ماجراجو و خطرپذیری است که، با غرور و خوشبختی و زیرکی، بدان اقدام کرده است. (۲)

مورخان، در اصل وار تیما اختلاف دارند. برخی می‌گویند: او مردی از بولیوی است. برخی گفته‌اند ایتالیایی است. گرچه آنان به این مسأله تأکید دارند، اما به‌طور کامل نمی‌دانند که این مرد، از کدام شهر ایتالیا است. آنچه بر دشواری و پیچیدگی قضیه می‌افزاید، این است که خود وار تیما، در مقدمه کتابش (Itinerario) مدعی است که از اهالی بولونیای ایتالیا است. سپس در جای دیگری اشاره می‌کند که مردی از رومانی است و بدین سبب برخی از منابع لقب و نیل - روما (۳) به وی داده‌اند. اصل و ریشه او برای ما مهم نیست، بلکه مهم سفرنامه او است که در خلال سی سال، بی‌انقطاع چاپ و ترجمه شده است. (۴) او در آنجا ادعا می‌کند که پزشک است، و با وجود این، با اندکی اظهار اندوه و تأسف می‌گوید: همسر و کودکانی را پشت سر گذاشته، که یاد آن‌ها را کریمانه، مرور می‌کند. سپس با اندکی فروتنی، خبر می‌دهد که موهبتی را دارا نیست. اما از مال، اندکی بهره‌مند است و با وجود این بررسی‌هایش، نشان از مقدار زیادی زیرکی و هوشیاری دارد.

او این مهارتش را مانند یک نظامی، به کار می‌گیرد و چه بسا فنون نظامی را می‌آموزد و در خدمت برخی شخصیت‌ها، در ایتالیا بوده است. و چون

۱- موسوعه العبات المقدسه، ۲، ص ۲۵۸

۲- بلاد العرب القاصیه، م. س: ۵۷

۳- برای اطلاع بیشتر ر. ک: موسوعه العتبات المقدسه، ج ۲، ص ۲۵۱ و پس از آن، بلاد العرب القاصیه، ۵۶ و پس از آن، «مراجعات حول العروبه و الاسلام و اروپا»: ۱۱۸ و پس از آن.

۴- «مراجعات حول العروبه و الاسلام و اروپا» م. س.

ص: ۵۹

راه‌های تجاری به سوی شرق و شمال افریقا در آن روز، ماجراجویان را جذب می‌کرد، او تصمیم می‌گیرد، در این ماجراجویی به هر قیمتی وارد شود. او خود می‌گوید: قصد سفری را کرده که از مشکل‌ترین و دشوارترین انواع سفرها است و خیالش آن را بافته و بر اندیشه‌هایش، غلبه کرده است.

این مرد می‌خواهد، نخستین مسیحی باشد که وارد مکه مسلمان می‌شود. او هنگامی که ایتالیا را ترک می‌کرد، این اندیشه بر ذهنش رسوخ یافت، بلکه روشن است هنگامی که فرصت را مناسب تحقق یافت، به تفکر درباره این ماجراجویی پرداخت.

و آنچه مسلم است این که وارتیما برخی خیالات را در سر می‌پروراند و در انتظار اقدام جدیدی به سر می‌برد؛ مانند انسان تشنه‌ای که در انتظار آب سرد و گوارا است! (۱) در سال ۱۵۰۳ م. سفر دریایی خود را از بندقیه، آغاز کرد و به اسکندریه رسید و پس از آنکه دژ بابلی‌ها را در مصر دید، طبق گفته خودش، قصد دیدار طرابلس و انطاکیه بیروت و دمشق را کرد.

اینجا بود که با مأموری از مأموران ممالیک رابطه‌ای دوستانه برقرار کرد و تصمیم گرفت با او، به همراه کاروان سالانه حج، که بسیاری از تشریفات و سنن از دمشق، بیروت می‌رفت به مکه برود (۲) و ظاهراً گام‌هایی که وارتیما برداشته بود، به دقت، محاسبه شده و صرفاً اتفاقی و تصادفی نبود. آنچه بر این مطلب دلالت می‌کند، مطالبی است که نویسنده انگلیسی، «بیتر برینت» ذکر کرده است: او به سرعت، از آغاز رسیدنش به دمشق، اقدام به یادگیری زبان عربی کرد و مهیای آغاز سفر به سوی جنوب شد، سپس در کاروانی که به مکه می‌رفت پس از اقدام به برقراری و پیمان دوستی با یکی از رهبران ممالیک که عازم مکه بود، جایی برای خود تأمین کرد و همراه با این عقد محبت و دوستی، هدایا و دوستی‌هایی نثار کرد و به‌جایی رسید که او را به عنوان محافظی از پاسداران کاروان، معین کردند. هنگامی که از او خواسته شد، دین اسلام را گردن نهد، ناراحت نشد. او فرزند نهضت نیکوکاری در ایتالیا بود و از زیرکی و جذابیت بهره داشت، و در دورانی که مسیحیت در پرتو آل مدیسی و دیگران، از زمامداران روشنفکر برخوردار بود، او

۱- بلاد العرب القاصیه ۵۶-۵۷

۲- موسوعه العبات المقدسه، م. س. ج ۲، ص ۲۵۲

ص: ۶۰

از گردن نهادن و تبعیت از دینی عجیب دچار انحراف نمی‌شد، و هنگامی که از او خواستند تا اسمی برگزیند اسم جان را انتخاب کرد. (۱)

حرکت به سوی مکه

در هشتم نisan (آوریل) ۱۵۰۳ م.

وارتیمیا در هیأت یک نظامی، از نظامیان ممالیک، جزو کاروان حاجیان که حدود چهل هزار نفر بودند، به سوی مکه حرکت کرد. کاروان در بامداد، در حالی که صداهای شتران و فریادهای ساربانان و غبار برخاسته از حرکت کاروان و فضای آن روز بهاری را پر می‌کرد، به حرکت درآمد «وارتیمیا» بر همه چیز نظارت داشت و سی محافظ پاسدار، همراهش بودند و صداهای اسبانش بلند بود، کاروان شکل مارپیچی و منحنی حرکت می‌کرد. و این حرکت‌های پیچیده، در کنار و پشت سرش، آغاز شد.

از این هنگام ماجراجویی‌اش به شکل حقیقی آغاز شد. (۲) از سفرنامه‌ای که او تدوین کرده، معلوم می‌شود که مردی حاضر جواب، معارض پیامبر و اسلام و به دور از فرهنگ و تمدن بوده است. او ادعا کرده که در سفرهایش، با بسیاری از زنان مسلمان ارتباط پیدا نموده و مطالبی را تدوین کرده که بسیاری از خرافات و گزافه‌گویی‌ها در آن موجود است؛ (۳) مثلاً می‌گوید: کاروان پس از طی مسیری ۲۲ روزه، به وادی سدوم و عموره رسید. روشن است که این مطلب درست نیست؛ زیرا این دو شهر در ساحل بحرالمیت قرار دارند و گمان غالب این است که اگر با بصیرت و تعقل روزهای سیر و سفر یاد شده را در نظر آوریم، دو شهر واقع در ۳۵ مسافت میان دمشق و مدینه، ممکن نیست، جز اینکه بگوییم آن دو شهر مدائن صالح و العلا بوده است؛ در واقع «وارتیمیا» از آن دو شهر گذشته و گمان کرده است که سدوم و عموره هستند. (۴) علاوه بر مطالب مبالغه‌آمیزی که در نقل‌های وی دیده می‌شود، مملو از حرص و آز روشنی است که برای مشوش کردن اذهان مسلمانان، و توهین به آنان دارد. وی در موارد بسیاری به عمد، به ذکر حوادثی می‌پردازد که خودش تنها راوی آن‌ها است و آنچه در سفرنامه‌اش گزارش می‌کند، از همین موارد است؛ از جمله می‌گوید: همراه با کاروان به کوهی نزدیک مدینه منوره، می‌رسد که

۱- بلاد العرب القاصیه، ص ۵۸

۲- همان مرجع.

۳- موسوعه العبات المقدسه، بخش مدینه، ج ۳، ص ۲۳۹

۴- «مراجعات حول العروبه و الاسلام و اروپا» ۱۱۸

ص: ۶۱

طایفه‌ای یهودی در آنجا سکونت دارند. تعداد آن‌ها به پنج هزار نفر می‌رسد و این‌ها افراد قد کوتاهی هستند که هر یک از آن‌ها، پنج یا شش وجب طول قد ندارند و این مرم یهودی، همانند صدای زنان، صدای نازکی دارند و رنگ چهره آنان مایل به سیاهی است. این‌ها با گوشت بز زندگی می‌کنند و هر گاه مسلمانی گرفتار آن‌ها شود، او را زنده پوست می‌کنند.

آنگاه که به مدینه می‌رسد، آن را «مدینه النبی» می‌نامد و سه روز در آن زندگی می‌کند، او مدعی است که به حرم شریف که آن را معبد می‌نامد، وارد شده و مشاهداتش را به اختصار بیان می‌کند، سپس می‌گوید: آن مسجدی دارای قبه است که از دو در وارد آن می‌شوند.

حدود چهارصد ستون از آجر سفید سقف را نگه داشته‌اند. تعداد زیادی چراغ‌های معلق و قندیل‌ها، نزدیک به سه هزار عدد در آن آویزان است! و اشاره به وجود تعدادی از کتب دینی در گوشه‌ای از مسجد می‌کند که حاوی تعالیم دین اسلام و زندگی پیامبر و یاران او است. سپس اندکی درباره قبر مطهر، سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد که:

نزدیک قبر پیامبر قبرهای ابوبکر و عثمان و فاطمه وجود دارد. (۱)

و ارتیما فرصت را برای ایراد برخی داستان‌های مسیحی، غنیمت می‌شمارد.

او فرصت می‌یابد تا به اعتقاد خرافی رایج در اروپا، مبنی بر اینکه جسم پیامبر صلی الله علیه و آله درمکه در فضای بیت الله الحرام معلق است، پردازد، لذا می‌گوید:

«اما بحث ویژه این اخبار این که من با تمام آن‌ها مخالفم و تأکید می‌کنم که این اخبار صحیح نیستند و هیچ یک نشانه‌ای از صدق و حقیقت با خود ندارند».

اما او به سرعت، به هجوم و حمله‌اش به اسلام باز می‌گردد؛ آنجا که زینتهای دروغین و وجود غش و ریا و نفاق و دورویی موجود در بازارها را به دین محمد صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد. (۲)

حج، اعمال و نیایش‌ها

خاطرات و ارتیما توصیف مکه را، آغاز می‌کند، آنجا که در فصلی به استحکام بنای آن اشاره می‌کند و می‌نویسد: مکه شهری زیبا است که شش هزار خانواده را در خود جای داده و خانه‌هایش، همانند خانه‌های مردم ایتالیا

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۲۳۹

۲- بلاد العرب القاصیه، ص ۶۰

ص: ۶۲

بی‌نهایت زیبا است. او می‌گوید: بعضی خانه‌ها قیمت‌شان برابر با سه یا چهار هزار دوک است. و می‌افزاید مکه دارای قله و حصار نبوده نیست؛ زیرا سنگ‌های طبیعی کوهستان‌های اطرافش، همان دژهایی هستند که آن را محاصره کرده‌اند. این شهر، دارای چهار دروازه است.

هنگامی که مسافر شامی به مکه می‌رسد، قافله مصری پیشتر به آنجا رسیده است و به همین جهت «وارتیما» به ذکر آن کاروان می‌پردازد که حدود ۶۴ هزار شتر داشته، و یک صد برده برای حفاظت و پاسداری، در آن کار می‌کرده‌اند و با همان روش مسخره آمیزش، که حاکی از تعصب و ضدیت او با اسلام است، می‌گوید: همانا خدای منزّه و متعال، این شهر را نفرین کرده است، پس آن را زمینی بی‌آب و علف، و خالی از کشت و زرع قرار داده هیچ گیاه و درختی در آن نمی‌روید. این شهر، بیشتر خوراکی‌ها و نیازمندی‌هایش را، از طریق دریای سرخ از قاهره وارد می‌کند.

فارتیما جمعیت انبوه حاجیان را، که در زمین، یک جا اجتماع کرده باشند، ندیده است. (۱)

و علی‌رغم اینکه به توصیف شعاعی در مکه انجام می‌شود، علاقمند است، و علی‌رغم حرصی که بر توصیف چیزهای دیگری که چشمانش به آن‌ها افتاده و یا گوش‌هایش به آن‌ها می‌افتد، دارد، اما چیزی درباره حجرالاسود نیاورده است.

او آن «برج» در وسط مسجدالحرام؛ یعنی کعبه را توصیف کرده و ما را از آن جمعیت انبوه، که در ۲۲ مارس (آیار) سال ۱۵۰۳ م. (در موعد عید قربان) در آنجا جمع شده‌اند آشنا ساخته، می‌گوید: «جشن در بامداد، پیش از طلوع فجر، آغاز می‌شود و مردم هفت بار، پیرامون کعبه طواف کرده و گوشه‌های آن را می‌بوسند و غالباً نمی‌توانند زوایای آن را لمس کنند».

در اینجا این پرسش پیش می‌آید که «وارتیما» چه زمانی، داخل بیت‌الله الحرام شده، آیا اساس و اصل گفته‌هایش، مبتنی بر حرف‌هایی است که در مورد موقعیت او گفته شده است؛ یعنی این که او، از جایی دور، ناظر و مراقب حاجیان بوده و برای پاسداری و حراست، روی دیوارها، در بلندترین جاهای آن خانه مقدس، می‌ایستاده است؟ (۲)

۱- موسوعه العبات المقدسه، ج ۲، ص ۲۵۳

۲- موسوعه العبات المقدسه، ج ۲، ص ۲۵۳

ص: ۶۳

او سپس چاه زمزم را توصیف کرده، می‌گوید: این چاه دارای قبه زیبایی است و عمق آن به هفتاد قامت می‌رسد، و معمولاً شش مرد، پیرامون این چاه، می‌ایستند تا مردم را از آن آب بنوشانند.

و این مردان، سه سطل از آن آب زمزم را بر روی هر یک از حاجیان، فرو می‌ریزند و با همین آب‌ها از فرق سر، تا کف پا شسته می‌شود، گرچه تمام لباسش را از حریر دوخته باشند. (۱)

پس از آن، ما را از جایی با خبر می‌سازد که خون حیوانات قربانی در آن ریخته می‌شود؛ چنانکه می‌گوید: در منا، بیرون مکه، آن‌جا گروه متراکمی از نیازمندان را دیدم که افزون بر بیست هزار نفر بودند و اینها، خندق‌هایی در زمین، می‌کنند که آتش‌هایی را با مدفوع حیوانات شعله‌ور می‌ساختند و گوشت‌هایی را که به آن‌ها داده می‌شد، بر روی این آتش‌ها بریان می‌ساختند و در حالی که در جایگاه‌های خویش بودند می‌خوردند، سپس مختصر هدیه‌ای که امپراتور حبشه برای سلطان مکه فرستاده بود، توصیف می‌کند و آن عبارت بود از یک جفت حیوان شاخ‌دار. (۲) پس از آن که «وارتیم» در مدینه و مکه، همه مناسک حج را انجام داد، چنان که می‌گوید: توانسته است با حیله از کاروان و دوستانش که مراقبان و پاسداران قافله بودند، به سوی جده بگریزد و از آن‌جا از راه دریای سرخ، در سفری دریایی به سوی ایران برود (۳) و از آن‌جا به جاهای دیگر تا ظاهراً مأموریت خود را تکمیل کند.

گریز از حجاز

در این‌جا فرصت را در اختیار نویسنده غربی؛ یعنی «برینت» می‌گذاریم تا مأموریت ویژه‌ای را که «وارتیم» در آن داخل شده بود را تا حدودی روشن کند. او می‌گوید:

«وارتیم» از افرادی نبود که از راه پیموده خود بازگردند. هدف او مسافرت به جلو برای دیدن شهرها و شگفتی‌هایی دیگر بود. او در یک زمان در معرض خطر قرار گرفت و به‌عنوان یک اروپایی که مأموریتش کشف بود، شناخته شد.

یکی از اهل مغرب خود را مانند یک مسیحی به او معرفی کرد. مغربی‌ها به وسعت و تعدد سفرهایشان به بندقیه و جنوا معروفند، لذا وارتیم در مورد او تحقیق کرد و با برهان و دلیل او را قانع

۱- بلاد العرب القاصیه، ص ۶۲

۲- الموسوعة العتبات المقدسه، ج ۲، ص ۲۵۳

۳- بلاد العرب القاصیه، ص ۶۳

ص: ۶۴

کرد که از روی صداقت و باور واقعی اسلام را گردن نهاده است و اکراه و نفرت خود را در مورد مسیحیان به شکل عام و در مورد پرتغالی‌ها به شکل خاص ظاهر ساخت که بازرگانی و داد و ستد را به دریای سرخ آورده بودند.

وی در برابر این فرد (مغربی)، رییس کاروان و مملوکی را قانع ساخت که پانزده شتر بار ادویه را برای مغربی بدون رعایت رسول معمول به بیرون مکه بیاورد. این‌جا بود که آن شخص مغربی به «وارتیما» اجازه داد تا وارد خانه‌اش شود و در آن‌جا بخواهد.

«وارتیما» برای خدا نماز می‌خواند و نمازش کلاً آمیخته با تعصب و ترس بود، سپس هنگام اختفا در داخل خانه مغربی، صدای بوقی شنید که در کاروان سوری‌ها برای تجمع مراقبان و پاسداران دمیده می‌شد، این در حالی بود که وارتیما در امنیت و آسایش در خانه مغربی مخفی بود و کاروان سوری در حالی که مغربی و شترهای پانزده گانه حامل ادویه او بدون رعایت تشریفات همراهش بودند، حرکت کرد. (۱)

وارتیما هنگام شرح گریزش ذکر می‌کند در خانه یکی از مسلمانان در مکه، هنگام خروج قافله شامی از مکه پنهان شده بود، اما او یادآوری می‌کند که نسبت به یکی از زنان نزدیک به صاحب‌خانه خوش‌بین بوده و چنین می‌پنداشته که او را دوست داشته است، در نتیجه به صورتی پنهانی به او یاری کرده تا همراه یکی از کاروان‌ها (۲) که به جده می‌رفت، به سوی کشتی‌هایی که در آن‌جا لنگر انداخته و در انتظار حاجیان هندی برای بازگشتشان به شهرهای خود بودند، روان شد. در جده ضروری بود که تظاهر به بیماری و فقر کند. در آن‌جا گروه انبوه بزرگی از مردم بودند که وی آن‌ها را پانزده هزار نفر تخمین زده است، در حالی که آنان در رنج واقعی بودند.

وارتیما می‌گوید: «هوا در آن‌جا بسیار گرم بود. مردانی که در آن‌جا بودند گویی بدن‌هایشان به علت حرارت، خشک شده است و بسیاری بیمار شدند». با همه این احوال یکی از ناخدایان کشتی‌های بزرگ، پس از گرفتن کرایه‌اش، با بودن او در کشتی‌اش به سوی شهرهای عجم موافقت کرد. او نمی‌توانست شهرهای عرب را به آن آسانی که تصور می‌کرد رها کند. پس در شهر عدن در کارش دچار تردید شد و

۱- موسوعۃ العتبات المقدسه، ج ۲، ص ۲۵۲

۲- با اندکی اختصار از بلاد العرب القاصیه: ۶۳-۶۵

ص: ۶۵

گمان کردند که او جاسوس است و این به علت حساسیتی بود که حملات پرتغالی‌ها به شهرهای عرب، آن را ایجاد کرده بودند و همچنین او را دستگیر و به سوی امیر یمن بردند که او را به زندان افکند. آن‌گاه که در ضمن پرسش‌ها از او درخواست می‌شد که شهادتین را به زبان آورد، برای نخستین بار در طول زندگی ماجراجویانه‌اش، شجاعتش به او خیانت ورزید، پس نتوانست آن کلمات را بر زبان آورد. او این مطلب را با این سخنش پیوند زد: «این به اراده خدا بود یا به سبب ترسی که مرا فراگرفت، پس نتوانستم کلمه‌ای بر زبان آورم». وارتیما خود را در زندان به دیوانگی زد، پس به او اجازه داده شد که با لباس‌های پاره‌پاره به خیابان بیاید و در وضعیت بدی به هیأت گرفتاران دیوانه درآید و در برابر خنده‌های کودکانی که به سویس سنگ پرتاب می‌کردند قرار گیرد، اما طولی نکشید که یکی از زنان سلطان که همسرش به سفر رفته بود، او را دید و از یک پنجره توردار به او اشاره کرد! در واقع آن زن، دچار عشق این جوان ایتالیایی خوش‌چهره شد، چنان‌که پیش از این در مکه، عاشق او شده بود.

هنگامی که سلطان از سفر برگشت، همسرش به نفع «وارتیما» دخالت کرد و سلطان را وادار کرد تا از خطای آن مرد درگذرد... و او می‌گوید: آن زن به او می‌گفت: «هنگامی که ثابت شود که تو مرد خوبی هستی، به زودی امیر خواهی شد» (۱). و ما نمی‌دانیم که «وارتیما» چگونه می‌خواهد ما را قانع کند که همسر سلطان، عاشق دلسوخته دیوانه‌ای شود، تا چه رسد به این که امارت را گروگان او قرار دهد؟! شاید در بهتر این است که بگوییم آن زن بر جوانی او و غربتش ترحم کرده و او مطابق میلش آن را تفسیر کرده و یا با نیرنگ تحریف و تعبیر در آن داده است!...

حدوداً در کانون اول (دسامبر) ۱۵۰۳ م وارتیما توانست سوار یک کشتی شده، به سقزیه و از آن‌جا به هند برود.

همان‌جایی که «واسکودوما» موفق شد رأس‌الرجا الصالح در سال ۱۴۹۹ م گردش کند. «وارتیما» با کشتی‌های پرتغالی به لیشبونه برگشت و از آن‌جا به روم و در ایتالیا دانشگاه و نیز سفرنامه دهشتناک پر از رویدادهای عجیب او را پذیرفت و تحت توجه کولونا و سفورزا قرار گرفت و کاردینال کارفاجال حمایت



ص: ۶۶

فراوانی از او کرد. کاردینال نیز هزینه و ترجمه این سفرنامه را به زبان لاتین برعهده گرفت (۱) و در سال ۱۵۱۰ م در مقدمه کتاب به خوانندگان گفت که پس از این که برخی از شهرها و جزائر شمال شرقی و شمال غربی را دیده است، اندیشه‌ای جدی پس از اعتماد بر خدا، او را وادار کرده است تا برای دیدار بخش‌های شمال شرقی برود. این امر روشن می‌سازد که احتمال نمی‌رود این مرد آهنین اراده و حيله گر، کوشش نکرده باشد به انجام این کار اقدام کند ... او هیچ گفته‌ای را که اشاره به این سیاحت داشته باشد رها نکرده است. (۲)

پایان زندگی «وارتیما» مانند زندگی اش ناشناخته است. ارجح این است که بین سال‌های ۱۵۱۲ و ۱۵۱۷ م فوت کرده است. ویژگی مشخص وارتیما این است که او نخستین کسی است که مشاهدات خود از اماکن و جاهای مختلف جزیره‌العرب را برای ما باقی گذاشته است؛ از آن جمله نقشه‌ای که در آن شبه‌جزیره عربی که عرض آن در سمت جنوبی امتداد دارد، به جای گذاشته است. (۳) پس از این سیر و گردش همراه «وارتیما»، آیا حق ما نیست که سؤالات مشروعی را مطرح کنیم و آن اینکه:

آیا در خصوص شرق و آنچه در آن از جادوگری و فتنه و پیچیدگی وجود داشت، صرفاً کافی بود تا ماجراجویان و از جمله وارتیما وادار شوند تا همه رنج‌ها و خطرهای سختی‌هایی را که با آن روبه‌رو شدند تحمل کنند؟! در این جا هیچ تردیدی وجود ندارد که پاسخ این سؤال «آری» است.

مأموریت پنهانی، نظریات و اشارات

آنچه ما را فرامی‌خواند تا این نظرات را به‌ویژه درباره وارتیما و کسانی که به روش او هستند، ابراز کنیم ملاحظات زیر است:

۱- مأموریت «وارتیما» که آن را در سال ۱۵۰۳ شروع کرد، به‌دنبال ظهور پیروزی اروپا پس از سقوط اندلس در سال ۱۴۹۲ م بود؛ هجومی نیرومند که ضربات سختی را برطرف مقابل در قالب (به زعم غربی‌ها) «وحشی» «متخلف» «شهبانی» «خشن و سنگدل» «کافر» و ...

که در ذهن بدون آگاهی غربی ترسیم شده بود، وارد ساخت.

۲- ایتالیا که «وارتیما» از آن

۱- بلاد العرب القاصیه، ص ۶۷

۲- مراجعات حول العروبه والاسلام واروپا، ص ۱۱۹

۳- همان، ص ۱۱۹

ص: ۶۷

برخاست، در قلعه البابویه جلوه یافت که آن قلعه نوک سرنیزه در هجوم صلیبی بر شرق اسلامی محسوب می‌شد. تا امروز علیرغم همه ادعاها از آن مأموریتش دور نشده است. تصادفی نیست که لقب «نبیل روم» به «وارتیم» داده می‌شود. و همچنین پشتیبانی کاردینال از وی و تمایل او برای ترجمه کتابش.

۳- پس از سقوط اندلس در سال (۱۹۴۲ م) و کشف آمریکا در (۱۹۴۲ م) و رأس الرّجا و الصّالح (۱۴۹۷-۱۴۹۹ م) پرتغال قدرت استعماری خشن و ظالم خود را آشکار ساخت و شاید تاریخ استعمار در سنگدلی و نابودی انسانیت و روح و اندیشه، چنان‌که محمود سمره گوید، «نظیری برای پرتغال نشناسد». (۱) آن روز اروپای صلیبی منشوری را اراده کرد که مفاد آن این بود: نابودی اطراف و اکناف جهان اسلام، زمینه‌سازی برای هجوم و حمله ویرانگر به قلب آن یعنی «شرق اسلامی» پرتغال این منشور را تأکید کرده و نهایت اهتمام و توجه را نسبت به آن مبذول داشت و آن را مورد عنایت قرار داد، لذا در سال ۱۴۸۷ م «بدر و داکوفیلهام» را برای شناخت مشرق اسلامی و نگارش یادداشت‌هایی در مورد چگونگی توانایی‌ها و قدرت آن سرزمین، اعزام داشت «بدر» دو مسافرت اکتشافی از راه خشکی که از قاهره و کشورهای اصلی شرق عربی و بنادر دریای سرخ و بنادر طوال سواحل شبه جزیره عربی می‌گذشت انجام داد که تا کلکته و جواء در هند ادامه یافت و در سال ۱۴۹۰ م به او یادداشت‌های مفصلی از آن چه مشاهده کرده بود تقدیم داشت. (۲)

آن هنگام پرتغالی‌ها در پی جستجوی مستعمراتی در اقیانوس اطلس بودند و پس از کشف رأس رجاء صالح، طبق دستوری از پادشاه پرتغال، مانویل اول- کشتی‌های پرتغالی عبور از اقیانوس هند و دریاهای عربی را آغاز کردند و در سال ۱۵۰۲ م پرتغالی‌ها تصمیم به بستن دریای سرخ بر روی کشتی‌های عربی گرفتند و حمله دریایی تحت فرماندهی واسکو دوگاما انجام شد. او توانست به دریای عربی رسیده و بر کشتی‌های تجاری تسلط یابد و با دستور دوگاما به کشتن همه مسافران آن کشتی که تعدادشان به ۴۰۰ نفر می‌رسید، با زنان و کودکانی که در میانشان بود، پرداخت پس پرتغالی‌ها کشتی را سوزاندند و این

۱- این تعریف به کتاب «الصراع بین العرب و البرتقال» مبارزه میان عرب و پرتغال منتشر شده در مجله الکویتیه، ش ۵۹، ص ۱۳۲ جمادی الاولی - ۱۳۸۳ هـ - تشرین اول / اکتبر ۱۹۶۳ م برمی‌گردد.

یکی از موارد قابل توجه اینکه این عبارت به هنگام انتشار مقاله در حاشیه کتاب مراجعات حول العروبة والاسلام و اروپا، ص ۱۰۳، حذف شده است.

۲- همان، ص ۱۳۴

ص: ۶۸

رخداد موجب برافروخته شدن جنگی دریایی با پرتغال شد که طول قرن شانزدهم استمرار داشت. (۱)

آنچه که در این بحث برای ما مهم است این که مأموریت «وارتیم» پس از یک سال، از حمله واسکودوگاما به دروازه‌های عدن انجام شد. و این نکته این است که برای ما، دستگیری او را پس از این حادثه به جاسوسی تفسیر می‌کنند و به همین گونه علل ادعایش در خصوص تنفر نسبت به مسیحیان به شکل عام و پرتغالی‌ها به شکل خاص را روشن می‌سازد که این امور هنگام برقراری عقد تجاری میان او و آن فرد مغربی در مکه ...

اشاره شد. از خلال همه این قرائن روشن، بعید نیست که او مأموریت سرّی و پنهانی از جانب اروپای صلیبی یا لاقبل پرتغالی‌ها داشته است. و این مطلب از نکات زیر به دست می‌آید:

اولاً: شخصیت «وارتیم» با صفات و خصال مطلوب و شایسته هر مأموریت سرّی‌ای شناخته شد و بر حسب طبیعت خود، در نیرنگ و حيله‌گری به نهایت رسیده است؛ چنان که «برنت» گفته است.

ثانیاً: او راه طولانی بین اروپا و هند را پیموده که زیر پا گذاشتن مناطق اسلامی به ویژه در حجاز و یمن را در نظر داشت و غرب نسبت به آن‌ها ناآگاه بوده است؛ لذا روشن کردن آن برای غرب بسیار مهم بوده است؛ مانند گام نخست برای معامله با آن، به روش «دشمنت رابشناس».

ثالثاً: تمام سعی صلیبی‌ها، مبتنی بر شناخت اماکن ذاتاً مقدس و کوشش برای حفظ آن‌ها و شناخت ویژگی‌ها و طبیعت ساکنان و آداب و رسوم آن‌ها و شناخت آیین‌های دینی مانند حج و نقش آن در زندگی مردم آن سرزمین‌ها است (۲) و این همان چیزی است که ما به شکل روشنی، به ویژه از «وارتیم» می‌بینیم. او مأموریتش را با زیارت و دیدار دژ بابلی‌ها در مصر آغاز کرد. اشارات پراکنده در کتابش پیرامون دیوارهای اطراف مکه و مدینه و صنعا و عدن و ... از اهمیت و ارزش هدف نهفته در پشت نقشه‌ای که او برای شبه جزیره عربی و شرح و تفصیل در مناطق سمت جنوب طرح کرده بود نمی‌کاهد.

رابعاً: در اشاره «برنت» به سفر وارتیم که هفت سال ادامه داشته، پس از گذراندن دوره‌ای طولانی در خدمت

۱- د. عبدالوهاب کیالی و دیگران «موسوعه السیاسیه» فرهنگ سیاسی، ج ۴، ص ۴۴۸ ماده واسکو دوگاما و درباره نقش مهم واسکودوگاما و سیاست پرتغالی استعماری مراجعه شود به کتاب «الصراع بین العرب و البرتغال». The Portuguese of the South Arabian Coast

از پروفیسور «سارجنت» R. B. Serjeant و این کتاب از انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۱۹۶۳ م.

۲- مجله العالم لندن، ش ۲۷۶، ص ۵۱

ص: ۶۹

پرتغالی‌ها و حتی ملحق شدنش به کشتی پرتغالی‌ها در هند و برگشتنش به آن کشتی در سفر بازگشت، علامت‌های استفهامی بسیاری پیرامون علاقه وی به پرتغال و نقشه‌های پنهانیش ایجاد می‌کند.

خامسا: گرچه پرتغالی‌ها توانستند بر سواحل شبه جزیره عربی تسلط یابند، اما در نفوذ به داخل، سست و ناتوان شدند و کشتی‌هایشان شکست خورد و از مقابل عدن و جدّه بازگشتند. هدف آنان از تسلط بر داخل شبه جزیره عربی این بود که امنیت راه خشکی به سوی هند را نیز تأمین کنند؛ چنانکه آنان رؤیای تسلط بر قبر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را نیز در سر می‌پروردند تا آن را در برابر کنیسه قیامت به عنوان فدیّه تسلیم کنند. (۱)

با نگاهی توأم با درنگ و تأمل در سفرنامه «وارتیما» و همه ملاحظات و آثار به جای مانده و شرایط سیاسی و دینی و اقتصادی با صرف نظر از وضع شخصی وارتیما و ارتباطش با صاحبان سلطه و کینه و ... همه اینها برای ما ثابت می‌کند که مأموریت وارتیما در اصل طبق نقشه صلیبی‌ها عموماً و پرتغالی‌ها خصوصاً، جریان می‌یافت.

اما تظاهر او به مسلمان بودن و در زمانی دیگر تظاهرش به دیوانگی، طبق نقشه بوده و جزئی از ضرورت مأموریتش بوده که انجام داده است.

پس از وارتیما

نقشه اشغال مدینه منوره و تأمین امنیت راه هند، صرفاً یک اندیشه یا تمایل افسار گسیخته نبود که با تصورات صلیبی بازی کند، بلکه به اجرا درآمد و در خلال یک دوره سنجش در سال ۱۵۱۳ م یعنی فقط صد سال پس از بازگشت «وارتیما» به لیشبونه، امیر پرتغال «الفونسودی البوکرک» برای حل آن مشکل، با ضربتی قاطع اقدام کرد و علی‌رغم سستی در هجوم به عدن برای جلو رفتن به سوی دریای سرخ سفر دریایی آغاز کرد. فکر او با اندیشه‌های جهنمی آمیخته شده بود.

نقشه‌اش این بود که در کنار جنگجویان، مدینه منوره را اشغال کند و بر تابوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله تسلط یابد و فدیّه آن را کنیسه بیت المقدس اعلام کند و در آنجا سدی می‌سازد تا راه جریان نیل را به سوی شهرهای حبشه مسیحی تغییر دهد.

ص: ۷۰

همین‌طور با ضربتی کاری به زودی برای جلب ثروت و تمکن مالی برای حبشه و تهیدست کردن مصر مسلمان وارد عمل شود اما اخیراً حقیقت روشن شده که این فرد ماجراجو نتوانسته است در دریای سرخ غیر از برانگیختن برخی از ناله‌ها و فریادها و نوشتن بعضی از تحقیق‌ها کاری کند. با اینکه بار دیگر در سفر بازگشت به عدن (۱) تهاجمی را انجام داده است، در همان وقتی که این امیر به اعمال حماقت آمیزش اقدام می‌کرد، او و همراهانش هنگامی که کشتی‌اش به کناره‌های مگادیشو رسید به اسارات درآمدند و از هما جا او را به عنوان هدیه‌ای برای حاکم عدن فرستادند. وی در آن‌جا تا سال ۱۵۱۶ م زندانی شد، همان زمان که شورشی محلی در آنجا پیش آمد و آن حاکم که مدتی طولانی او را به زندان افکنده بود، سرنگون شد، حاکم جدید تمایل به ادای فریضه حج کرد. پس «داکورد» پس از اعلان اسلامش توانست با حاکم برای حج همراه شود و در مدینه منوره به یک بیماری از نوع مسیحی دچار شده و براساس داستان، پس با صدای بلند آرزوها و رویاهایش را اعلان کرد که دوست داشت مسجد بزرگ رو به رویش را به کلیسایی مسیحی تبدیل کند؛ چنانکه در کنسیه سیده مریم در لیشبونه صورت گرفت و در مقابل این تغییر و تصرف بی‌باکانه حاجیان او را آزاد گذاشتند و وسایل و پول نقد به او دادند، تا به کاروانی که به دمشق می‌رفت ملحق شود و کاروانی که چند روز پیش مدینه را ترک کرده بود.

آن کاروان در صحرای بی‌آب و علف راهش را گم کرد، ولی کاروان رهگذری او را از مرگ حتمی نجات داد و به سوی بصره ره نمود، سپس در طول خلیج فارس به سوی «هرمز» یکی از مراکز پرتغالی‌ها حرکت کرد. او نخستین جهانگرد اروپایی بود که از صحراهای بی‌آب و علف و پس از آن با کشتی دیگری به پرتغال بازگشت و در سال ۱۵۲۰ م به آنجا رسید، اما خیلی زود به دیری از دیرهای آنجا ملحق شد. (۲)

قرن شانزدهم که رنگ پرتغالی به خود گرفت، گواه کوشش‌های دیگری بود در این زمینه پس در تموز (یولیو) ۱۵۶۵ م یک برده پرتغالی ناآشنا برای انجام حج به مکه مکرمه رفت و علی‌رغم اختصار و کوتاهی آن چه در سفرنامه‌اش

۱- بلاد العرب القاصیه، ص ۶۸

۲- همان، ص ۶۹

ص: ۷۱

آمده، توصیف دقیقی ارائه کرد. آنچه این بوده «السنیور دیلافیدا» در سال‌های اخیر نوشت، در حاشیه یک کتاب عربی موجود در کتابخانه واتیکان، به شماره ۲۱۷ کشف شد، این پرتغالی در آخرین روز حزیران، از رابغ به سوی مکه حرکت کرد. او می‌گوید: مردم از اینجا برهنه به سوی مکه می‌روند، اشاره‌اش طبیعتاً به پوشش احرام است.

در همان زمان، یک مردم آلمانی نیز که «هانس وایلد» نامیده می‌شد، برای زیارت حج به مکه رفت. ترک‌ها او را در مجارستان آن روز به اسارت گرفتند و به مکه آوردند. او تا سال ۱۶۱۱ م به آلمان بازگردانده شد. در سال‌های اندکی پس از آن، جوانی بندقی که «مارکو دی لومباردو» نامیده می‌شد اسیر گشت.

او از دریای سفید به همراه عمومی کاپیتانش عبور می‌کرد. پس از مصر به همراه ابن سیده به مکه فرستاده شد و او پس از چند سال چیزهای جالبی از سفرش را منتشر ساخت، مبشر «یوجین روجر» (۱) در آنچه در نهایت باقی ماند، به استثنای دولت پرتغال، تحقیقا در دوره‌های بعدی به ویژه در قرون سه‌گانه متأخر، شاهد تغییرات عمیقی به نفع دولت‌های غربی بوده است. برخلاف پرتغال در عبور جهانگردان منتسب به هر یک از کشورهای بریتانیا، هلند، اطریش و سوئد و ... فوایدی بوده است و هر یک از آنان موظف به انجام مأموریت ویژه مشخصی بوده‌اند و تنها چیزی که تغییر نکرده، همان تصویر شرقی زشت، در مخیله غربی‌ها بوده، که در تعمق آن هر چه بیشتر کوشیده است.

جهانگردان غربی که پی در پی در زمان‌های بعدی به سوی منطقه اسلامی آمدند تعداد فراوانی بوده‌اند و این امر محور بحث آینده است.

پی‌نوشتها:









ص: ۷۵

## اماکن و آثار

طرح جایگزین شود.

## پژوهشی میدانی درباره وضعیت مساجد مکه مکرمه

پژوهشی میدانی درباره وضعیت مساجد مکه مکرمه (۱)

عبدالعزیز بن صقر الغامدی / حسین صابری

۱- درآمد

یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین در دانش جغرافیا، اهتمام به توزیع جغرافیایی مراکز خدمات عمومی است که افراد، روزانه یا به صورت هفتگی و یا ماهانه، به آن‌ها نیاز دارند. این اهتمام از آنجا سرچشمه می‌گیرد که دانش جغرافیا به پراکندگی مکانی این گونه مراکز و سنجش امکان ارائه کردن بهترین راه حل‌های ممکن تأکید دارد؛ به گونه‌ای که به عملکرد هر چه بهتر و آسان‌تر این گونه مراکز بینجامد.

جغرافی‌دانان از اوایل دهه شصت (۲) به این گونه مطالعات اهتمام ورزیده‌اند. اما در این میان، موضوع‌ها و ابعادی نیز وجود دارد که در محافل عربی-اسلامی به بررسی آن‌ها پرداخته نشده است. یکی از مهم‌ترین این موضوع‌ها، پراکندگی جغرافیایی خدمات عمومی با روشی علمی و مبتنی بر تحلیل جغرافیایی است.

از سویی شاید مسجدها که خانه‌های خداست، با اهمیت‌ترین مراکز همگانی باشند که ما در زندگی روزانه با آن‌ها سروکار داریم و از جانب پروردگار خویش به این سر و کار داشتن الزام شده‌ایم. چنان‌که همگان می‌دانند بر هر مسلمانی واجب است در هر روز

۱- این گفتار در هشتمین کنفرانس سازمان شهرهای عربی در ریاض، ۱۲ رجب ۱۴۰۶ ه. ق. ارائه شده است.

ص: ۷۷

پنج بار نماز بگزارد و در این میان برای او شایسته و گاه بر او بایسته است که این نمازها را در مسجد به جای آورد؛ چه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ آن عرب بادیه نشین و نابینا که به حضورشان آمده بود و از آن حضرت اجازه می‌خواست تا در خانه خود نماز بگزارد چنین اجازه‌ای نداد و آن گونه که بدین مضمون در روایت آمده است از او پرسید: آیا صدای اذان را می‌شنوی؟ او گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس (این بانگ دعوت را) پاسخ بگویی.

اگر ما به مهم‌ترین خدمات اساسی چون خرده فروشی مواد غذایی، مدرسه، درمانگاه، بوستان محلی و از این دست، که شخص هر روزه بدانها نیاز دارد نظری بیفکنیم، خواهیم دید این خدمات هیچ کدام متعهد به این امر نیستند که در جای خاص قرار داشته باشند یا در زمان معین خدمات خود را ارائه دهند، بر خلاف مساجد که افراد می‌بایست در اوقات معین در آنها حضور داشته باشند و این امکان نیز فراهم باشد که در مکان‌هایی تقریباً نزدیک به محل سکونت خود به آنها دست یابند.

در پژوهشی که اینک فراروی دارید و یکی از مهم‌ترین ابعاد آن «بررسی چگونگی توزیع مکانی مسجدها در محله‌های مسکونی مختلف» است با این ضرورت مواجه هستیم که برای یافتن بسیاری از حقایقی که احتمالاً در پی بردن به اهمیت توزیع مکانی مساجد دخالتی دارند، ناگزیر می‌بایست اصولی علمی مبتنی بر مطالعات میدانی بنیاد نهاده شود.

آنچه در این نوشتار در اختیار شما قرار گرفته، مطالعاتی است از این نوع که شاید از بعد جغرافیایی نخستین مطالعه میدانی در نوع خود باشد. در این مطالعه، مساجد شهر مکه به عنوان نمونه‌ای برای دیگر شهرها مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲- اهداف مطالعه

هدف نهایی این مطالعه، تلاش برای شناخت توزیع مکانی مساجد مکه است که از دو رهگذر تعقیب می‌شود:

۱- پی بردن به وضع کنونی مساجد از نظر ابعاد و خدمات مختلف که بدانها مربوط می‌شود، یا استناد به دیدگاهی که امامان جماعت و نمازگزاران یکایک مسجدهای

ص: ۷۸

موضوع مطالعه، دارند.

۲- تحلیل مسافت کنونی خانه‌های مسکونی نمازگزاران از مساجد، بر اساس الگوی فعلی پراکنندگی مسجدها در هر محله و رسیدن به ترسیمی از وضعیت مطلوبی که در این عرصه باید به سوی آن حرکت کرد.

۳- پیشینه مطالعه

تاکنون جغرافی دانان به مطالعه درباره مراکز گوناگون خدمات عمومی اهتمام ورزیده‌اند و این مطالعه سه جنبه مهم را در بر داشته است:

۱- پراکنندگی خدمات عمومی (serveces public Disvrubtion of public) یعنی شمار این مراکز، میزان پراکنندگی آنها و نیز میزان سهولت و راه‌های دسترسی به آنها.

۲- قابلیت و مزیت‌های مراکز خدمات (public service)، بدان معنا که محل جغرافیای هر یک از مراکز خدماتی باید از مزیت‌هایی برخوردار باشد و با نوعی مرکزیت بتواند با تسهیل و انعطاف بیشتری خدمات خود را به مناطق پیرامونی به انجام رساند.

۳- مطالعه ساز و کار توزیع مجدد خدمات (Location allication system).

این خود مقتضی مطالعاتی درباره وضعیت خدمات کنونی و مراکز ارائه کننده این خدمات و همچنین میزان انجام تغییراتی در جهت توزیع مجدد این مراکز بر پایه اصولی علمی صورت پذیرد.

از این دیدگاه علمی، مراکز خدمات، مراکزی هستند که شخص می‌تواند از طریق آنها به آسانی و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نیازمندی‌های زندگی روزانه خود و نیازهای دیگر از این قبیل دست یابد و آنها را برآورده سازد.

از دیدگاه جیکل «Jakil» و در مطالعه او به سال ۱۹۷۶ میلادی، مراکز خدمات از نظر چگونگی پراکنندگی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- مراکز با الگوی پراکنندگی تصادفی (Random location patternes).

شاید چگونگی پراکنندگی مساجد، داروخانه‌ها و بوستان‌های محلی بهترین نمونه برای

ص: ۷۹

این الگو باشند.

۲- مراکز تجمع یافته (clustered location patternes). مجموعه‌های تجاری، برخی از مجموعه مطب‌های بخش خصوصی و یا مراکز دولتی، نمونه‌هایی از این الگوها هستند.

۳- مراکز سامان یافته (uniform location pattern). می‌توان دفاتر پست، مراکز آتش نشانی و امداد و نجات، مدارس و درمانگاه‌های دولتی را نمونه‌هایی از این الگو دانست.

موقعیت جغرافیایی هر یک از مراکز خدمات، به نوعی نمایانگر آن تصمیمی است که خواه بنا بر دلایل اقتصادی و اجتماعی و خواه بنا بر ملاحظات سیاسی در مورد انتخاب محل آن‌ها اتخاذ شده است و به‌طور طبیعی مهندسان طراح این گونه مراکز، در فراهم نهادن مقدمات این تصمیم بسیار اثرگذار بوده‌اند.

البته در کنار این مهندسان طراح، اقتصاد دانان و خبرگان سیاست و جامعه‌شناسی و جغرافیا نیز در زمینه مشخص کردن اهمیت مراکز خدمات و روشن ساختن ارتباط این مراکز با عرصه برنامه ریزی و طراحی شهری ایفای نقش کرده‌اند. (۱) از دیدگاه خبرگان امر، اهمیت مراکز خدمات عمومی به نکاتی چون سهولت دسترسی به این مراکز، مقدار مرکزیت آن‌ها و زمان و همچنین مسافت لازم برای رسیدن به آن‌ها وابسته است. هر یک از این نکات نیز خود موضوع مطالعاتی علمی قرار گرفته‌اند؛ چراکه این ویژگی‌ها با هزینه‌های مالی، پیوندی آشکار دارد و همین امر اقتصاد دانان و برنامه‌ریزان و طراحان شهری را به تلاش برای رسیدن به راه‌هایی در مورد کاستن از این هزینه‌ها واداشته است. (۲) اما در زمینه تحلیل داده‌های این دسته از مطالعات، الگوهای متعددی وجود دارد که الگوی «موقعیت مکانی فعلی و مکان پیشنهادی برای مرکز خدمات» (۳) (Location allocation Model) یکی از مهم‌ترین آنهاست. این الگو به بهره جستن از معادلات ریاضی به هدف حل مشکل استقرار فعلی مراکز و استقرار مجدد آن‌ها، به گونه‌ای که بتواند از مقدار مسافت لازم و همچنین از هزینه‌های مالی و رنج لازم برای رسیدن به آن‌ها بکاهد، اهتمام ویژه‌ای دارد. این الگو، همچنین، با الگوهای دیگری چون الگوی

۱- ۱۹۷۷, orliff, ۱۹۷۵, wagner at falkson, ۱۹۷۰, Austin, et al, ۱۹۷۴, Brown, et al, ۱۹۷۴, Dear,

, ۱۹۷۱, Abernathy of Hershey, ۱۹۷۸, Morrill, oet al,

۲- ۱۹۳۳, Christaller,

۳- ۱۹۷۳, Rushton,

ص: ۸۰

تردد وسایل حمل و نقل (۱)

(transportation modeml) پیوند و همسویی دارد.

افزون بر این الگوها، شماری از عالمان کوشیده‌اند با به‌کارگیری شماری از متغیرهای مرتبط با این زمینه الگوهای ویژه‌ای نیز فراهم سازند. (۲) همه مطالعات یاد شده به هدف به‌سازی سطح خدمات از طریق انتخاب مناسب‌ترین محل برای مراکز ارائه‌کننده آن‌ها انجام پذیرفته و به‌طور طبیعی، الگوهای پیشگفته و تحولات پیش آمده در شیوه‌های کمی مطالعات جغرافیایی، در زمینه حل بیشتر مشکلات مراکز مهم خدمات عمومی؛ از قبیل مراکز درمانی و تجاری، پایگاه‌های امداد و نجات و اماکن عبادی همانند مساجد تأثیر شگرفی داشته‌اند.

۴- برنامه و شیوه پژوهش حاضر

چنان‌که پیشتر گذشت، هدف این پژوهش را می‌توان در دو نکته زیر خلاصه کرد:

۱- شناخت وضعیت کنونی مسجدها از نظر مسافت آن‌ها و خدماتی که ارائه می‌دهند.

۲- تلاش برای رسیدن به تعریفی درباره بهترین موقعیت مکانی برای احداث مساجد در آینده.

برای رسیدن به هدف نخست، دو نظرسنجی؛ یکی از نمازگزاران و دیگری از امامان جماعت مساجد صورت پذیرفته است. در پرسشنامه‌های سنجش نخست که در میان حدوداً ۶۲۳ نمازگزار توزیع شده، پرسشهایی درباره فاصله خانه‌های نمازگزاران از مسجدهای کنونی، دیدگاه آنان درباره فاصله مطلوب در مسجدهای احداثی در آینده، میزان امکانات رفاهی موجود در مسجد، مشکل توقفگاه خودرو و مسائل دیگر از این دست وجود داشته است. (۳) در مورد ائمه جماعت مساجد نیز حدوداً در میان ۱۵۳ نفر از آن‌ها پرسشنامه توزیع شده و هدف از انجام این نظرسنجی، فراهم آوردن داده‌هایی درباره تابعیت آمد و شد کنندگان به مسجد، شمار نمازگزاران در اوقات مختلف نماز، میزان تسهیلات جانبی همچون استراحتگاه در جوار مسجد، نظافت مسجد و وجود مدرسه حفظ قرآن و موضوع‌هایی دیگر از این قبیل بوده است. (۴) پرسش‌های از این دو نظرسنجی به گونه‌ای سامان یافته‌اند که بتوان با کمک داده‌های

۱- Garrison, ۱۹۵۹

۲- ۱۹۷۱-۱۹۷۰, scott, ۱۹۶۳, Gooper, ۱۹۷۸, Hodgart, ۱۹۷۲, Homes, et, al, ۱۹۷۶, church, et, al

,Tore gas, et, al

۳- بنگرید به پیوست شماره ۱

۴- بنگرید به پیوست شماره ۲.

ص: ۸۱

حاصل از آن‌ها، به شناخت وضع کنونی مساجد دست یافت و به نظر نماز گزاران و امامان جماعت درباره مهم‌ترین ابعاد خدمات موجود در مساجد و نیز مشکلات مربوط به ارائه این خدمات، آگاهی پیدا کرد. داده‌های نخستین حاصل از این نظرسنجی، خود محورهای راهنمایی خواهند بود که در آینده به منظور برنامه‌ریزی مناسب‌ترین مکان برای ارائه این خدمات از آن‌ها بهره‌جسته خواهد شد.

پرسشنامه‌های این پژوهش، در ۱۵۳ مسجد که از مجموع مساجد ثبت شده در اداره حج و اوقاف مکه با شمار افزون بر ۶۰۰ باب (نقشه شماره ۱) به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند توزیع گردیده است، بدین ترتیب که در هر کدام از این مساجد پس از پایان هر یک از نمازهای پنج‌گانه، از میان نماز گزارانی که از مسجد بیرون می‌آمده‌اند، به نفر پنجم، دهم، پانزدهم و به همین ترتیب در هر پنج نفر به فرد آخر، پرسشنامه داده شده و نظرسنجی در میان این نمونه‌های تصادفی ترتیبی و به تعداد ۶۲۳ نماز گزار انجام یافته است. (۱) مهم‌ترین مساجد کنونی موجود در مکه مکرمه

اما برای رسیدن به دوّمین هدف از اهداف پژوهش حاضر؛ یعنی شناخت فاصله



ص: ۸۲

مطلوب میان خانه‌های مسکونی و مساجد از دیدگاه نمازگزاران، سه محله از محله‌های مختلف مکه انتخاب شد تا مطالعات میدانی تفصیلی در آن‌ها صورت پذیرد. در انتخاب محله‌ها این نکته رعایت شده است که به‌طور عام بتوانند نماینده مناطق مختلف شهر مکه باشند؛ چه، محله «جرول» بدان سبب انتخاب شده که نماینده وضعیت موجود مساجد در یکی از محله‌های سنتی و برخوردار از بافت قدیمی شهر باشد؛ منطقه «عزیزیه»، نیز بدان دلیل برگزیده شده است که نمایانگر وضعیت محله‌های جدید در شرق و جنوب شرقی مکه باشد و سرانجام محله «زاهر» نیز از آن روی به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته است که بتواند نماینده محله‌های غربی شهر باشد (نقشه شماره ۲). در این سه محله مطالعات و اقدام‌های زیر انجام پذیرفته است:

مناطق مختلف شهری مکه مکرمه و مناطق مورد مطالعه در این تحقیق

۱- موقعیت هر یک از مساجد موجود در این محله‌ها شناسایی و بر روی نقشه‌های تفصیلی مشخص شد.

۲- در هر یک از محله‌های یاد شده، نمونه‌ای از مساجد انتخاب گردید و به هدف تعیین موقعیت و مرکزیت هر مسجد نسبت به خانه‌های پیرامون آن، فاصله میان مسجد و

ص: ۸۳

نقشه منطقه عزیزیه که مساجد موجود بر روی آن مشخص شده‌اند.

نقشه منطقه زاهر که مساجد موجود در روی آن مشخص شده‌اند.

ص: ۸۴

خانه‌های نماز گزاران اندازه‌گیری شد. هدف از این اقدام آن بود که مناسب‌ترین مکان نقشه منطقه جرول که مساجد موجود در روی آن مشخص شده‌اند.

برای ساخت مسجدها در آینده شناسایی گردد، قطر دایره مناسبی که می‌بایست مسجد در وسط آن قرار گیرد، معین شود. شناختی از تعداد مساجد لازم برای محله‌های احداثی در آینده به دست آید و سرانجام از دوگانگی در ساخت مساجد پرهیز شود.

۵- تحلیل نتایج مطالعه

این پژوهش کوشیده است ابعادی چند از وضعیت مساجد را به لحاظ اجتماعی و همچنین از نظر برخورداری از تسهیلات و فاصله آن‌ها به خانه‌های نماز گزاران روشن سازد و از این رهگذر تصویری گویا از اوضاع مساجد مکه و فرض‌ها و راه حل‌های

ص: ۸۵

ممکن برای رفع مشکلات آن‌ها به دست دهد.

این مهم خود در قالب دو تحلیل انجام پذیرفته است:

۵-۱- تحلیل نظرسنجی انجام شده در جامعه نماز گزاران و امامان جماعت مساجد.

۵-۲- تحلیل فاصله‌ها به هدف سنجش وضعیت مطلوب برای مساجد احداثی در آینده.

اکنون در صفحاتی که فرا روی دارید با نتایج این مطالعه آشنایی خواهید یافت:

۵-۱-۱- وضعیت اجتماعی نماز گزاران؛ در بررسی سنّ نماز گزاران مساجد، در نمونه مورد مطالعه، نتایج زیر به دست آمده است

(جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱- سن نماز گزاران در مساجد مورد مطالعه

سن شمار افراد هر گروه درصد آن‌ها به کل جامعه آماری

کمتر از ۲۰ سال ۷/۵۵۸

از ۲۰ تا ۲۹ سال ۲۴/۹۱۵۵

از ۳۰ تا ۳۹ سال ۲۴/۱۱۵۰

از ۴۰ تا ۴۹ سال ۲۲/۳۱۳۹

از ۵۰ تا ۵۹ سال ۱۰/۳۶۴

بیش از ۶۰ سال ۱۰/۹۶۸

جمع ۶۲۳

در این جدول ملاحظه می‌شود که بالاترین درصد نماز گزاران مربوط به گروه سنی میان ۲۰ تا ۲۹ سال است و از آن خبر می‌دهد که بیشتر نماز گزاران از جوانان هستند. این پدیده که اکثریت نماز گزاران به گروه سنی جوان مربوط باشد، خود پدیده‌ای پسندیده است و در مورد کهنسالان نیز ظاهراً این احتمال مطرح است که عدم تحمّل پیمودن مسافت‌های طولانی، یکی از عوامل کاهش حضور آنان در مساجد باشد.

۵-۱-۲- وضع تابعیت نماز گزاران؛ در جامعه آماری مورد بررسی، حدود ۲۲ ملیت شناسایی شدند که البته در این میان بالاترین

درصد، متعلق به اتباع عربستان سعودی بود و ۵/۵۲٪ از آمد و شد کنندگان به مساجد را همین گروه تشکیل می‌دادند. اتباع یمن با

ص: ۸۶

نسبت ۱۳٪، پاکستانی‌ها با نسبت ۱۲٪ و مصری‌ها با نسبت ۱۰٪/۵ در رتبه‌های بعد قرار داشتند.

۵-۱-۳- آیا نمازگزار از ساکنان همان محله است؟ در پاسخ این سؤال که آیا نمازگزار مورد مصاحبه، از ساکنان همان محله‌ای است که در آن مسجد نمازگزارده یا از ساکنان دیگر مناطق است، کسانی که پاسخ مثبت داده بودند، حدود ۸۲٪ را تشکیل می‌دادند و بقیه از کسانی بودند که در هنگام تحقیق حاضر به صورت عبوری در مسجد مورد مطالعه حضور یافته و آن‌جا نماز گزارده‌اند. این بدان معناست که اکثریت قاطع نمازگزاران مساجد مورد مطالعه، از ساکنان همان منطقه‌ای هستند که مسجد در آن قرار دارد و از این روی دیدگاهی که آنان در پاسخ به پرسش‌ها ارائه کرده‌اند انعکاسی از یک برداشت حقیقی از وضع مساجد و نگاه نمازگزاران است.

۵-۱-۴- میزان ارتباط نمازگزاران با مساجد؛ تحقیق حاضر در صدد شناخت این امر برآمده است که آیا نمازگزاران مساجد مورد مطالعه، بیشتر نمازهای خود را در همان مساجد به جای می‌آورند یا نه. داده‌های تحقیق حاکی از آن است که حدود ۷۵٪ کل جامعه آماری مورد مطالعه، بیشتر نمازهای خود را در مساجد نمونه موضوع بررسی، که غالباً نزدیک‌ترین مسجدها به خانه‌های آنان بوده است، به‌جا می‌آورند.

۵-۱-۵- سطح خدمات در مساجد؛ تردیدی نسبت که سطح خدمات و تسهیلات موجود در مساجد، در حیات و پویایی آن‌ها و در نتیجه عنایت و اهتمام به مسجد و پاسداشت حرمت و جایگاه آن، که خواست اسلام است، تأثیر برجسته‌ای دارد.

شاید یکی از مهم‌ترین عوامل اعلام «هفته مساجد» به مدیریت وزارت حج و اوقاف عربستان، همین اهتمام به سطح خدمات رفاهی و نظافت مساجد و فراهم ساختن برخی از نیازهای اولیه و ضروری آن‌ها باشد.

چنان‌که شاید آمد و شد کنندگان به هر مسجد، شایسته‌ترین کسان برای عهده‌دار شدن مسوولیت این‌گونه خدمات اساسی باشند.

۵-۱-۶- سطح نظافت مساجد؛ در این باره داده‌های حاصل از پژوهش حاضر، به شرح جدول زیر (جدول شماره ۲) بوده است:

ص: ۸۷

جدول شماره ۲- سطح نظافت مساجد

سطح نظافت شمار افراد در هر گزینه نسبت این افراد به کل جامعه آماری

خوب ۶۳۵۹ / ۵۷٪

متوسط ۳۲۲۶ / ۳۶٪

بد ۱۳۸ / ۶٪

جمع ۱۰۰۶۲۳٪

در این جدول ملاحظه می‌شود که ۶ / ۵۷٪ از نماز گزاران، پاکیزگی مساجد را «خوب» دانسته‌اند.

۱- ۷- تهویه و تلطیف هوا؛ از آن روی که مکه در بیشتر فصل‌های سال و به ویژه در فصل تابستان دارای هوای گرم است، مسأله سرد کردن و تلطیف هوای مسجد یکی از ابعاد مهم خدمات آن به شمار می‌رود. در مطالعه حاضر و از رهگذر پرسش‌هایی که بدین امر نظر داشته و در تحلیل نتایج آن‌ها، وضعیت گزارش شده در جدول زیر (جدول شماره ۳) به دست آمده است:

جدول شماره ۳: سطح خدمات مربوط به سرد کردن و تلطیف هوای مساجد مکه مکرمه

سطح شمار افراد در هر گزینه نسبت این افراد به کل جامعه آماری

خوب ۳۴۹۴ / ۷۹٪

نامطلوب ۷۱۲۹ / ۲۰٪

۱۰۰۶۲۳٪

در این جدول ملاحظه می‌شود که حدود ۸۰٪ از پاسخ دهندگان، سطح تهویه و تلطیف هوا را «خوب» و تنها حدود ۲۰٪ آن را «نامرغوب» توصیف کرده‌اند که این امر نیز یا به کهنه بودن سامانه‌ها و دستگاه‌های سرما ساز مساجد و یا به عدم مراقبت و نگهداری لازم از این سامانه‌ها و دستگاه‌ها بازمی‌گردد و این پدیده در مورد بسیاری از مساجد، امری طبیعی است. البته این حقیقت ناگفته پیداست که وضعیت هوای مسجد در حضور نماز گزاران در مسجد و باقی ماندن آنان در این مکان پس از پایان نماز اثر فراوانی دارد؛ چرا که اگر هوای مسجد سرد و لطیف باشد، نماز گزاران به این

ص: ۸۸

امر ترغیب خواهند شد و در صورتی که هوا گرم و نامطلوب باشد تأثیر معکوسی خواهد داشت.

۵- ۱- ۸- توقفگاه‌های خودرو؛ مسأله توقفگاه خودرو یکی از مهم‌ترین موانعی است که ممکن است نمازگزار را از آمدن به مسجد باز بدارد، به‌ویژه در هنگامی که میان خانه او تا مسجد فاصله زیادی باشد. احتمالاً مشکل پارکینگ در مورد همه مراکز خدمات عمومی از قبیل بیمارستان‌ها، مدارس، اداره‌های دولتی و طبعاً مساجد، مشکلی همگانی است که خود به مشکل در طرح و برنامه از سوی نهادهای دست‌اندرکار و عدم توجه کافی به این نیاز مهم باز می‌گردد.

در پژوهش حاضر، در این باره پرسش شده است که چه میزان توقفگاه خودرو در اطراف مساجد در دسترس است. نتایج به دست آمده از پژوهش (جدول شماره ۴) روشن ساخته است که حدود ۶۲٪/۴ از نمازگزاران مورد مصاحبه، بر این عقیده بوده‌اند که در دسترسی به پارکینگ در مجاورت مسجد با مشکل مواجه هستند، در حالی که حدود ۳۷٪/۶ چنین اظهار کرده‌اند که در این باره مشکلی ندارند. این پاسخ بیشتر در مورد آن دسته از مساجدی دیده می‌شود که در برخی از محله‌های جدید شهر مکه ساخته شده‌اند یا امکان استفاده از خیابان به عنوان محل توقف خودرو در جوار مسجد وجود داشته است. در مواقع عادی معمولاً چنین کاری نیز صورت می‌پذیرد و نمازگزاران خودروهای خود را در خیابان‌های مجاور مسجد پارک می‌کنند. اما در روزهای جمعه و به هنگام نماز جمعه، از آن روی که در بیشتر مساجد پارکینگ مشخصی وجود ندارد و مردم ناگزیر می‌شوند خودروهایشان را در خیابان‌های اصلی یا حتی فرعی اطراف مسجد متوقف سازند، همین امر سبب کندی عبور و مرور در اطراف مساجد می‌شود. در مطالعه‌ای به هدف پی بردن به مقدار ضرورت توقفگاه‌های خودرو در اطراف مساجد، از افراد مورد مصاحبه پرسیده شده است چه مقدار با اهمیت وجود چنین توقفگاه‌هایی اختصاصی به عنوان حریم مسجد موافقت می‌کنند. در پاسخ، اکثریتی حدود ۸۵٪ بر ضرورت این گونه پارکینگ‌های اختصاصی مساجد تأکید داشته‌اند تا هر نمازگزاری بتواند با آسودگی خاطر، خودرو خود را در آنجا بگذارد.

ص: ۸۹

جدول شماره ۴: دیدگاه نمازگزاران در مورد وجود توقفگاه در اطراف مسجد

پاسخ‌شمار افرادی که نسبت این افراد به این پاسخ را داده‌اند کل جامعه آماری

پارکینگ وجود دارد ۶۲۳۴ / ۳۷٪

پارکینگ وجود ندارد ۴۳۸۹ / ۶۲٪

۱۰۰٪

۵-۱-۹- فاصله میان مسجد و خانه؛ شاید مسأله مسافت؛ یعنی فاصله مکانی میان خانه و مسجد و نیز توزیع جمعیتی مساجد در مقایسه با خانه‌ها، در هر یک از محله‌های شهر یکی از مهم‌ترین ابعادی باشد که پژوهش حاضر بر آن تأکید داشته است.

۵-۱-۱۰- فاصله خانه و مسجد در وضعیت کنونی؛ درباره فاصله مساجد موجود با خانه‌های نمازگزاران، نتایج خوبی در این جستار به دست آمده و این نتایج، خطوط کلی‌ای را در باره موقعیت مطلوب مساجد و چگونگی مرکزیت آن‌ها در فاصله میان خانه‌های مسکونی در مناطق و محله‌های مختلف به دست می‌دهد (جدول شماره ۵):

جدول شماره ۵- فاصله میان مسجد و خانه در وضعیت کنونی

فاصله‌اظهار شده‌شمار کسانی که نسبت این کسان به میان خانه و مسجد این گونه پاسخ داده‌اند کل جامعه آماری

کمتر از ۱۰۰ متر ۲۲۱۳ / ۳۴٪

از ۱۰۰ تا ۱۹۹ متر ۳۱۰۸ / ۱۷٪

از ۲۰۰ تا ۲۹۹ متر ۱۲۷۵ / ۱۲٪

از ۳۰۰ تا ۳۹۹ متر ۱۵۷ / ۹٪

از ۴۰۰ تا ۴۹۹ متر ۲۲۰ / ۳٪

از ۵۰۰ تا ۵۹۹ متر ۸۳۰ / ۴٪

از ۶۰۰ تا ۶۹۹ متر ۸۵ / ۰٪



ص: ۹۰

از ۷۰۰ تا ۷۹۹ متر ۱/۶۱۰٪

بیش از ۸۰۰ متر ۱۶/۹۱۰۵٪

۱۰۰۶۲۳٪

این داده‌ها حاکی از آن است که حدود ۲/۳۴٪ از نمازگزاران خانه‌هایشان در فاصله حدود ۱۰۰ متر از مسجد قرار دارد و این درصد خوبی است. رتبه بعدی پس از این گروه، از آن کسانی است که خانه‌هایشان در فاصله ۱۰۰ تا ۱۹۹ متر از مسجد قرار دارد و خود حدود ۳/۱۷٪ از مجموع افراد جامعه آماری نمونه را شامل می‌شوند. نکته قابل توجه در این جدول آن است که نسبت کسانی که خانه‌هایشان بیش از ۸۰۰ متر با مسجد فاصله دارد نسبت چندان پایینی نیست و به ۹/۱۶٪ می‌رسد. این خود حاکی از آن است که مساجد با شمار نسبتاً فراوان از خانه‌ها فاصله زیادی دارد.

۵- ۱۱- فاصله مطلوب از دیدگاه نمازگزاران؛ در مطالعه‌ای به هدف آگاهی از دیدگاه‌های نمازگزاران درباره فاصله مطلوب میان خانه و مسجد، در مساجد احدائی در آینده، به گونه‌ای که دسترسی به آن‌ها را آسان‌تر سازد، نتایج زیر به دست آمده است (جدول شماره ۶):

جدول شماره ۶- فاصله مطلوب میان مسجد و خانه از دیدگاه نمازگزاران  
فاصله مطلوب از دیدگاه مصاحبه شما را فراد در هر یک از گزینه‌ها نسبت این افراد به کل جامعه آماری شوندگان

کمتر از ۱۰۰ متر ۳۵۲۱۸٪

از ۱۰۰ تا ۱۹۹ متر ۳۷/۶۲۳۴٪

از ۲۰۰ تا ۲۹۹ متر ۱۲/۵۷۸٪

از ۳۰۰ تا ۳۹۹ متر ۵/۱۳۲٪

از ۴۰۰ تا ۴۹۹ متر ۲/۴۱۵٪

از ۵۰۰ تا ۵۹۹ متر ۴/۵۲۸٪

از ۶۰۰ تا ۶۹۹ متر ۰۳۲٪

ص: ۹۱

از ۷۰۰ تا ۷۹۹ متر--

بیش از ۸۰۰ متر ۶۱۶ / ۲٪

۱۰۰۶۲۳٪

آن گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، بیشترین درصد از جامعه آماری مورد مطالعه، براین نظر بوده‌اند که فاصله مطلوب میان مسجد و خانه، میان ۱۰۰ تا ۱۹۹ متر است. در رتبه پس از این گروه، کسانی هستند که معتقدند فاصله مطلوب زیر ۱۰۰ متر است. این گروه حدود ۳۵٪ از جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. طرفداران فاصله مطلوب میان ۲۰۰ و ۲۹۹ متر نیز رتبه سوم را از آن خود کرده‌اند و نسبت این گروه در کل جامعه آماری، به حدود ۱۲ / ۵٪ می‌رسد. از این روی مشاهده می‌کنیم اکثریت قاطع جامعه آماری مورد مطالعه، که نسبت ۸۵٪ از کل این جامعه را از آن خود کرده‌اند، طرفدار فاصله میانگین حدود ۲۰۰ متر هستند.

۵- ۱۲۱- سهولت رسیدن به مسجد؛ در مقایسه میان فاصله مکانی و انگیزه درونی حضور در مسجد برای کسانی که فاصله کمتری دارند، در این پژوهش روشن شده است که اکثریت معتقدند رسیدن به مساجد در وضعیت حاضر، دشوار نیست (جدول شماره ۷):

جدول شماره- میزان سهولت در رسیدن به مسجد

سهولت یا عدم سهولت دسترسی تعداد افراد در هر گزینه نسبت این تعداد به کل جامعه آماری

دسترسی به مسجد آسان است ۸۷۵۴۱٪

دسترسی به مسجد دشوار است ۱۳۸۱٪

۱۰۰۶۲۳٪

به نظر می‌رسد ارائه کنندگان این پاسخ، که «دسترسی به مسجد آسان است» با برهان کسانی منطبق است که نزدیک‌ترین فاصله را با مسجد دارا هستند و با مشکلی به نام دوری خانه از مسجد دست به گریبان نیستند؛ چه، مشاهده می‌کنیم که حدود ۸۵٪ از نمازگزاران از فاصله‌های نزدیک و پیاده به مسجد می‌آیند.

ص: ۹۲

مطالعه حاضر همچنین روشن ساخته است که حدود ۸۳٪ از پاسخ دهندگان (جامعه آماری) نماز در مسجد را بدان دلیل که مسجد به خانه‌های آنان نزدیک است برگزیده‌اند و تنها حدود ۱۱٪ اظهار داشته‌اند: آمدن آنان به مسجد، به دلیل قرائت خوب امام جماعت بوده و حدود ۶٪ نیز این امر را به وجود توقفگاه‌های خودرو و سهولت پارک و وسایل نقلیه خود مربوط دانسته‌اند.

۵- ۱- ۱۳- وضعیت مساجد؛ در تحلیل داده‌هایی درباره وضعیت عمومی مساجد، این نتیجه ملاحظه شده است که حدود ۶۸٪ از مساجد به دست نیکوکاران ساخته شده و تنها حدود ۳۲٪ از آن‌ها بناهای دولتی هستند. این خود بی‌گمان از میزان تمایل نیکوکاران در ساخت و آبادانی مساجد از پابندی آنان به این فرمان الهی حکایت دارد که فرمود:

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... (۱)؛

«مساجد را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز واپسین ایمان دارند.»

از مجموع مساجد مورد مطالعه که شمار آن‌ها به ۱۵۳ مورد می‌رسد، ملاحظه شده است که در ۶۲٪ از آن‌ها نماز جمعه برگزار می‌شود. همچنین در نتیجه پژوهش حاضر، روشن شده است که بیشتر مساجد از واحدهای مسکونی برای امام جماعت و مؤذن برخوردار نیستند؛ چه، از میان مساجد مورد مطالعه حدود ۷۰٪ فاقد واحد مسکونی بوده و تنها حدود ۳۰٪ از آن‌ها از واحد مسکونی برای امام جماعت و مؤذن مسجد برخوردار بوده‌اند.

۵- ۱- ۱۴- وضعیت دستشویی‌های مساجد؛ درباره این واحد، خدماتی که به دلیل نیاز فراوان و روزانه به آن‌ها در مساجد از اهمیت زیادی برخوردارند، پژوهش حاضر روشن ساخته است که حدود ۸۴٪ از مسجدهای مورد مطالعه، دارای دستشویی هستند، که این خود در صدی مناسب است و تنها حدود ۱۶٪ فاقد چنین امکاناتی هستند، هر چند البته این وضعیت در حد همین درصد نیز پسندیده نیست.

۵- ۱- ۱۵- مدارس ویژه حفظ قرآن؛ امروزه بیشتر مدارس حفظ قرآن در مجموعه مساجد جای گرفته‌اند و در برخی از موارد دارای ساختمان‌های مستقلی در جوار مسجد هستند و در برخی دیگر نیز در داخل خود مسجد برگزار می‌شوند. این

ص: ۹۳

مدارس هم از نظر دینی دارای اهمیتی ویژه‌اند و هم فرزندان و جوانان جامعه را که غالباً از دانش‌آموزان و دانشجویان هستند، به آمد و شد به مساجد و فراگیری و تلاوت قرآن خو می‌دهند.

در مطالعه حاضر این نتیجه به دست آمده است که در حدود ۲۳٪ از مساجد مورد بررسی، مدارس حفظ قرآن وجود دارد و حدود ۷۷٪ فاقد چنین مدرسه‌ها یا کانون‌هایی هستند. البته این در حالی است که می‌دانیم عربستان از مدارس حفظ قرآن حمایت می‌کند و به شرکت کنندگان در این مدارس مقرری‌های ماهانه‌ای اختصاص می‌دهد و افزون بر این، نیکوکاران نیز کمک‌های داوطلبانه‌ای در اختیار این مدارس می‌گذارند.

۵-۱-۱۶- برخورداری مساجد از مؤذن؛ در مطالعه حاضر روشن شده است که درصد مناسبی از مساجد دارای مؤذن هستند (جدول شماره ۸):

جدول شماره ۸- وضعیت برخورداری مساجد از مؤذن

وضعیت مسجدشمار مسجد در هر مورد درصد نسبت به کل جامعه آماری

بدون مؤذن ۸۵۱۳۰٪

دارای مؤذن ۱۵۲۳٪

۱۰۰۱۵۳٪

بی‌گمان مؤذنان در پاسداشت اذان در اوقات خاص آن و مراقبت و نظافت مسجد، نقش برجسته‌ای دارند و غالباً- در عربستان سعودی- به هنگام حضور نیافتن امام جماعت نیابت از او را عهده‌دار می‌شود. از این روی، وجود مؤذن از نیازهای اولیه هر مسجد است و اهتمام به این امر از ضرورت‌ها دانسته می‌شود.

این نیز ناگفته نماند که در عربستان سعودی اغلب مؤذنان، مانند امامان جماعت حقوق ماهیانه‌ای از دولت دریافت می‌کنند.

۵-۱-۱۷- سطح علمی امامان جماعت؛ در بررسی وضعیت علمی و تحصیلی امامان جماعت مساجد مورد مطالعه، روشن شد که حدود ۳۷٪ آنان از مدرک تحصیلی معتبر برخوردار نیستند (جدول شماره ۹):

ص: ۹۴

جدول شماره ۹- وضعیت علمی و تحصیلی امامان جماعت مساجد  
 وضعیت مدرک تحصیلی\* تعداد افراد درصد نسبت به کل در هر مورد جامعه آماری  
 بدون مدرک معتبر ۳۷۵۷٪  
 دارای تحصیلات تا کلاس ششم ۱۱۱۶٪  
 دارای تحصیلات تا دیپلم ۱۶۲۵٪  
 دارای تحصیلات دانشگاهی (مقطع لیسانس) ۲۶۴۰٪  
 دارای تحصیلات تکمیلی (فوق لیسانس و دکتری) ۱۰۱۵٪  
 ۱۰۰۱۵۳٪

\* به تفاوت نظام تحصیلی در عربستان و ایران توجه شود.

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود ۲۶٪ از افراد جامعه آماری، دارای مدرک دانشگاهی در حد لیسانس هستند که این درصد بسیار مناسبی است. به همین تعداد؛ یعنی حدود ۲۶٪ نیز تحصیلاتی در حد پایان مقطع متوسطه یا پایان مقطع نخست تحصیلی (پایه ششم) دارند و جالب آنکه حدود ۱۰٪ هم از تحصیلات تکمیلی مانند فوق لیسانس برخوردار هستند. این خود حاکی از این نوید است که دارندگان مدارج علمی بالا به عهده‌دار شدن جماعت روی آورده‌اند. این امر به ویژه هنگامی اهمیت می‌یابد که بدانیم چنین امامان جماعتی معمولاً به خوبی از عهده قرائت قرآن، مسأله مخارج حروف و رعایت تجوید برمی‌آیند و ممکن است وجود چنین کسانی موجب ادای هر چه درست‌تر و زیباتر نماز شود و خود بر اقبال مردم به نماز جماعت بیفزاید.

ناگفته پیداست که امام جماعت با چگونگی قرائت و نماز خود و با طول ندادن به نماز و سخت‌گیری نکردن بر نماز گزاران، نقش مهمی را در ترغیب مردم به مسجد دارد و در صورتی که روشی برعکس در پیش بگیرد، می‌تواند موجب گریز مردم شود. این حقیقت، هم در مطالعات میدانی و نظرسنجی از نماز گزاران به اثبات رسیده است و هم نوع رفتار مردم آن را گواهی می‌کند.

۱- ۲- ۵- پراکندگی کنونی مساجد مکه؛ برای آنکه بتوانیم تصویری روشن از وضعیت کنونی مساجد مکه و پراکندگی آن‌ها در مناطق مسکونی مختلف این شهر به

ص: ۹۵

دست دهیم، به مطالعه‌ای میدانی در سه محله یا منطقه مکه پرداختیم که عبارتند از:

۱- منطقه عزیزیه

۲- منطقه زاهر

۳- منطقه جرول

برای رسیدن به درکی روشن از مساجد این سه منطقه، نخست همایش میدانی درباره این محله‌ها انجام یافت، سپس مشاهدات به دست آمده بر روی نقشه ثبت گردید و سرانجام مساجد موجود در این مناطق بر روی نقشه علامت زده شدند. (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰- شمار مساجد موجود در سه منطقه مورد بررسی

نام محله یا منطقه تعداد مساجد موجود

عزیزیه ۲۷

زاهر ۳۹

جرول ۱۹

جمع ۸۵

برای پی بردن به فواصلی که نمازگزاران از خانه تا مسجد طی می‌کنند در هر یک از مساجد مورد مطالعه، چند مسجد به عنوان نمونه و همچنین شماری از نمازگزاران در هر منطقه به عنوان نمونه انتخاب شدند و در مطالعاتی میدانی، داده‌هایی درباره فاصله‌ای که هر کدام از آنان سپری می‌کنند و نیز جهتی که برای رسیدن به مسجد در پیش می‌گیرند گردآوری شد.

در نقشه شماره ۶ که مربوط به منطقه عزیزیه است مشاهده می‌کنیم که در مورد بسیاری از مساجد فاصله زیادی از آن‌ها تا خانه‌های مسکونی مناطق اطراف وجود دارد.

این در حالی است که در دیگر سوی در برخی از مناطق، به ویژه در جاهایی که به خیابان‌های اصلی مشرف هستند، شاهد نوعی کار موازی و دوباره کاری هستیم.

در منطقه عزیزیه نکته قابل ملاحظه دیگر آن است که فاصله‌های میان مساجد و به تبع، فاصله‌های میان خانه‌ها و مساجد، بیش از آن چیزی است که در دیگر مناطق به چشم

ص: ۹۶

می‌خورد. این امر ظاهراً به تصادفی بودن پراکندگی مساجد و عدم پیمایش لازم پیش از احداث مساجد در این منطقه باز می‌گردد و شاید هم در این میان بالا بودن قیمت زمین در مناطقی چون عزیزیه عامل دشوار کننده دیگری برای انتخاب محل مناسب احداث مساجد باشد.

اما نقشه شماره ۷ مربوط به منطقه زاهر نشان می‌دهد که در برخی از نقاط این منطقه دوباره کاری زیادی مشاهده می‌شود و تعداد زیادی مسجد وجود دارد و در نتیجه نمازگزاران با گزینه‌های متعددی برای رفتن به این یا آن مسجد روبروی هستند و فاصله کمی را نیز تا مسجد طی می‌کنند. اما در همین منطقه و در برخی از نقاط دیگر آن، به دلیل وجود نداشتن مسجد به تعداد لازم، نمازگزاران ناگزیر به پشت سر نهادن مسافت زیادی برای رسیدن به مسجد هستند.

اما نقشه شماره ۸ مربوط به منطقه جرول تصویری کاملاً متفاوت با دیگر مناطق به دست می‌دهد و گویای آن است که در این منطقه فاصله میان مساجد و به‌طور طبیعی فاصله خانه‌ها تا مسجدها کمتر است. این امر احتمالاً به کوچک بودن این منطقه و قدمت آن در مقایسه با دیگر مناطق مکه و به تبع، فراوانی شمار مساجد در این منطقه باز می‌گردد. بی‌تردید مناطق قدیمی شهر در مقایسه با مناطق جدید، از تعداد مساجد بیشتری برخوردارند؛ چرا که رشد این مناطق کند بوده و این خود سبب می‌شده است فرصت و زمینه خوبی برای انتخاب مکان مناسب و دارای مرکزیت بیشتر برای مسجد بر حسب نیاز مردم وجود داشته باشد.

با ملاحظه نقشه‌های مناطق سه گانه عزیزیه، زاهر، و جرول می‌توان وضعیت کنونی مساجد در این منطقه را در این دسته بندی خلاصه کرد که ما اصولاً با سه نوع خانه در این منطقه مواجه هستیم:

۱- خانه‌هایی با فاصله بسیار نزدیک به مسجد.

۲- خانه‌هایی با فاصله متوسط با مسجد.

۳- خانه‌هایی با فاصله دور با مسجد.

در خلال اجرای پژوهش حاضر، مشاهده شد که نزد بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه نوعی احساس عدم رغبت نسبت به پشت سر گذاشتن مسافت‌های طولانی برای رسیدن

ص: ۹۷

به مسجد به منظور ادای نماز وجود دارد. این حقیقتی است که در مقایسه فاصله‌ها در نقشه‌های مناطق یاد شده نیز تأیید می‌شود.

۵-۲-۲- دیدگاهی درباره وضعیت مطلوب برای مساجد کنونی؛ چنان‌که پیشتر گذشت مطالعاتی جغرافیایی در باره رسیدن به بهترین نظریه در مورد توزیع مجدد خدمات عمومی صورت پذیرفته است. این مطالعات کوشیده تا در درجه نخست اوضاع موجود را بررسی و تحلیل کند و سپس به فرضیه‌ای برای توزیع مجدد این خدمات برسد و آن‌گاه در پرتو معیارهایی معین (۱) سیاستی جدید را در خصوص تنظیم مجدد توزیع این‌گونه از خدمات رسم کند. این مطالعات هدفی بنیادین را در نظر داشته است و آن مرکزیت خدمت یا خدمات مورد بررسی است، به گونه‌ای که هر کس به آن خدمت یا خدمات نیاز داشته باشد بتواند با صرف کمترین هزینه بدان دست یابد. در این میان شاید نظریه مراکز مرکزی (Central place theory) نظریه‌ای فراگیر در بررسی مراکز خدماتی و اندازه و حجم این‌گونه از خدمات به شمار آید.

ما در این پژوهش کوشیده‌ایم پاره‌ای از معیارها و استانداردهای موجود را در رسیدن به شناختی از وضعیت پراکنندگی مساجد- و وضعیت مطلوب برای آن‌ها در آینده- به کار گیریم. از همین روی نیز در پژوهش حاضر تأکید ما بر شناخت «تعداد مناسب برای مساجد در هر یک از سه منطقه مورد مطالعه بوده و این امر از سه رهگذر انجام یافته است:

۱- اطلاع از مساحت هر یک از مناطق سه گانه یاد شده.

۲- به کارگیری برخی از معادله‌های ریاضی برای محاسبه تعداد مطلوب و آرمانی.

۳- مقایسه الگوی پیشنهادی یا الگو یا وضعیت موجود و بررسی میزان تفاوت بر پایه اصول و معیارهایی که پیشتر بدانها اشاره شد.

بدین ترتیب در جریان پژوهش حاضر مساحت هر یک از مناطق سه گانه مکه مشتمل بر خیابان‌ها و خانه‌های مسکونی- چرا که این مناطق، مناطقی مسکونی هستند- اندازه‌گیری و سپس بر پایه معادله، نتایج لازم محاسبه شده‌اند. ناگفته نماند در این معادله  $A$  مساحت منطقه مورد بررسی،  $a$  ارزش عددی ثابت،  $S$  مسافت مطلوب میان مراکز خدماتی مورد بررسی و  $K$  تعداد مراکز پیشنهادی به عنوان متغیر مورد محاسبه است. در



ص: ۹۸

این معادله، همچنین بر پایه مطالعات پیشین که در آن‌ها بیشترین درصد از افراد مورد مصاحبه ۲۰۰ متر را به عنوان فاصله مطلوب میان خانه و مسجد مطرح کرده بودند عدد ۲۰۰ به عنوان مسافت مطلوب اتخاذ شده است. محاسبه‌های انجام یافته در قالب معادله فوق نتایج زیر (جدول شماره ۱۱) را به دست داده است:

جدول شماره ۱۱- تعداد مساجد موجود و تعداد مساجد پیشنهادی در مناطق سه گانه

نام منطقه تعداد مساجد موجود تعداد مساجد پیشنهادی

عزیزیه ۳۵۲۷

زاهر ۲۶۳۹

جرول ۱۲۱۹

جمع ۷۳۸۵

آن گونه که در جدول ملاحظه می‌شود در منطقه عزیزیه شمار مساجد فعلی ۲۷ و تعداد مساجد پیشنهادی ۳۵ باب است. برای تفسیر این ارقام، نظریه کریستالر به خدمت گرفته شده و ارقام یاد شده در قالب آن تحلیل شده‌اند. بر پایه این نظریه (و چنان که در نقشه شماره ۹ می‌بینید) اشکالی شش ضلعی رسم می‌شود و سپس نقطه مرکزی هر شکل محل استقرار خدمت موضوع بررسی اعتبار می‌گردد.

بدین ترتیب ما می‌توانیم تفاوتی را نیز مشاهده کنیم که میان نقاط مختلف یک منطقه وجود دارد؛ چه برخی نقاط دارای مساجدی بیش از نیاز هستند و برخی دیگر اصلاً دارای مسجد نیستند. اما الگوی پیشنهادی ما همه نقاط یک منطقه را پوشش می‌دهد به گونه‌ای که هر کس می‌تواند در فاصله حدود ۲۰۰ متری خانه خود به مسجد دسترسی داشته باشد؛ چرا که الگوی پیشنهادی ما هر یک از مساجد در وسط دایره‌ای با قطر ۲۰۰ متر قرار گرفته است.

آن گونه که در نقشه شماره ۱۰ نیز ملاحظه می‌شود شمار مساجد پیشنهادی در مقایسه با مساجد موجود از ۳۹ باب به ۲۶ باب تقلیل یافته است. البته نکته دیگر هم در این منطقه آن است که توزیع کنونی مساجد کاملاً تصادفی است و گاه در آن تکرار و

ص: ۹۹

موازات نیز دیده می‌شود تا جایی که گاه میان دو مسجد فاصله‌ای کمتر از صد متر است و این پدیده در بیش از یک نقطه از منطقه زاهر به چشم می‌خورد. از همین روی در الگوی پیشنهادی مطرح شده است که در این منطقه به جای مساجد موجود تنها ۲۶ مسجد وجود داشته باشد و این تعداد نیز بر اساس طرحی هم‌نواخت و با فاصله‌های مساوی از همدیگر توزیع شوند به گونه‌ای که به خوبی همه نقاط این منطقه از شهر را پوشش دهند.

اما درباره منطقه جرول، نقشه شماره ۱۱ نشان می‌دهد که شمار مساجد از ۱۹ مسجد یعنی تعداد واحدهای موجود به ۱۲ واحد به عنوان شمار پیشنهادی کاهش یافته است؛ چه، مساحت این منطقه از شهر زیاد نیست و با آن که در الگوی پراکندگی مساجد این منطقه شاهد نزدیکی بیشتر آن‌ها با همدیگر هستیم اما اگر بنا باشد این تعداد در منطقه با آن مساحت محدود وجود داشته باشند سامان دهی و مراقبت از آن‌ها کاری آسان نخواهد بود.

آن چه را تا کنون درباره پراکندگی مساجد گذشت می‌توان اینگونه خلاصه کرد که الگوی پیشنهادی پراکندگی مساجد در مناطق سه گانه یاد شده از مکه تنها توصیفی از «بایستگی‌ها» و بایدهای پراکندگی مساجد در این مناطق است. البته در صورتی که بنا باشد روشهای محتوی و تمرکز گرا در انتخاب بهترین و مناسب‌ترین محل و مسافت معقول و ناظر به مرکزیت مشخص منطقه‌ای اعمال گردد.

این الگویی است که دست کم در پراکندگی مراکز خدمات دینی در محله‌های نوساز شهر و در نقشه‌های جامع جدید شهرداری‌ها می‌توان از آن پیروی کرد.

پی‌نوشتها:



## پژوهشی درباره کعبه و اشیای هنری - تاریخی آن

طرجان یلماز / محمدرضا نعمتی

۲- عصر مملوکی

تاریخ ساخت: ۶۵۹-۶۶۰ هجری (۱۲۶۱ م) درازا: ۲۷/۵ سانتی متر شماره ثبت: (۲/۲۲۱۶)

این کلید از برنج ساخته شده و طلاکوب گردیده است. بر دو روی پهناور بدنه کلید، نوشته‌هایی است که امتداد آن را فرا گرفته ولی در قسمت‌های باریک آن، نقوش زنجیره‌ای و ساقه‌های کوچک گیاهی است. این کلید به دوره نخستین خلیفه عباسی در قاهره، مستنصر بالله (۶۵۹-۶۶۰ ه. ق.) باز می‌گردد.

نوشته‌ها: بر روی بدنه قسمت «الف» کلید، نوشتار طلاکوب با آیه کریمه: «ان اول بیتی» تا «مقام ابراهیم» شروع می‌شود و بقیه آیه تا آخر در قسمت «ب» بدنه کلید ادامه می‌یابد و به دنبال آن، آیات ۹۶-۹۷ سوره آل عمران می‌آید و سپس عبارت: «الإمام المستنصر بالله أمير المؤمنين» وجود دارد. احتمال می‌رود خلیفه نامبرده، نخستین خلیفه‌ای باشد که در زمان ظاهر بیبرس در مصر به این لقب یاد شده است. (۱)

ص: ۱۰۲

تاریخ ساخت: ۷۴۳ هجری (۱۳۴۲ م) زمان سلطان صالح عماد الدین اسماعیل

دراز: ۳۴ سانتی متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۱۸

در ساخت این کلید، برنج به کار رفته و سپس طلاکوبی شده است و دسته کلید با نقوشی از ساقه‌های گیاهی و اشکال هندسی زینت داده شده است، ولی دو قسمت پهناور آن، تنها با نقوش تزیین شده است. این کلید نیز به نخستین خلیفه عباسی در قاهره (مستنصر بالله) منسوب است.

نوشته‌ها: روی بدنه قسمت «الف» آن، آیه ۹۶ و بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران ثبت شده و روی بدنه قسمت «ب» آن عبارت: «حَمْدُ اللَّهِ دَوْلَةُ الْإِمَامِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُسْتَنْصِرِ بِاللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» نوشته شده است و شاید این آخرین کلیدی باشد که به نام او است و به «باب الرحمه» مربوط است و آن دری است در داخل کعبه که از آنجا به بام کعبه راه دارد و در پشت رکن عراقی است. (۱) ابن جبیر در سفرنامه خویش از این در سخن گفته است. (۲) و (۳) تاریخ ساخت: ۷۴۳ هجری (۱۳۴۲ م) زمان سلطان صالح عماد الدین اسماعیل

دراز: ۳۴ سانتی متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۱۸

این کلید از برنج ساخته شده و روی آن نقره کوب گردیده و آیاتی از قرآن قسمت‌های عریض روی آن را پر کرده است؛ چنانکه در سطوح مکعبی که در قسمت دسته آن می‌باشد، نوشتاری وجود دارد و نیز نوشته‌هایی بر قسمت‌های مسطح حلقه کلید یافت می‌شود و بر دو ضلع باریک آن، آیه الکرسی ثبت شده است. بخش‌های باریک

۱- در میقات شماره ۳۹، مقاله نخست «اشیای هنری، تاریخی کعبه» ص ۱۱۸ به جای پشت رکن عراقی، پشت رکن یمانی تایپ شده است که بدینوسیله تصحیح می‌شود.

۲- سفرنامه ابن جبیر، ص ۱۲۱ ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ الو، ۱۳۷۰

۳- نک: سوردل، صص ۶۲-۶۴

ص: ۱۰۳

بدنه کلید هم با نقوشی تزیین یافته است و بر آن عبارتی دیده می‌شود که این کلید را به «سلطان صالح عمادالدین اسماعیل» فرزند ملک ناصر مملوکی، نسبت می‌دهد. در این کلید پاره‌ای تعمیرات به عمل آمده و یکی از دندان‌های آن شکسته است. بر روی قسمت «الف» حلقه کلید آیه «نصر من الله و فتح قریب» و بر روی قسمت «ب»: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» نگارش یافته است. نوشته‌ها: بر سطح «الف» بدنه عریض کلید، دو آیه ۱ و ۲ سوره فتح تا «ما تقدّم من ذنبك و ما تأخر» آمده و بر روی «ب»، بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران است. بر سطح «الف» مکعب دسته کلید عبارت: «هذا مفتاح الكعبة المشرفة شرفها الله» و بر سطح «ب» آن عبارت: «... السلطان الملك الصالح بن الملك الناصر، فی سنة ثلث ...» ذکر شده است و تاریخ ساخت بر مکعب یاد شده چنین است: «و أربعین و سبعمائه هجریه نبویّه»

این کلید دارای کیسه‌ای از دیبای سبز است که با تارهای نازک طلا، گل‌دوزی شده است و اندازه آن ۱۸ \* ۱۲ سانتی‌متر می‌باشد و نوشته‌های روی آن، که با همان تارهای زرین نگاشته شده، به این ترتیب می‌باشد: «أمر بعمل هذا الكيس المبارك / مولانا السلطان مراد» و در قسمت پایین آن: «أمر بتجدیده مولانا / حسین پاشا فی سنة ۱۰۴۵» سپس آیه: «أنه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم» و بر روی دیگر کلید و بخشی از آیه ۵۸ سوره نساء است که بر قسمت میانی دو طرف کیسه نگارش یافته است. (۱) تاریخ ساخت: ۷۵۵ هجری (۱۳۵۴ م) زمان سلطان حسن بن محمد

درازا: ۳۲ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۱۹

این کلید از جنس برنج است و روی آن طلاکوب گردیده و به طوری که روی کلید ثبت شده، به زمان سلطان ناصر؛ ناصرالدین حسن مملوکی، در دوره دوم حکومتش باز می‌گردد و بخش‌هایی از کلید، به وسیله نوشته‌هایی پر شده است، در حالی که بر روی

ص: ۱۰۴

دیگر بخش‌های آن تزئیناتی مانند نقش ساقه‌های گیاهی وجود دارد. نوشته روی این کلید درشت و خوانا است و در قسمت‌های طلاکاری‌های آن از بین رفته است.

نوشته‌ها: بر روی قسمت «الف» بدنه کلید، آیه ۹۶ سوره آل عمران را؛ یعنی «انْ أَوَّلَ بَيْتٍ» تا «فیه آیات بینات» می‌خوانیم و بر روی قسمت «ب» آن، آیات ۱ و ۲ سوره فتح را تا «لیغفر لک الله ماتقدم من ذنبک و ماتأخر» مشاهده می‌کنیم و بر سه مکعب دسته کلید، بر روی الف آن، عبارت: «مما عمل لبیت الله ... فی ایام مولانا السلطان حسن بن محمد الملک ... لااله الاالله، محمد رسول الله، فی سنه خمس و خمسين و سبعمائه» ثبت شده است.

بدنه کلید به مکعبی منتهی می‌گردد که بر چهار ضلع آن نوشته شده است:

«مَمَّا عمل لبیت الله / الحرام فی ایام / مولانا السلطان الملک حسن بن محمد» و بر مکعب پس از آن «لااله / الا الله محمد رسول الله فی سنه خمس / و خمسين و سبعمائه» و بر مکعب سوم، کلماتی پراکنده از آیه ۳۳ سوره توبه آمده است، ولی نوشته‌های روی حلقه کلید خوانا نیست، گرچه ما بر این باوریم که آن نوشته‌ها، آیه ۵۹ سوره انعام می‌باشد. (۱) تاریخ ساخت: ۷۹۵ هجری، (۱۳۹۲ م) زمان سلطان برقوق

درازا: ۳۴ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۲

این کلید از برنز ساخته شده و سپس منقوش و طلاکوب گردیده و به عصر «سلطان ظاهر سیف الدین برقوق» باز می‌گردد. نوشته‌ها تمام بخش‌های کلید؛ یعنی بدنه و مکعب‌های دسته آن را فرا گرفته است و نقش و نگین‌ها و ساقه‌های گیاهی بر قسمت‌های بیضی شکل و دسته کلید یافت می‌شود و چنانکه ملاحظه می‌گردد، دستگیره برنجی آن، بعد از ساخت کلید، به آن ضمیمه شده است. نوشته‌ها: بر دو روی پهناور آن، آیاتی از قرآن خوانده می‌شود، بر یک روی آن، آیه ۹۶ سوره آل عمران: «انْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعُ لِلنَّاسِ لِلذِّی بَبَكُهُ مَبَارَكًا وَ هَدَىٰ لِلْعَالَمِیْنَ» و بر روی دیگر آن، قسمتی از آیه بعد از آن؛ یعنی آیه ۹۷ سوره آل عمران آمده است، و

۱- نک: سوردل، صص ۷۰، ۷۱.

ص: ۱۰۵

بر یکی از دو ضلع کم عرض بدنه «انا فتحنا لك فتحاً مبيناً» و بر قسمت کم عرض دیگری، ادامه آیه دوم از سوره «فتح» آمده است. و بر چهار سطح مکعب‌هایی که در انتهای بدنه کلید است و دسته کلید را تشکیل می‌دهد، عبارات زیر توزیع شده است:

لااله الاالله محمد رسول الله / عزالله مولانا / السلطان ملك الظاهر ابي / سعيد برقوق / ارسله بالهدى / و دين الحق / الله كافي من / توكل عليه / سنه خمس و / تسعين و سعمایه.

در دفتر موزه، در قسمت مربوط به این کلید آمده است: این کلید از قلعه ابی‌قیر در مصر به موزه آورده شده است. (۱) تاریخ ساخت: قرن ۸ هجری (۱۴ میلادی) در عصر سلطان سیف‌الدین

درازا: ۲۸ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲۱ / ۲۵

کلیدی است از برنز که روی آن طلاکوب شده و خطوطی پهناورتر از میزان معمول که در راستی بدنه [و عرض آن] کشیده شده است. همچنین نوشته‌هایی مشابه بر روی مکعب‌های دسته کلید وجود دارد ولی دو شکل بیضی دسته، با ساقه‌های گیاهی زینت گردیده و حلقه این کلید گم شده است.

نوشته‌ها: بر قسمت «الف» روی بدنه کلید: این آیه از سوره آل عمران را می‌خوانیم: «ان اول بیت» تا «فیه آیات بینات» و بر قسمت «ب» بدنه آن، بقیه آیه تا «من استطاع الیه سبیلاً» آمده است. چنانکه بر قاعده‌های دو مکعبی که در دسته کلید است عبارت: «السلطان الملك المظفر عز نصره» توزیع و تکرار شده است. نقوش روی دو منشور کروی شکل آن هم روشن می‌باشد.

- احتمال می‌رود ملک مظفر، همان سلطان سیف‌الدین مملوکی ۷۴۷-۷۸۳ ه. ق.

(۱۳۴۶-۱۳۸۷ م) باشد- این کلید دارای کسبه دراز و بلندی از پارچه سفید است که آن را گلدوزی‌هایی با گل‌های کوچک آراسته است. (۲)

۱- نک: سوردل، صص ۲۷، ۷۳

۲- نک: سوردل، صص ۶۸-۶۹



ص: ۱۰۶

تاریخ ساخت: ۸۰۴ هجری (۱۴۰۱-۱۴۰۲ م) در زمان سلطان برقوق

درازا: ۵۰ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۲۸

قفلی است آهنی و طلاکوب که تمام قسمت‌های آن با نوشته‌ها آراسته شده و به «سلطان ظاهر برقوق» منسوب گردیده است و بر روی بدنه استوانه‌ای شکل قفل و نیز بر روی میله عمودی آن، خطوط مورّب طلاکوب و نقره‌کوب گردیده است. نوشتار روی آن تنها با طلا و خطوط پیرامون آن فقط با نقره تزئین گردیده است.

نوشته‌ها: نوشته‌های روی بدنه کلید در چند سطر است که عبارتند از آیات زیر: آیه الکرسی، آیه ۲۷ سوره فتح، ۹۶ آل عمران، ۷۳ انعام، سوره اخلاص، آیه ۱۲۹ توبه و ۱۱۶ سوره مؤمنون.

آیات یاد شده، به ترتیبی که آوردیم نیست، بلکه بر روی بدنه استوانه‌ای آن، در داخل،

ص: ۱۰۷

مستطیل‌هایی کنار هم، که سازنده به دلخواه خود ترسیم کرده، نگاشته شده‌اند و بر یک روی مرآت قفل که به صورت مسطح بوده و بر بدنه قفل متصل می‌باشد، آیه الکرسی و بر روی دیگرش: «اللهم اغفر لعبدک مولانا السلطان الملک الناصر فرج بن عبدک المرحوم الملک الظاهر خادم بیت الله الشریف ... عمل فی جمادی الأولى سنهٔ اربع و ثمانمائه» و بر میله عمودی قفل: «السلطان ... الظاهر برقوق» ثبت گردیده است.

در سبک نگارش تاریخ این قفل با سبک نگارش رایج زمان ساخت آن، به گونه‌ای درخور توجه ناهماهنگی به چشم می‌خورد. ممکن است سبب آن این باشد که زمان ساخت آن جلوتر از زمان ثبت تاریخ بر آن بوده است. (۱) تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

درازا: ۲۴ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۷۷

این کلید از جنس آهن است که روی آن طلاکوبی و نقره‌کوبی شده است. بدنه کلید را نوشته‌ها و نقوشی از ساقه‌های گیاهان پر کرده ولی دیگر بخش‌های کلید با ساقه‌ها و برگ‌های گیاهی و نقش و نگارهایی تزیین گردیده است و پاره‌ای از آن‌ها، با رز و سیم آراسته شده است. کلید این قفل پیدا نشده و در قسمت برآمدگی انتهای کلید، نوشته‌هایی است که خواندن آن‌ها دشوار می‌نماید.

نوشته‌ها: بر روی بدنه پهن و مستطیل شکل آن، آیاتی از قرآن ثبت شده، بر روی قسمت «الف» آن، آیات اول و دوم سوره فتح تا «ما تقدّم من» و بر روی قسمت «ب»، بقیه آیه دوم تا «صراطاً مستقیماً» نگارش یافته است.

این کلید و کلیدی که در تصویر شماره ۲۰ با مشخصات س. ط. ق: ۲/۲۲۷۸ می‌آید، دارای کیسه‌ای از پارچه‌ای حریر سبز است به اندازه ۴۸\*۱۶ سانتی‌متر و با تارهای زرین، گل‌دوزی شده است.

ص: ۱۰۸

تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

درازا: ۳۴/۵ سانتی متر - شماره ثبت: س. ط. ق: ۲/۲۲۲۵

کلیدی است که از آهن ساخته شده و روی آن طلاکوب گردیده و دسته و سر کلید طلاکاری شده است. ساخت آن بی پیرایه و بسیار ساده است و از نظر شکل، تقریباً شبیه کلید تصویر شماره ۵، دارای مشخصات ۲/۲۲۲۴ می باشد و به ویژه در قسمت حلقه که دو سر آن در نقطه اتصالش به کلید، شکل سرهای اژدها را نشان می دهد.

نوشته‌ها: بر روی قسمت «الف» بدنه آن، آیه: «انا فتحنا» تا «و ینصرک الله نصراً عزیزاً» و بر قسمت «ب» آن: «ان اول بیت» تا «فمن دخله کان آمناً» را می خوانیم؛ چنانکه نوشته‌هایی بر دو روی حلقه آن وجود دارد که خواندن آن‌ها دشوار است.

این کلید دارای کسیه‌ای از حریر است که با تارهای طلایی گلدوزی شده و اندازه اش ۴۲\*۲۶ سانتی متر می باشد و در دفتر موزه نوشته شده که «سلطان عبدالمجید» دستور درست کردن این کیسه را داده و «خدیو عباس پاشا» آن را آورده است.

تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

شماره ثبت: س. ط. ق: ۲/۲۲۸۱

این قفل و کلید از آهن ساخته شده و سپس طلاکوب گردیده و با شکل‌های هندسی

ص: ۱۰۹

و ساقه‌های گیاهی تزئین شده است و از نوشته‌های روی آن برمی‌آید که برای باب توبه ساخته شده‌اند. بر روی یک بدنه کلید، با خط ثلث نوشته شده است: «هذا مفتاح الأبواب» و بر دیگر روی آن آمده: «افتح لنا خير الباب».

بر سر روی قفل و روی مربع‌های در دو ردیف عبارت‌های زیر نوشته شده است:

«هذا قفل / باب التوبة / فی داخل /

الكعبة / الله قابل التواب / و مفتاح الأبواب

... / استغفر و تاب / نصر من الله و فتح /

قريب و بشر / المؤمنین / یا محمد بجنه»

و به دنبال آن، آیه ۱۳ سوره صف می‌آید و کلمات آیه در مربع‌ها توزیع می‌شود به صورتی که قرائت آن به سختی ممکن می‌گردد.

تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

درازا: ۲۸ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲ / ۲۲۷۸

کلیدی است آهنی که جز تزئینات اندکی بر دسته آن و نوشته‌هایی بر بدنه آن، یافت نمی‌شود.

نوشته‌ها: بر روی بدنه منشوری شکل آن نوشته شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، انا فتحنا لك فتحاً مبيناً ليغفر لك الله ما تقدم من

ذنبك» و ادامه در روی دیگر آن می‌باشد. بر روی مکعب دسته آن، که در اطراف خود می‌چرخد، عبارت: «له الملك»

ص: ۱۱۰

را می‌خوانیم.

برای این کلید، و کلید شماره ۱۷ با مشخصات ۲/۲۲۲۷، کیسه‌ای از حریر سبز در اندازه ۴۸\*۱۶ وجود دارد که با تارهای زرین گلدوزی شده است.

تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

درازای: ۳۰ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۲۶

کلیدی است از جنس آهن که بدنه آن طلاکاری شده و بر آن نوشته‌هایی حک گردید و با نقش و نگارهای گیاهی و گل‌ها تزئین گردیده است.

نوشته‌ها: چنانکه در تصویر آن مشخص است، بر بدنه مستطیل شکل کلید، قسمتی از آیه ۵۹ سوره انعام ثبت شده و بر روی بقیه آیه و نیز آیه ۹۷، سوره آل عمران تا «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ الْيَهُودِ سَبِيلاً» نوشته شده و بر روی حلقه کلید، عبارت: «الملك لله» وجود دارد.

تاریخ ساخت: قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی)

درازای: ۳۵ سانتی‌متر - شماره ثبت: ۲/۲۲۸۹

کلیدی است آهنی و بدنه آن خالی از نوشتار و نقش و نگار می‌باشد و تنها بر حلقه و قسمتی که حلقه به آن متصل است نقوش و شیارهایی یافت می‌شود.

ص: ۱۱۱

پی نوشتها:

ص: ۱۱۲

**مسجد الإجابة یا مسجد مباهله**

محمد صادق نجمی

یکی از مساجد کهن و تاریخی در مدینه منوره، که مورد توجه حجاج و زائران بوده و هست، مسجدی است به نام «مسجد الإجابة» که در سال‌های اخیر، در محاورات مردم به اشتباه و بدون توجه به پیشینه تاریخی‌اش، به عنوان «مسجد مباهله» معرفی گردیده و از این جهت که مراسم مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، در این محل به وقوع پیوسته، مورد اهتمام خاص قرار می‌گیرد.

از آنجا که این اشتباه و تحریف، اثرات منفی و نتایج زیان‌باری دارد، لازم دانستیم آنچه از منابع حدیثی و تاریخی درباره این مسجد به دست آمده، در اختیار علاقمندان قرار دهیم تا ضمن جلوگیری از یک عمل خلاف واقع و پیش‌گیری از نفوذ و ادامه یک حرکت عوامانه، به کسانی که در این مسجد حضور پیدا می‌کنند و به نماز و دعا می‌پردازند، متذکر شویم که این حضور باید توأم با واقع‌بینی و آگاهی کامل باشد و بدانند که در چه جایگاهی قرار گرفته‌اند و انگیزه قداست و شرافت این محل از چیست و امتیاز این مسجد با مساجد دیگر از کجا و به چه دلیل است.

اهمیت مساجد تاریخی مدینه

جای‌ها و اماکن عبادت و پرستش خدا، در تمام دنیا و در میان پیروان همه مذاهب، از احترام و قداست ویژه‌ای

ص: ۱۱۳

برخوردار است و انسان‌ها در هر مذهب و عقیده‌ای که باشند، عبادتگاه خود را محترم می‌شمارند. حفظ و حراست و نظافت و پاکیزگی آن را جزو وظایف خود می‌دانند. این موضوع، در دین مقدس اسلام و در میان مسلمانان، دارای اهمیت بسیاری است، به گونه‌ای که برای احترام و حفظ قداست مساجد، قوانین و احکام خاصی در نظر گرفته شده است و شخص جنب حق توقف در هیچ‌یک از مساجد را ندارد و نماز خواندن در مسجد بدون تطهیر آلودگی و نجاست آن، جایز نیست و ...

و برای همان تکریم و تشریف است که خداوند متعال، مساجد روی زمین را به ذات مقدس خود نسبت داده؛ **وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.** (۱) و تعمیر و آباد نمودن آن‌ها را، از مختصات بندگان مؤمنش قرار داده و فرموده است:

**إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ...** (۲) و از اینجاست که مسلمانان در طول تاریخ و از اول اسلام تا امروز نسبت به ایجاد ساختمان و آبادی مساجد، اهمیت زیادی قائل شده و آنچه در توان دارند، در این راه به کار می‌بندند و در همه نقاط دنیا و در تمام شهرها، زیباترین آثار و جالب‌ترین بناها را مساجد آن شهرها تشکیل می‌دهند.

ولی در میان همه مساجد، مسجدهای تاریخی و قدیمی مدینه منوره، از جایگاه خاص و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این مساجد، گذشته از این که یادآور حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و شاهد نماز و دعای آن حضرت می‌باشند، گویای خاطرات و حوادثی هستند که می‌تواند در فهم بعضی از آیات و احادیث مؤثر و بیانگر گوشه‌ای از تاریخ حساس دوران رسالت پیامبر اسلام باشد.

برای همین است که عموم مسلمانان، به‌ویژه مورخان و مدینه شناسان در طول چهارده قرن گذشته، در بیان تاریخ و حفظ حدود و مشخصات این مساجد تلاش نموده و بر ضبط وقایع و حوادث آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند و به عنوان زیباترین خاطرات و ارزنده‌ترین دانستی‌های تاریخی و مذهبی، به نسل‌های آینده منتقل نموده‌اند، لذا هر یک از تألیفات و کتاب‌ها که در قرن‌های گذشته و یا در

۱- جن: ۱۸

۲- توبه: ۱۸



ص: ۱۱۴

دوران معاصر، در باره مدینه‌شناسی نوشته شده، بخشی از آن به معرفی این مساجد اختصاص یافته و این در حالی است که در معرفی این مساجد گاهی تألیفات مستقلی نیز سامان یافته است، مانند:

\* تاریخ المدینه المنوره؛ از ابوزید عمر بن شبهه نمیری (۱۷۳-۲۶۲ ه. ق.).

مؤلف این کتاب، ضمن معرفی مساجد مدینه، آن‌ها را به دو بخش تقسیم نموده است:

الف: مساجد و محل‌هایی که نماز خواندن رسول خدادر آن‌ها مسلم و قطعی است؛ (ذکر المساجد و المواضع الّتی صلّی فیها رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله)

ب: مساجدی که نماز خواندن آن حضرت در آن‌ها محتمل و مورد اختلاف است؛ (ذکر المساجد الّتی یقال أنّه صلی الله علیه و آله صلّی فیها و یقال انه لم یصلّ فیها) گفتنی است در بخش اول نزدیک به چهل مسجد شناسانده است. (۱) \* الدرّ الثمینة فی تاریخ المدینه؛ کتابی است از محب‌الدین ابن نجار متوفای ۶۴۰ ه. ق. این کتاب با این که خلاصه‌ای است از تاریخ مدینه، لیکن بخش مهمی از آن به معرفی مساجد مدینه اختصاص یافته است. (۲) \* وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی؛ کتابی است از نورالدین علی بن احمد سمهودی متوفای ۹۱۱ ه. ق. این کتاب گسترده‌ترین و مورد اعتمادترین نوشته در مدینه‌شناسی است و مؤلف آن گذشته از اینکه بیش از چهل مسجد قدیمی در داخل و خارج مدینه را شناسانده، در فصل دیگری با عنوان «فیما ینسب الیه صلی الله علیه و آله من المساجد بین مکة و المدینه» به معرفی مساجدی که رسول خدا در مسیر خود از مدینه تا مکه، در آن‌ها نماز خوانده، اختصاص داده و از مسجد شجره شروع کرده و نزدیک به سی مسجد را در این مسیر اسم می‌برد که یکی از آن‌ها مسجد «غدیر» است.

از کتاب‌هایی که در عصر حاضر، در موضوع مدینه‌شناسی چاپ گردیده و مساجد قدیمی مدینه در آن‌ها معرفی شده کتاب‌های زیر است:

\* «تاریخ المعالم المدینه المنوره قدیمًا و حدیثًا» (۳)

\* «فصول من تاریخ المدینه المنوره» (۴)

\* «المساجد الأثریة فی المدینه النبویة» (۵)

۱- ابن شبهه، تاریخ، ج ۱، صص ۵۷ و ۷۵

۲- اخبار مدینه الرسول، این کتاب در سال ۱۴۰۱ در ۱۶۷ صفحه و در مکه معظمه چاپ شده است.

۳- تألیف احمد یاسین، متوفای ۱۳۸۰ ق. چاپ مکه.

۴- تألیف علی حافظ، چاپ مدینه ۱۴۰۵ ق.

۵- محمد الیاس، چاپ مدینه، ۱۴۱۸ ق.

ص: ۱۱۵

نویسندگان این کتاب‌ها، مساجد قدیمی مدینه را تا آنجا که دسترسی داشته و خود مشاهده نموده‌اند، به خوانندگانشان معرفی کرده‌اند.

معرفی مسجد ضرار

گفتنی است، در منابع و مدینه‌شناسی‌های قدیمی، مسجد ضرار نیز در کنار مساجد موجود در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شناسانده شده و تاریخ بنای این مسجد و چگونگی تخریب و انهدام آن به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگو شده است. مساجد مختلف در مدینه منوره:

در مساجد مدینه منوره، نکته مهم و جالب توجه این است که: مدینه‌شناسان این مساجد را به چند بخش تقسیم کرده‌اند:

۱- مساجدی که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله بنا گردید و آن حضرت در آن‌ها نماز گزارد.

۲- مساجدی که به وسیله مسلمانان بنا شد و در آن‌ها اقامه نماز می‌شد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مساجد حضور یافت و نماز گزارد.

۳- مساجد قدیمی مدینه، که رسول خدا در محل این مساجد؛ اعم از منازل شخصی و یا باغات و نخلستان‌ها نماز گزارد ولی در زمان، آن حضرت به شکل مسجد، مورد استفاده عموم نبود و تا زمان عمر بن عبدالعزیز به همان وضع باقی بودند، تا اینکه ولید بن عبدالملک در دوران خلافتش ۸۶-۹۶ به عمر بن عبدالعزیز والی خود در مدینه دستور داد این جایگاه‌ها را به صورت مسجد و عبادتگاه عمومی ساخت و چون این مساجد با مباشرت مستقیم عمر بن عبدالعزیز احداث گردید، در کتب تاریخ و مدینه‌شناسی به شخص وی نسبت داده می‌شود و می‌گویند فلان مسجد عمری است؛ یعنی به دستور وی ساخته شده است و این اصطلاح درباره تعداد بسیاری از مساجد مدینه به کار می‌رود.

در این مورد، ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ه. ق.) می‌گوید: ولید بن عبدالملک در دوران خلافتش به عمر بن عبدالعزیز، والی خود در مدینه، دستور داد: همه نقاط و محل‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن‌ها نماز خوانده، شناسایی و به مسجد

ص: ۱۱۶

عمومی تبدیل کند. او هم دستور ولید را با شناسایی کامل این نقاط، اجرا و در آن‌ها مسجد بنا نمود. (۱) ابن شبه متوفای ۲۶۲ می‌گوید: در مدینه و اطراف آن، هر مسجدی که با سنگ و آهک بنا شده، از مساجدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در محل آن نماز به جای آورده است؛ زیرا عمر بن عبدالعزیز به هنگام توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله «طبق دستور ولید» از مردم مدینه درباره منازل و نقاطی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا نماز خوانده‌اند، سؤال و آن‌جاها را مشخص نمود و به صورت مسجد درآورد و دیوارهای آن‌ها را برای تمایز از مساجد دیگر با سنگ بالا برد. (۲) پس از عمر بن عبدالعزیز، امرا و سلاطین و اعیان و اشراف و همه مسلمانان، پیوسته نسبت به تعمیر و ترمیم و توسعه و تجدید بنای این مساجد توجه خاصی مبذول داشته‌اند. از این میان سلطان سلیمان قانونی (۳) (متوفای ۹۷۶ ه. ق.) به این موضوع بیش از دیگران اهتمام ورزید و به دستور وی، همه مساجد تاریخی در مدینه منوره، تخریب و تجدید بنا گردید. (۴) مسجد الاجابه و مسجد بنی معاویه

یکی از مساجد قدیمی مدینه، که در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و به وسیله مسلمانان ساخته شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در داخل آن نماز خواند، مسجدی است به نام «الاجابه» و نامگذاری آن به این اسم، از این جهت است که طبق نقل محدثان اهل سنت و مضمون بعضی از روایات شیعه، رسول خدا پس از اینکه در این مسجد نماز خواند، سه مطلب را از خداوند خواست و خداوند دعای او را در دو مورد اجابت کرد و در یک مورد رد نمود.

عباسی، یکی از مدینه شناسان، پس از نقل حدیث حضور و دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این مسجد، می‌گوید: «و لهذا سَمی مسجد الاجابه» یعنی به جهت قبول دعای آن حضرت در دو مورد از خواسته‌هایش، این مسجد «الاجابه» خوانده شد. (۵) نام دیگر «مسجد الاجابه»، «مسجد بنی معاویه» است؛ زیرا این مسجد به وسیله قبیله بنی معاویه ایجاد گردید و در روستایی که این قبیله در آن سکونت داشتند قرار گرفته بود و لذا سهمودی این مسجد را این گونه معرفی می‌کند: «و منها

۱- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۱۱۶

۲- ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۷۴

۳- او سلطان سلیمان اول مشهور به قانونی و از سلاطین عثمانی است. تولد وی در سال ۹۰۰ ق. است. در سال ۹۲۶ به سلطنت رسید و در سال ۹۷۴ از دنیا رفت.

۴- المدینه المنوره و تطورها العمرانی، ص ۳۱۳

۵- احمد عباسی، عمده الاخبار فی مدینه المختار، ص ۱۷۶

ص: ۱۱۷

مسجد الإجابة و هو مسجد بنی معاویه بن مالک بن عوف من الأوس». (۱)

موقعیت مسجد الإجابة

مسجد الإجابة، به فاصله ۳۸۵ متر و در سمت شمال بقیع، در خیابان ستین قرار گرفته است و فاصله آن با مسجد النبی صلی الله علیه و آله پس از توسعه آن، ۵۸۰ متر می‌باشد.

نماز و دعای رسول خدا در مسجد الإجابة:

درباره نماز و دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در «مسجد الإجابة» دو حدیث به ترتیب از سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن جابر بن عتیق در «صحیح مسلم» و «موطأ مالک» که از مهمترین منابع حدیثی اهل سنت می‌باشند، با مختصر تفاوت در متن آن‌ها نقل شده است:

متن حدیث در صحیح مسلم:

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقْبَلَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنَ الْعَالِيَةِ حَتَّى مَرَّ بِمَسْجِدِ بَنِي مُعَاوِيَةَ، دَخَلَ فَرَكَعَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ وَصَلَّيْنَا مَعَهُ وَدَعَا رَبَّهُ طَوِيلًا ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَيْنَا فَقَالَ:

«سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالسَّنَةِ فَأَعْطَانِيهَا وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالْغُرُقِ فَأَعْطَانِيهَا وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بِأَسْهَمِ بَيْنَهُمْ، فَمَنْعَنِهَا».

(۲) عامر بن سعد از پدرش سعد وقاص نقل می‌کند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله که از عالیه (۳) برمی‌گشت، عبورش از کنار مسجد بنی معاویه افتاد، وارد این مسجد شد و دو رکعت نماز به جای آورد. ما هم با او نماز به جای آوردیم.

رسول خدا آن‌گاه دعایی طولانی کرد.

سپس به سوی ما برگشت و فرمود:

من از خدا سه مطلب درخواست کردم و او دعای مرا در دو مطلب از آن‌ها اجابت نمود ولی در مورد مطلب سوم دعای مرا رد نمود. من از خدا خواستم که امت مرا با گرسنگی هلاک نکند، خداوند اجابت کرد و از او خواستم امت مرا با غرق شدن هلاک نکند، خدا این دعای مرا هم اجابت نمود و از او خواستم از میان امت من اختلاف و فتنه را بردارد، خدا این دعای مرا مستجاب نمود.

متن حدیث در موطأ مالک:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَتِيقٍ أَنَّهُ قَالَ: «جِئْنَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ مُعَاوِيَةَ وَهُوَ

۱- سمهودی و فاء الوفا، ج ۳، ص ۸۲۸

۲- مسلم، صحیح، کتاب الفتن، باب هلاک هذه الامة بعضهم ببعض، حدیث ۲۸۹۰

۳- به منطقه‌ای که مسجد قبا واقع است، عالیه و عوالی گفته می‌شود.

ص: ۱۱۸

قریة من قرى الأنصار، فقال: هل تدرون أين صَلَّى رسول الله من مسجدكم هذا؟ فقلت: نعم و اشرت له الى ناحية منه، فقال: هل تدري ما الثلاث الذي دعا بهنّ فيه؟ فقلت:

نعم، قال: فأخبرني بهنّ، فقلت: دعا بأن لا يظهر عليهم عدوّاً من غيرهم ولا يهلكهم بالسنين فأعطاها و دعا بأن لا يجعل بأسهم بينهم فمنعنيها. قال:

صدقت. قال: ابن عمر، فلن يزال الهرج الى يوم القيامة». (۱) عبدالله جابر بن عتيك گوید: روزی عبدالله بن عمر در محله بنی معاویه، که یکی از روستاهای انصار است، نزد ما آمد و پرسید: آیا می‌دانید رسول خدا صلی الله علیه و آله در کدام نقطه از این مسجد شما به نماز ایستاد؟ گفتم:

آری، و به نقطه‌ای از مسجد که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا به نماز ایستاده بود، اشاره کردم. عبدالله بار دیگر پرسید: آیا آن سه مطلبی را که رسول خدا درباره آنها دعا کرد، می‌دانید؟ گفتم: آری. گفت: آنها را هم بمن بگو! گفتم: یکی از آن دعاها این بود که خداوند دشمنان امتش را بر آنها مسلط نگرداند و دیگری اینکه آنها را با گرسنگی هلاک نکند. خدا این دو دعای پیامبر را اجابت نمود و سومین دعای آن حضرت این بود که خداوند اختلاف و فتنه را از میان امت او بردارد ولی این دعا به اجابت نرسید. عبدالله عمر گفت: درست گفتمی و اضافه نمود:

پس اختلاف در میان این امت همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند.

خلاصه این حدیث را ابن شبه از سعد چنین نقل می‌کند:

«أنه كان مع النبي فَمَرَّ بِمَسْجِدِ بَنِي مُعَاوِيَةَ، فدخل فرجع ركعتين ثم قام فنادى ربّه ثم انصرف». (۲) در متن این نقل، جمله «ثم قام» هم وجود دارد و لذا سمهودی می‌گوید: با توجه به متن این حدیث، برای کسانی که در این مسجد نماز می‌خوانند و دعا می‌کنند، بهتر است به جهت تأسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال ایستاده دعا کنند. (۳) مسجد الإجابة در حدیث شیعه در مورد دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مسجد الإجابة، از امیر مؤمنان علیه السلام نیز حدیثی نقل شده است. گرچه در این حدیث به محل این دعا (مسجد اجابه) اشاره نشده، ولی مضمون آن همان

۱- مالک موطأ، ج ۱ باب ما جاء في الدعاء.

۲- ابن شبه، تاریخ، ج ۱، ص ۶۸

۳- سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲۹

ص: ۱۱۹

حدیث را که قبلاً از منابع اهل سنت آوردیم، تأیید می‌کند.

متن این حدیث که مرحوم صدوق در خصال با اسناد نقل نموده، چنین است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ، فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً، قُلْتُ: يَا رَبَّ لَا- تَهْلِكْ أُمَّتِي جُوعاً، قَالَ: لَكَ هَذِهِ قُلْتُ: يَا رَبَّ لَا- تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ؛ يَعْنِي مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَيَحْتَاجُوهُمْ، قَالَ: لَكَ ذَلِكَ قُلْتُ: يَا رَبَّ لَا تَجْعَلَ بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِي هَذِهِ». (۱) مسجد الإجابة در تاریخ

از احادیثی که در مورد مسجد الإجابة نقل کردیم، معلوم می‌شود که این مسجد از مساجدی است که در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و به وسیله قبیله بنی معاویه ساخته شده بود و لذا چون آنحضرت از کنار آن عبور می‌کرد وارد گردید و نماز به جای آورد و دعا نمود.

پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله باز از منابع تاریخی استفاده می‌شود که مسجد الإجابة پس از رسول خدا نیز به مدت چند قرن به صورت مسجد و با همان اسم «الإجابة» و «بنی معاویه» معروف بوده و گفتار ابن شَبَّه متوفای ۲۶۲ ق که اشاره نمودیم شاهد بر این معناست.

در قرن هفتم

ولی از گفتار ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ه. ق.) استفاده می‌شود که این مسجد در زمان او، رو به ویرانی گذاشته و بخشی از ساختمان آن فرو ریخته است؛ زیرا او می‌گوید:

«و مسجدان قریبان من البقیع؛ أحدهما يعرف بمسجد الإجابة و فيه استوانات قائمة و محراب ملیح و باقیه خراب، و آخر يعرف بمسجد البغلة». (۲) «دو مسجد در نزدیکی بقیع است؛ یکی معروف به مسجد الإجابة، که دارای چند ستون و محراب زیباست ولی بقیه آن خراب است و مسجد دیگر معروف به مسجد بغله است.»

از گفتار مطری (متوفای ۷۴۱ ه. ق.) استفاده می‌شود که پس از گذشت یک قرن و در زمان او هم این

۱- صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۸۳

۲- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۱۱۶

ص: ۱۲۰

مسجد به همان حالت خرابی بوده است، حتی از ستون‌ها و محرابی که ابن نجار، یک قرن قبل از مطری به وجود آن‌ها اشاره نموده، اثری باقی نبوده و آبادی بنی‌معاویه نیز، که مسجد در این آبادی قرار داشت، به صورت تلی از خاک درآمده بود؛ «و يعرف هذا المسجد بمسجد الإجابة و هو شماليّ البقيع مع يسار الطريق السالك الى العريض وسط تلول و هي آثار قرية لبنی معاویة و هو اليوم خراب» (۱). تا اوایل قرن نهم؛ از گفتار مکی (متوفای ۸۵۴ ه. ق.) که کلام مطری «و هو اليوم خراب» را تکرار نموده (۲) معلوم می‌شود که مسجد الإجابة تا اوایل قرن نهم با همان حالت ویرانی بوده است.

در اواخر قرن نهم؛ سمهودی (متوفای ۹۱۱ ه. ق.) از تعمیر و ترمیم این مسجد در اواخر قرن نهم خبر می‌دهد و در عنوان «مسجد الإجابة» می‌گوید: این یکی از همان دو مسجد است که ابن نجار آن‌ها را در حالی که خراب بوده‌اند، مشاهده نموده، ولی امروز از آن ستون‌هایی که او در داخل این مسجد از آن‌ها یاد نموده، اثری نیست و مسجد هم تعمیر و تجدید بنا شده است. سمهودی می‌افزاید: من مساحت این مسجد را اندازه‌گیری کردم، از شرق به طرف غرب، بیست و پنج ذراع، (تقریباً ۱۳ متر) و از قبله به سوی شمال بیست ذراع (تقریباً ۱۰ متر) بود.

مسجد الإجابة در قرن چهاردهم و در حال حاضر

از گفتار عیاشی، مؤلف کتاب «المدينة بين الماضي والحاضر» (متوفای ۱۴۰۰ ه. ق.) معلوم می‌شود که ساختمان مسجد الإجابة، به طوری که سمهودی در اوایل قرن دهم از آن یاد نموده، تا قرن چهاردهم یک بار دیگر تخریب شده و در این تاریخ مجدداً تجدید بنا گردیده است. او می‌گوید ساختمان مخروطه فعلی، نشانگر وجود محراب و گنبد در این مسجد است، تا اینکه در این اواخر عنایت خدا شامل حال ساکنان اطراف آن شد و مسجد تجدید بنا گردید و به صورت مناسب درآمد و این ساختمان جدید دارای مناره زیبا و مشرف بر اطراف می‌باشد. (۳) گفتنی است این ساختمان همان است که نویسنده این سطور در طول بیش

۱- مطری، التعریف بما آنست الهجرة، ص ۴۷

۲- به نقل محمد الیاس در المساجد الأثریه، ص ۳۷

۳- عیاشی، المدينة بين الماضي والحاضر، ص ۱۱۴

ص: ۱۲۱

از بیست سال، بارها در آن حضور یافته و به نماز و دعا پرداخته‌ام. لیکن از سال ۱۴۱۸ ه. ق. ساختمان یاد شده به وسیله وزارت اوقاف حکومت سعودی تخریب و به صورت زیبا و وسیع‌تر از ساختمان پیشین تجدید بنا گردید. مسجد مباهله کجاست؟

پس از آشنایی با این مسجد، اکنون به بحث می‌پردازیم که: مسجد مباهله کجا است و دلیل وجود آن از نظر منابع شیعه و اهل سنت چیست؟

مسجد مباهله از نظر مدینه شناسان

پیشتر اشاره شد که مدینه شناسان نسبت به مساجد قدیمی مدینه و به نقاط و محل‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن‌ها نماز گزارده، اهمیت فراوان داده و به جزئیات حوادثی که در این مساجد به وقوع پیوسته، مانند: «دعای رسول خدا در مسجد الإجابة در حالی که ایستاده بود» پرداخته‌اند و هر یک از نقاطی که نماز خواندن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن مسلم و یا محتمل بوده، مستقلاً و جداگانه معرفی کرده‌اند و باز محل‌هایی را که در مسیر آن حضرت از مدینه تا مکه، در نماز آن حضرت مورد استفاده بوده مانند مسجد «غدیر» و مسجد «معرّسح مشخص نموده‌اند و حتی در کنار مساجد مدینه مسجد ضرار و چگونگی ایجاد آن به وسیله منافقان و معرفی آنان و چگونگی تخریب و سوزاندن آن به دستور رسول خدا را به‌طور مشروح مطرح کرده‌اند. در این میان، تنها مسجدی که نام و نشانی از آن در منابع نیامده و به‌طور صریح و یا تلویحی و با اشاره از آن ذکری نشده، «مسجد مباهله» است و این عملکرد، آن هم درباره محلی که یکی از بزرگ‌ترین حوادث دوران زندگی رسول خدا در آن به وقوع پیوسته، نشانگر این است که از نظر مدینه شناسان در طول تاریخ مسجدی به عنوان «مباهله» وجود نداشته است؛ زیرا اگر چنین مطلبی واقعیت داشت، این مورّخان و مدینه شناسان از ذکر آن غفلت نموده و در معرفی آن کوتاهی نمی‌کردند.

مسجد مباهله در منابع شیعه

مراجعه به روایات شیعه، در مورد مساجد و مکان‌های مقدس و زیارتی در مدینه، نشانگر این است که در این



ص: ۱۲۲

روایات هم، مانند منابع مدینه‌شناسی، مسجدی به نام «مباحله» معرفی نشده و در گفتار ائمه علیهم السلام از چنین مسجدی نام برده نشده است و این بهترین دلیل بر عدم وجود «مسجد مباحله» است؛ زیرا در صورت وجود چنین مسجدی، ائمه هدی علیهم السلام آن را به پیروانشان می‌شناساندند و در کتب حدیث و منابع فقهی و در مجموعه‌های ادعیه و زیارات، همان‌گونه که عبادات و ادعیه روز مباحله عنوان شده، منعکس می‌گردید؛ زیرا چنین مسجدی می‌تواند از دو جنبه تاریخی و معنوی، بر اکثر مساجد مدینه تفوق و برتری داشته باشد:

یکی به لحاظ این که چنان مسجدی، نشانه و یاد بود از یک حادثه عظیم تاریخی است که در این حادثه با هدایت و راهنمایی وحی الهی، حقانیت اسلام تا قیامت عملاً رقم خورده است.

و دیگر به لحاظ حضور اهل بیت عصمت و طهارت در این مراسم، آن هم طبق دستور صریح قرآن مجید که در این صحنه، یکی از بزرگترین فضایل این خاندان برای همیشه به ثبت رسید و در مقام و منزلت آنان برای کسی جای شک و تردید باقی نماند. مساجدی که ائمه علیهم السلام در باره آنها توصیه کرده‌اند:

برای توضیح این موضوع، به بررسی روایاتی از ائمه هدی می‌پردازیم که در آنها مساجدی را به خصوص معرفی کرده‌اند و حضور در آنها را، در ضمن سایر مشاهد، برای پیروانشان توصیه و تأکید نموده‌اند.

و این مساجد و مشاهد عبارتند از:

مسجد قبا، مسجد مشربه ام ابراهیم، مسجد فضیخ، مسجد فتح، مسجد احزاب و قبور شهدا در احد.

در یکی از روایات که در کافی از معاویه بن عمار نقل شده، چنین آمده:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تَدْعُ إِثْيَانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا مَسْجِدَ قُبَاءَ فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ وَمَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَمَسْجِدِ الْفَضِيخِ وَقُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَمَسْجِدِ الْأَخْرَابِ وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ...» (۱) باز در کافی از عقبه بن خالد آمده است:

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا تَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَيَأْتِيهَا

ص: ۱۲۳

أَبْدَأُ فَقَالَ ابْدَأْ بِقُبَا فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي هَذِهِ الْعَرَصَةِ، ثُمَّ أَتَيْتِ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا وَ هِيَ مَسْكَنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مُصَلَّاهُ ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ الْفَضِيخِ فَتُصَلِّي فِيهِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيِّكَ فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا الْجَانِبَ أَتَيْتَ جَانِبَ أُحُدٍ فَبَدَأْتَ بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلَّيْتِ فِيهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقَبْرِ حَمْرَةَ بِنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمْتَ عَلَيْهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَمَمْتَ عِنْدَهُمْ فَقُلْتِ...» (۱) و در روایت حلبی چنین آمده است:

عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«هَلْ أَتَيْتُمْ مَسْجِدَ قُبَاءٍ أَوْ مَسْجِدَ الْفَضِيخِ أَوْ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ؟ قُلْتِ:

نَعَمْ، قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ آثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ غُيِّرَ غَيْرَ هَذَا». (۲) منشأ اشتباه کجاست؟

به طوری که ملاحظه کردید، تا کنون هیچ دلیل و مدرکی بر وجود مسجد مباهله؛ اعم از شیعه و اهل سنت، به دست نیامد و از نظر حدیثی و تاریخی، وجود چنین مسجدی را نمی توان مورد تأیید قرار داد، لیکن به طوری که در آغاز بحث اشاره کردیم، علی رغم این واقعیت، در سال های اخیر در میان گروهی از مسلمانان، همان «مسجد الإجابة» به عنوان «مسجد مباهله» شناخته شده و زائران، به ویژه در موسم حج، گروه گروه برای زیارت آن به همین عنوان «مباهله» حرکت می کنند و راهنمای آنان، در این مسجد، درباره مباهله سخنرانی کرده، صحنه آن را ترسیم می کند و به عقیده خود، محل استقرار هر یک از دو گروه مسلمانان و مسیحیان و جایگاه هر یک از پیامبر و اهل بیت را از این مراسم به حاضرین توضیح می دهد. البته این برنامه، نه از روی عمد و با آگاهی از سابقه تاریخی این مسجد، بلکه در اثر اشتباهی بوده که به وجود آمده است و این اشتباه موجب شده است که مسجد مباهله جایگزین مسجد الإجابة گردد.

اکنون باید دید منشأ این اشتباه چه بوده و این جابه جایی چگونه پدید آمده است.

آنچه در این زمینه به نظر می رسد،

۱- الکافی، ج ۴، ص ۵۶۰

۲- الکافی، ج ۴، ص ۵۶۱

ص: ۱۲۴

دو چیز است:

۱- تشابه اسمی

پر واضح است که نوعی تشابه میان مفهوم واژه «اجابه» و «مباهله» وجود دارد و هر یک از این دو واژه، متلازم با دعا است و در مقام به کارگیری هر یک از مباهله و اجابه، دعا نیز به ذهن شنونده تبادر می‌کند و در اثر این تشابه و تلازم از یک جهت و اهمیت مسأله مباهله در اذهان مسلمانان به‌ویژه در اذهان شیعیان خاندان عصمت و طهارت از جهت دیگر، موجب شده است که به جای مسجد الاجابه مسجد مباهله استعمال شود و این موضوع در اثر کثرت استعمال به صورت یک واقعیت تاریخی درآمده است.

گفتنی است، این نوع تغییر و تحریف در وقایع و حوادث تاریخی و در باره امکان و اشخاص، فراوان رخ داده و در موارد زیادی دیده می‌شود و به تناسب موضوع، به یک مورد از این تحریف‌ها اشاره می‌کنیم و آن اینکه:

از نظر منابع تاریخی، عاتکه عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خلاف صفیه، در مکه و قبل از اینکه اسلام را بپذیرد، از دنیا رفته است (۱) ولی امروز در مدینه و در کنار قبر صفیه، قبر دیگری را به عاتکه نسبت می‌دهند و برای هر دو یک زیارت نامه تنظیم گردیده و هر دو را با هم مخاطب قرار می‌دهند؛ «السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا عَمَّتِي رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا عَمَّتِي نَبِيِّ اللَّهِ» و جای تأسف است که این نه تنها به کتب زیارات جدید بلکه به مناسک حج بعضی از مراجع عالی‌قدر نیز راه یافته است.

۲- ذکر مسجد مباهله در گفتار یکی از علما

علی رغم مطالب گذشته و اینکه در منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت، از مسجد مباهله نامی و ذکری به میان نیامده، شیخ بزرگوار مرحوم محمدبن المشهدی (۲) در کتاب خود «مزار کبیر» در ضمن توصیه زائران مدینه منوره بر نماز خواندن در مساجد و امکان مقدسه این شهر، خطاب به آنان چنین می‌گوید:

«و تصلّی فی دار زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام ما قدرت و تصلّی فی دار جعفرین محمد الصادق علیهما السلام و تصلّی فی مسجد سلمان الفارسی رحمه الله

۱- در توضیح این موضوع، به «تاریخ حرم ائمه بقیع» از این نویسنده، صص ۲۷۳-۲۷۴ مراجعه شود.

۲- بنابر آنچه در بحارالأنوار و مستدرک و الذریعه آمده، محمدبن المشهدی از علمای مورداعتماد بوده و کتاب او «المزار الکبیر» مرجع کتب ادعیه و زیارات است. او از علمای قرن ششم می‌باشد و کتاب «المزار الکبیر» ش به صورت خطی است که مرحوم صاحب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» چند نسخه موجود آن را معرفی کرده است.

ص: ۱۲۵

و تصلّی فی مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام و هو محاذی قبر حمزه علیه السلام و تصلّی فی مسجد المباهله ما استطعت و تدعو فیه بما تحبّ و قد ذكرت الدعاء بأسره فی کتابی المعروف ببغیة الطالب و ایضاح المناسک».

این متن را علامه مجلسی رحمه الله در بحار الأنوار و محدّث نوری در مستدرک نقل نموده‌اند. (۱) و پس از آنان، به تبعیت از ایشان، در بعضی از مؤلفات و کتب ادعیه و زیارات نیز همان متن و یا ترجمه آن آمده است.

ولی در کلام محمدبن المشهدی، جای این سوال باقی است که ایشان همانگونه که محل مسجد امیرمؤمنان علیه السلام را معرفی می‌کند که: «وَهُوَ مُحَازِی قَبْرِ حَمَزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» چگونه از ذکر محل مسجد مباهله خودداری ورزیده است و آیا منظور وی از این مسجد، همان مسجد الإجابة است و یا مسجد دیگری است که در زمان او معروف بوده ولی با مرور زمان از میان رفته و فراموش شده است؟

البته احتمال دوم بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر در زمان وی چنین مسجدی وجود داشت، مسلمانان از حفظ و حراست آن غفلت نمی‌کردند و در تعمیر و تجدید بنا و ابقای آن مانند سایر مساجد قدیمی مدینه، سعی و تلاش می‌نمودند.

ولی احتمال نخست که منظور وی از مسجد مباهله، همان مسجد الإجابة بوده، قوی به نظر می‌رسد و می‌توان گفت که در اثر تشابهی که پیشتر اشاره کردیم، صاحب مزار کبیر هم به جای مسجد الإجابة، مسجد مباهله را به کار برده و جمله اخیر ایشان هم مؤید این احتمال است که می‌گوید: تا می‌توانی در این مسجد نماز بخوان و آنچه می‌خواهی و دوست داری، در این مسجد از خدا بخواه.

و این توصیه ایشان به این اعتبار است که رسول خدا در این مسجد نماز خوانده و دعا کرده و دعای آن حضرت مستجاب شده است و زائران هم به جهت تأسی به آن حضرت، به نماز بایستند و دعا کنند.

و اگر منظور ایشان، مسجدی به عنوان مسجد مباهله بوده، به یقین برای بیان اهمیت این مسجد، لازم بود به وقوع این حادثه مهم تاریخی، در این محل اشاره کند.

۱- المزار الکبیر، صص ۲۷ و ۲۸ به نقل از بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۵ و خاتمه مستدرک الوسائل ج ۱، ص ۳۵۹

ص: ۱۲۶

ولی به هر حال، نقل این جمله در این کتاب‌ها در جلب توجه زائران به این مسجد، به عنوان «مسجد مباهله» مؤثر بوده و از تحقیق و بررسی اصل موضوع مانع گردیده است.

چرا در محل مباهله مسجد بنا نشده است؟

با توجه به دلایلی که درباره عدم وجود مسجد مباهله نقل گردید، ممکن است این سؤال در ذهن خواننده پدید آید که: چرا در محل مباهله، با اهمیت تاریخی و معنوی که از آن برخوردار بود، مسجدی بنا نشده است، در حالی که برای حفظ آثار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقاط مختلف دیگر، که از اهمیت کمتری برخوردار بودند، به صورت مسجد درآمده‌اند؟

پاسخ این پرسش، از مطالبی که پیشتر درباره چگونگی بنای مساجد قدیمی مدینه آوردیم، روشن می‌شود که بعضی از این مساجد، در زمان رسول خدا به دستور آن حضرت و بعضی دیگر به وسیله مسلمانان بنا شده است و بخش مهمی از این مساجد هم به وسیله عمر بن عبدالعزیز در نقاطی که نماز خواندن رسول خدا در آن‌ها ثابت و مسلم بوده، ساخته شده است. گرچه طبق مضمون روایات، پیامبر اسلام قبل از حرکت به میعادگاه مباهله، با حضور اهل بیتش به نماز و دعا پرداخت ولی در محل مراسم مباهله هیچ دعا و نماز به جای نیاورده است.

زیرا روحانیون و نمایندگان مسیحیان نجران با مشاهده رسول خدا که بدون تشریفات و با نفرات محدود از خواص نزدیک و فرزندان خردسالش، به میعادگاه آمده است سخت به وحشت افتادند و از اقدام به مباهله خودداری کرده و حاضر به مصالحه شدند و به شرایط ذمه تن در دادند.

به هر حال، در این محل نمازی اقامه نشده است تا به وسیله عمر بن عبدالعزیز و یا هر فرد دیگر، به عنوان جایگاه نماز رسول خدا و مانند همه مساجد تاریخی مدینه، به مسجد تبدیل شود و ممکن است به جهت اهمیت این مراسم، محل برگزاری آن نیز در اوایل اسلام در میان مردم مدینه معروف و مشخص بوده که با مرور زمان و نبودن هیچ علامت و نشانی، به فراموشی سپرده شده است.

ص: ۱۲۷

انگیزه طرح این موضوع چیست؟

باز ممکن است پرسش دیگری در این زمینه مطرح شود که اصلاً انگیزه طرح این بحث چیست؟ مسجدی است از مساجد قدیمی مدینه منوره که گروهی از مسلمانان آن را به عنوان مسجد الإجابیه و گروه دیگر به عنوان مسجد مباحله جزو مساجد با فضیلت می‌دانند و در آن به نماز و دعا می‌پردازند. به چه داعی و انگیزه‌ای این بحث را مطرح و تحقیق و بررسی می‌نماییم و دیدگاه گروهی را در مقابل گروه دیگر نفی می‌کنیم.

پیش از پاسخ به این پرسش، ذکر این مطلب ضروری است که شخص نگارنده سطور، معتقدم که با توجه به اصالت و حقانیت عقیده شیعه و گسترش اطلاعات و ارتباطات و پیدایش وسایل تبلیغی و توجه و نگرش جدیدی که در اثر انقلاب اسلامی نسبت به شیعه در جهان اسلام به وجود آمده، در حال حاضر باید شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام حرکت مثبتی را در ابراز اندیشه و افکار خویش و معرفی تشیع در سطح بین‌المللی آغاز کنند و اکنون وقت آن رسیده است که تشیع به عنوان یکی از مذاهب اسلامی و داراری عقایدی مستقل در اصول و فروع و برخوردار از فقهی ریشه‌دار و مستدل، در برابر سراسر و به ویژه در مراسم حج مطرح شود و شیعیان بدون کوچکترین تردید و تزلزل، مانند پیروان مذاهب دیگر اسلامی، به مسلمات عقیده خود در اصول و فروع عمل و آن را با افتخار و مباهات به سایر مسلمانان معرفی نمایند.

اگر روزی بعضی از افراد کم مایه و بی اطلاع، در مسأله ولایت به نوعی تسامح و تعامل سخن می‌گفتند، امروز باید عقیده خود را صریح و تشیع خود را بی دغدغه اظهار نمایند.

و اگر روزی در مسأله تکتف در نماز و سجده بر فرش، بر خلاف فقه شیعه، با برادران اهل سنت مماشات و از فقه آنان پیروی می‌کردند، امروز باید جزئیات اعمال خود را مطابق فقه شیعه و به‌طور علنی انجام دهند.

البته اقدام به چنین عملی و نیل به این هدف و تغییر روش موجود پس از قرن‌ها، کاری نیست که به سهولت انجام پذیرد و به سادگی و به سرعت تحقق یابد، بلکه از یک سو نیازمند توجه عالمان دینی و متفکران دلسوز مذهبی است و از سوی دیگر وظیفه‌شناسی و

ص: ۱۲۸

همّت همه افراد جامعه شیعه را می‌طلبد و لذا امروز از واجبات مهم جهان شیعه این است که در حفظ مسلمات خود از اصول و فروع با تمام توان بکوشد و آنچه را که خارج از دایره اصول و فروع و بیرون از محدوده فقه و احیاناً موجب وهن آیین و موجب ایراد و اشکال مخالفان است، کنار بگذارد.

اکنون برمی‌گردیم به اصل سؤال که:

«انگیزه طرح این بحث چیست؟»

در پاسخ این پرسش می‌گوییم:

عنوان نمودن هر موضوع غیر مستند و احیاناً خلاف واقع به صورت یک واقعیت و حقیقت مسلم، گذشته از این که اغراء به جهل و ارائه یک مطلب موهوم و خیالی به صورت وجود قطعی آن است، که از نظر عقل و شرع عملی مذموم و نکوهیده می‌باشد، انجام دادن این نوع اعمال در شرایط کنونی، با وجهه عمومی جهان شیعه ارتباط پیدا می‌کند و اجرای این برنامه‌ها به اصل عقیده شیعه لطمه وارد می‌سازد.

توضیح مطلب اینک:

متأسفانه پیروان اهل بیت عصمت و طهارت در طول تاریخ، به علل و انگیزه‌های مختلف سیاسی - مذهبی مورد اتهام و افترا قرار گرفته‌اند و مطالب ناروا و بی اساس فراوان به شیعیان، که پیروان واقعی اسلام هستند، به عنوان روافض نسبت داده شده است که این تهاجم در بعضی از مقاطع تاریخ؛ مانند دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و همچنین در دوران عده‌ای از سلاطین عثمانی، از شدت بیشتری برخوردار بوده است و این اتهامات نه تنها در افواه عموم رایج بوده، بلکه در متن کتاب‌ها و تألیفات زیاد نیز منعکس شده که امروز این کتاب‌ها به شیوه‌های مختلف در اختیار تمام طبقات، از دانش‌آموز مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاهیان و اصناف مختلف در کشورهای اسلامی قرار می‌گیرد و اساس دیدگاه آن‌ها را نسبت به شیعه همین کتاب‌ها تشکیل می‌دهد.

در این میان، کتاب‌های ابن تیمیه و گفتارهای او، امروز در میان عده‌ای از مسلمانان از جایگاه خاصی برخوردار است و مطالب او از سوی پیروانش به عنوان احیاگر اسلام در قرن هشتم و کسی که فتاوی او حتی فتاوی و نظریات فقهی و اعتقادی پیشوایان چهارگانه اهل سنت را تحت الشعاع قرار داده، مطرح و ترویج می‌شود و اتهامات و مطالب خلاف واقع

ص: ۱۲۹

او درباره شیعه، به عنوان یک امر مسلم تلقی می‌گردد و یکی از این افتراها و تهمت‌های ناروا این است که او می‌گوید: «عقلای مسلمان اتفاق نظر دارند که در میان اهل قبله از نظر جهل و ضلالت و دروغ و بدعت ... هیچ گروهی در حد روافض نیست!» (۱) به طوری که ملاحظه می‌کنید، متهم کردن شیعه به دروغ‌گویی، به وسیله فردی متعصب و منحرف، نسبتی است بی اساس و بدون ارائه کوچک‌ترین دلیل و شاهد و لذا هر خواننده منصف، افترا و کذب بودن آن را می‌یابد و حد اقل با شک و تردید به آن می‌نگرد.

ولی در عصر حاضر پیروان ابن تیمیه برای اثبات مطالب ناروا و هتاک‌های او، در پی دلیل تراشی و ارائه مدرک و سند هستند و لذا با دقت و حساسیت مراقب اعمال و رفتار شیعیان می‌باشند که اگر مطلبی خلاف واقع «و لو از روی اشتباه» از آن‌ها مشاهده کنند با امکانات تبلیغی گسترده‌ای که در اختیار دارند، به همه مسلمانان دنیا منعکس نمایند و تبدیل مسجد الاجابه به مسجد مباهله و لو از روی اشتباه و عدم آگاهی است، اما می‌تواند یکی از مصادیق بارز آن گردد و بر افتراپی که از سوی ابن تیمیه، درباره شیعیان مطرح شده است، مهر تأیید بزند.

پی‌نوشتها:





## عُرْيُصْ نَزْمَتگاه امامان علیهم السلام و مقبره علی بن جعفر علیه السلام

حسین واثقی

مقاله حاضر پیش از تخریب عریض توسط نویسندگان محترم آن به رشته تحریر درآمده و به دفتر فصلنامه ارسال شده بود که متأسفانه چاپ آن زمانی میسر گردید که مسجد و مقبره علی بن جعفر علیه السلام و قلعه مربوط به آن در مرداد ماه سال ۱۳۸۱ مانند آثار ارزشمند دیگر مکه و مدینه، در یک اقدام ضد فرهنگی تخریب شده است.

در شرق مدینه منوره محله‌ای است به نام «العریض»، که ساکنان مدینه آن را العُرْيُصْ (به تشدید یاء) می‌خوانند.

عریض در گذشته، از شهر مدینه بیرون بوده، لیکن اکنون به شهر پیوسته و همچنان دارای نخلستان‌های سرسبز و خرم است. زندگی ماشینی امروز، هنوز دست تعدی و تجاوز به سوی آن دراز نکرده، و هم اکنون چند ده خانوار در آنجا سکونت دارند.

عریض گرچه جزو شهر مدینه منوره گردیده، لیکن تناسبی میان ساختمان‌های آن و ساختمان‌های شهر مدینه دیده نمی‌شود.

این وضعیت در مورد مساجد و اماکن عریض نیز جاری است و عریض همچنان از داشتن یک مسجد حتی معمولی بی‌بهره است.

از دوره عثمانی‌ها مسجدی در عریض به یادگار مانده که نسبتاً بزرگ و

ص: ۱۳۲

دارای یک مناره است و اکنون مهجور و متروک شده و در آن بسته و کسی اجازه ورود به درون آن را ندارد و ساختمانش رو به ویرانی است. اکنون تنها یک مسجد کوچک، با ساختمان و امکانات ناچیز و ابتدایی مورد استفاده مردم عریض است.

وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مدینه منوره را حرم قرار داد، محدوده حرم مدینه را؛ ذباب، واقم، عریض و نقب تعیین کرد. (۱) عریض هم اکنون از سرسبزی و طراوت بهره‌مند و دارای هوای سالم و بهداشتی است و نخل‌های سرسبز و زیبایش برپاست و از گذشته، به منطقه دارای هوای سالم و دور از بیماری مشهور بوده است. در حدیث آمده است: سالم‌ترین جای مدینه از بیماری و آلودگی، منطقه‌ای است بین حرّه بنی قریظه و عریض. (۲) در تاریخ آمده است: پس از آن که ابوسفیان و کفار قریش در غزوه بدر از پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان شکست خوردند، ابوسفیان نذر کرد تا زمانی که از اسلام انتقام نگیرد، خود را از جنابت نشوید.

پس برای ادای نذرش با صد سوار به سوی مدینه حرکت کردند و بر سلام بن مشکم، بزرگ یهود بنی نضیر میهمان شدند. شبانه جهت انتقام از اسلام و مسلمین به عریض هجوم بردند و دو نفر از کشاورزان آنجا را کشتند و سپس به سوی مکه گریختند، وقتی خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید با بسیج مسلمین به تعقیب آنان پرداختند و آنان برای آنکه بتوانند از معرکه بگریزند و گرفتار انتقام مسلمین نشوند، زاد سفرشان را که سویق بود، به زمین ریختند و گریختند. این غزوه را بدین سبب «غزوه سویق» نامیدند و چون دشمن گریخته بود، درگیری رخ نداد و پس از چند روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان به مدینه بازگشتند. (۳) امام باقر علیه السلام عریض را خرید

چون مدینه منوره به عنوان پایگاه وحی و اسلام و شهر پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح بود و حضرت امام باقر علیه السلام پیش بینی می‌کردند در آینده صاحبان عقاید و ایده‌های گوناگون در آن حوادثی پیش آورند که انگیزه‌های الهی ندارد و مورد رضایت حضرت نیست؛ برای آن که از آن جریان‌های منفی و نادرست برکنار بمانند و بتوانند رسالت خود را- که تبیین و توضیح شریعت نبوی صلی الله علیه و آله و سیراب

۱- بحار الأنوار ۳۷۵/۹۶ و الکافی، ج ۴، ص ۵۶۴، فی رِوَايَةِ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدُّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ مِنْ ذُبَابٍ إِلَى وَاقِمٍ وَالْعُرْيُصِ وَالنَّقْبِ مِنْ قَبْلِ مَكَّةَ.

۲- وفاء الوفا، ص ۱۲۶۵

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲؛ مغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۸۱

ص: ۱۳۳

کردن تشنگان علم و کمال و معرفت، و اداره حوزه علمی وسعت یافته مدینه و پاسخ‌گویی به ملحدان و زندیقان و شکاکانی که رو به ازدیاد نهاده بودند و اصل اسلام را زیر سؤال می‌بردند، به انجام برسانند، عریض را خریدند تا هرگاه لازم دانستند از مدینه خارج شده به آنجا بروند.

امام صادق علیه السلام فرمود: واقعه‌ای در مدینه رخ می‌دهد و هر کس به اندازه یک میل از مدینه دور شود، نجات خواهد یافت و پدرم به این جهت عریض را خریداری کردند. (۱) در حدیث دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم عریض را به دینارهایی خرید و به فروشنده گفت: به عدد هر دینار ده درهم به تو می‌دهم و فروشنده آن را به پدرم فروخت. (۲) از آن تاریخ که امام باقر علیه السلام عریض را خریدند، خود آن جناب و فرزندان ایشان به آنجا آمد و شد داشتند. در حدیث آمده است: امام صادق علیه السلام از کزاث (۳) خوشش می‌آمد (و چون بوی بد داشت) هرگاه می‌خواست کزاث بخورد از مدینه به عریض می‌رفت. (۴) این حدیث نشان دهنده ادب ائمه اطهار علیهم السلام است که ادب و حرمت نسبت به مسجد و حرم رسول الله صلی الله علیه و آله را تا آن حد رعایت می‌کردند و هرگاه به هنگام ضرورت خوردنی‌ای که بوی خوبی نداشت می‌خوردند، نه تنها در مسجد و حرم نبوی صلی الله علیه و آله حضور نمی‌یافتند، که از شهر خارج شده به عریض می‌رفتند! گاه می‌شد که خود امامان علیهم السلام در مدینه بودند اما خانواده و فرزندان ایشان در عریض به سر می‌بردند.

در تاریخ آمده است که اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق علیه السلام در حال حیات پدر، در عریض از دنیا رفت، مردم جنازه او را بردوش گرفتند و از عریض تا مدینه آوردند و در بقیع به خاک سپردند. (۵) داستان‌هایی از ائمه علیهم السلام در عریض ۱. کامل بن علاء که از اصحاب امام باقر علیه السلام است، می‌گوید:

«با حضرت باقرالعلوم علیه السلام در عریض بودیم که بادی شدید وزیدن گرفت، آن حضرت شروع کردند به الله اکبر گفتن، سپس فرمودند: تکبیر گفتن باد را رد می‌کند.» (۶) ۲. معتب خدمتگزار حضرت

۱- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۱۵

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۷۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۰ و استبصار، ج ۳، ص ۷۲

۳- یک نوع سبزی که بوی بد و خاصیت طبی دارد.

۴- بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۱۵. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ اللَّحَامِ وَ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ الْكُرَّاثُ وَ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَهُ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى الْعَرِيضِ».

۵- ارشاد مفید چاپ، کنگره مفید، ج ۲، ص ۲۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۴۲

۶- الفقیه، ج ۱، ص ۵۴۴

ص: ۱۳۴

صادق علیه السلام گوید:

با امام صادق علیه السلام در عریض بودم که آن حضرت پیاده آمد و داخل مسجدی شد که پدرشان امام باقر علیه السلام در آن عبادت می‌کردند و خودشان در محل خاصی از آن مسجد نماز می‌گزاردند.

پس از آن که از آن مسجد بیرون آمدم، به من فرمود: ای معتب، آیا این جا را دیدی؟ گفتم: بلی، فرمود: پدرم اینجا نماز می‌خواند که پیری نیکو روش داخل شد و آنجا نشست و در همین حال مرد زیارویی وارد شد و به آن پیر گفت: چرا این جا نشسته‌ای؟ تو چنین مأموریت نداشتی. پس هر دو برخاستند و رفتند و ناپدید شدند.

پدرم امام باقر علیه السلام به من فرمود: آیا آن پیر و دوستش را دیدی؟ گفتم: بلی، آن دو که بودند؟ فرمود: آن پیر ملک الموت بود و دیگری که او را بیرون برد جبرئیل. (۱) ۳. ابراهیم بن وهب گوید:

از مدینه خارج و برای زیارت امام کاظم علیه السلام به سوی عریض رهسپار شدم. رفتم تا به قصر بنی سراه رسیدم، آنگاه به وادی ای رفتم که ناگاه صدایی شنیدم- و کسی را ندیدم- که به من می‌گفت: ای ابوجعفر، امام تو در پشت قصر نزدیک دروازه قصر است، از جانب من به او سلام برسان.

برگشتم نگاه کردم کسی را ندیدم، و چون دوباره و سه باره گفتم به لرزه افتادم. سپس از وادی گذشتم و از پشت قصر به کنار برکه آمدم که ناگهان پنجاه مار از برکه سر برآوردند و چون گفتگویی شنیدم، پایم را به زمین زدم تا آمدنم را بفهمند. پس امام کاظم علیه السلام سرفه کرد و من با سرفه جوابش را دادم، و آن‌گاه ماری دیدم به ساق درختی آویخته است. حضرت فرمود: نترس ضرر نمی‌زند. آن مار از درخت پایین آمد و از شانه حضرت بالا رفت و سر به گوش حضرت نهاد و با حضرت به گفتگو پرداخت. و حضرت به او پاسخ دادند: بلی، جریان را بین شما فیصله می‌دهم و هر کس سخن مرا نپذیرد ظالم است و هر کس در دنیا ظلم کند در آخرت گرفتار عذاب الیم است و من او را عقاب کنم و مالش را بستانم تا توبه کند.

به امام کاظم علیه السلام گفتم: پدر و مادرم به فدایت! آیا شما بر آن‌ها فرمانروایید؟

فرمود: بلی، قسم به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و ما را به وصایت او و ولایت عزیز برگزید، آنان از شما انسان‌ها نسبت به ما فرمانبردارترند، گرچه اندک هستند. (۲) واضح است که تجسم فرشتگان به

۱- بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۲۵۲

۲- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۴۸

ص: ۱۳۵

صورت یک مرد، در حدیث پیشین، و تجسّم جنّ به صورت مار در این حدیث و تجسّم و تمثّل حضرت باقرالعلوم پس از وفات بر امام صادق و امام کاظم علیهما السلام در داستان زیر، در جای دیگر بایستی تحلیل شود و شرح گردد، و از موضوع این مقاله خارج است.

۴. ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

به امام رضا علیه السلام گفتم: عبدالکریم بن حسان از عبیدہ بن عبداللہ بن بشر الخثعمی از پدرت امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که آن جناب فرمود: من پشت امام صادق علیه السلام بر مرکبی سوار بودم و به عریض می‌رفتیم که ناگاہ پیری را که موی سر و صورتش سپید بود دیدیم. پدرم از مرکب پیاده شد و بین دو چشم او یا دستش را بوسید و پدرم به او خطاب می‌کرد: فدایت شوم، و آن پیر پدرم را وصیت و سفارش می‌کرد و آخرین سخنی که گفت این بود:

بنگر که آن چهار رکعت نماز را از دست نگذاری. پدرم ایستاد تا آن پیر رفت و ناپدید شد. سپس پدرم سوار شد. به پدرم امام صادق علیه السلام گفتم: پدر جان! این شخص که بود که اینگونه با تو وضع با او رفتار کردی و ندیده‌ام اینگونه با احدی رفتار کنی؟ حضرت فرمود:

پسرم! این پدرم امام باقر علیه السلام بود. (۱) ۵. مردی به نام غفاری گوید:

طیس - از خاندان ابورافع خدمتکار رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ - از من طلبی داشت و در مطالبه اصرار می‌ورزید و مردم نیز طرفدار او بودند و از او جانبداری می‌کردند و من مالی نداشتم تا بدهی خود را بپردازم. وقتی وضع را چنین دیدم، نماز صبح را در مسجد رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ به جا آوردم و سپس به سوی امام رضا علیه السلام که در آن زمان در عریض بود رهسپار شدم. وقتی به نزدیکی خانه حضرت در عریض رسیدم، دیدم آن جناب لباس پوشیده، بر الاغی سوار است و قصد دارد به جایی برود. حضرت حرکت کرده به من که رسید ایستاد. سلام کردم، ماه رمضان بود، گفتم: جان من به فدایت، طیس که از وابستگان شماست از من طلبکار است، به خدا قسم آبروی مرا برده است. من پیش خود گمان می‌کردم آن حضرت به طیس دستور می‌دهد که دست از من بردارد، به خدا قسم به آن حضرت نگفتم چه مقدار طلب دارد، اما او فرمود: بنشین تا برگردم. من ماندم تا نماز مغرب را گزاردم و چون روزه‌دار بودم، خسته شدم. تصمیم گرفتم برگردم که ناگاہ حضرت آمدند. مردم دور او را گرفته

ص: ۱۳۶

و گدایان سر راهش نشسته بودند. آن حضرت به ایشان صدقه می دادند. تا اینکه داخل خانه شده، سپس خارج گردیدند و مرا صدا زدند.

برخاستم و با آن حضرت داخل اتاق شدیم و با ایشان به گفتگو پرداختیم.

من از ابن‌المسیب که امیر مدینه بود برای حضرت صحبت می کردم. وقتی سختم را به پایان بردم، حضرت فرمود: گمان ندارم هنوز افطار کرده باشی! گفتم: نه. به دستور حضرت، خدمتکار برایم غذا آورد و خود حضرت نیز با من غذا خورد. پس از صرف غذا فرمود: بستر را برچین و هرچه در زیر آن است بردار. وقتی بستر را برداشتم، دیدم دینارهایی است. آن‌ها را برداشتم و در جیب خود گذاردم. آن‌گاه حضرت دستور داد چهار نفر از غلامانش مرا به منزل برسانند. گفتم: مأموران امیر مدینه گشت می‌زنند و من دوست ندارم آنان مرا با غلامان شما ببینند. فرمود:

درست گفתי، خداوند تو را به رشد و کمال برساند. حضرت به آنان دستور داد که هرگاه من گفتم آنان برگردند.

من رهسپار مدینه شدم. وقتی به نزدیک منزل رسیدم به همراهان گفتم برگردند. به منزل رفتم، به دینارها نگریدم دیدم چهل و هشت دینار است. طلب آن مرد از من بیست و هشت دینار بود. یکی از دینارها را که برق می‌زد و زیبایی‌اش مرا گرفت، برداشتم، دیدم بر آن نوشته است:

طلب آن مرد از تو بیست و هشت دینار است و باقی برای تو باشد. به خدا قسم به آن حضرت نگفته بودم که طلب آن مرد از من چه قدر است. حمد برای خدایی است که ولّیتش را عزّت بخشید. (۱) ۶. داستان طولانی مردی نصرانی که از دمشق آمده بود و در عریض به حضور امام موسی کاظم علیه السلام رسید و پرسش‌های فراوانی از حضرت کرد و جواب گرفت، از این قرار است که: ... او در پایان، زَنّار از کمر بگشود و صلیب طلا را که به گردنش آویخته بود باز کرد و به امام علیه السلام گفت: دستور بده صدقاتم را به کجا و به چه پردازم.

حضرت فرمود: در این جا برادری داری که دینی چون تو داشته و مسلمان شده است. او از طایفه تو قیس بن ثعلبه است. و چون تو در نعمت است با یکدیگر به مواسات و همسایگی زندگی کنید و من حق اسلامی شما را خواهم کرد. او گفت: خدا تو را صلاح عطا فرماید.

به خدا قسم من بی‌نیازم سیصد اسب و یکهزار شتر دارم و حق شما در آن بیشتر است از حق من.

ص: ۱۳۷

حضرت فرمود: تو از موالیان خدا و رسولی، بر همین حال بمان. آن مرد نیکو مسلمانی شد و همسری از بنی‌فهر گرفت که حضرت امام کاظم علیه السلام پنجاه دینار از درآمد موقوفات علی بن ابی‌طالب علیه السلام مهریه آن زن قرار داد و به او خدمتکار و منزل نیز داد. او زنده بود تا زمانی که امام کاظم علیه السلام را به اجبار به بغداد احضار کردند. بیست و هشت روز پس از سفر آن حضرت از دنیا رفت. (۱) این چند حدیث را بدین سبب آوردم تا دانسته شود عریض منزلگه امامان و محل آمد و شد گرفتاران و نقطه امید هدایت جویمان بوده است و ما چه می‌دانیم که چه معجزات و کرامات و هدایت‌ها و مکاشفاتی در آن به وقوع پیوسته است.

شخصیت علی بن جعفر علیهما السلام

علی، کوچک‌ترین فرزند امام صادق علیه السلام هنوز به دنیا آمده بود که پدرش رحلت کرد. وی همیشه همراه برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام بود و از وی دانش فراوان آموخت. برخی از آن روایات، در کتابی به نام «مسائل علی بن جعفر» گرد آمده که مشهور است و بارها چاپ و انتشار یافته است.

او می‌گوید: با برادرم امام کاظم علیه السلام چهار عمره گزاردم. آن حضرت که با خانواده خویش عازم حج بود، مسیر مدینه تا مکه را یک نوبت در ۲۶ روز، در نوبت دیگر ۲۵ روز، در سفری ۲۴ روز و یک‌بار ۲۱ روز طی کرد. (۲) همو گوید: از پدرم امام صادق علیه السلام شنیدم که به اصحاب برگزیده‌اش سفارش کرد: حرمت فرزندم موسی را پاس بدارید؛ چرا که برترین فرزند و جانشین من و حجت‌خدای عزوجل پس از من بر تمام خلق است. (۳) وی عمر دراز و با برکتی یافت. با امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد و حضرت هادی علیهم السلام زیست و در زمان حضرت هادی علیه السلام از دنیا رفت. وی از پدرش امام صادق علیه السلام بدون واسطه روایت می‌کند. (۴) بنابراین، در آن هنگام طفلی دارای قدرت تشخیص بوده است. گفتنی است علی بن جعفر به هنگام شهادت امام هادی علیه السلام حاضر و زنده بوده است. (۵) و با توجه به این نکته که شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ رخ داده (۶) درمی‌یابیم که علی بن جعفر بیش از صد سال زندگی کرده است.

۱- کافی، ج ۱، صص ۴۷۸-۴۸۱

۲- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۰ و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱۷. عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: «خَرَجْنَا مَعَ أَخِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَرْبَعِ عُمَرٍ يَمْشِي فِيهَا إِلَى مَكَّةَ بَعِيَالِهِ وَأَهْلِهِ وَاحِدَةً مِنْهُمْ مَشَى فِيهَا سِتَّةَ وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَأُخْرَى خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَأُخْرَى أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَأُخْرَى أَحَدَ وَعِشْرِينَ يَوْمًا».

۳- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰

۴- همان، ج ۴۸، ص ۲۰

۵- کافی، ج ۱، ص ۳۲۶

۶- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۹ و دیگر کتب تاریخ.



ص: ۱۳۸

او از کسانی است که کمالاتی چون علم فراوان، تقوای بسیار و اعتقاد به امامان حق را، علاوه بر شرافت فرزندی، برادری و عمومی امام، در خود جمع کرده است.

در مسجد النبی صلی الله علیه و آله حلقه درس داشته و طالبان علم و معرفت از او بهره می‌بردند. (۱) در مقدمه ممتّع کتاب (مسائل علی بن جعفر علیه السلام) به قلم دانشمند گرامی آقای حسینی جلالی، ۴۳ نفر از کسانی که از او حدیث فراگرفته و برای دیگران روایت کرده‌اند، فهرست شده است. (۲) از آن‌جا که وی فرزند امام صادق علیه السلام بوده و با ائمه زمان خود نسبت نزدیکی چون برادری و برادرزادگی داشته، به سرچشمه علوم دسترسی داشته و با توانمندی و شایستگی از آن بهره برده است.

شیخ مفید می‌نویسد: علی بن جعفر روایت کننده حدیث، دارای روشی محکم و متین، ورع شدید و فضل بسیار بود. پیوسته ملازم برادرش امام کاظم علیه السلام بود و از او علوم بسیار می‌آموخت و برای دیگران روایت می‌کرد. (۳) درباره برخورد علی بن جعفر با امام جواد علیه السلام روایات متعددی نقل کرده‌اند که همه حاکی از اعتقاد عمیق وی به امامت آن حضرت است. علی بن جعفر علیه السلام خود می‌گوید:

مردی از گروه واقفیه (۴) از من پرسید:

برادرت امام کاظم علیه السلام چه شد؟ گفتم از دنیا رفت و مرد. پرسید از کجا می‌گویی؟

گفتم: اموالش تقسیم شد، همسرانش شوهر کردند و امام پس از او به شؤون امامت رسیدگی کرد.

پرسید: پس از او چه کسی امام شد؟

گفتم: فرزندش امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام.

پرسید: او چه شد؟ گفتم: او نیز مرد.

گفت: از کجا دانستی که او مرد؟ گفتم:

اموالش را ورثه تقسیم نمودند، زنانش شوهر اختیار کردند و امام پس از او، به شؤون امامت رسیدگی می‌کند.

پرسید: امام پس از او کیست؟ گفتم:

فرزندش امام جواد علیه السلام، مرد واقفی که اینگونه جواب از من شنید، گفت: تو با این سنّ و قدر و منزلت و با اینکه پسر امام

صادق علیه السلام هستی، درباره این نوجوان (امام جواد) چنین اعتقادی داری!

گفتم: تو شیطانی.

سپس علی بن جعفر علیه السلام دستی به

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۲۲

۲- مسائل علی بن جعفر علیه السلام، صص ۵۸-۶۵ چاپ آل البیت- قم- به تحقیق حسینی جلالی.

۳- ارشاد، چاپ کنگره شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۱۴

۴- واقفیه گروهی بودند که ائمه هدی علیهم السلام تا امام هفتم علیه السلام را قبول داشتند و به امامان پس از آن حضرت معتقد نبودند.

ص: ۱۳۹

محاسنش گرفت و گفت: اگر خداوند او را شایسته امامت داند و مرا با این موی سپید شایسته نداند من چه کنم. (۱) در روایت دیگر آمده است:

علی بن جعفر در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در جمع شاگردان بر کرسی تدریس نشسته بود که ناگاه حضرت جواد علیه السلام برای زیارت وارد مسجد شد. علی که مرد کهنسالی بود، از جای برخاست و بدون آنکه عبا و ردایش را آراسته کند، به سوی حضرت دوید، دست حضرت را بوسید و احترام کرد. حضرت جواد پیش از آن که مشغول نماز و زیارت شوند، به علی فرمودند: عمو جان! بنشین و راحت باش. وی گفت: چگونه بنشینم در حالی که شما ایستاده‌اید. او با تواضع تمام مانند یک فرد کوچک، ایستاد تا حضرت نماز و زیارت را تمام کرد و از حرم نبوی صلی الله علیه و آله خارج شد. علی آن حضرت را بدرقه کرد و سپس به جلسه درس برگشت.

برخی از شاگردان و حضار مجلس که از معرفت بی‌بهره بودند، آن جناب را توییح کردند که چرا مانند یک برده، نسبت به وی فروتنی کردی، با اینکه تو فرزند امام صادق علیه السلام و عموی پدر اوئی.

تو کهنسالی و او نوجوان است!

علی بن جعفر علیه السلام در پاسخ گفت:

وقتی خداوند مرا با این ویژگی‌ها، شایسته امامت ندانست و او را لایق این مقام کرد با وی بستیزم؟ من غلامی از غلامان وی‌ام. (۲)  
علی بن جعفر علیه السلام چگونه مالک عریض شد

پیشتر اشاره شد که امام باقر علیه السلام عریض را خریداری کرد و ملک ایشان بود. پس از آن حضرت، به امام صادق علیه السلام منتقل شد. امام صادق علیه السلام وصیت کرد که پس از وی، عریض از آن علی فرزند کوچکش باشد. وقتی که وی بزرگ شد، در عریض ساکن گشت. (۳) نجاشی گوید: علی بن جعفر خود ساکن عریض شد و فرزندانش را بدان جهت عریضی خوانند. (۴) زبیدی گوید: علی بن جعفر را به عریض منسوب می‌دانند و چون ساکن عریض شد فرزندانش و ذریه‌اش را - که بسیارند - عریضی خوانند. (۵) ارتباط تنگاتنگ و نزدیک و صمیمی علی بن جعفر با امامان عصر خود، به گونه‌ای بود که آن بزرگواران به

۱- رجال کشی - اختیار معرفة الرجال، ص ۴۲۹

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۲۲: بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۶

۳- تاریخ قم، ص ۲۲۴

۴- رجال نجاشی به تصحیح علامه امینی، ص ۱۷۶

۵- تاج العروس ماده عرض.

ص: ۱۴۰

عریض فراوان آمد و شد داشتند. در همین نوشته، یک داستان از امام کاظم علیه السلام و یک داستان از امام رضا علیه السلام در عریض نقل شد و از سیاق آن برمی آید که آن بزرگواران در عریض به عنوان میهمان نمی آمده‌اند، بلکه در آن دارای منزل بوده‌اند. در میان فرزندان و ذریه علی بن جعفر علیه السلام دانشمندان و رجال سرشناس بسیارند. شرح حال آنان را در کتب رجال و انساب باید جست. (۱) قبر علی بن جعفر علیه السلام کجاست؟

مورخان برای علی بن جعفر علیه السلام سه مقبره در سه شهر ذکر کرده‌اند:

الف: قم

در قبرستان «در بهشت»، که اکنون یکی از چهار گلزار شهدا در قم است.

بقعه و بارگاه کهنی است به نام علی بن جعفر علیه السلام که از دیر باز زیارتگاه اهل ولایت بوده است. در زمان ما قبرستان و هم گلزار شهدا را به نام علی بن جعفر علیه السلام نامند. برخی چون مجلسی اول، همین جا را مقبره علی بن جعفر علیه السلام دانسته‌اند، اما فرزند او مجلسی دوم گوید: اینکه مقبره علی بن جعفر علیه السلام در قم باشد، در کتب معتبر نیامده است. (۲) در دایرة المعارف تشیع آمده است:

احتمال آن است که بقعه مزبور آرامگاه نواده وی، علی بن حسن بن عیسی علوی عریضی باشد که همراه پدر خود از مدینه به قم آمد.

محدث قمی می نویسد: احتمال می رود قبری که در قم است، از آن همین علی بن جعفر باشد ... بنا و بقعه علی بن جعفر (در بهشت) متعلق به نیمه نخستین قرن هشتم هجری است. و به دستور عطا ملک میر محمد حسنی بنیاد نهاده شد و با گچ بری های رنگینی آراسته گردید و کار بنا و تکمیل و تزئین آن در سال ۷۴۰ ه. ق. پایان گرفت. گنبد آن به شکل هرم دوازده ترک است که بر روی پایه بلند آجری قرار دارد. (۳) ب: سمنان.

در بیرون سمنان مقبره‌ای است به نام علی بن جعفر علیه السلام که دارای قبه و صحن است. (۴) ج: عریض در مدینه منوره علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه می نویسد: حق این است که قبر وی در عریض است؛ چنانکه نزد مردم مدینه معروف است. (۵)

۱- به عنوان نمونه بنگرید به: انساب الطالیه، تألیف فخر رازی از صف ۱۱۰ تا ۱۱۶؛ الفخری فی انساب الطالیین، از صفحه ۲۹ تا ۳۳، تهذیب الأنساب عبیدلی، از ص ۱۷۵ تا ۱۸۰؛ ریاض العلماء، ج ۷، صص ۱۹۷-۱۹۸. هر چهار کتاب، چاپ کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی است.

۲- مستدرک الوسائل، چاپ رحلی، ج ۳، ص ۶۲۶

۳- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، صص ۴۵۸-۴۵۹

۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۲۶

۵- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷

ص: ۱۴۱

محدّث نوری گوید: حق آن است که قبر وی در عریض است آن‌چنانکه معروف است در میان مردم مدینه. (۱) گفتنی است، نویسنده این سطور، در چند سال پیش، عازم سفر حج بودم که برای خداحافظی به محضر استاد فرزانه، حضرت آیت الله حسن زاده آملی (زاده الله حسنا) رسیدم، ایشان فرمودند: به مدینه منوره که مشرف می‌شوید، به زیارت قبر علی بن جعفر علیه السلام در عریض بروید.

ساختمان مقبره در گذشته و حال

مقبره علی بن جعفر در عریض در گذشته معمور و آباد بوده است. علامه سید محسن امین گوید: مقبره او در عریض دارای قبله‌ای عالی و زیارتگاه است. (۲) محدّث نوری گوید: در بعضی از سفرها ما در عریض در زیارتگاه علی بن جعفر منزل کردیم و بر آن قبه‌ای است عالی. (۳) رفعت پاشا، امیرالحاج مصریان، در کتاب ذی قیمت و پربار خود (مرآت الحرمین) می‌نویسد: از ضریح‌هایی که خارج بقیع هستند ...

ضریح علی عریضی است که در شرق مدینه واقع است، به فاصله یک ساعت راه. (۴) بنا بر این، دانسته می‌شود که آن مقبره در گذشته نه چندان دور، و پیش از تسلط وهابیت بر حرمین شریفین، آباد و محل آمد و شد زائران و منزلگاه عاشقان ولایت بوده است و لیکن پس از آن مقابر بزرگان و اماکن تاریخی بسیاری ویران گردید که یکی از آن‌ها مقبره علی بن جعفر است. اکنون مقبره، به اندازه یک اتاق بی‌سقف و بدون در- که جای در آن را با بلوک سیمانی چیده‌اند- در کنار تک مناره مسجد قدیمی و متروک عریض مشاهده می‌شود.

به جز علی بن جعفر، کسی دیگر از بزرگان دین و امام زادگان را نمی‌شناسیم که در عریض مدفون باشد.

بسیار شایسته است شیعیان که به مدینه النبی صلی الله علیه و آله مشرف می‌شوند، به عریض هم بروند؛ هم برای زیارت علی بن جعفر علیه السلام و هم برای دیدار از سرزمینی که روزگاری دراز محل آمد و شد و زندگی و عبادت اولیای خدا و ائمه

۱- مستدرک، ج ۳، ص ۶۲۶

۲- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷

۳- مستدرک، ج ۳، ص ۶۲۶

۴- مرآت الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۷

ص: ۱۴۲

دین بوده است:

أَقْبَلُ أَرْضاً سَارَ فِيهَا جَمَالُهَا فَكَيْفَ بَدَارٍ دَارَ فِيهَا جَمَالُهَا

«بر آن زمینی که شتران محبوبم از آن گذر کرده‌اند بوسه می‌زنم، پس چه حالی خواهم داشت با خانه‌ای که چهره دل‌آرای محبوبم در آن گردش کرده است.»

پس، به عریض برویم و نقبی به زمان‌های گذشته بزنیم و با مرور دوران‌های تلخ و شیرینی که بر امامان رفته است، روحمان را پالایش دهیم و از آلودگی‌ها پاک‌سازیم و عُلقه و ارتباط دل‌ها را با صاحب وحی و خاندان مطهرش محکم‌تر سازیم.

پی‌نوشتها:



ص: ۱۴۴

مسجد و مقبره علی بن جعفر علیه السلام پیش از تخریب

مسجد و مقبره علی بن جعفر علیه السلام پس از تخریب (مردادماه ۱۳۸۱)

ص: ۱۴۵

## حج در آینه ادب فارسی

طرح جایگزین شود.



ص: ۱۴۶

## درگاه رحمت

در ورود به مدینه طیبه

محمدحسین شهریار

سلام ای سرزمین وحی و الهام سلام ای شهر شاهنشاه اسلام

سلام ای پایتخت پادشاهی سلام ای پایه عرش الهی

سلام ای کان الماس فتوت سلام ای کاخ سلطان نبوت

سلام ای سر در کاخ خدایی حریم بارگاه کبریایی

سلام ای مشرق مشکاه ایمان سلام ای عرشه قنديل رحمان

چه روحی خفته در آئیت تو ملایک محو روحانیت تو

خبرداری که باین شوق مدهوش چه جانی را گرفتستی در آغوش؟

در اینجا خفته آن آرام جانها که دارد از ملایک پاسبانها

چه روحی قدسی اینجا آرمیده چه روحانیتی در وی دمیده

تو گویی غُرفه‌ها مهد فرشته است به هر در آیت غفران نوشته است

در و پیکر همه آیات والواح شبستانها عبادتگاه ارواح

چه شهری! جنت المأواست گویی چه نخلی! سدره و طوباست گویی

چه خاکی و چه اقبالی خُدا داد که چندان بوسه در پای نبی داد

ص: ۱۴۷

نشان پای پیغمبر به خاکش تُرّیا سُرْمه‌ای از خاک پاکش  
 مشام جان کن اینجا جلد و چالاک شمیم خُلق پیغمبر کن ادراک  
 تو گویی غرفه‌ها مهد فرشته است به هر در آیت غفران نوشته است  
 در و پیکر همه آیات و الواح شبستان‌ها عبادتگاه ارواح  
 چه شهری! جنت الماواست گویی چه نخلی! سدره و طوبا است گویی  
 چه خاکی و چه اقبالی خدا داد که چندین بوسه در پای نبی داد  
 نشان پای پیغمبر به خاکش تُرّیا سرمه سای از خاک پایش  
 مشام جان کن اینجا جلد و چالاک شمشم خلق پیغمبر کن ادراک  
 به هر طاق از ملایک آشیانه‌هاست همانا غرفه‌های آسمانهاست  
 افق را یاد عهد وحی و تنزیل هنوزش انعکاس بانگ جبریل  
 تو گویی در فضا آیات قرآن پراکنده است و چون پروانه پَران  
 به مرغان سپیدی مانند اوراق که از قرآن برافشانند در افاق  
 صفا آکنده این آفاق و انفس نسیمش چون مسیحا در تنفس  
 به چشمان چشمه‌ها بینی درخشان سرشگ شوق و خجلت پرتو افشان  
 چه بخشش‌ها که بارد با خجلها چه آرامش که می‌بخشد به دل‌ها  
 به موجی بیکران ایمان زند برق به دریایی ز رحمت می‌شوی غرق  
 بیان ما رسای این صفت نیست به قاموس بشر اینجا لغت نیست  
 چه گویی در مقام بهت و حیرت که هر دم می‌درخشد برق غیرت  
 در اینجا عقل محو و عشق مات است که اینجا سرزمین معجزات است  
 به روی این زمین‌ها راه رفتند به جان عرشی، به تن در خاک خفتند  
 سلام ای مهد انس و آشنایی سلام ای آشیان روشنایی  
 تو دیدی رحمه للعالمین را شنیدی بانگ جبریل امین را  
 نگین خاتمیت قطب الاقطاب به دورش حلقه‌های خیل اصحاب  
 علی را دیدی و اسباط و اوتاد اباذر دیدی و سلمان و مقداد  
 چه ریحان‌های روحانی که دیدی چه گوهرهای رحمانی ربّانی که دیدی  
 به حرف آی ای حریف سرگذشتی چه رؤیاها که دیدستی بهشتی

ص: ۱۴۸

حدیث از جان و جانان کن بینم سخن از روح و ریحان کن بینم  
 تو را شاید که با این لعل خاموش سخن گویی از آن سرچشمه نوش  
 سخن اینجا و رای حد قال است که روی این سخن با اهل حال است  
 سکوت عشق را اینجا بیانی است که پهنای فلک با وی دهانی است  
 درگاه رحمت

ابوالقاسم حافظ قرآن

ای آن که تو را نیست به کس هیچ نیاز ای دست نیاز همه سوی تو دراز  
 جز در گه تو نیست مرا جایگهی هر جا روم آخر به درت آیم باز  
 با دست تهی به در گهت آمده‌ام با قلب شکسته‌ای پر از سوز و گداز  
 با این همه تقصیر و گناه بسیار رو سوی تو کرده‌ام تو ای بنده نواز  
 رویم سیه و بار گناهان بر دوش شرمنده و نادمم از اعمال مجاز  
 امید به رحمت تو دارم یا رب آیا شود از کرم در رحمت باز  
 به یاد لحظه‌های وصال

سید محمد شفیع

خوشا آوای صحرای سپیده خوشا امواج دریای سپیده  
 خوشا پرواز در مهتاب احرام خوشا حلّ معمای سپیده  
 خوشا گل واژه لبیک، لبیک خوشا نجوای و آوای سپیده  
 خوشا ذکر و دعای عشقبازان به دور شمع بینای سپیده  
 خوشا لبخند خال روی کعبه خوشا آب گوارای سپیده  
 خوشا سعی و خوشا اخلاص سعی صفای روح افزای سپیده  
 خوشا دیدار او در کوی عرفان خوشا آن سوی معنای سپیده  
 خوشا یاد و خوشا دیدار مهدی خمار از جام صهبای سپیده  
 خوشا اندر رکاب او دویدن به سر، بی منت پای سپیده  
 خوشا شور و شعور ناب مشعر و قوف عشق صحرای سپیده

ص: ۱۴۹

خوشا رمی و خوشا ذبح هوسها خوشا تقصیر سرهای سپیده

خوشا بیتوته اندر کوی معشوق خوشا معراج غوغای سپیده

خوشا در امتحانها شاد بودن خوشا پیروزی نای سپیده

عرفان حج

حج به گیتی انقلابی اکبر است بهر عاشق امتحانی دیگر است

در دو چشم حج بخوان با صد زبان امتحان در امتحان در امتحان

ظاهر حج را کمی دشوار بین باطن آن را پر از اسرار بین

هر یک از کردار آن را دان کتاب هر کتاب آن هزاران آفتاب

دیده بگشا حاجی نیکو مرام در کجا بهر چه می داری تو گام؟

حج به گیتی، بهر او سر باختن خویش را با میل او پرداختن

از دیار غیر، بنمودن گذر جانب معشوق جان، کردن سفر

با دل و جان نعره یا هو زدن نغمه هو، هو به عشق او زدن

پاک باید سینه از حب متاع از من و مایی در این وادی، وداع

حج فروغ آشتی با آشناست هم صدایی با امام ما سواست

حج اساس پاکجانی‌های دل آن چه غیر اوست را یکجا بهل

حج فروغ سوز و اخلاص عمل (۱) جان رها از بند هر غش و دغل

حج حیات خویش را انگیختن سوی او با جان و تن بگریختن

نفی غیر، از عرصه و ملک درون رونق «أنا الیه راجعون»

جان حج، جز این نماز پاک نیست جسم بی جان، زنده در افلاک نیست

بین چه می خوانی چگونه با زبان در نماز خویش ای عبد گران

حج مصفا می کند اعمال را می کند تطهیر، جان و مال را

حج بود سرزنده با اصل ولا هم‌رهی با حاضر غایب نما

جان حج، عشق امام اکبر است بی ولای او حج ما ابتر است

پس مهیا شو به دیدار ولی آن که هر سو حاضر است و منجلی

آنکه هر دم ناظر احوال ماست وانکه روح معنی اعمال ما است

۱- عن علی علیه السلام قال: علیک بالاخلاص فانه سبب قبول الاعمال مجموعه ورام، ج ۲، ص ۸۶، و قال ایضاً من لم یصحب

الاخلاص عمله لم یقبل غرر الحکم.

ص: ۱۵۰

آبروی کعبه

به بارگاه نگاهت بهار می‌بینم بهار رابه درت جان نثار می‌بینم  
 به بال عشق تو بتوان، بر اوج‌ها پر زد فلک به نام تو اندر مدار می‌بینم  
 نوای نای دل کعبه، جز ولای تو نیست طواف کوی تورا افتخار می‌بینم  
 جمال کعبه، ز خال تو آبرومند است و گرنه سنگ و گل بی‌عیار می‌بینم  
 چوسعی بی‌تو یکی پسته‌ای است دور از مغز نماز بی‌تو بسی شرمسار می‌بینم  
 محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین ز چهر پاک تو مهدی نگار می‌بینم  
 مقام و حجر و حَجَر، ناودان و زمزم مهر چو مستجار، درت، خاکسار می‌بینم  
 به عشق روی تو بوسند حاجیان عرفات تورا فروغ سماوات یار می‌بینم  
 بدور شمع گران، وقوف و بیتوته است به سوی خصم تو رمی جمار می‌بینم  
 رخ تو چشمه خورشید و دیده‌ام خفاش ز گرد و خاک معاصی است تار می‌بینم  
 تو آفتاب گران سنگ عرصه امید جهان، به راه تو چشم انتظار می‌بینم  
 رخ کریم تو از کعبه می‌دمد فردای ازین سرای گل روزگار می‌بینم  
 بتاب شمس پس ابر غیبت، ای موعود زمانه در کف قوم شرار می‌بینم  
 پی‌نوشتها:

ص: ۱۵۱

## نقد و معرّفی کتاب

طرح جایگزین شود.

### سیاهه کتب خطی و میکرو فیلم‌های مربوط به مکه و مدینه

از جناب حجّة الاسلام والمسلمین آقای الهی خراسانی، رییس بنیاد پژوهش‌های اسلامی، و مسؤولان کتابخانه آستان قدس رضوی که فهرستی از سیاهه کتب خطی و میکروفیلم‌های مربوط به مکه و مدینه (حرمین شریفین) را برای نشر در اختیار فصلنامه میقات حجّ قرار دادند تشکر و سپاسگذاری می‌کنیم:

الف: تاریخ مکه

۱- راه‌هایی که به مدینه منتهی می‌شود، تألیف ابن زباله ۵۷۵۱ (کوفی، بی تا) ۱۱۶ برگ، مطبوع.

۲- مطالب عالیّه (فارسی) اخبار، از ضیاء الدین تقوی شیرازی (م ۱۳۸۸ ق.)، ۱۶۷۰۹، نستعلیق، تحریری مؤلف، ۱۲۷ برگ، درباره فتح مکه و غیره.

۳- فتوح الحرمین منظومه فارسی، اثر طبع محیی‌الدین لاری ۱۵۲۲ / ۲ گهرشاد، نستعلیق، (۱۳۰۸ ق.)، ۱۴ برگ، مطبوع.

۴- بنای مکه و بیت المقدس (فارسی) از مجموعه جنگ علینقی میرزا اعتضاد السلطنه، ۱۲ / ۶۱۵۱، کتابخانه ملک، و نسخ چند کاتب (۱۳۹۰ ق.) ۱۰۰۰ برگ.

۵- زبده الأعمال و خلاصه الأفعال، عربی، تاریخ، مؤلف علی بن نصر اسفراینی (۷۶۲ ق.) شماره میکرو فلم ۲۴۷۱۱، نسخ، ۸۷۴ ق.، ۱۵۰ قدیم از مرکز جمعه الحاجه، مؤلف، تاریخ مکه

ص: ۱۵۳

ابوالولید ازرقی را مختصر و به آن احادیثی را در مورد حج و عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله افزوده است.

ب: آداب حج

- ۱- رساله در حج (فارسی) فقه، از میرزای قمی ۸۲۱۵ و نستعلیق شکسته، (۱۲۱۴ ق.) ۱۰ برگ.
- ۲- رساله در حج، (فارسی)، فقه؟، ۱۱۷۳۱ نسخ و بی تا، ۳۵ برگ.
- ۳- تذکره العوام در آداب حج بیت‌الحرام (فارسی) فقه، از ابوالحسن کوبنانی، ۲۲۹۲، نستعلیق، بی تا، ۲۲ برگ.
- ۴- آداب حج، (فارسی)، گفتاری است کوتاه، کتابخانه ملک، ۳۶۲۴/۵، نستعلیق ۱۱ ق. برگ ۹۱.
- ۵- آداب و اعمال حج، تألیف سید محمد باقر شفتی موسوی، در یک مقدمه و چند مقصد، ۱۵۵۷/۲، کتابخانه ملک، نستعلیق، علینقی موسوی، در (۱۲۴۴ ق.) در اصفهان، ۶ برگ ۱۴۳ تا ۲۲۰).
- ۶- رساله حج (فارسی) از علامه محمد باقر مجلسی، ۶۳۸۸ کتابخانه ملک، نستعلیق، ۱۲ ق.، ۶۲ برگ.
- ۷- رساله حج (فارسی) از مقدس اردبیلی، ۵۷۱۲/۴، کتابخانه ملک (نستعلیق قرن ۱۰ ق. از برگ ۹۷ تا ۱۰۴).
- ۸- واجبات حج (عربی) از جمال‌الدین مطهر، ۵۷۱۲/۲۴، کتابخانه مرکزی (نسخ ۱۰ ق. از برگ ۱۳۷ تا ۱۴۵).
- ۹- حج و عمره (عربی) از شهید ثانی، ۲۳۹۵/۷، کتابخانه ملک (نسخ ۱۲ ق. از برگ ۴۸ تا ۴۶).
- ۱۰- رساله حج (فارسی) فقه، از ملا عبدالرحمن جامی، تألیف ۸۷۷ ق. ۲۵۲۱۱ (نستعلیق ۱۱۳۶ ق. بغداد فریم).

ح: اسرار و مناسک حج

- ۱- رساله فی فضیله حرم مکه (عربی) تألیف حسن بصری، م ۱۱۰ ق. ۲۴۶۴۵ (نسخ بی تا) ز ۹ برگ.
- ۲- رساله در وجوب حج و عمره، (عربی) فقه، شهید ثانی، ۱۱۳۳۷ (نسخ ۹۷۲ ق.)، ۱۴ برگ.
- ۳- حدّ الأوفر فی حجّ الأکبر (عربی) اخبار سید علی قاری، م ۱۰۱۴ ق. ۲۲۱۲۱ (نسخ ۱۰۱۲ ق.) ۹ برگ.
- ۴- اسرار و مناسک حج (عربی) اخبار از عبدالوحد جیلانی، ۲۳۶۱، گوهرشاد، (نستعلیق شکسته ۱۲۳۱ ق.) ۶۱ برگ.
- ۵- اسرار حج و مقایسه آن با زمین کربلا (فارسی) اخبار-؟ ۲۳۱۸ گوهرشاد



ص: ۱۵۴

(نسخ ۱۶۸۶ ق)، ۱۳۸ برگ.

۶- قبله آفاق (فارسی) از رضی‌الدین محمد قزوینی، در چهار رکن رکن، یکم در بیان حقیقت قبله، تألیف در دوشنبه ۲۰ ذی‌قعدة ۱۰۷۱ ق.

۸/ ۳۶۲۴، کتابخانه ملک (شکسته نستعلیق، رضا حسینی ۱۲۵۸ ق. از برگ ۹۶ تا ۱۱۳).

۷- آداب حج (فارسی) تألیف ملا عبدالرحمن جامی، که در سفر حج سال ۸۷۷ ق. در بغداد نگاشته، ۴۷۹۵ / ۱۵، ملک (نستعلیق ۸۹۵ ق.)، از برگ ۳۵۳ تا ۳۶۲).

۸- رساله فیها نیت الحج (عربی)، گزیده‌ای است از رساله جمال‌الدین احمد بن فهد حلی، ۵۷۱۲ / ۲۳ (نسخ ۹۹۰ ق. ۳۶ برگ).

۹- حج و صوم، (فارسی) از شاه نعمت‌الله ولی ۴۲۶۲ / ۱۴ (نستعلیق میر غلام، محیی‌الدین ۱۱۰۹ ق.)، از برگ ۱۹ تا ۱۲۱).

۱۰- عمده‌الذاکر (لوضع خطوط فضل‌الدائر)، (عربی) هیأت و نجوم، تألیف عبدالرحمن میقاتی معروف به ابن مهلبی، شماره میکرو فیلم ۲۴۹۴۴ (نسخ بی تا. نفیس - مبادله در ۱۳۷۸ ش. ۵۸ فریم).

د: مناسک حج

۱- مناسک حج (عربی) فقه، شهید ثانی، ۲۶۳ (نستعلیق بی تا)، ۱۶ برگ.

۲- مناسک حج (فارسی) از احمد تبریزی م ۱۲۶۵ ق. ۲۶۳۸ (نسخ بی تا)، ۱۸ برگ.

۳- مناسک حج (عربی) فقه، از محقق کرکی عاملی، ۲۶۴۱ (نسخ بی تا)، ۷ برگ.

۴- مناسک حج (فارسی) فقه، از احمد تمیمی ۲۶۵۶ (نستعلیق ۹۹۴ ق-)، ۱۷ برگ.

۵- مناسک حج (عربی) فقه، از ابن‌الامیر مدرس اصفهانی، ۲۶۵۷ (نسخ بی تا)، ۳۲ برگ.

۶- مناسک حج و آداب سفر (فارسی) محمد باقر موسوی، ۱ / ۱۴۵۳، وزیری (نسخ تحریری بی تا)، ۶۰ برگ.

۷- مناسک حج (عربی) از شهید ثانی، تألیف ۱۹ رمضان، ۹۵۰ ق.

۱۳ / ۵۷۱۲، ملک (نسخ ۹۹۰ ق از برگ ۷۱ تا ۹۷).

۸- مناسک حج صغیر (عربی) از شهید ثانی، ۱۸ / ۵۷۱۲، ملک، (نسخ ۹۹۰ ق. از برگ ۱۰۶ تا ۱۱۶).

ص: ۱۵۵

- ۹- مناسک حج (عربی) از میرزای قمی ۸/ ۲۷۱۰، ملک (نسخ ۱۳ ق برگ ۲۲۷).
- ۱۰- رساله فی نیابت حج التمتع و العمرة (عربی) از فخرالدین حلی،؟  
۲۱۴۷۱ ملک (نسخ- یحیی بن حسین ساباری ۹۰۹ ق از برگ ۱ تا ۳).
- ۱۱- مناسک حج، (عربی) از احمد بن حجر هیثمی م ۹۷۳ ق. ۲/ ۱۳۸۸ ملک (نسخ محمد مهدی طباطبایی، ۱۳۱۷ ق. ۷ برگ).
- ۱۲- مناسک حج، (عربی) از میرزای قمی در باز گشت از نجف به قم نگاشته ۸/ ۱۸۴۶ ملک (نستعلیق ایمان الله موسوی بی تا، از برگ ۲۱۰ تا ۲۲۱).
- ۱۳- مناسک حج (عربی) از عبدالله بن حسین شوشتری- ۱۵/ ۸۰۴ ملک (نسخ ۱۱ ق. برگ ۱۶۲ تا ۱۶۶).
- ۱۴- مناسک حج، (ترجمه از عربی) ۲۲۹ ملک (نستعلیق، ۱۲۶۶ ق. ۳۲ برگ).
- ۱۵- مناسک حج، (عربی) شیخ مرتضی انصاری، قم، ۱۲۷۱ ق. ۴۸۴ ملک (نسخ شعبان بهبهانی ۱۴ ق. ۷۷ برگ).
- ۱۶- مناسک حج (عربی) از شیخ محمد باقر شفتی اصفهانی، به خواهش میرزا علی وزیر تألیف، ۱۲۵۳ ق. ۵۷۳۷ ملک (شکسته نستعلیق، سید کاظم تفرشی، ۱۳۵۳ ق. ۴۲ برگ).
- ۱۷- مناسک حج و صوم، از شاه نعمت الله ولی، ۲/ ۴۱۸۴، ملک (نستعلیق محمدعلی تفرشی از برگ ۲۹ تا ۳۳).
- ۱۸- مناسک حج و ادعیه (عربی) احمد جزایری به درخواست عده‌ای از دوستان، ۲۵۷۴، ملک (نسخ حسین بن علی زجاج علی، ۱۱۷۶ ق. ۱۸۰ برگ).
- ه- جهت و معرفت قبله
- ۱- رساله تحقیق جهت قبله (عربی) فقه از شیخ بهایی، ۱۸۵۷۵ (نسخ تحریری ۱۰۷۹ ق. ۲۷ برگ).
- ۲- رساله تحقیق جهت قبله (عربی) هیأت و نجوم از حبیب‌الله خمندی ۲۱۹۸۸ (نستعلیق شکسته، ۱۱۵۸ ق. ۸ برگ).
- ۳- معرفت قبله (عربی) فقه از محمد جعفر استرآبادی ۲۳۵۵۸، (نستعلیق ۱۲۵۶ ق. ۹ برگ).
- ۴- جهت قبله (عربی) فقه از عبدالعالی کرکی عاملی، ۱۱۰۹/۱۱ گوهرشاد، (نسخ بی تا)، ۲ برگ.
- ۵- رساله معرفت قبله از ملا مظفر

ص: ۱۵۶

گنابادی، ۲۰۰۸/۳ گوهرشاد (نسخ علینقی استرآبادی، ۱۳ ق. ۲۷ برگ).

۶- مرآت الصفا در معرفت قبله و مناسک حج (فارسی) فقه، ۱۳۲۲۳ (نسخ بی تا، ۱۶۸ برگ).

۷- رساله در معرفت سمت قبله، از قاسم علی قاینی (فارسی) ۵/ ۵۶۸۱، ملک (نستعلیق ۱۰ ق. از برگ ۵۷ تا ۷۵).

۸- مختصری در معرفت قبله (فارسی) مؤلف؟ ۵/ ۳۱۱۲، ملک (شکسته نستعلیق بی تا برگ ۸۲).

۹- در معرفت تعیین قبله (فارسی) از؟ ۲/ ۳۱۴۳، ملک، (نسخ ۱۲ ق. ۵ صفر).

۱۰- جهت قبله، ۱۲/ ۱۲۵۲، ملک (نستعلیق ۱۰۷۷، ق ۲ برگ جزء مجموعه).

و: زیارات

۱- دلایل الخیرات (عربی) ادعیه، از محمدبن سلیمان جزرلی شازلی، م ۸۷۰ ق ۱۲۴۲۷ و ۱۶۴ برگ نسخ ۱۲۰۸ ق و ۱۸۳۰۳ و غیره (۸۷ برگ نسخ بی تا) دارای تصاویر حرمین شریفین است.

۲- الدرّة المضيئه فی زیارة المصطفویه (عربی) زیارات، تألیف ملا علی قاری بروی م ۱۱۴ ق، ۱۷۶۳۹ (نسخ- ۱۲۵۱ ق، ۲۷ برگ).

۳- حج و زیارت در چند فصل، در شرافت مکه، ۱/ ۲۶۱۹، ملک، (نسخ ۱۲ ق از برگ ۲ تا مصباح الشریعه ۲۳۲ برگ).

۴- الجوهر المنظم فی زیارة قبر المکرم (عربی) از ابن حجر هیشمی، ۳/ ۱۳۸۸، ملک (نسخ محمدبن محمود ۱۳۴۴ ق).

۵- داستان درویشی که به زیارت خانه خدا رفت (فارسی) از ۹۳/ ۶۴۷۷، ملک (شکسته نستعلیق)، محمد ابراهیم گوهری، ۱۴ ق. هامش، برگ ۲۱۱ تا ۲۱۳.

ز- سفرنامه

۱- سفرنامه حج (منظوم) (فارسی) از؟ ۲۴۷۸۰ (نستعلیق خطی بی تا) ۴۱ برگ.

۲- نان و حلوا/ سوانح سفر حجاز (فارسی) ادبیات اثر طبع شیخ بهایی، ۱۹۰۸۴ (نستعلیق ۱۳۸ ق- ۳۹ برگ).

۳- سفرنامه مکه (فارسی) از میرزا داوود وزیر وظایف، ۶۵۶۲ (شکسته نستعلیق مؤلف ۱۳۲۴ ق م ۱۵۸ برگ).

۴- سفرنامه مکه (فارسی) از لطفعلی اعلائی، ۴۲۴۳ (نسخ محمد تقی، ۱۳۴۸ ق. ۸۰ برگ).

۵- سفرنامه مکه (فارسی) از علی

ص: ۱۵۷

خانه اعتماد السلطنه م ۱۲۸۵ ق. ۴۸۲۵ (نستعلیق ۱۳۰۶ ق. ۳۰۹ برگ).

۶- سفرنامه مکه (فارسی) تألیف ۱۲۶۱ ق. مؤلف از همراهان ضیاء السلطنه به مکه، ۳۷۳۲ ملک، (نسخ ۱۲۶۱ ق. ۵۶ برگ).

۷- سفرنامه مکه (فارسی) تألیف محمد رضابن عبدالجلیل طباطبایی تبریزی، تألیف ۱۲۹۶ ق، ۲۳۵۷ ملک (نستعلیق، ۱۲۹۷ ق، ۱۵۷ برگ).

۸- سفرنامه مکه (فارسی) از مدیر الدوله، تألیف ۱۲ شعبان ۱۳۲۱ ق. ۳۸۹۹ ملک (شکسته نستعلیق ۱۳۲۲ ق).

۹- سفرنامه مکه (فارسی) از حاج میرزا ابراهیم مشتری خراسانی طوسی، حسام الشعرا، ۴۸۳۴ ملک (نستعلیق مؤلف ۱۳۰۰ ق. ۳۱ برگ).

۹- دلیل الانام فی سبیل بیت الله الحرام، سفرنامه حسام السلطنه به مکه در ۱۲۹۷ ق. در معیت حاج ملا- باقر واعظ تهرانی، ۱۳۷۶ ملک (نستعلیق ۱۲۹۶ ق.

عبدالرحیم ۱۴۹ برگ).



ص: ۱۵۹

## خاطرات

طرح جایگزین شود.

ص: ۱۶۰

**مشکلات حاجیان**

سیدعلی قاضی عسکر

۶- مشکل قرنطینه حاجیان

در برخی شهرهای بین راه و نیز در آغاز ورود به جده مکان‌هایی را برای قرنطینه حجاج مشخص کرده بودند که در نتیجه حاجیان را از کشتی پیاده نموده، لباس‌ها و اثاثیه آنان را ضد عفونی می‌کردند و از خود آنان نیز معاینه به عمل آورده و در صورت داشتن بیماری چند روزی آن‌ها را در آن‌جا نگه می‌داشتند، این کار گرچه کاری شایسته و لازم بوده، لیکن به دلیل بدرفتاری‌ها و سخت‌گیری‌های مأموران بهداشت و معطلی زیاد در قرنطینه‌ها، خود به صورت یک مشکل درآمده، به شکلی که حاجیان تلاش می‌کردند خود را از دست مأموران رها نموده و بگریزند.

جزائری در سفرنامه خود در این زمینه می‌نویسد:

یکی از دشواری‌های قرنطینه برای یک حاج ایرانی یا غیر ایرانی این بود که آنان را به طور جمعی لخت کرده، در یک صف از برابر پزشک عبور می‌دادند، لباس‌ها و وسائل آنان را نیز در صندوق بزرگی گذاشته آن را در ماشین بخار می‌گذاشتند تا به طور کامل ضد عفونی شود. پس از آن، چندین روز- گاه تا ده یا دوازده روز- آنان را نگاه داشته و سپس سوار کشتی می‌کردند. (۱) کاروان حجاج پس از بازگشت نیز در برخی مناطق برای قرنطینه معطل می‌شدند.

۱- حج‌گزاری ایرانیان، در دوره قاجار، ص ۱۴

ص: ۱۶۱

اعتمادالسلطنه از حج سال ۱۳۶۳ ه. ق. خود چنین گزارش می‌دهد:

هرکس از سمت حجاز و شام بیاید، دوازده روز در قرانتین نگهدارند، خواه محترم باشد، خواه غیرمحترم. ناظری هم برای این کار معین است که بعد از مرخصی از قرانتین (قرانتین) نفری بیست و دو قروش و نیم از مردم می‌گیرد که به عبارۀ آخری، چهارهزار و چهارصد دینار ایران باشد. (۱) ۷- برخورد نامناسب با حاجیان هنگام ورود به جدّه

یکی از نکات مهم در تاریخ سیاحت و جهانگردی، چگونگی برخورد مأموران دولتی با جهانگردان هنگام ورود به هر کشور بوده است. این بدرفتاری و خشونت موجب می‌شده تا آنان با خاطراتی تلخ از آن کشور خارج و آن‌ها را در سفرنامه‌های خویش نوشته به خوانندگان پس از خود منتقل نمایند.

علامه سید محسن امین که در سال ۱۳۲۱ ه. ق. به حج مشرف گردیده می‌نویسد:

در جدّه با مردم مثل یک گوسفند رفتار می‌کردند، گروهی که عصر، پس از ما آمدند، مقداری از وسائلشان گم شد. بعضی به‌خاطر خرجی خود که داخل وسائل گذاشته بودند و گم شده بود گریه می‌کردند .... (۲) وی سپس چگونگی ورود خود به جدّه را چنین گزارش می‌کند:

... به جدّه که رسیدیم، سوار قایق‌هایی شدیم که ما را به جزیره‌ای برد که به اندازه یک ساعت از جدّه دور بود، هدف آن بود که خود ما و لوازم و رختخواب‌ها ضد عفونی گردد تا میکروب‌ها از بین برود. ... دریا متلاطم بود و آفتاب گرم. دریا امواج خود را بر ما می‌افکند. با دشواری زیاد به جزیره رسیدیم. کشتی‌های بسیاری اطراف جزیره پهلو گرفته بودند. همه پر از حاجی که خورشید بر سرشان می‌تابید و به کسی اجازه ورود به جزیره نمی‌دادند.

همه رختخواب‌ها و ملافه‌ها را گرفته و در دستگاه مخصوصی با بخار ضد عفونی کردند. آنگاه از در مخصوصی به سرنشینان کشتی‌ها اجازه ورود به جزیره دادند. همه را در جای مخصوصی نگهداشتند. سپس دستور دادند که از در دیگری خارج شوند. با مردم مثل یک گوسفند رفتار می‌کردند. جزیره، خشک و بی‌آب و علف و سبزه بود. تشنگی همه را به ستوه آورد .... (۳)

۱- سفرنامه میرزا علی خان اعتمادالسلطنه، ص ۱۴۱

۲- پابه پای امین جبل، فصلنامه میقات حج، شماره، ج ۲۸، ص ۲۱۲

۳- پابه پای امین جبل، میقات حج، شماره، ج ۲۸، ص ۲۱۲



ص: ۱۶۲

میرزا داوود وزیر وظایف نیز گزارش ورود به جدّه را چنین توصیف می‌کند:

یک ساعت از شب یکشنبه، با زحمت زیاد به دم گمرک رسیدیم، چه محشری بود ازدحام در کشتی، وقت ورود و خروج ازدحام زیادی می‌شود، مثل این که در «باطوم» یک نفر پیرمرد «بخارایی»، در زیر دست و پای مردم تلف شد، لیکن در هیچ‌جا مثل «جده» نبود، اولاً مدتی مردم را روی آب معطل می‌کنند، یعنی رعیت «ایران» را! چون از طرف «قنسول ایران» که جناب «مفخم‌السلطنه»، برادر سفیر کبیر، «پرنس ارفع‌الدوله» باشد، یک نفر می‌آید روی آب، «حجاج ایران» را می‌شمارد، به جهت این که از هر نفری که در طراده نشسته است، پنج قروش از طراده‌چی می‌گیرند، رعیت «روس» و «انگلیس» و هر دولتی نفری دو قروش می‌دهند، رعیت «ایران» نفری هفت قروش و نیم باید بدهند! هرچه طراده‌چی داد می‌زد که در این طراده، پنجاه و دو نفر است، آدم قنسول می‌گفت: پنجاه و هشت نفر است! و با تو پنجاه و هفت محسوب می‌شود.

بعد از آن وارد می‌کنند ایشان را به محوطه کوچکی که دور آن با چوب و میل آهن دیوارکشی شده و خودشان قفس می‌گویند و این قفس کرانتین است، از «رعیت خارجه» دو قروش و نیم و از «ایرانی» نصف مجیدی به اسم کرانتین می‌گیرند، این جا هم جناب «قنسول» پنج قروش از حاجی ایرانی بی‌چاره دخل می‌کند و به دست هر نفر کاغذی کوچک می‌دهند، دم در، آن کاغذ را دو نفر ایستاده‌اند می‌گیرند و از آن قفس داخل قفس دیگری می‌شود، به عین مثل قفس اول، ازدحام زیادی، حاجی بی‌چاره لخت، هوا سرد، یک نفر آدم، تذکره‌ها را می‌گیرد و هر نفری هم دو قروش می‌گیرد، آن وقت نوشته کوچکی می‌دهد که دم در می‌گیرند، آن وقت حاجی مرخص است و می‌افتد به دست حمال و رفتن منزل، حمال اسباب را برداشته آمد منزل، دو تومان کرایه خواست، گفتیم زیاد است، به عربی گفت: مکتوب علی، معلوم شد حمالی را هم، آدم قنسول قطع و فصل می‌کند و با حمال تنصیف می‌کند، بی‌چاره حاجی ایرانی .... (۱) ۸- اخاذی از حاجیان

یکی از مشکلات مهم حاجیان در طول سفر، عادت حمله‌داران، عکام‌ها، عشایر بین راه و مأموران به اخاذی و گرفتن پول از حاجیان بوده است که آن را گاهی «خاوه» و گاهی «اخوه» می‌نامیدند.

ص: ۱۶۳

محمد ولی میرزای قاجار (سال ۱۲۶۰ ه. ق.) در این زمینه می‌نویسد:

... در راه جبل هفتاد و دو اخوه می‌گیرند، (اخوه دو غازی که هشت هزار و پانصد دینار رایج می‌باشد) ... از مردم عجم دو غازی و از مردم عرب یک غازی می‌گیرند و از زن عرب نصف غازی و از زن عجم یک غازی می‌گیرند و از هندی و درویش هیچ نمی‌گیرند و غازی هم چهار هزار و دویست و پنجاه دینار رایج است. (۱) نویسنده سفرنامه «تیر اجل در صدمات راه جبل» نیز شبیه به گزارش فوق را آورده، می‌نویسد:

شیخ جبل در وقت رفتن به مکه معظمه از هر حاجی اگر مرد و از عجم باشد، قریب سی تومان می‌گیرد و از زن عجمی و مرد عرب، نصف آن؛ و از زن عربی رُبع و اگر حاجی از اهل سنت باشد قدری قلیل، گاهی هیچ؛ و در برگشتن بدون تفاوت امتیاز از هر یک قریب ده تومان؛ و در نزدیکی جبل مأموری از شیخ جبل با جماعتی از راهزنان به جهت شمردن حاج می‌آیند و اطراف را به نحوی مسدود می‌نمایند که احدی را مجال گریز نیست و در آن روز حمله‌دارها به جهت گریز از این خواه، بلاها بر سر حاجی می‌آورند. عجم را به شکل عرب و مرد را به هیئت زن و دو نفر را گاهی در یک لنگه کجاوه و آدم را در میان بار و معزز را به صورت ساریان و عکام و جماعتی را میان پیاده‌های فقیر پنهان می‌کنند که بعضی به حبس و خوردن چوب مبتلا و بعضی از ترس می‌مانند در شدت سرما یا گرما در آن بیابان بی‌آب و نان، یک شب یا دوشب تخفیفی [مخفی شدن]، به هزار زحمت در تاریکی خود را به نیم‌جان، به منزل می‌رسانند. حاجی با آن که تمام مقاطعه خود را داده، از ترس آن که مبادا از حيله آن جماعت به مهلکه تازه بیفتد یا شتری به او بدهند که از اول منزل تا آخر، ساعتی نتواند سوار شود، به این ذلت و مخاطره راضی می‌شود؛ و اگر یک حاجی از حساب بیفتد، سی تومان در رفتن و بیست تومان در برگشتن به ملاحظه سایر خواه‌ها به حمله‌دار می‌رسد و به قدر یک شُرَب آبی از آن حاجی امتنان و تشکر ندارند و ذره‌ای از آن چه خیال در حق او دارند، تخفیف نمی‌دهند. (۲) مرحوم میر سید احمد هدایتی نیز در این باره می‌نویسد:

امروز شنبه سوم صفر، صبح زود به هر سختی و داد و فریادی بود، حمله‌دارها مطالبات خود را از ضعفای حجاج گرفتند، بعد مسموع شد که «شیخ محلّ» اجازه

۱- به سوی ام‌القری، ص ۲۳۸

۲- تیر اجل در صدمات راه جبل، میقات حج، شماره، ج ۳۵، ص ۹۳

ص: ۱۶۴

عبور به قافله نداده، مطالبه خاوه و حق‌العبور می‌کند بعد از صحبت‌های زیاد، مقومین حمله‌دارها رفتند و پس از ساعتی برگشته، مابین خود پول جمع کرده و بردند و تقدیم شیوخ محل نمودند و اجازه عبور گرفتند .... (۱) ۹- کمبود آب

کمبود آب در برخی مناطق، از دیگر مشکلات حاجیان گزارش شده است. مرحوم سید محسن امین در این رابطه می‌نویسد:

در منطقه «بئرالدراویش» آب اندکی وجود داشت، آنان که دیر رسیدند از آب محروم ماندند و برخی از الاغ‌ها و شتران، آن شب از تشنگی تلف شدند .... (۲) میرزا داوود وزیر وظایف در رابطه با تشنگی حجاج و کمبود آب در برخی مناطق می‌نویسد:

هیچ فراموش نمی‌کنم، «زنی مصری» را که با وجود این که سواره بود آمد نزد حقیر و زبان خود را نشان داد که تشنه‌ام و یک لنگه دست‌بند خود را می‌داد که او را آب بدهم، وقتی که او را آب دادم و دست‌بند را هم نگرفتم، دست حقیر را بوسیده و می‌خواست حقیر را سجده کند، امروز به قدر مقدور و هرچه آب داشتم دادم و وضو هم نگرفتم، بلکه طهارت هم نگرفتم، آب قلیان ما را گرفته و خورده بودند، بعد از ظهر رسیدیم به «بئرالعلم»، آن هم آب نداشت سبحان‌الله مردم خیلی مستأصل شدند، از او رد شده آمدیم یک ساعت به غروب به «بئردرویش» رسیدیم، عکامی شامی «عبداللّه» نام داشتم، اگرچه بیست سال بیش نداشت، اما خیلی زرننگ بود، از بعداز ظهر چند مشک برداشته با الاغ رفته بود، دو ساعت به منزل مانده آمد و دو مشک آب با خود آورده، مشک‌ها را به ما داد و مشک دیگری برداشته و به عجله رفت و می‌گفت آب کم است و امشب کمتر خواهد بود، یک مشک را به مردم دادم، وقتی که به منزل رسیدیم، دو مشک دیگر هم آب آورده بود، ولی سر چاه ازدحام زیاد و آب پیدا نمی‌شود، از این سه مشک هم باز یکی را به مردم دادم، اما یارای بیشتر دادن نبود، چون جمعیت ما زیاد بود، شاید فردا هم آب پیدا نشود، ولی حقیر در این دو روزه ابداً آب نخوردم، هندوانه شکسته بودم و هروقت تشنگی رو می‌آورد قدر کمی می‌خوردم، امروز هم جمعی از حاج به قدر ده نفر، با دو حمله‌دار برای برداشتن

۱- داستان باریافتگان، ص ۲۱۶

۲- پایه‌پای امین جبل، میقات حج، شماره، ج ۲۸، ص ۲۱۹

ص: ۱۶۵

آب جلو آمده بودند، شش نفر عرب آن‌ها را لخت کرده بودند، مال و اسباب و لباس آن‌ها را برده بودند، ولی عکام ما اندکی دیرتر رسیده بود و سالم مانده بود، تا نصف شب آب کم بود و امروز و امشب سؤال فقط آب است و پس از نصف شب قدری آب بیشتر شد، یعنی صاحبان زور آب گیری کردند، آن وقت بیچاره پیاده هم آبی گیرش آمد و آسوده شد، یازده نفر می گویند از مغاربه از تشنگی تلف شدند. (۱) میرزا داوود سپس به داستان غم‌انگیزی اشاره کرده و می نویسد:

وقعه عجیبی که بین «مکه و مدینه» برای ما واقع شد این بود که، در روز بعد از حرکت از «ابیارحسن»، که کم آبی و کم آذوقگی در حاج به سر حد کمال رسید، به خصوص در پیاده‌ها و به خصوص در «مغاربه»، در میان کوچه متصلاً سیاه‌ها می آمدند و آب و نان می خواستند و به خصوص وقتی که در میان کوچه نهار می خوردیم، در [این] بین طفلی پیاده [تقریباً به] سنّ دوازده سیزده ساله آمد، تکدی کرد، «والده میرزا علیقلی»، قطعه‌نانی برای او انداخت، طفل دیگری دوید که بردارد، این دو به هم چسبیدند، شتری هم که کجاوه بار داشت رسید و با دست خود بر پشت همان اولی نواخت که افتاد، پای خود را هم دوباره بالای پشت او گذاشته، رد شد، حقیر ملتفت شدم که صدمه‌ای به او رسید، قدری با «والده میرزا علیقلی» اوقات تلخی کردم که چرا نان را انداختی، او هم حق داشت، چه می کرد، با آن التماس که آن‌ها سؤال می کنند، نمی توان غذا خورد و به آن‌ها نداد، قد او هم که نمی رسید بگیرد، بعد از ربع ساعت دیدم دونفر دست و پای او را گرفته‌اند و چشم‌های او از حدقه حرکت کرده، آورده بالای شتر او را گذارده و بستند، «حاجی محمدعلی» کجاوه کش هم گفت که طفل مرد.

معلوم است چه قدر بر حقیر و به خصوص بر اهل منزل بد می گذرد، که خواستیم ثوابی و ترحمی بکنیم، قتل نفس کردیم، دیگر آن روز و آن شب بر ما چه گذشت، خداوند می داند. روز دیگر که وارد «مدینه» می شدیم، او را دیدم که سوار است و حالش بهتر است و نان می خورد، اما چشم‌های او همان قسم از حدقه حرکت کرده بود، خیلی خوشنود شدم که نمرده است و سوار هم شده است، تا «مدینه منوره»، پاشا او را سوار کرده بود، روز آخری «پاشا» خیلی از مردم توجه کرده، جمعی پیاده‌های وامانده را سوار کرد، آب هم دو تا سه فرسخی جلوتر آوردند. (۲)

۱- سفرنامه میرزا داوود وزیر و ظایف، ص ۱۵۴

۲- سفرنامه میرزا داوود وزیر و ظایف، ص ۱۶۷

ص: ۱۶۶

۱۰- نبود امکانات بهداشتی

یکی از مشکلات جدی حاجیان در سفر حج، مسأله بهداشت و درمان بوده است.

حاجیان در بین راه و نیز در مکه و مدینه دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی کافی نداشته و در نتیجه بسیاری در بین راه می‌مردند و یا به بیمارهای عفونی و مزمن مبتلا شده و تا سال‌ها گرفتار عواقب آن بودند. مسافران کشتی‌ها به دلیل نبود پزشک و مبتلا شدن به بیماری‌های ناشناخته نمی‌دانستند چه باید بکنند؟

مرحوم میر سید احمد هدایتی (م ۱۲۶۴ ه. ق.) از داخل کشتی چنین گزارش می‌دهد:

... اغلب مسافران تنش‌های دانه‌های قرمز بیرون زد، در حدود مغرب یک نفر مسافر ترک دیگر، زندگانی را وداع گفت و جنازه‌اش طعمه حیوانات بحری گردید. (۱) فردای آن روز کشتی گرفتار طوفان شد، ضربات امواج، کشتی کوه‌پیکر را مثل گاهواره پهلوه پهلوه می‌کرد، مسافرین به روی یکدیگر می‌افتادند و نماز را ایستاده نمی‌شد بخوانند و غالباً مبتلا به اسهال و استفراغ شدند، سه نفر هم فوت کردند که جنازه آن‌ها پس از تغسیل به دریا انداخته شد. (۲) وی سپس می‌افزاید: ... مبتلا به مرض داءالبحر شدم ... تا ظهر از پا درافتاده، بی‌هوش شدم. برای دو سه ساعت به غروب، چشم باز کردم دیدم رفقا دور من جمع شده‌اند و آب هندوانه به من می‌خورانند فوراً تمام سطح بدنم قرمز شد و کثیر بیرون زد و تب خیلی شدیدی عارض شد .... (۳) او می‌افزاید: [در جده] غالباً حجاج مبتلا به تب مخصوصی می‌شدند که دوسه روز طول می‌کشید و قطع می‌شد. (۴) میرزا علی خان اعتمادالسلطنه در رابطه با بیماری خود و تعدادی از حاجیان می‌نویسد:

به عادت مستمره روز بیست [و] هشتم شوال، از «مزیرب» خراب شده حرکت شد، که در دنیا از «مزیرب»، بد آب و هوای تر گویا نباشد، چنان که اکثر از حاج عجم، در آنکه توقف داشتند ناخوش شدند و اکثری از آن ناخوشی‌ها تلف

۱- داستان باریافتگان، ص ۱۱۱

۲- داستان باریافتگان، ص ۱۱۲

۳- همان، ص ۱۴۴

۴- همان، ص ۲۲۱

ص: ۱۶۷

می‌شدند، من جمله از مشاهیر، زن «سلیمان خان قاجار»، دختر «حاجی رضا قلی خان قاجار»، که بسیار وجهه و مقبول بود، در منزل «تبوک» [که] چهارده منزلی «مدینه» است فوت شد و نعش او را صد و بیست تومان دادند به حمله‌دار، که قرار نیست در مذهب «اهل سنت» نعش را حرکت بدهند و در خُفیه (۱) به «مدینه» بردند و در «بقیع» دفن کردند و همچنانکه کنیز ترکی از «مهد علیا» والده اقدس همایونی و «رفیع خان نایب فراش باشی»، از این گونه بسیار تلف شدند.

حقیر هم از مرده‌های آن سفر و از ناخوشی‌های آن منزل بودم، که سه روز به حرکت از «مزیرب» مانده، فی‌الجمله تبی عارض شد، به «میرزا محمود»، حکیم‌باشی والده شاه رجوع شد، چندان اعتنا نکرد، «حیدرخان شیرازی» که در «شام» متوقف است همراه بود و از طبابت می‌گفت اطلاع دارم، در یک روز سه قسم، دوی مختلف داد، یک حرارتی در دل من عارض شد، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِثْلَ آتَشٍ، بلکه خود آتش بود، کار به جایی رسید که روز حرکت از «مزیرب»، حالت خود را نمی‌فهمیدم، «حاجی آقا محمد حکیم تبریزی» پسر «آقا اسماعیل» طیب مرحوم، از کیفیت آگاه شد، از بابت حقوق و دوستی سابق، خودی به حقیر رسانیده احوال را مشاهده کرد، همان دقیقه تخت روانی کرایه نموده، بنده حقیر را میان تخت روان گذارده، متوجه دوا و غذا گشته، در «عین زرقاء»، که سه منزل است به «مزیرب»، از حقیر مأیوس شده بود، زیرا که از خودم خبر نداشتم و بی‌هوش بودم. (۲) میرزا داوود وزیر وظایف در رابطه با بیماری برادر یکی از دوستانش به نام حاجی آقا نورالدین گنابادی که منجر به فوت وی در مدینه شد می‌نویسد:

شب که از حرم مراجعت می‌کردم، «حاجی آقا نورالدین گنابادی» را دیدم، جویای احوالات برادرش «آقا جلال‌الدین» شدم، گفت از دیروز که آمده است، ناخوش افتاده است، روز قبل از ورود، ظهر که برای نهار پیاده شدیم، کجاوه آن‌ها هم نزدیک به ما بود، او را دیدم و احوال‌پرسی کردم، فی‌الجمله ورمی در زیر چشم و پای او بود، گفتم شما را چه می‌شود، گفت: احوالم خوب نیست و اسهال داشتم، گفتم: یقین سده کرده‌اید که ورم آمده، گفت چنین است، گفتم در «مدینه» روغن کرچکی بخورید، به حرف نکرده بود، رفتم به احوال‌پرسی، دیدم افتاده است رو به قبله و مشاعر از او رفته، طیبی برای او آورده بودند، مشمع

۱- پنهانی.

۲- سفرنامه میرزا علیخان اعتمادالسلطنه، ص ۹۳

ص: ۱۶۸

خردل بر پاهای او انداخته بود، دیدم مردی است، قلیانی کشیده، آمدم ساعت شش منزل، لقمه نانی خورده خوابیدم، صبح زود آمدند که «آقا جلال» مرحوم شده است، خوشا به حال او شب جمعه و عاشورا، خداوند نخواست که دوباره مراجعت به «ایران» کرده و اعمال خود را از سر بگیرد، خواست که آمرزیده شود، برخاسته رفتم جمع آوری جنازه او را کرده، در «بقیع»، وصل به حرم محترم در طرف قبله جلو قبر «حضرت فاطمه بنت اسد» - سلام الله علیها - مدفون شده، از طرف اداره احتساب آمده بودند که مال و پول او را بیاورید، بیت‌المال سیاهه کند چند تشری زدم و از قضا متمر شده، همین قدر اسم او را نوشته و رفتند، سه چهار لیره هم می‌خواستند، او را هم نگذاشتم چیزی بدهند. (۱) ۱۱- کم توجهی به اعمال و مناسک حج حاجیان

حاجیان سختی‌های فراوانی را تحمل می‌کردند تا بتوانند حج صحیح و مقبول انجام دهند، لیکن متأسفانه به دلیل دیر حرکت دادن آن‌ها و یا عجله کردن در احرام بستن و انجام اعمالی همچون طواف و سعی با سختی‌های زیادی روبرو می‌شدند، نویسنده سفرنامه تیر اجل در صدمات راه جبل نهمین مشکل سفر خود را چنین تشریح می‌کند:

نهم: توقف نکردن در میقات گاه است به جهت احرام؛ و این ظلم بزرگی است بر حاج که هیچ نفعی از آن به آن‌ها نمی‌رسد. بی‌چاره از بلاد بعیده، این همه مخارج را می‌کنند و آن مشقت‌ها را متحمل می‌شوند، به جهت ادراک عمل بزرگ حج؛ و اول اعمال او احرام است که باید در میقات بسته شود و بر اهل دانش ظاهر است که مقدمات احرام از تنظیف بدن و تطهیر و تنویر و غسل و نماز و مقارنات آن از نیت و تلفظ به آن که باید غالب حاج را تلقین کرد و غیر آن، بی‌منزل کردن در آنجا میسر نیست؛ و رسم امیر حاج در این سنوات چنین است که در وسط روز به قدر دو ساعتی در آنجا توقف می‌کند؛ آخر حاج نرسیده، اول حاج حرکت می‌نماید و از ترس دزد و راهزنان و واماندن از قافله، مجالی جز از برای برهنه شدن و جامه پوشیدن و تلبیه گفتن نیست. بار آب حاجی که اگر کسی به دقت حساب کند، شاید مصرف آن به پنجاه تومان برسد در عقب و اگر حاضر باشد، فرصت نیست. و بالجمله از فیض احرام، حاج غالباً محروم.

ص: ۱۶۹

وی در بخش دیگر می‌نویسد:

... و از همه بدتر آن که، ورود حاج در مکه غالباً در روز هفتم [ذی‌حجه] می‌شود و در هشتم باید به جهت حج احرام ببندند و بروند به منا و در آن دو نصف روز و یک شب، حاجی غریب جاهل به اعمال حج در آن جمعیت به زیاده از صد هزار، به کدام کار برسد؟ مدتی در صدد تعیین منزل و لوازم آن از نقل اسباب و غیره است. از برای عمل عمره، از غسل و طواف و تقصیر و سایر مستحبات که هرگز نکرده و بعد هم غالباً میسر نیست، وقت کمی می‌ماند که به اقل واجب آن، قلیلی از حاج می‌رسند و اکثر آن‌ها عمل می‌کنند که فی‌الجمله شباهتی به عمره دارد که از شرع رسیده. و بسیار شده که در عرفات و منا ملتفت خرابی آن می‌شوند و ثمری ندارد؛ و در مکه، نه مجال تفحص دارند، نه وقت سؤال و تلافی. و اگر دوسه روزی پیش وارد شوند، البته به این درد مبتلا نمی‌شوند. بی‌چاره‌ها خرج‌ها کرده و زحمت‌ها کشیده و کفاره‌های بسیار بر گردن ایشان وارد شده، با این حال با دست خالی برمی‌گردند. (۱) ۱۲- رعایت نکردن نظافت در اماکن مقدسه

یکی دیگر از مشکلات حاجیان مراعات نکردن نظافت خصوصاً در اماکن مقدسه حرمین شریفین بوده است.

میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک منجم‌باشی (۱۲۹۶ ه. ق.) در این زمینه می‌نویسد:

صفا و مروه دو کوه کوچک‌اند در طرفین مسجدالحرام به فاصله سیصد ذرع واقع شده‌اند ... و فیما بین آن معبر عام است و بازار، یک ضلع معبر مسجدالحرام و طرف دیگر عمارات و دکاکین است. این قطعه زمین، خیلی مقدس و محترم است و هیچ شبهه‌ای نیست که حضرت پیغمبر و بعضی از انبیای سلف و ائمه طاهرین و اولیاء الله مکرر این مسافت را پیموده‌اند و با وجود این‌ها، اهالی مکه این قطعه زمین را از همه‌جا کثیف‌تر نگاه داشته‌اند و عمده سگ‌های مکه در همین معبر سکنی دارند. (۲) وی در بخشی دیگر از سفرنامه خود، مشاهداتش در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را چنین

۱- تیر اجل در صدمات راه جبل، میقات حج، شماره، ج ۳۳، ص ۹۴

۲- میقات حج، شماره، ج ۱۹، ص ۱۷۸



ص: ۱۷۰

توصیف می‌کند:

در مسجد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جمعی از حجاج هندی را دیدم باعیان منزل نموده بودند، بسیار کثیف و مندرس بودند، همه روزه در آفتاب بر روی فرش‌های پاکیزه نشسته، شپش می‌کشتند و می‌خوابیدند و گستاخانه حرکت می‌کردند و کسی متعرض آن‌ها نمی‌شد. (۱) به هنگام قربانی در منی نیز به دلیل نبود امکانات لازم، گاهی همان‌جا جلوی خیمه‌ها قربانی کرده، لاشه قربانی و فضولات آن را در فضای باز و در برابر آفتاب سوزان رها می‌کردند و در نتیجه گوشت‌ها متعفن گردیده و موجب بیماری‌های بسیار می‌شد.

برخی از اهالی و یا حجاج دیگر کشورها نیز عادت داشتند که گوشت قربانی را تکه‌تکه کرده آن را در برابر آفتاب قرار دهند تا بخشکد و در طول سال از آن استفاده نمایند که این نیز خود موجب شیوع بسیاری از بیماری‌ها می‌شد.

نجم‌الملک منجم‌باشی در این باره می‌نویسد:

ذبیح‌های که در عرفات می‌شود، نصیب جمعی سیاهان است، گوشت آن‌ها را پهن می‌کنند و بر روی سنگ‌های کوه، مواجه آفتاب به زودی خشک می‌شود، پس آن‌ها را ذخیره می‌کنند برای آذوقه سالیانه خود. (۲) وی سپس می‌افزاید:

چند مذبح در عرفات حفر نموده‌اند برای خون و فضولات قربانی ولی حجاج را چندان اعتنایی به آن‌ها نیست، هرکس در برابر خیمه خود قربانی می‌کند و به این سبب هوا خیلی متعفن می‌شود، اگرچه سیاهان فضولات را به تدریج جمع‌آوری می‌کنند .... (۳)

۱۳- رفتار غیرانسانی با بیماران و فوت‌شده‌گان

رفتار ناشایست برخی از حمله‌داران با بیماران و حتی جنازه فوت‌شدگان بسیار تأسف بار بوده است. نویسنده سفرنامه تیر اجل در صدمات راه جبل در این باره می‌نویسد:

۱- سفرنامه شیرین و پرماجرا، میقات حج، شماره، ج ۱۹، ص ۱۸۱

۲- سفرنامه شیرین و پرماجرا، میقات حج، شماره، ج ۱۹، ص ۱۷۷

۳- همان.

ص: ۱۷۱

در مجاری حال مریض و اموات این راه، قلم این جا رسید و سر بشکست؛ این احقر را مجال و حال ذکر تمام آن‌ها نیست. ناچار به شرح پاره‌ای قناعت می‌کند:

اول: حاجی اگر در جدّه یا مکه معظمه یا مدینه طیبه مُرد و وارث قوی و یا وصی قابل یا رفیق کامل ندارد، تَرکه او به حسب عمل، مِلکِ طَلق مأمور جدّه است؛ کسی را حَقّی در او نیست. تَفَضُّلاً مِیت را به دست چند نفر او باش ... می‌دهد که دفن کنند. معلوم است، کیفیت غسل و کفن و نماز و دفن آن بی‌چاره هم چه قِسم خواهد بود. و اگر در میان راه مُرد به همان نحو، مال حمله‌دار است و لکن این جماعت، گاهی مریض بَدحال را از طول جان دادن فارغ می‌کنند و از ترس بروز کردن، خود را در زحمت و خرج غسل و کفن و نماز نمی‌اندازند؛ در گودالی او را پنهان می‌نمایند و اگر مجال آن نشد، چنانچه در نزدیکی صبح که زمان حرکت حاج است بمیرد، از آن زحمت هم فارغ، در همان صحرا می‌اندازند و امسال از این قِسم مکرر شنیده و به تحقیق رسید.

دویم: اگر حاجی در وقت رفتن، یک فرسخ از نجف بیرون رفته، مثلاً بمیرد، یک ثلث مقطع که اگر در کجاوه است چهل تومان و کسری و اگر سرنشین است سی و سه تومان، مال حمله‌دار است که اگر گرفته پس نمی‌دهد و الاّ به حکم امیر حاج می‌گیرد. و اگر در جبل بمیرد الی مکه، دو ثلث و اگر در مراجعت چند قدمی از مکه دور شده بمیرد، تمام مقطع را می‌گیرد. و اما حاجی تازه که از مکه از این راه برمی‌گردد، به مجرد بیرون آمدن، سابقاً یک ثلث و امسال این حکم نسخ شده و فتوا بر دو ثلث شد، الی بیرون آمدن از مدینه طیبه و از آن جا تمام؛ اَلَا آن که به بعضی از آن‌ها در پاره‌ای موارد سه چهار تومانی به جهت کرایه از جبل تا نجف تَفَضُّلاً کسر می‌کنند؛ و اگر کسی جرأت بکند و از سبب این بدعت سؤال نماید، می‌گویند قاعده حمله‌دار به حکم امیر حاج چنین است.

سیم: چون حاجی مُرد، در هریک از آن مواضع، به جهت مالِ حاجی، دوباره باید همان شتری که اجاره آن را تمام گرفتند، اجاره کرد و می‌گویند، چون حاجی مرد، شتر خلاص شد؛ یعنی آن حاجی مرده با دادن مال‌الاجاره، حق بار کردن بر آن شتر ندارد؛ پس از برای یک شتر در مسافت مخصوص دو کرایه می‌گیرند و چنین حکمی در هیچ ملّتی بلکه در میان طوایف بت پرست هند و چین نیست و سالهاست که این بدعت جاری و بسیاری از اعیان و بزرگان دولت علیه ایران خود دیدند و فهمیدند و آن قدر خدمت به دین بلکه به دولت نکردند که این جزیی را بردارند یا به عرض خاکپای مبارک اقدس ظلّ‌اللهی رسانند که اگر حاجی مرد،

ص: ۱۷۲

آن اجاره و مقاطعه بر هم خورد؛ پس گرفتن یک ثلث و دو ثلث و تمام چیست؟ و اگر به حال خود باقی است، پس از برای کرایه گرفتن دوباره هیچ راهی نیست.

چهارم: اگر آن مرده را بخواهند بر شتر خودش که تمام کرایه آن را داده حمل نمایند به نجف اشرف، در مراجعت، بعد از بیرون آمدن از مدینه طیبیه یا به مدینه، اگر در بین الحرمین مرد، به کرایه دوباره تنها قناعت نمی‌کنند و غیر از آن حمله‌دار که این حاجی مرده در حمل او بود، احدی مرخص نیست به حکم امیرحاج که آن جنازه را بردارد. پس آن حمله‌دار، مبلغ کلّی می‌گیرد به حسب انصاف خود از صاحب آن میت که ناچار است به حسب وصیت یا ملاحظه شأن از حمل او؛ و خود دیدم صد تومان گرفتند به جهت حمل از جبل تا نجف؛ و البته ده تومان خرج نکرد و امسال یک منزل یا دو منزل مانده به مدینه از سی تا پنجاه تومان گرفتند و هرچه نگرفتند از روی ترحم بود و الا مانعی از خوف خداوند یا خلق در میان نیست.

پنجم: اگر حاجی در آخر شب مرد، به نحوی که وقت برداشتن او نیست و باید او را تا منزل آورد، حمله‌دار وجه کلّی می‌گیرد به جهت این سه چهار فرسخ که او را بر شترش بگذارد. امسال جنازه‌ای از شخص استرآبادی مطلعم، حمله‌دار، ده امپریال گرفت نقد که او را به منزل آورد. یکی از علمای بسطام تدبیری کرد و از خارج، بعضی را مدعی مال این میت نمود و حکومت به نزد امیر حاج کشید.

حکم به تنصیف کرد؛ قریب دوازده تومان به جهت این چند فرسخ گرفت، غیر از کرایه که در اصل مقاطعه بود.

ششم: اگر سرنشین مریض شود به نحوی که طاقت سواری ندارد و باید کجاوه بنشیند، اگر یومیه بگیرد، روزی از دو امپریال یا پنج می‌گیرند و بسیار کم می‌شود که به دو سه تومان قناعت بکنند، و اگر تا آخر بخواهند، علاوه بر مقاطعه سرنشینی سی تا چهل تومان، گاه زیاده از این می‌گیرند؛ و اگر چند فرسخ یا یک منزل آمده، مرد، هر دو مقاطعه بالتمام می‌گیرند.

هفتم: ناخوش گاهی با حمله‌دار خود در شب قرار می‌دهد در چند امپریال که فردا در کجاوه بنشیند و همان شب می‌میرد، آن مبلغ را مطالبه می‌نمایند. خود مطلعم در چنین موردی نگذاشت جنازه را بردارد تا دو لیره عثمانی گرفت.

هشتم: مریض گاهی در سر شتر بی حال می‌شود؛ ساربان یا غیر او، بیچاره را از روی شتر می‌اندازند و می‌روند، تنها در روی خاک جان می‌دهد و مال او در دست دیگران؛ کسی نیست از حمله‌دار مطالبه کند که این حاجی کو؟ مالش

ص: ۱۷۳

کجاست؟

نهم: اگر حاجی مرد از بی‌نظمی امیر حاج، باید کلی داد به مرده شور و قبر کن؛ که اگر کسی مرده را دفن کرد به ده تومان، خیلی زیرکی کرده.

دهم: قساوت قلب و بی‌رحمی حمله‌دار و اتباعش و عمله موتی در شدت و کثرت، به جایی رسیده که از ایشان تجاوز کرده، به طیب هم می‌رسد. چه این طایفه نیز چون مثل حاجی را مثل کافر حربی بی‌قوت [و بی] معینی می‌بینند که هر کس به هر اسم در فکر برهنه کردن ایشانند، به طمع افتاده که مالی در معرض تلف است؛ چرا من نبرم و مخارج کرده و آینده این راه را از اینجا بیرون نیاورم.

پس نرخ حق القدم را از یک لیر امپریال کمتر نمی‌گذارند. قدری دوا و حَبُّ و جوهریات از اصل و بدل همراه گرفته، به قیمت بسیار اعلی می‌فروشدند. مثقالی روغن چراغ خود دیدم در یک امپریال فروخت و آخر معلوم شد که در شیشه آن، وقتی [زمانی] روغن چراغ بود. سه یا چهار دانه حب کرم پنج قران و هکذا. (۱) ۱۴- رفتارهای تبعیض آمیز

یکی از مشکلاتی که حجاج ایرانی و دیگر حجاج غیر عرب با آن روبرو بوده‌اند برخوردهای تبعیض آمیز و تحقیر آنان بوده است.

میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک منجم باشی که به سال ۱۲۹۶ ه. ق. حج گزارده می‌نویسد:

آنچه خانه زاد در خاک حجاز دید این است که مردم عجم نمی‌دانم از چه بابت در انظار مردم آنجا مغضوب و حقیر و خفیف‌اند و با وجود آن که در این سنوات به حسن کفایت حاجی میرزا حسن کار پرداز مقیم جده، خیلی رفاهیت دست داده، باز خالی از خطر نبود، خاصه در مدینه طیبه که خون و مال عجم را حلال و مباح می‌دانند و به هر قسم بتوانند در صدمه حجاج کوتاهی نمی‌کنند، حتی سید حسن مطوف که از جانب معین‌الملک برای مطوفی ایران مأمور است، کمال بدسلوکی را می‌نماید ... (۲) وی سپس می‌افزاید: روزی یک نفر دهقان ایرانی، خواست به طواف بیت‌الله مشرف شود، گیوه خود را با شال دستمال بر پشت پیچید و داخل مسجد شد، یکی از

۱- تیر اجل در صدمات راه جبل، میقات حج، شماره، ج ۵۶، ص ۹۶

۲- فصلنامه میقات حج، شماره، ج ۱۹، ص ۱۸۱

ص: ۱۷۴

خواجه‌های حرم ملتفت شده در حین طواف چند چماق سخت بر کتف او بنواخت، احدی از بستگان کار پرداز خانه ایران، واقعه را از دور دیده، به کار پرداز اطلاع داد، مشارالیه در صدد قصاص برآمد، به اذن جناب شریف و پاشای مکه، آن خواجه را در همان محل که چماق زده بود به سیاست رسانیدند ولی این ایرادات همان بر حجاج ایرانی است، اعراب مختلف، نعلین زیر بغل گذاشته وارد مسجد می‌شوند و احدی متعرض آنها نمی‌شود. (۱) وی در بخش دیگری از سفرنامه خود می‌نویسد:

از امتیازات اعراب، که در تمام خاک عربستان دیدم، این است که هرگاه منازعه‌ای رخ دهد فیما بین یک نفر عرب و یک نفر عجم آن عرب حق دارد که هر نوع فحش و تهمت بر آن عجم نسبت دهد ولی عجم حق یک کلمه سؤال ندارد و الا آنقدر اعراب بر سر او می‌ریزند و می‌کوبند که هلاک شود. (۲) ۱۵- اخذ رشوه برای زیارت

اخذ رشوه یکی دیگر از مشکلات حاجیان بوده، که متولیان و دربانان اماکن مقدسه از مردم مطالبه مبلغی پول می‌کردند و زیاران برای ورود به کعبه و یا رفتن به داخل بقیع و زیارت کردن ناچار بودند مبلغی رشوه داده داخل شوند و گرنه از ورود آنها ممانعت به عمل می‌آمد.

کازرونی که در سال ۱۳۱۵ ه ش به حج مشرف شده می‌نویسد:

حقیر با جناب حاجی شیخ عبدالحمید، بعد از دادن دو ریال فرنگ داخل در کعبه منوره شدیم. (۳) میرزا داوود وزیر وظایف نیز می‌نویسد:

شب جمعه بیست و ششم، ساعت سه به حرم مشرف شدم، دیدم درب خانه مشرفه را باز کردند هر طور بود خود را مهیای رفتن کرده قرآنی با خود برداشته، رستم پای نردبان به همراهی مطوفی که عمامه‌ای نیز بر سر داشت، مطوف به پیرمردی که عمامه سفید عربی داشت و یک شقه در را باز کرده، خود در در بند نشسته بود، به عربی گفت: این سید یک ریال می‌دهد که داخل شود، در

۱- همان، ص ۱۸۲

۲- همان، ص ۱۸۲

۳- سفرنامه کازرونی، میراث اسلامی ایران، دفتر پنجم، ص ۳۶۸

ص: ۱۷۵

جواب گفت:

ما یخالف، ریال را گرفت و حقیر پا بر نردبان گزاردم خود پیرمرد دست دراز کرده و دست حقیر را گرفت و ... داخل خانه شدم و دعا می‌خواندم، پشت در جوانکی نشسته بود، همین که دید حقیر داخل شدم و حالی دارم، برخاسته به حقیر چسبید که تو یک مجیدی باید بدهی، دوازده قروش داده‌ای باقی را بده، والا برگرد، گویا پسر شیبه بود حقیر هم فوری یک ریال دیگر به او دادم. (۱) در مدینه مشکل بیشتر بوده، متولیان بقیع از افراد مبلغی به عنوان ورودیه می‌گرفتند و سپس اجازه ورود می‌دادند. میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک منجم باشی در این زمینه می‌نویسد:

در قبرستان بقیع بقعه اهل بیت بوابی دارد کریم‌المنظر، چماق به دست، غضب آلود، هر نفر ایرانی که خواهد به قصد زیارت داخل شود با کمال تشدد یک صاحبقران از او می‌گیرد و اگر بخواهد آن شخص روزی پنج مرتبه مثلاً وارد شود، باید پنج قران بدهد، و همین که قلیلی آن جا ماند زیارت نخوانده، گوید بیرون شو. (۲) محمد ولی میرزا که در سال ۱۲۶۰ هـ ق به حج رفته در این باره می‌نویسد:

در بقیع هر کس وارد می‌شد هزار دینار می‌گرفتند و درب حیات هم سه قروش که هر قروشی یک عباسی می‌باشد، در گنبد حرم بقیع هم به جهت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام پول می‌گیرند که به بوسند قبر مبارک را. (۳) فراهانی در سال ۱۳۰۲ نوشته است:

حجاج سنی کمتر به زیارت بقعه ائمه در بقیع می‌آیند و اگر هم بیایند چیزی از آنان نمی‌گیرند، اما حجاج شیعه، هیچ یک را بی دادن وجه نمی‌گذارند داخل بقعه شوند، تنها پس از دادن این وجه است که آنان آزاد هستند بدون تقیه هر زیارتی را که می‌خواهند بخوانند. (۴) میرزا معصوم نایب‌الصدر شیرازی که در سال ۱۳۰۵ هـ به مدینه مشرف شده، وقتی به متولیان بقعه بقیع اعتراض می‌کند که چرا در شب چراغ روشن نکرده و یا از مردم پول می‌گیرند؟ به وی پاسخ می‌دهند که: اگر سالانه یک هزار و پانصد تومان به آنان داده

۱- سفرنامه میرزا داوود وزیر و ظایف، ج ۱۳۰، ص ۱۳۱

۲- میقات حج، ج ۱۹، ص ۱۸۲

۳- به سوی ام‌القرای، ص ۲۴۹

۴- میراث اسلامی ایران، دفتر ششم، ص ۷۷۷

ص: ۱۷۶

شود، آنان، هم چراغ روشن خواهند کرد و هم از عجم‌ها پولی بابت ورودیه نخواهند گرفت. (۱) ۱۶- ندانستن زبان دَوَم یکی دیگر از مشکلات حاجیان، تسلط نداشتن به زبان عربی بوده است، و به همین جهت به دلیل آن که نمی‌توانستند در بین راه و در شهرها مطالب خود را به دیگران تفهیم نموده و یا سخن دیگران را درک نمایند، لذا دچار مشکلات زیادی گردیده، گاهی جان خود را نیز در این راه از دست می‌دادند. مرحوم سید محسن امین در این زمینه می‌نویسد:

... عادت ژاندارم‌ها است که در دو سمت راست و چپ حجاج حرکت می‌کنند و هنگام فرود آمدن در جایی، اجازه نمی‌دهند کسی از آن محدوده بیرون رود و به ناشناسان هم اجازه ورود نمی‌دهند، اگر ناشناسی بخواهد وارد شود، سه بار صدایش می‌زنند [و ایست می‌دهند] اگر جواب نداد، با تیراندازی او را می‌کشند، این حادثه برای برخی حجاج که عربی نمی‌دانند پیش آمده است (۲)

هم اکنون نیز بسیاری از حاجیان که از کشورهای مختلف اسلامی به حج می‌آیند توان سخن گفتن با سایر حجاج را نداشته، ساعت‌ها در حرم کنار هم می‌نشینند اما نمی‌توانند یکدیگر را شناخته، باهم سخن بگویند.  
خاتمه

در سفرنامه‌ها با توجه به شرایط مختلف آب و هوایی و نیز حاکمانی که در گذشته بر حجاز حکومت می‌کرده‌اند مشکلات و دشواری‌هایی خاص هر یک از این دوره‌ها ذکر شده که پرداختن به تمامی آنها در این نوشتار امکان‌پذیر نیست، امید است با توفیق الهی بتوانیم در فرصتی دیگر اطلاعات بیشتری در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

هم اکنون که با الطاف الهی بسیاری از مشکلات و سختی‌های اشاره شده پایان یافته و حجاج کشورهای اسلامی در این زمان با استفاده از بهترین وسایل نقلیه همچون هواپیما و با استفاده از بهترین امکانات رفاهی و داشتن تغذیه مناسب، در کمال امنیت و

۱- تحفة‌الرحمین، ص ۲۵۷: حج گزارای ایرانیان در دوره قاجار، ص ۷۱

۲- پا به پای امین جبل، میقات حج، شماره، ج ۲۸، ص ۲۱۷

ص: ۱۷۷

آسایش به حج مشرف شده و در کوتاه‌ترین زمان مناسک حج را انجام و به کشور خویش باز می‌گردند، باید دقیقاً شکرگذار این همه نعمت باشند و از فرصت به دست آمده بیشترین بهره‌برداری را در جهت رشد و شکوفایی روحی و معنوی و نیز دست یازیدن به منافع که قرآن از آن با کلمه «لشهدوا منافع لهم» یاد می‌کند، بنمایند.

از خداوند متعال مسألت داریم همگان را با این مسئولیت خطیر و مهم آشنا ساخته، حاجیان همه کشورها بتوانند حجاجی مبرور و مقبول انجام داده، با روحی متحوّل شده، اخلاقی بهتر و رفتاری متناسب با شئون دینی و اسلامی، به کشورهای خود باز گردند.

پی‌نوشتها:





ص: ۱۷۹

### از نگاهی دیگر

طرح جایگزین شود.

ص: ۱۸۰

**استطاعت در کشورها**

علی العلیان / عباسعلی براتی

بالا ترین و پایین ترین مرز استطاعت حج در کشورهای اسلامی از سوی مرکز تحقیقات حج عربستان سعودی اعلام شد:

حاجی نیجریه‌ای که از راه هوایی به عربستان می‌آید ۹۰۵۳ ریال

حاجی اندونزی از راه هوایی ۷۱۶۲ ریال

حاجی بنگلادشی ۶۸۹۱ ریال

حاجی مالزیایی ۶۷۰۷ ریال

حاجی مغربی ۶۰۸۶ ریال

حاجی پاکستانی ۵۵۲۲ ریال

حاجی مصری از راه هوا ۵۳۶۸، از راه دریا ۴۰۱۰ و از راه زمین ۳۲۰۹ ریال

حاجی اتیوپیایی دست کم از طریق هوا ۵۰۸۹ ریال

حاجی هندی حدود ۴۸۳۵ ریال

حاجی سوری از راه از راه هوایی ۴۳۲۸ و از راه زمینی ۳۰۸۵ ریال

حاجی یمنی در سفر هوایی ۴۲۳۸ ریال و از راه زمینی ۳۳۵۳ ریال

همین بررسی‌ها نشان می‌دهد که بایستی مرز استطاعت برای حج از نظر اقتصادی

ص: ۱۸۱

محاسبه و میزان پای بندی به آن روشن شود تا شمار حاجیان مردّد و خیابان نشین در راه‌ها و اماکن عمومی مکه مکرمه و مشاعر مقدسه کاهش یابد.

۱۱ کشور از کشورهای اسلامی برگزیده شدند تا وضعیت اقتصادی و اجتماعی حاجیان خود را بررسی کنند و آن‌ها عبارتند از: اندونزی، مالزی، پاکستان، هند، بنگلادش، سوریه، یمن، مصر، مغرب، نیجریه و اتیوپی.

این بررسی‌ها نشان داد بیشتر حاجیان از کشورهایی هستند که سطح معیشتی پایینی دارند یا حداکثر سطح زندگی آن‌ها متوسط است. بنابراین، بخشی از حجاج، شرط استطاعت مالی را برای ادای فریضه حج ندارند.

شمار حاجیان مدد جو و خیابان نشین در راه‌ها و اماکن عمومی، در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت است.

شمار آن‌ها در فضاهای باز اطراف مسجد الحرام پیش از افاضه به عرفات، تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر و در منا نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ نفر است.

میانگین روزهای اقامت حاجیان در عربستان

نام کشور مجموع روزهای سفر حج اقامت در مکه اقامت در مدینه

هند ۸۳۲۴۰

بنگلادش ۸۲۴۳۲

اندونزی ۸۳۱۳۹

مالزی ۸۳۴۴۲

مصر ۶۱۷۲۳

نیجریه ۸۲۲۳۰

پاکستان ۸۲۷۳۵

اتیوپی ۵۲۵۳۰

یمن ۶۱۸۲۴

سوریه ۶۱۳۱۹

مغرب ۸۱۷۲۵

ص: ۱۸۲

محاسبه پایین‌ترین حد استطاعت حج برای زنان، در خارج از عربستان

محاسبه پایین‌ترین حد استطاعت حج (زنان) در خارج عربستان

کشور و پول توقف در مدینه وسیله نقلیه از کشور مبدأ حد استطاعت بدون محرم ریال سعودی پول محلی حد استطاعت با محرم ریال سعودی پول محلی

هند (روپیه هند) بازيارت هوایی ۱۱۱۸۴۱ ۹۶۲۵ ۵۵۶۵۹ ۴۷۹۰

بدون زیارت هوایی ۱۰۰۳۵ ۸۶۰۹ ۴۹۷۵۶ ۴۲۸۲

بنگلادش (تاکا) با زیارت هوایی ۱۸۶۲۶۴ ۱۳۷۳۷ ۹۲۸۲۷ ۶۸۴۶

بدون زیارت هوایی ۱۷۲۴۶۱ ۱۲۷۱۹ ۸۵۹۲۵ ۶۳۳۷

اندونزی بازيارت هوایی ۱۳۴۴۱ ۱۳۵۲۰۳۸۸ ۶۶۹۸ (روپیه‌اندونزی) زیارت هوایی ۲۸۸۲۳۱۷۳ ۱۴۲۷۹ ۱۴۳۶۶۱۶۹ ۷۱۱۷ ۲۷۱۳۱۶۱۱

مالزی (رنگیت) بازيارت هوایی ۱۲۵۴۵ ۱۲۳۶۹ ۶۷۵۰ ۶۶۶۲

بدون زیارت هوایی ۱۳۵۱۴ ۱۳۳۵۱ ۶۲۳۴ ۶۱۵۳

مصر (جنبه) با زیارت هوایی ۹۷۶۳ ۱۰۶۹۱ ۴۸۶۱ ۵۳۲۳

بدون زیارت هوایی ۸۸۵۲ ۹۶۹۳ ۴۴۰۵ ۴۸۲۴

بازيارت دریایی ۷۲۸۳ ۷۹۷۵ ۳۶۲۱ ۳۹۶۵

بدون زیارت دریایی ۶۳۷۲ ۶۹۷۷ ۳۱۶۵ ۳۴۶۶

با زیارت زمینی ۵۸۲۰ ۶۳۷۳ ۲۸۸۹ ۳۱۶۴

بدون زیارت زمینی ۵۲۶۸ ۵۷۶۹ ۲۶۱۴ ۲۸۶۲

بازيارت میانگین ۸۹۵۸ ۹۸۰۹ ۴۴۵۸ ۴۸۸۲

بدون زیارت میانگین ۸۰۴۷ ۸۸۱۱ ۴۰۰۳ ۴۳۸۳

نیجریه (نایرا) بازيارت هوایی ۴۸۸۷۹۶ ۱۸۰۶۱ ۲۴۳۷۸۹ ۹۰۰۸

بدون زیارت هوایی ۴۶۱۲۹۹ ۱۷۰۴۵ ۲۳۰۰۴۱ ۸۵۰۰

پاکستان (روپیه) با زیارت هوایی ۱۵۲۱۷۲ ۱۰۹۹۹ ۷۵۷۷۵ ۵۴۷۷

بدون زیارت هوایی ۱۳۸۱۱۶ ۹۹۸۳ ۶۸۷۴۷ ۴۹۶۹

ص: ۱۸۳

اتیوپی (بَر) با زیارت هوایی ۲۲۶۹۷ ۱۰۱۳۳ ۱۱۲۹۸ ۵۰۴۴

بدون زیارت هوایی ۲۰۴۸۸ ۹۱۴۷ ۱۰۱۹۴ ۴۵۵۱

یمن (ریال یمنی) با زیارت هوایی ۳۵۱۲۹۲ ۸۴۳۱ ۱۷۴۷۰۸ ۴۱۹۳

بدون زیارت هوایی ۳۰۹۷۰۸ ۷۴۳۳ ۱۵۳۹۱۷ ۳۶۹۴

بازیارت زمینی ۲۷۷۵۴۲ ۶۶۶۱ ۱۳۷۸۳۳ ۳۳۰۸

بدون زیارت زمینی ۳۵۲۳۷۵ ۶۰۵۷ ۱۲۵۲۵۰ ۳۰۰۶

بازیارت میانگین ۳۴۶۷۰۸ ۸۳۲۱ ۱۷۲۴۱۷ ۴۱۳۸

بدون زیارت میانگین ۳۰۵۱۲۵ ۷۳۲۳ ۱۵۱۶۲۵ ۳۶۳۹

سوریه با زیارت هوایی ۱۱۶۳۶۵ ۸۶۱۱ ۵۷۸۷۸ ۴۲۸۳

لیره سوری بدون زیارت هوایی ۱۰۲۸۷۸ ۷۶۱۳ ۵۱۱۳۵ ۳۷۸۴

بازیارت زمینی ۸۲۷۷۰ ۶۱۲۵ ۴۱۰۸۱ ۳۰۴۰

بدون زیارت زمینی ۷۴۶۰۸ ۵۵۲۱ ۳۷۰۰۰ ۲۷۳۸

بازیارت میانگین ۱۱۲۵۰۰ ۸۳۲۵ ۵۵۹۴۶ ۴۱۴۰

بدون زیارت میانگین ۹۹۰۱۴ ۷۳۲۷ ۴۹۲۰۳ ۳۶۴۱

مغرب، بازیارت هوایی ۳۳۱۸۸ ۱۲۱۲۷ ۱۶۵۳۳ ۶۰۴۱

درهم مغربی بدون زیارت هوایی ۵۵۹۱۸ ۲۰۷۹۸ ۱۵۱۴۲ ۵۵۳۳

محاسبه پایین‌ترین حد استطاعت حج برای مردان، در خارج از عربستان

کشور و پول وضعیت زیارت مدینه وسیله نقلیه سفر از کشور هزینه رفت و آمد هزینه مسکن هزینه غذا هزینه مطوّف لوازم احرام

احتیاجات لازم مقدار استطاعت به ریال مقدار استطاعت به پول محلی

هند بازیارت هوایی ۵۶۱۸۲ ۴۸۳۵ ۱۴۴ ۴۵ ۲۹۴ ۱۰۰۰ ۱۵۷۹ ۱۷۷۳

روپیه هندی بی‌زیارت هوایی ۵۰۲۷۹ ۴۳۲۷ ۱۳۰ ۴۵ ۲۵۹ ۹۶۰ ۱۳۵۷ ۱۵۷۶

بنگلادش بازیارت هوایی ۹۳۴۳۷ ۶۸۹۱ ۱۳۵ ۴۵ ۲۹۴ ۸۰۸ ۱۵۷۹ ۴۰۳۰

تاکا) بی‌زیارت هوایی ۸۶۵۳۶ ۶۳۸۲ ۱۲۰ ۴۵ ۲۵۹ ۷۶۸ ۱۳۵۷ ۳۸۳۳

ص: ۱۸۴

اندونزی، بازیارت هوایی ۱۴۴۵۷۰۰۴۷۱۶۳ ۱۴۳ ۴۵ ۲۹۱ ۱۰۴۸ ۱۵۷۹ ۴۱۲۵

روپیه‌اندونزی بدون‌زیارت هوایی ۱۳۶۱۱۲۲۳ ۶۷۴۳ ۱۲۸ ۴۵ ۱۵۹ ۱۳۶ ۱۳۵۷ ۴۰۱۸

مالزی رنگیت با زیارت هوایی ۶۷۹۵ ۶۱۰۷ ۱۴۷ ۴۵ ۲۰۴ ۱۰۴۸ ۱۵۷۹ ۳۵۹۴

بدون زیارت هوایی ۶۲۸۰ ۶۹۹۸ ۱۳۲ ۴۵ ۲۵۹ ۱۰۰۸ ۱۳۵۷ ۳۳۹۷

مصر جنیه با زیارت هوایی ۵۳۶۸ ۱۲۴ ۴۵ ۲۹۴ ۲۸۲ ۱۵۷۹ ۲۷۴۴

بدون زیارت هوایی ۴۴۴۷ ۴۸۶۹ ۱۰۹ ۴۵ ۲۵۹ ۵۵۲ ۱۳۵۷ ۲۵۴۷

بازیارت دریایی ۳۶۶۲ ۴۰۱۰ ۱۳۴ ۴۵ ۳۹۴ ۵۸۲ ۱۵۷۹ ۱۳۸۶

بدون زیارت دریایی ۳۲۰۶ ۳۵۱۱ ۱۰۹ ۴۵ ۳۵۹ ۵۵۲ ۱۳۵۷ ۱۱۸۹

با زیارت زمینی ۲۹۳۱ ۳۲۰۹ ۱۲۴ ۴۵ ۲۹۴ ۵۸۲ ۱۵۷۹ ۵۸۵

بدون زیارت زمینی ۲۶۵۵ ۲۹۰۷ ۱۰۹ ۴۵ ۲۵۹ ۵۵۲ ۱۳۵۷ ۵۸۵

بازیارت میانگین ۴۵۰۰ ۴۹۲۷ ۱۲۴ ۴۵ ۲۹۴ ۵۸۲ ۱۵۷۹ ۲۳۰۳

بدون زیارت میانگین ۴۰۴۴ ۴۴۲۸ ۱۰۹ ۴۵ ۲۵۹ ۵۵۲ ۱۳۵۷ ۲۱۰۶

نیجریه، نایرا با زیارت هوایی ۲۴۵۰۰۷ ۹۰۵۳ ۱۳۲ ۴۵ ۲۹۴ ۷۶۰ ۱۵۷۹ ۶۲۴۳

بدون زیارت هوایی ۲۳۱۲۵۸ ۸۵۴۵ ۱۱۸ ۴۵ ۲۵۹ ۷۲۰ ۱۳۵۷ ۶۰۴۶

پاکستان بازیارت هوایی ۷۶۳۹۷ ۵۵۲۲ ۱۳۸ ۴۵ ۲۹۴ ۸۸۰ ۱۵۷۹ ۳۵۸۶

(روپیه) بدون زیارت هوایی ۶۹۳۶۹ ۵۰۱۴ ۱۲۴ ۴۵ ۸۴۰ ۲۵۹ ۱۳۵۷ ۲۳۸۹

اتیوپی، بر بازیارت هوایی ۱۱۳۹۹ ۵۰۸۹ ۴۵۱۳۲ ۲۹۴ ۷۴۵ ۱۵۷۹ ۲۲۹۴

بدون زیارت هوایی ۱۰۲۹۵ ۴۵۹۶ ۱۱۸ ۴۵ ۲۵۹ ۷۲۰ ۱۳۵۷ ۲۰۹۷

یمن، ریال یمنی بازیارت هوایی ۱۷۶۵۸۳ ۴۲۳۸ ۱۳۵ ۴۵ ۲۹۴ ۶۰۶ ۱۵۷۹ ۱۵۸۹

بدون زیارت هوایی ۱۵۵۷۹۲ ۳۷۳۹ ۱۱۰ ۴۵ ۲۵۹ ۵۷۶ ۱۳۵۷ ۱۳۹۲

بازیارت زمینی ۱۳۹۷۰۸ ۳۳۵۳ ۱۲۵ ۴۵ ۲۹۴ ۶۰۶ ۱۵۷۹ ۷۰۴

بدون زیارت زمینی ۱۲۷۱۲۵ ۳۰۵۱ ۱۱۰ ۴۵ ۲۵۹ ۵۷۶ ۱۳۵۷ ۷۰۴

بازیارت میانگین ۱۷۴۲۹۲ ۴۱۸۳ ۱۲۵ ۴۵ ۲۱۴ ۶۰۶ ۱۵۷۹ ۱۵۳۴

بدون زیارت میانگین ۱۵۳۵۰۰ ۲۶۸۴ ۱۱۰ ۴۵ ۲۵۹ ۵۷۶ ۱۲۵۷ ۱۳۳۷

سوریه، لیره بازیارت هوایی ۵۸۴۸۶ ۴۳۲۸ ۱۱۹ ۴۵ ۲۹۴ ۴۸۶ ۱۵۷۹ ۱۸۰۵

ص: ۱۸۵

بدون زیارت هوایی ۵۱۷۴۳ ۳۸۲۹ ۱۰۴ ۴۵ ۲۵۹ ۴۵۶ ۱۳۵۷ ۱۶۰۸

بازیارت زمینی ۴۱۶۸۹ ۳۰۸۵ ۱۱۹ ۴۵ ۲۹۴ ۴۸۶ ۱۵۷۹ ۵۶۲

بدون زیارت زمینی ۳۷۶۰۸ ۲۷۸۳ ۱۰۴ ۴۵ ۲۵۹ ۴۵۶ ۱۳۵۷ ۵۶۲

بازیارت میانگین ۵۶۵۵۴ ۴۱۸۵ ۱۱۹ ۴۵ ۲۹۴ ۴۸۶ ۱۵۷۹ ۱۶۶۲

بدون زیارت میانگین ۴۹۸۱۱ ۳۶۸۶ ۱۰۴ ۴۵ ۲۵۹ ۴۵۶ ۱۳۵۷ ۱۴۶۵

مغرب، درهم بازیارت هوایی ۱۶۶۵۶ ۶۰۸۶ ۱۲۶ ۴۵ ۲۹۴ ۶۴۰ ۱۵۷۹ ۳۴۰۲

بدون زیارت هوایی ۱۵۲۶۵ ۵۵۷۸ ۱۱۲ ۴۵ ۲۵۹ ۶۰۰ ۱۳۵۷ ۳۲۰۵



## سیاست‌گذاری حج در کشور کویت

مدیریت کلان:

اداره امور حج در کشور کویت توسط دولت و بخش خصوصی به صورت مشترک صورت می‌گیرد. کمیته امور حج کویت متشکل از وزارتخانه‌های ذیربط مانند اوقاف، کشور، بهداشت، خارجه و اطلاع رسانی است ولی اداره امور حج در وزارت اوقاف و امور مالی مستقر است. دستورالعمل‌های امور اجرایی را «اداره امور حج» صادر می‌کند و کمیته امور حج نیز بر آن نظارت دارد. در این قسمت بخش خصوصی هیچ دخالتی ندارد. در حین موسم، «اداره امور حج» نمایندگان و بازرسانی را به عربستان اعزام می‌کند. این افراد در بعثه کویت مستقر شده و به نظارت بر فعالیت کاروان‌های می‌پردازند.

در زمینه امور اجرایی بخش خصوصی، همه وظایف را از هنگام ثبت نام زائرین تا بازگشت آنان بر عهده دارد و بخش دولتی وظیفه نظارت بر کیفیت عملکرد تورها و شرکت‌ها و کاروان‌ها و نیز هماهنگی امور با دولت و وزارت اوقاف عربستان را برای حل مسائل کلی حج عهده‌دار می‌باشد. حق الزحمه تورهای زیارتی از محل دریافت هزینه‌های زائرین تامین می‌شود. به دلیل اینکه متقاضیان عزیمت به حج در کشور کویت محدود است لهذا تاکنون سهمیه خاصی برای زائرین این کشور در نظر گرفته نشده

ص: ۱۸۷

است و علاوه بر آن بر اساس توافق نامه‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاکنون هیچ گونه محدودیتی برای کویتی‌ها و یا افراد مقیم این کشور وجود نداشته است. در کویت برای ثبت نام از متقاضیان ادای مناسک حج، فراخوانی صورت نمی‌گیرد و هر فرد بنا به درخواست خود به تورهای مربوطه مراجعه و در آن ثبت نام به عمل می‌آورد ولی صاحبان تورها خودشان از طریق چاپ آگهی در روزنامه و یا تهیه بروشور و نصب پلاکارد در مقابل دفاتر خود، برای ثبت نام و جذب تعداد بیشتر حجاج تبلیغ می‌کنند. کسی که برای تشریف به حج ثبت نام می‌کند لازم نیست که دارای شرایط ویژه‌ای باشد و برای سنوات تشریف نیز محدودیتی وجود ندارد. ثبت نام از زائران در کویت غیر متمرکز است. با عنایت به اینکه زائران کویت با سهمیه خاصی مواجه نیستند لذا ارگان‌ها، نهادها، و نوابغ و مخترعان نیز دارای سهمیه ویژه نیستند اما برخی کاروان‌ها ممکن است به ابتکار خود برای مستمندان یا معلولان خدمات ویژه‌ای ارائه کنند که شامل تخفیف و حتی اعزام رایگان این گونه افراد باشد. مراکز و جمعیت‌های خیریه‌ای نیز وجود دارند که با بهره‌گیری از کمک‌های مردمی، سالانه عده‌ای از مستمندان را به حج اعزام می‌کنند

بخش خصوصی از دولت برای انجام وظایفی که بر عهده دارد یارانه‌ای دریافت نمی‌کند ولی در کویت انجام هر فعالیتی اعم از اقتصادی و بازرگانی و یا فرهنگی در قالب شرکت‌های خصوصی و یا تعاونی و نیمه خصوصی از پرداخت مالیات معاف است. هزینه حج هر زائر کویتی، قبل از سفر نقدا و یا به صورت چک دریافت می‌شود. برخی تورها به اختیار خود و بدون اینکه در این زمینه برنامه و نظم خاصی وجود داشته باشد ممکن است یک سال و یا شش ماه قبل از سفر به صورت قسطی هزینه سفر را از زائر دریافت کنند تا اینکه در زمان حج کلیه وجوه پرداخت شده باشد. در هر حال کلیه هزینه‌ها قبل از عزیمت اخذ می‌شود. برای سفرهای ده روزه با هواپیما بین ۹۶۰ تا ۲۷۵۰ دلار (۳۰۰ تا ۸۵۰ دینار) دریافت می‌شود. زائرانی که بخواهند با اتوبوس و در مدت ۱۲ روز به عربستان عزیمت کنند ۱۲۲۰ دلار می‌پردازند. به دلیل وجود سیستم رقابتی

ص: ۱۸۸

دولت کنترلی بر قیمت‌ها اعمال نمی‌کند.

کیفیت عملکرد کاروان‌ها و نحوه ارائه خدمات به حجاج، تعیین کننده مقدار هزینه است. یعنی توره‌های زیارتی بر اساس نوع خدماتی که به حجاج ارائه می‌کنند از آنان هزینه دریافت می‌کنند و در مقابل آن‌ها نیز پاسخگو هستند. اگر حجاج از کیفیت خدمات ارائه شده بر اساس هزینه‌های پرداختی راضی نباشند شکایات خود را طی روزهای حج یا بعد از آن به اداره امور حج می‌دهند. اداره مزبور نیز شکایات را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورتی که ادعای زائرین اثبات شود حتی به جرایمی در حد لغو مجوز کاروان نیز منجر می‌شود. زائر کویتی در طول سفر حج هیچ مسئولیتی ندارد و هیچ امکانی را نیز با خود به عربستان منتقل نمی‌کند بلکه تمامی امور به عهده کاروان هاست. زائر حدود سه و یا چهار هفته قبل از سفر با کاروان خود ارتباط برقرار می‌کند در عین حالی که افراد شخصا می‌توانند به صورت انفرادی و با خودرو شخصی و یا دسته جمعی و با آشنایان خود عازم حج شوند. کویتی‌ها نیازی به ویزا و یا گرفتن مجوز برای خودرو ندارند و بدون نیاز به کارهای اداری قبلی تا قبل از بسته شدن مرزهای عربستان می‌توانند با خودرو عازم حج شوند. اینگونه افراد برای صرفه چویی و پرداختن هزینه‌های اضافی به کاروان‌ها و تورها به چند شکل عمل می‌کنند.

رایج‌ترین شیوه اینگونه است که آنان مبلغی را به کاروان می‌دهند و با آنان توافق می‌کنند که در مکه یا مدینه و یا هر دو محل به کاروان ملحق و از بخشی از امکانات آنان استفاده کنند. اکثر افراد اهل سنت فقط به مکه سفر می‌کنند و در آنجا از برخی امکانات بعثه کویت استفاده می‌کنند و با نصب چادر در کنار بعثه و استفاده از امکانات آنان خود را از استفاده از امکانات کاروان‌ها بی‌نیاز می‌کنند.

گذرنامه و ویزا:

هر گذرنامه‌ای اعم از خدمت، سیاسی و عادی که فرد کویتی و یا مقیم در اختیار داشته باشد برای انجام سفر حج قابل استفاده است. لکن تنها شرطی که برای خارجیان مقیم کویت وجود دارد این است که از مدت اقامت آنان در کویت شش ماه گذشته باشد. افراد خارجی با ویزای زیارتی نمی‌توانند از

ص: ۱۸۹

این کشور برای ادای مناسک حج وارد عربستان شوند. کویتی‌ها هیچ نیازی به تحویل گذرنامه به سفارت عربستان ندارند چرا که از ویزا معاف هستند و برای افراد خارجی نیز معمولاً دو هفته قبل از انجام سفر گذرنامه‌ها به توره‌های مربوطه تحویل و از آن طریق تسلیم سفارت عربستان سعودی می‌شود.

سفارت مذکور نیز برای صدور هر ویزا جهت افراد مقیم چهل دینار دریافت می‌کند که این مبلغ به اضافه ده دینار حق الزحمه امور مربوط به ویزا و گذرنامه توسط کاروان‌ها و به صورت جداگانه از زائرین دریافت می‌شود. انتقال زائرین به عربستان (هوایی - زمینی - دریایی):

زائرین کویتی از راه زمینی و هوا به عربستان عزیمت می‌کنند. روی بلیط هواپیمایی کویت از هر مسافر دو دینار به عنوان عوارض خروجی اخذ می‌شود که این مبلغ خاص سفر حج نیست. هزینه رفت و آمد هوایی حجاج کویتی به عربستان و بالعکس ۴۵۰ دینار است که دولت تمامی آن را دریافت و یارانه‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد. تمامی بلیطهای زائرین، توسط کاروان‌های انتخاب شده تهیه می‌شود. شرکت هواپیمایی مربوطه امور پروازی زائرین را هماهنگ می‌کند ولی کاروان‌ها وظیفه دارند تعداد مسافران نیازمند به خدمات ویژه در حین پرواز مانند افراد محتاج به صندلی چرخدار را قبل از پرواز به اطلاع هواپیما برسانند.

حجاج کویتی از یک ایستگاه به سوی جدّه و مدینه پرواز می‌کنند. روزانه هفت پرواز توسط هواپیمایی کویت به مقصد جدّه و مدینه انجام و مجموعاً در بیست و یک روز پرواز حدود ۵۵۰۰ زائر به عربستان منتقل می‌شوند.

قریب همین تعداد نیز توسط هواپیمایی سعودی از کویت به عربستان می‌روند و برمی‌گردند. بر این اساس پروازهای رفت و برگشت کویتی‌ها مجموعاً شش روز به طول می‌انجامد.

معمولاً در هنگام رفت زائرین، زمان برگشت آنان نیز تعیین می‌شود. علاوه بر استفاده از هواپیما نزدیک به هشتاد اتوبوس نیز کار انتقال حجاج کویتی به عربستان را بر عهده دارد. خودروه‌های سبک کویتی برای ورود به عربستان نیاز به مجوز ندارند ولی افراد مقیم بایستی به

ص: ۱۹۰

هنگام مراجعه برای دریافت ویزا، تقاضای مسافرت زمین با خودرو را ارائه کنند. از آنجا که در فصل حج، عزیمت اتوبوس‌های با پلاک کویت و سایر کشورها به عربستان ممنوع است، کاروان‌های کویتی اتوبوس‌های مورد نیاز خود را از شرکت‌های عربستانی اجاره می‌کنند. این کار عمدتاً از طریق شرکتی موسوم به حمل و نقل عمومی کویت که یک شرکت سهامی فعال در امور حمل و نقل است از زائرین دریافت می‌کنند.

فاصله کویت تا نزدیک‌ترین مرز زمینی عربستان صد کیلومتر است. این فاصله تا مدینه هفت صد کیلومتر و تا مکه هزار و دویست کیلومتر می‌باشد.

گمرک - ارز - سوغات:

زائرین کویتی برای خروج از کشور مبلغی نمی‌پردازند. بازرسی بدنی و وسایل زائرین در هنگام خروج از مبادی پروازی با دستگاه‌های معمول ایکس دی انجام می‌شود ولی در مرزهای زمینی بازرسی خاصی وجود ندارد. اما در مرزهای ورودی زمینی به عربستان عموم خودروهای شخصی و اتوبوس‌ها به صورت کامل بازرسی می‌شوند و حتی ممکن است بار آنها نیز پیاده و بازرسی شود کالاهای ممنوعه برای خروج از کشور اسلحه و مواد منفجره، مواد مخدر و مشروبات الکلی است و زائران به جز این موارد می‌توانند هر نوع شخصی را از کویت خارج کنند ولی چنین کاری در میان زائرین این کشور سابقه ندارد. ورود هر نوع کالایی هم به جز موارد ذکر شده به کشور مجاز می‌باشد.

کویتی‌ها در آوردن کالا از عربستان با محدودیتی مواجه نیستند لکن خرید آنها عمدتاً از حد سوغات تجاوز نمی‌کند. آنان می‌توانند سی کیلوگرم بار به صورت رایگان و بقیه را (از حیث وزن) با هزینه خود منتقل کنند. خرما، آب زمزم، تابلوهای خانه کعبه، جانماز و تسیح اقلام عمده‌ای هستند که زائران کویت از عربستان خریداری می‌کنند. در صورتی که کالای ممنوعه‌ای وارد کشور شود، مقررات مربوط به تخلفات گمرکی و مدنی که عقوبتی چون جریمه نقدی و زندان اعمال می‌گردد. گمرک از اجناس در حد مجاز مبلغی دریافت نمی‌کند. مبلغ ارز همراه زائران هیچ محدودیتی ندارد.

این ارز توسط خود زائر خریداری

ص: ۱۹۱

می‌شود و دولت به آن یارانه‌ای نمی‌پردازد. ارز همراه، بیشتر صرف خرید هدایای و سوغات می‌شود. فرودگاه جده- حمل و نقل داخل عربستان:

هر زائر کویتی در هنگام ورود به کشور عربستان باید دویست ریال بپردازد. پرداخت این مبلغ بر عهده خود زائر است و کاروان در قبال آن هیچ مسئولیتی بر عهده ندارد.

زائران کویتی پس از ورود به فرودگاه جده بیش از یک یا دو ساعت در آنجا اقامت ندارند در این مدت تورها و شرکت‌ها زائران را در محل مناسبی مستقر و از آنان پذیرایی می‌کنند. هزینه این پذیرایی در سرجمع مبلغ دریافتی از زائر محاسبه شده است. کاروان‌های شیعه از کویت به مدینه و از مدینه با اتوبوس به مکه می‌روند و کاروان‌های اهل سنت عموماً از طریق جده با اتوبوس به مکه می‌روند و در پایان آیین حج به مدینه سفر می‌کنند. معمولاً مقام‌های کویتی قبل از سفر برای گرفتن اجازه انتقال زائرین این کشور با اتوبوس‌های کویتی از جده به مکه مذاکراتی برای گرفتن اجازه انتقال با مقامات مربوطه عربستان سعودی انجام می‌دهند. در بین راه از حجاج کویتی، با غذای ساده، آب میوه و نوشابه در یک نوبت پذیرایی به عمل می‌آید. در موسم حج و برای انتقال زائرین به مسجدالحرام و حرم شریف نبوی برای زائران کویتی اتوبوس اجاره می‌شود. اکثر کاروان‌های کویتی تلاش می‌کنند تا برای انتقال زائران از کویت از اتوبوس‌هایی با پلاک سعودی استفاده کنند تا در استفاده از آن‌ها در داخل عربستان با مشکل روبرو نشوند و به این منظور با شرکت‌های سعودی وارد قرار داده شده و اتوبوس‌های آنان را به کویت فرا می‌خوانند. از این اتوبوس‌ها در طول اقامت زائرین در مکه و مدینه روزانه دو یا سه بار برای جابجایی زائرین استفاده می‌شود. اجاره اتوبوس‌ها بر عهده کاروان هاست و زائرین در این جهت مسئولیتی ندارند.

سرانه حمل و نقل حجاج کویتی با هواپیما ۱۴۰ دینار و با اتوبوس بین ۳۰ تا ۴۰ دینار است.  
مسکن:

کاروان‌های کویتی که تمایل داشته

ص: ۱۹۲

باشند برای زائرین خود هتل و یا آپارتمان‌های خوب و درجه یک مثلاً پنج ستاره را اجاره کنند، گاه از چندین ماه و حتی یک سال با پرداخت بیعانه و انعقاد قرار داد با طرف‌های سعودی به اینکار اقدام می‌کنند. در غیر این صورت مدیران کاروان‌ها برای هماهنگی و مذاکرات و انعقاد قراردادهای اولیه به عربستان اعزام می‌شوند و با اقامت حدود یک یا دو هفته مکان‌های مورد نیاز را اجاره می‌کنند و هزینه عزیمت و اقامت آنان با تور زیارتی مربوطه است. مدیران کاروان‌ها برای اجاره منازل مورد نیاز زائران کویت از دستور العمل خاصی تبعیت نمی‌کنند. کویتی‌ها تمایل دارند که به حرمین نزدیک باشند و شعاع پانصد متری تا ۱/۵ کیلومتری بهترین شکل ممکن برای آنان است. کاروان‌هایی که از زائرین خود قیمت‌های بالایی را مطالبه می‌کنند، عمدتاً در پی اجاره هتل‌های پنج ستاره و گران قیمت هستند.

در عین حال اداره امور حج کویت، بر محل‌های اجاره شده توسط کاروان‌ها نظارت می‌کند و نظر آنان در رسیدگی و رأی نهایی در مورد ادامه فعالیت مدیر کاروان تأثیر گذار است.

مدیران کاروان‌ها در هنگام اجاره، همه امکانات مورد نیاز زائرین را از موجرین دریافت می‌کنند و در صورتی که نیازی باقی بماند خود تورهای زیارتی آن را تأمین می‌نمایند. سرانه مسکن هر زائر کویتی بین صد تا صد و پنجاه دینار است و سرانه مساحتی مورد استفاده هر زائر سه تا پنج متر است. نحوه تقسیم اتاق‌ها بین زائرین به این گونه است که در مدینه زنان و مردان با هم هستند ولی در مکه جدا می‌باشند و معمولاً مردان در یک طبقه و زنان در طبقه دیگر اسکان داده می‌شوند.

در عین حال زائران می‌توانند از قبل در مورد نیاز خود با مسئولان کاروان هماهنگ نمایند. زائران شیعه کویتی قبل از انجام مناسک حج به مدینه می‌روند ولی زائران اهل سنت عمدتاً بعد از حج یا عمره به مدینه می‌روند. توقف زائران اهل سنت کویتی در مدینه کوتاه و در حد یک یا دو روز است و شیعیان بین سه تا پنج روز توقف دارند. در مجموع شیعیان هفت روز در مکه و سه روز در مدینه یا ده روز در مکه و پنج روز در مدینه و اهل سنت هشت روز در مکه و یک یا دو روز در مدینه هستند.

ص: ۱۹۳

تدارکات و تغذیه:

کاروان‌های زیارتی قبل از عزیمت به سفر حج، برنامه غذایی زائرین در طول سفر را تعیین می‌کنند. معمولاً طبخ غذا در محل اقامت زائرین صورت می‌گیرد و یا کاروان‌ها با انعقاد قراردادها با هتل‌ها و رستوران‌های محلی نسبت به تأمین غذای مسافران خود اقدام می‌کنند.

توزیع غذا نیز به صورت بوفه‌ای و یا سلف سرویس است و زائران هیچ مسئولیتی برای تهیه غذا ندارند. زائران کویتی که با کاروان‌ها و یا تورها به حج مشرف می‌شوند، مسئولیتی در قبال تهیه غذا ندارند و هیچ امکاناتی را نیز با خود به عربستان نمی‌برند. ولی زائرانی که شخصا به عربستان عزیمت می‌کنند ممکن است موادی از جمله کنسرو و کمپوت و برنج و حبوبات با خود ببرند. تورهای کویتی آشپز و کمک آشپز و کارگران مورد نیاز در آشپزخانه را از کویت با خود می‌برند ولی اقلام غذایی را از عربستان تأمین می‌کنند. در ایام حضور زائرین در منی و عرفات نیز غذا توسط کاروان‌ها تهیه و در اختیار زائرین قرار می‌گیرد. کاروان‌های کویتی برای زائرین خود میوه و آب میوه و آب و چای تهیه و به صورت بیست و چهار ساعته در اختیار آنان قرار می‌دهند.

سرانه تغذیه به هر زائر کویت در طول سفر بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ دلار می‌باشد.

بهداشت و درمان:

برای هر زائر کویتی کارت بهداشتی مخصوص و یک شکل توسط وزارت بهداشتی کویت صادر می‌شود. حجاج کویتی با مراجعه به نزدیک‌ترین درمانگاه محل سکونت خود آزمایش خون، فشار خون، قلب و تعیین گروه خون و سایر آزمایش‌های معمول را انجام می‌دهند و درمانگاه به آنان واکسن مننژیت نیز تزریق می‌کنند.

اگر متقاضی عزیمت به حج، به بیماری مزمنی مبتلا باشد بایستی نوع آن و داروهای مورد استفاده طبق نظر پزشک در کارت مخصوص وی ثبت و به هنگام مناسک همراه وی باشد.

همچنین مبتلایان به قند خون، بیماری‌های قلبی و فشار خون و بیماری‌های حساسیتی و غدد و مفاصل موظف هستند که گزارش کاملی در مورد آخرین وضعیت خود و نوع داروهای مصرفی و راه‌های درمان و بهترین راه‌های رفتار با بیمار در مواقع اضطراری



ص: ۱۹۴

را از پزشک مربوطه دریافت و به مسئولان کاروان ارائه کنند تا در صورت لزوم مورد استفاده قرار گیرد. زائرین با بیماری‌های واگیردار هم اعزام نمی‌شوند.

بیماران خاص با نظارت گروه درمانی بعثه کویت اعزام و در طول سفر نیز از خدمات تیم پزشکی طبق نظر پزشک بهره‌مند می‌شوند. برای ارائه خدمات پزشکی به زائران، هر کاروان با در اختیار گرفتن پزشکان زن و مرد و پرستاری که داوطلب عزیمت به حج هستند و معاف کردن آنان از پرداخت هزینه‌های حج به اعضای کاروان خود خدمات اولیه پزشکی ارائه می‌کند و معمولاً طوری برنامه ریزی می‌کنند که در ازای هر دویست زائر یک پزشک اعزام شود. در هر حال انتخاب پزشکان و پرستاران کاروان‌ها بایستی با اطلاع و تأیید وزارت بهداشتی صورت گیرد.

علاوه بر نیروی بهداشتی و درمانی داخل کاروان‌ها تیم پزشکی اعزامی از سوی وزارت بهداشتی کویت نیز متشکل از بیست پزشک و ده پرستار زن و مرد و ده دستگاه آمبولانس با تجهیزات مورد نیاز در بعثه پزشکی کویتی و محل استقرار کاروان‌های کویتی در عزیزیه و منی مستقر و به ارائه خدمات فوری، حوادث و بیماری‌های عادی حجاج رسیدگی می‌کنند. در مواقعی که برای انجام اعمال جراحی خاص، ضرورتی احساس شود و نیاز به تجهیزات و کادر پزشکی و اتاق عمل و بستری کردن بیماران باشد از امکانات بیمارستان‌های سعودی استفاده می‌شود. هر کاروان کویتی بر اساس تعداد حجاجی که اعزام می‌کند با معرفی اداره امور حج مقادیری دارو از وزارت بهداشتی کویت دریافت و به همراه کاروان به عربستان می‌برد و تیم پزشکی بعثه کویت نیز به صورت جداگانه دارو و وسایل پزشکی مورد نیاز را به همراه خود منتقل و از داروهای عربستان کمتر استفاده می‌کنند. تیم‌های پزشکی اعزام شده از سوی وزارت بهداشتی کویت حدود یک هفته قبل از ورود اولین گروه حجاج کویتی به عربستان عزیمت می‌کنند و تا پایان مراسم با آنان هستند.

نظافت و بهداشت محیط استقرار زائران به عهده تورها و شرکت‌های صاحب کاروان است و کمیته‌های مربوطه در بعثه کویت به صورت مداوم

ص: ۱۹۵

به بازرسی و نظارت محل استقرار زائران می‌پردازند. کویته‌ها در هنگام اقامت زائرین خود در منی قراردادی با شرکت‌های خصوصی عربستان منعقد می‌کنند تا روزانه چادرهای محل اقامت زائرین را نظافت کنند. در هتل‌های مکه و مدینه نیز کاروان‌ها مسئول نظارت و کنترل امور بهداشتی هستند.

وسائل نظافت از جمله صابون و شامپو و خدماتی از قبیل اصلاح مو و شست و شوی لباس نیز به زائرین ارائه می‌شود. حجاج کویته از طریق رادیو و تلویزیون و یا چاپ و توزیع بروشورها و کتابچه‌ها و نیز از طریق وزارت بهداشتی و وزارت اوقاف و بعثه کویت، آموزش لازم را در زمینه رعایت نظافت و بهداشت می‌بینند. بخشی از این آموزش‌ها نیز توسط دبیرخانه بهداشتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به صورت رایگان به حجاج ارائه می‌شود.

بیمه:

سیستم بیمه‌ای خاصی در کویت برای حجاج این کشور اعمال نمی‌شود ولی خودروهایی که از کویت به عربستان اعزام می‌شوند از بیمه‌های معمول مانند بدنه و شخص ثالث و غیره استفاده می‌کنند که ارتباطی با حج ندارد. اداره امور حج در صدد است در سال‌های آتی سیستم بیمه زائران و با قرار دادن وظیفه آن به عهده کاروان‌ها و از طریق شرکت‌های بیمه محلی به اجرا گذارد. آموزش:

کویته‌ها قبل از عزیمت به حج در مسائل مربوط به مناسک و موارد بهداشتی آموزش می‌بینند. این آموزش‌ها معمولاً از دو یا سه هفته قبل از عزیمت آغاز می‌شود و در طول سفر نیز توسط روحانیون کاروان‌ها و مسئولان پزشکی بعثه دنبال می‌شود. مسئولان آموزش زائرین توسط وزارتخانه‌های بهداشتی و اوقاف و نیز کاروان‌ها انتخاب و تا آخر سفر به عنوان کادر کاروان مربوطه شناخته می‌شوند و از زمان شروع آموزش‌ها در کویت تا هنگام بازگشت حجاج و به ویژه در طول سفر با آنان در ارتباط هستند. در زمینه نحوه آموزش مناسک زائرین باید اضافه کرد که قبل از شروع سفر، روحانیون طی دو یا سه جلسه در هر هفته برای ثبت نام کنندگان در کاروان، مناسک را آموزش می‌دهند.

ص: ۱۹۶

برخی کاروان‌ها از روحانیون عربستان نیز در طول سفر برای آموزش و رفع مشکلات زائرین استفاده می‌کنند. هر چند که آموزشهای دینی عمدتاً توسط کاروان‌ها سازماندهی می‌شود لکن اداره امور حج نیز ممکن است بروشورها و کتبی در زمینه مناسک چاپ و به صورت رایگان مستقیماً و یا از طریق کاروان‌ها در اختیار زائران قرار دهد. اما آموزشهای بهداشتی فقط توسط وزارت بهداشتی اعمال می‌شود. برای همه آموزش‌ها از امکانات رسانه‌ای کشور و نیز جزوات و فیلم‌ها و ...

نیز استفاده می‌شود. بروشورها و جزوات به صورت رایگان از سوی اداره حج و یا کاروان‌ها در اختیار زائرین گذاشته می‌شود اما در ازای ارائه نوارها و فیلم‌ها هزینه دریافت می‌شود. سرانه آموزش زائران کویتی مشخص نیست. به حجاج کویتی توصیه می‌شود که حتماً بعد از بازگشت از سفر نیز به مراکز پیشگیری و درمانگاه‌ها و پزشکان خود مراجعه و از سلامت خود آگاهی کامل پیدا کنند. و بروز هر مشکل در وضعیت سلامتی خود بعد از سفر را جدی تلقی کنند.

مجریان حج نیز توسط اداره امور حج آموزش‌های لازم می‌بینند. مقام‌های کویتی درصدد تشکیل موسسه‌ای برای اجرای طرح‌های آموزشی دست اندرکاران امور حج از جمله کاروان داران هستند.

تشکیلات اجرایی حج:

بعثه دولت کویت برای کنترل عملیات اجرایی حج درمکه و مدینه مستقر می‌شوند. اعضای بعثه بین ۱۵ تا ۲۰ نفر هستند و مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های اوقاف، کشور، بهداشتی، خارجه، اطلاع رسانی و دفتر هواپیمایی کویت می‌باشند. این بعثه تحت نظارت مدیر کل بعثه که از سوی وزارت اوقاف کویت منصوب می‌شود فعالیت می‌کنند و با ایجاد کمیته‌هایی شامل بهداشتی، امنیت، امور دینی و نظارت بر فعالیت کاروان‌ها و مذاکره با مقام‌های سعودی برای گرفتن امکاناتی مانند زمینی در منی و عرفات، حل مسائل و مشکلات کاروان‌ها و حجاج را بر عهده دارد.

خدمتگزاران به زائرین توسط مسئولان کاروان‌ها انتخاب می‌شوند ولی امور بهداشتی آنان از سوی دستگاه‌های ذیربط تأیید می‌شوند. این افراد باید تخصص لازم را داشته و از توانایی بدنی

ص: ۱۹۷

کافی برخوردار باشند. خدمتگزاران در قبال مسئولان کاروان‌ها پاسخگو هستند و عملکرد آنان بر وضعیت و جایگاه کاروان‌ها تأثیر گذار است.

فرد متقاضی اداره کاروان نیز باید واجد چند شرط باشد از جمله اینکه باید کویتی باشد- کمتر از ۳۰ و بیشتر از ۶۰ سال نداشته باشد- محکومیت دادگاهی نداشته باشد- در امور مربوط به حج کارشناس ارشد از توانایی‌های کافی برخوردار باشد. در تمامی این شرایط متقاضی باید در آزمونی که توسط اداره امور حج برگزار می‌شود موفق شود.

اداره امور حج به نمایندگی از سوی وزارت اوقاف و کمیته‌های نظارتی بعثه کویت با اعزام نمایندگان متخصص در زمینه‌های بهداشتی و درمانی، اغذیه، امنیتی، حمل و نقل و اسکان، به تهیه گزارش‌هایی در مورد وضعیت کاروان‌ها می‌پردازند، نتیجه این بررسی‌ها نهایتاً در کمیته عالی امور حج مورد بررسی قرار می‌گیرد. کمیته عالی همچنین در مورد عملکرد اداره امور حج نیز نظر می‌دهد کمیته‌های نظارتی از مجموعه ۱۰۰ امتیاز در نظر گرفته شده برای ارزشیابی چهل امتیاز را برای انجام مناسک حج و ۶۰ امتیاز را به نظرات حجاج کاروان در مورد مدیریت اختصاص می‌دهند که کسب امتیاز بیشتر برای تشویق و تقدیر مؤثر است.

معمولاً اداره امور محج کویت بعد از پایان سفر حج، مراسمی برای تشویق کاروان‌های ممتاز و تقدیم تقدیر نامه توسط وزیر اوقاف به آنان برپا می‌کنند.

از سوی دیگر کمیته امور حج نیز بر تخلفات کاروان‌ها رسیدگی و در مورد نوع مجازات آنان نظر می‌دهد. تخلفات کاروان‌ها به سه گروه قبل از سفر- هنگام خروج از مرز زمینی (تخلف در مورد به کارگیری اتوبوس‌های غیر از موارد تعهد شده- افزایش سرنشینان اتوبوس‌ها و ...) و هنگام حضور در عربستان (نظافت- بهداشت- وضعیت اسکان- غذا و غیره) تقسیم بندی شده است.

بعثه در طول سفر کارهای فرهنگی نیز انجام می‌دهند و ممکن است نشریات خاصی را بین زائرین در طول سفر توزیع کنند. نمایندگان کمیته‌های تشکیل شده در بعثه به صورت مستمر با کاروان‌ها در ارتباط هستند و تصمیمات بعثه کویت از این طریق به کاروان‌ها و سپس به اطلاع حجاج می‌رسد.

## کینه صهیونیست‌ها از اسلام و مسلمانان!

یک ژنرال بازنشسته ارتش رژیم صهیونیستی از کابینه شارون خواست به کشورها و سازمان‌های اسلامی اخطار کند که حمله نظامی به مکان‌های مقدس اسلامی؛ مانند مکه مکرّمه، مدینه منوره و شهر قم در دستور کار اسرائیل قرار دارد.

روزنامه فرا منطقه‌ای «الهیات» روز گذشته نوشت، یک ژنرال بازنشسته و استاد دانشکده‌های نظامی اسرائیل به کابینه شارون پیشنهاد کرده است که با چنین اخطاری، از حمله هسته‌ای احتمالی کشورها و سازمان‌های اسلامی به اسرائیل جلوگیری کند.

ژنرال ارتش رژیم صهیونیستی که خود را با نام اختصاری «ام» معرفی کرده، در مصاحبه با هفته‌نامه وزارت جنگ آن رژیم، گفته است: «اسرائیل با این اخطار می‌تواند قدرت بازدارنده هسته‌ای خود را به رخ بکشد و تهدید کشورهای عربی و سازمان‌های تروریستی را بی‌اثر کند.»

ژنرال مزبور در این مصاحبه به رژیم صهیونیستی توصیه کرده است که باید خود را آماده کند تا اگر مورد حمله هسته‌ای قرار گرفت، ضربه شکننده‌ای به مهاجمان وارد سازد.

ژنرال «ام» بر این باور است که حمله

ص: ۱۹۹

اسرائیل به شهرهای یاد شده، مأموریت دشواری نیست و ارتش اسرائیل توانایی اینگونه حمله بازدارنده را با سلاح تاکتیکی و بدون توسل به سلاح هسته‌ای، دارد.

بازنشسته ارتش صهیونیستی این سخن را که اسرائیل با یک موشک هسته‌ای نابود می‌شود، نادرست خوانده و گفته است که برای نابودی اسرائیل به یک هزار کلاهک هسته‌ای نیاز است.

وی تأکید کرده است، اسرائیل ۱۰۰ تا ۴۰۰ برابر ابزار دفاعی هسته‌ای در اختیار دارد که در سکوهای مشوکی ثابت و متحرک، هواپیماها و زیردریایی‌ها نصب شده و طرف‌هایی که برای حمله به اسرائیل نقشه می‌کشند باید این توان هسته‌ای را در نظر داشته باشند.

در ماه‌های گذشته برخی مقامهای ارتش صهیونیستی تهدید کرده‌اند که در صورت حمله موشکی عراق به اسرائیل آن کشور را با سلاح هسته‌ای نابود خواهد کرد.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرت! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید.»

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.»

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

